

کتاب ارشاد جابر مغربی و کتاب تعبیر اسماعیل بن اشعث و کتاب کثر الزواید و کتاب مامونی و کتاب بیان الغیبه
عید دس و کتاب تعبیر عافظ بن اسحق و کتاب حمل الدلائل و المناجات و کتاب سادسی تعبیر و کتاب تصنیف
التعبیر فخری و کتاب کافی الزواید و کتاب تعبیر بطاوس و کتاب مفرج الزواید و کتاب تحفه الملوك و کتاب منهاج التعبیر
نخلافه صفهانی و کتاب مستندة التفسیر و کتاب حقایق الزواید و کتاب وجین محمد بن شاهویه و کتاب متفرق از حکما
هر کس که درین علم تصنیف کرده و اند پس اختیار کلام این کرده باز کرده شد و ترتیب دل هر خدایی بنسب حروف
اول و حروف دوم و سوم مشروح درین کتاب یاد کردیم و نامش کامل التفسیر نهادیم زیرا که این علم کتابی ازین علم
بیایسی نساخته اند و آنچه انصاف است همه کس را با این کتاب احتیاج باشد و هر که قول این تعبیر در نظر دارد و اند
تعبیر را بی نیاز باشد از قول استادان این ضعیف اقوال شش کس یاد کرد که هر یک در عصر خویش یکانه و حکیم وقت
بود و اند اول دانای حکیم که در روزگار نجیب النسب بود و دویم جعفر صادق سوم محمد بن سیرین چهارم جابر مغربی
پنجم ابراهیم کرمانی ششم اسماعیل بن اشعث رضی الله عنهم تحت چیزها که پنجاهم از اول دانستن این نام که بر
است و باز در فصل بیاد کردیم و هر چیز در موضع خویش بر ترتیب فراموش کردیم تا بر خواننده و آموزنده
آسان گردد و هیچ از وقایع بدو پیشید و نماذ انشاء الله تعالی و حده و الله اعلم بالصواب فصل اول
در شناختن مزاج خواب فصل دوم در دانستن قسمهای خواب فصل سوم در یاد نفس و روح فصل
چهارم در معرفت درستی خوابها فصل پنجم در معرفت خواب راست و دروغ فصل ششم در دانستن لغات
خوابها فصل هفتم در معرفت فرق میان خوابها فصل هشتم در دانستن علم زجر و قال فصل نهم در معرفت
خواب فراموش شده فصل دهم در گذاردن خواب بقول جلالان فصل یازدهم در معرفت احوال گشتن خواب فصل دوازدهم
در معرفت شرط ادب تا اول فصل سیزدهم در نکاه داشتن معروضات و اصناف فصل چهاردهم در معرفت آنکه
تعبیر از چند رویت فصل پانزدهم در دانستن مسایل که تعبیر آن مغلوب بود و بدار فصل شانزدهم در بیان و بدار
سجایه تعالی عز وجل و بدین روشنگران که پنجمین آن بر ترتیب یاد کردیم پس علم تعبیر خوابها بنسب و نظام هر خدایی را در اول
این یاد کردیم یعنی اگر خواب الف و یا بود آن در حروف الف و یا بگوید و اگر حرف اول الف و یا بود در حروف الف و یا
طلب کند و اگر اولش الف و یا بود یا الف و میم بود این ترتیب از اول حروف و دوم نکاه دارد و تا استخراج خوابها بر روی
سج و دانایین طریق پوشیده و نماذ چون درین کتاب بتاویل نکاه کند و از حق سبحانه و تعالی توفیق یاری خوابها هم تمام کردن
ازین کتاب و ثواب دو جهانی چشم داریم از ثواب الارباب و الله اعلم ان در فضیلت این علم بلکه علم تعبیر علی بزرگ
و شریف است که نبی سبحانه و تعالی عز وجل این علم را به یوسف صدیق علیه السلام واد و پروی نهاد چنانکه در کلام مجید فرمود
وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ مِثْلَ الْيُوسُفَ فَإِنَّ رَحْمَنَ رَبِّكَ لَذُو الْإِنْفِرَةِ لَئِنْ تَوَلَّيْتَ لَنَعْلَجَنَّكَ مِنَ تَأْوِيلِهِ لَأَخَذُ الْبَيْتَ وَجَعَلْنَا بَيْنَ عَيْنَيْكَ

گفت اول چیز که حضرت حق سبحانه و تعالی و جل و علا حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم و او آن بود که فرشته حضرت
در خواب دید گفت ای محمد بشناخت ما که حق سبحانه و تعالی جل و علا ترا از جمله انبیاء گردانید و بر اختیار کرد و غایت
انبیاء گردانید و لکن رسول الله و قائم النبیین گفت پس چون رسول علیه السلام پیدا گشت خواب نبوت خبر قبایل
است و بعد از صلح خواتی و دیگر و چنانچه از قول تعالی فرمود **لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ إِنَّا إِذْ خَلَقْنَا**
الْإِنْسَانَ الْكَرِيمَ إِفْنَاءً اللَّهُ أَحْسَنُ ما انما که فرمود **فَتَحْنًا قَرِيبًا** و در حق ابراهیم علیه السلام
فَتَنَّا فِي الْمَنَارِ إِنِّي أَذْهَبُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَأْتِي ما انما که **صَدَقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَبُكَ**
تَجْرِي الْحَيَاتِينَ و در خبر جنین ساه است که این مجزیه یوسف علیه السلام بود و علی که مخبر پیغمبری بود و بنین
که پس علی شریف و بزرگ بود و بختی از انبیاء علیه السلام که مرسل نبوده و ایشان را بجزا بیک امت گشت و به شام بن
عرو و از پدر خویش و ایت میکند که او گشت که در تغییر این بابت که حق تعالی جل و علا فرمود **وَلَطَمَ الْبَشْرَى فِي الْحَيَاةِ**
الْأُولَى حق تعالی عرو جل و علا بدین بشری خواب محلمان خاسته است که مردم صالح خویش را خوابی بیند یا کسی او را خوابی بیند
که در تعبیر این خواب آیات و اخبار بسیار است از انس که بعد از ایا و کتب کتاب و از آن که و در خبر است از انس که رسول
صلی الله علیه و سلم گفت **الرُّؤْيَا جَزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَارْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوَّةِ** یعنی دیدن خواب مرد صالح
جزو است از چهل و شش جزو پیغمبری و این خبر از بهر آن گفت که چهل سال بود که بروی و می آمد و شصت سال بود که
و نبأ دست کرد میان و می و در حلت از دنیا بپست و سه سال بود و آنچه خاسته بود و خبر خواب می چند نمانده است شش
و از دست و سه سال بکشد بهر از چهل و شش بهر و پس رسول علیه السلام بدین معنی گفت **الرُّؤْيَا جَزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَارْبَعِينَ**
جُزْءًا مِنَ النَّبُوَّةِ و چنانچه بر آن و دیگر همچنین بود و هر چه خاسته بود حق تعالی جل و علا ایشان را از خواب باز
منوع می و در خبر است از عبد الله بن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که خواب راست است
که حق تعالی جل و علا را نبیند و از خیر و شر بر وی رسد تا در دنیا سفر و نشود و از امر که و کار غافل نباشد و ابو هریره
رضی الله عنه گفت چون رسول علیه السلام میارشد یا راضی غشاک چیز می آمد مذ و گفته بود **أَنَا زَكَاةٌ خَيْرٌ مِنْ سَبْعَةِ**
أَكْرَادٍ عباد الله را نبیند تا اجل برسد ما که خبر دهد در اختیار کار دین و بهر آن چگونه خبر را نیم رسول علیه السلام
گفت **بَعْدَ وَفَاقِي يَنْقَطِعُ الْوَحْيُ وَلَا يَنْقَطِعُ الْمُبَشِّرَاتُ** بعد از وفات من و می برده و شد و اما بهر خبر
بریده و نشد و گفت مبشرات بدست گفت **الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ الَّتِي يَرَاهَا هَالِكُ الْمَرْءِ الصَّالِحِ أَوْ يَرَى لَهُ**
بَيْتًا و دیدن خوابهای صالح که مرد نیک بیند یا کسی دیگر از بهر او بیند و در خبر است از ابو سعید خدری که از
علیه السلام شنیدم که با در آن کیفیت که چون کسی از شما خوابی بیند و نیک بیند یا بد که شکر حق تعالی که با و
با در آن فو من و دوستان که بد و اگر ناپسندید و بیند و مرد صالح بود چند با و اعوذ با بعد من الشیطان الرجیم

از شرف و بانی و حق جل و علا و در خواب با هیچکس نکوید تا بضررتی و گزند می بوی نرسد و در خبر است از امیر المؤمنین
علی ابن ابیطالب کرم الله وجهه که او گفت چون نومی خوابی میشد باید از خواب بیدار میشد و استن تنبیر آن خدا
تا از خواب نیک ببرد شادی برگیرد و از خواب بیدار کند یعنی بدعا و عبادت و صدقات مشغول شود این سیریز
رحمة الله علیه که یک مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علی مطلب کند از اصلش نگیرد و قیاسش بغیر نگیرد
و بطریق آن مخلص نکند مگر این علم از اصل نگیرد و از احوال مردم بهیات و صفت و قدر و دین است و ارادت
و نیز اختلاف و قهتا همیکه و در نیز که وقتی بغیرش از اصل بیاورد و وقتی بجهت گاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر مردمان
گاه از بهر اصناف و اعلام یعنی خوابهای نشو و بیدار که هر علمی که حلی وار و دستخنی باشد از علم دیگر الاستغیر باید که بخیر
علم تفسیر قرآن و اخبار مصطفی علیه السلام و امثال اشعار عرب و عجم و نوا و و اشفاق لغت و الفاظ مستد و له یعنی که باید که
هر که در متن و باید که بزرگ و لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال مردم نیک شناسد بقیاس علم دل نیک اندویدم
نوفیق از حق تعالی جل و علا خواهد تا در اگر کم خویش را ندانید و برزانش صلاح و صواب ماند و هیچیز با حق سبحانه و تعالی کسی
که طبع او پاک باشد از همه به لغت حرام خوردن و از سخنهای نابکار دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در بسکات الکملاء
و وثقه الا نسیاء و وح کرد و در استغیبران باشد پس بر خرد مردمان واجب باشد و استن علم تفسیر و شناسن فرین
این نیز که چه خاص و عام عالم و جابل را بدین علم حاجت مکران قوم را که حق جل و علا در شان ایشان گفت اولئک
اَکْثَرُ لَظْهَامٍ مِّثْلَ قُلُوبِهِمْ اُولَئِکَ فِی النَّارِ اَوَّلَیْنَ و الله اعلم بالقرب فحصل اول در شناسن مزاج خواب
بدرین فصل بیان کنیم که حد خواب و مزاج وی چیست بدانکه حکما گفته اند که سبب وجود خواب از بکارهای تر متعذرت
که از تن بسوی دماغ بالا شود بدانکه جمله حواس و قوی بیاض و اسایش بایند و طعامهای خورده مضحل شود و از تن
تن بخیزد که در دو اینچنین خواب را بر شکان طبیعی گویند و بعضی گویند که خواب که داشتن روح است استعجال حواس را
بعضی گویند که خواب فعلیت از فعلهای دماغ و آن فعل طبیعی است زیرا که از وی راحت الهی میسر شود و صفت
فعل و وقت فکر و این وقتها که یاد کرد و شد حرکات روح فغسانی اند و موضع ایشان دماغ بود و اسایش بخواب است
روح فغسانی آرمیده که در دلیس برین آنست که چون کسی تحصیل علم مشغول گردد و بشب گرمی و خشکی بر مزاج او
اللب شود و روح فغسانی از بسیاری حرکت و ضعیف گردد و از اینجا رخ و بیاری تواند که کند و علاج آنچیز اسر
را باشد چون روغن بنفش و روغن سیلوفرو آنچه بدین ماند و حکما گفته اند خواب بر دو گونه است یکی طبیعی و دیگری
بیطبیعی اما طبیعی حرارت غریزی بر روی چهره که در و لیکن باید که ریخ زایل کند و فضلهای که در تن جمع شده جمله بعرن
است که در و سبب آنچیز غریزی بر روی چهره که در و لیکن باید که ریخ زایل کند و فضلهای که در تن جمع شده جمله بعرن
با انما دفع کند و خوابیکه غیر طبیعی است بر تنه که نه باشد یکی از فساد مزاج تن و دوم از زیاد شدن بعضی مشامها

من دسی یعنی خون و صفرا و سودا و سودا و خردون خدا با ای غلطه نایا که از اجزای سرد تر است و فایه آن از سردی و ترکیب
و باغ ظاهر شود و از آنجا است که دماغ گرم و خشک و از خواب کمتر آید و دماغ گرم و تر خواب بسیار کند و اگر کسی غم
کند و گوید که چه دانی که خواب غلبت از افحال سرد و تر و راحت و قوت تمجید و تفکر است خواب آنست که از
از طریق عقل معلوم میشود و که نشستن راحت ایستادن راحت با اعتدال راحت بیداری و آسایش خفتهای و باغ پس یعنی
است که خواب غلبت از افحال سرد و تر و خواب طبعی و طبیعی و ضعف قوت تحیل و قوت ذکر و قوت فکر و محبت و بر
از قول حکما و قدیم در کتاب کفایت الطلب منها و در آن بیان کردیم فصل دوم و در این فصل
و انبیا علیهم السلام گوید که خواب و بر سر است یکی که آید و کند و از حقیقت حالها و درم بیدار کردن و از سر
کار و این دو فصل از چهار قسم است یکی خواب امر است یعنی فرایند و دوم خواب زاجر یعنی باز زننده سودا
منند یعنی بیک کننده و ترساننده و چهارم خواب بیشتر یعنی خرد و دهند و عبد الله بن مسعود گوید که رسول علیه السلام
الْوُكُلُ ثَلَاثَةٌ أَفْئَادُ مِنَ اللَّهِ عَالِيٌّ وَبَشِيرٌ لِقَوْمَيْنِ فِي جَوْفِهِ قِسْمٌ دُونَ مِنَ الشَّيْطَانِ لِكُلِّ
الْمُؤْمِنِ قِسْمٌ مِنْ أَضْعَافٍ وَأَحْلَامٍ بِمَعْنَى خَوَابٍ بِرُتْبَةٍ قِسْمٌ هِيَ بَعْضُ خَوَابِ نَفْسٍ مُؤْمِنَةٍ
در زنند کانی بایشان و دوم قسم آنست که مردمان را اند و بکین گرداند سودا قسم آنست که خوابهای اشفته باشد
صداق رضی الله عنه که بدین فصل خواب بر سه قسم است یکی را حکم خوانند و دوم را قسم متشابه خوانند و سوم قسم
اضغاث و احلام خوانند و اضغاث و احلام چهار کرده میشوند که در هر یک طبع ایشان جدا باشد و اگر در هر یک
الغمر باشند و اگر در هر یک که غذای سودا و آنکه خورند چون باد بخان و در هر یک که گوشت نمک و در آنچه بدان ماند و اگر
که و کان یا بالغ محمد بن سیرین رحمه الله علیه گوید خواب بر دو قسم است اول خواب حکم که آن درست بود و
اضغاث و احلام و آن خواب پریشان و پراکنده بود و اضغاث و سنهای گیاه باشد یعنی چنانکه گیاه است
بر کوه و در بستانها و اضغاث نیز مختلف است و آن نیز بر سه نوع است بعضی از طبع و هوا و بعضی از غم و
و بعضی از حدیث نفس این هر سه نوع درست نباشد که فی رحمه الله علیه گوید خواب بر سه قسم است قسمی از نور
حق سبحانه و تعالی از جلال و قسمی از سوسه از شیطان و قسمی از سستی که باخود گوید و از هوس آن سخن در خواب میباشد
و آن راست صورت فرشته بود که از لوح محفوظ انبشارت و بدینچه که کرده باشد یا بند و بجزرت حق تعالی
بود و از شر آن بمن که در هر یک که بوی رسد ازین سلب چون کسی خواب بیند و فراموشش کند معبر گوید تو بد
کنایان و فراموش کردن خواب از مصیبت باشد زیرا که نماید و خواب فرشته نیست از لوح محفوظ مغرکی و
علیه که در خواب بر دو قسم است قسمی خواب راست و قسمی خواب دروغ و خواب درست بر سه قسم است قسم
اول را بیشتر خوانند و قسم دوم را تخمید و قسم سوم را الهام قسم بیشتر آنست که حق تعالی جمل و ملا فرشته بر لوح

موکل فرمود است ما هر چه از خیر و شر بر سر فرزندانم گذراهم گذشت از لوح محفوظ بوی رسا ند و بنماید و از اور
 خواب و آن فرشته را ملک الرضا خوانند پس چون کسی را بشارتی خواهد رسانید ملک الرضا با او را در خواب با ند نماید
 و خواب بخندید است که ملک الرضا با او را بنماید و کارهای و دوازدهم که بوی خواهد رسیدن تا بسپینده خواب بطاعت
 گرایه و از گناه پیریزد و بسبب آن عبادت و فرمان وادی کند و از شری که بوی خواهد رسید این که در وقت نسی و قنوت
 الی الله جیعا انھا المؤمنون لعلکم تفلحون و خواب الهام است که خدای تعالی الهام دهد و از فرشته را نام از
 خواب نماید بنده را که صدقه باید دادن و جهاد کردن و بحق سبحانه و تعالی بازگشتن و از سرگناه در گذشتن و عدل جهان
 با خلائق کردن و خواب دروغ بر سر و دجیر است بخیر خواب هست که بیدار شود و خواب عتس است که خواب شیطانی یعنی خواب
 آشفته و مختلف خواب هست است که مردم بیدار می چیزی اندیشد چون بخواب روند همان بپیند و آن خواب را اصلی خواب
 و تا و دل می راست نیاید و خواب علت است که مردم از باری از دور و اندامی تا چون بپیند از دور بوی غالب شود و چیزی را
 منکر و سبکین بخواب بپیند و سبب آن خواب از دور باشد و آن خواب را اصلی نباشد و خواب شیطانی است که او را
 من شستن واجب کند یا چیزی نامکن بخواب بپیند و آنرا تعبیه و تا و دل نباشد قوله تعالی و ما نحن بآفاق بل الا حلالا
 یحالی بین و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که از عجایبهای که حق سبحانه و تعالی عزوجل فرمود یکی خواب است و آنچه در
 خواب است می بیند از خیر و شر که بعد از آن حکم آید و تعالی جل و علا برسد این سیرین رحمة الله علیه که بد از عجایبهای خواب یکی
 که شخص در خواب ببیند چیزی و منتفی در احوال می بیند یا شری و آفتی همچنان آن جبر و راحت یا شر و آفت بعینه بیداری بودی
 رسد و یکی دیگر آنکه بسیار مردمان که در خواب ببیند که در بیداری می بیند از او یا شری که یا در خواب در بیداری
 خواب خوانند و با و کرد و در بیداری درست یا از خواب و بسیار مردمان جابل باشد که سخنان حکمت آمیز و لفظهای نیکو گویند
 چنانکه هیچ حکیم و عالم نتواند گفت و چون بیدار شود آن سخنان باز گویند جابر مغربی رحمة الله علیه که بد از عجایبهای خواب
 یکی است که در خواب چیزی ببیند که آخر باشد و تا و دل آن چنان است که آنچه در خواب ببیند فرزند یا برادر زو اما ند چنانکه حمزه
 مصطفی صلی الله علیه و سلم یکی بخواب دید که در بیداری شدی آن خواب را پس بگویم بازگشت بهم مردی و دیگر بخواب دید
 امیر که مسلمان شد آن خواب را پس بر عباس بن اسد بازگشت که چون گوید که بخواب ببیند تا و دلش ما را در او
 بود یا بنده ببیند تا و دلش خواجه او را باشد ازین عجایبها در خواب بسیار است اگر جمله یاد کنیم
 کتاب در از کرد و فصل سوم در با و کردن من و روح بدانکه حق سبحانه و تعالی جل علا در قرآن مجید فرمود
 اللَّهُ يَكُونُ الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَاللَّيْلِ كَمَا تَمُوتُ فِي مَنَامِهَا قَبَسَاتُ النَّفْسِ عَلَى الْأَنْفُسِ
 وَ يُرْسِلُ الْأَنْفُسَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى يَأْتِيهِ تَعَالَى عَرَسَهُ خَيْرُكَ وَهُوَ اسْتِمْشَقُ النَّفْسِ بِأَنْفُسِهِ كَيْفَ نَزَلَ خَدَّيْهِ
 بِاللَّهِ وَهُوَ أَمَرُهُ وَبَارَكَ تَعَالَى وَهُوَ يَخْلُقُ النَّفْسَ وَهُوَ يَحْكُمُ النَّفْسَ وَهُوَ يَخْلُقُ النَّفْسَ

چنانکه از هر دو یکی از معنی نفس و روح یا است و دلیل ایشان آنست که گویند در محرم عرب شست منی را و چنانکه
و آب منی در آنست و جسم و دیده و روح را گویند و باز در معنی و در جان و باد و کلام و روح القدس باران و
روح و معنوی و پریم و زنده گانی و فرشته و رحمت حق جل و علا و قوی گویند که جان چنینست و خواب از حق بیرون آید و
برود و آنچه بدید راست و بشنید و یا میبید و در چون بیدار شود باز جان در حق و او را بدلیل ایشان آنست که
در حق آینه عیبه و سلم گفت بنده که بشارت بخندید و ذکر حق سبحانه و تعالی بر زبان رانده جان او را بر آسمان بر نهاده
معجزان این آیت خبر را منع گفته و گویند این در قول رسول است اگر گفته را جان از حق یعنی حرکت و دم زدن حرکت
پس چنان حال و گفته محسوس است و دلیل گفته که جان همچنان در حق خفته است و بعضی از میان جان و روان
توق نیستند و گویند که چون غصه در خواب و در روان او از تنش بر آید و در عالم بگردد و باز در حق و آید و آنچه در
باشد به ناز و خیزد و بدلیل گویند که مثل جان چون قهر در خواب است و مثل روان چون روشنی آفتاب چنانکه در
آفتاب در فک چهارم است و در ستانی او در همان و جسمی از فلسفه گویند جان و روان خود و گویند که
تفرقی نیست میان ایشان زیرا که محضت شان بنیاس عقلی چون کج از است و آب از ج و نزدیک است اصطلاحا نفس
نفس مبادا و اولی است و او شریف و بزرگوار تر از روح است و ما تحت نفس و روح از عقل حکما پیش ازین یاد کردیم
که بیک نام او سازد و مسایل است و آنچه بیان کردیم تا نزدیک اهل سنت و جماعت روح امر است از امر مادی را که
سبحانه و تعالی عزوجل فرمود تعالی و یستأوی ناک عن الوقیح قبل الوقیح همین امر فانی یعنی امری که بگذرد
جان بود که جان از امر مادی که این است و اعتماد بر قول باری تعالی است و حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم
زیاد کردن و تاویل حکما و این باب این بود و این کتاب از ذکر ایشان و بر مان خالی نباشد از جمله و علاج علما
چون خواب و سنت غیر یکجا دارد و تو فقیخ خبر و اگر است و در می کند شغل چهارم و درستی خوابها بعد از آنها که
رحمة الله علیه گوید هر که خواب نادرستی خواب پیش از اینها و دلیل نیک باند باید که تا تو با بطارت بخندید
و است بخت و خدایا و کند و طعام بسیار بخورد و زیرا که آنکس که طعام بسیار خورد و خدایا و گویند عید او بر کرد
و بخار مای طعام بدماغ او رسد و عقل از آن متخلیل گردد و ازین سبب خوابهای آشفتنه و مختلف بسیار میند و طعام از
هم بخورد و زیرا که چون حد از طعام خالی باشد و گرسنه خیزد و خواب میزند که طبیعت غذا سبب است و ضعیف شود و از
خیزد و چون در خواب از آشفتنه بیند و مردم در وقت خواب باید که نهی باشند و نه گرسنه از خوابی که میزند
و غیر خواب از امری که میزند و در خبر است از عبد الله بن مسعود که مردی از عربی نزد یک رسول آمد و گفت یا رسول الله
خوابی دیدم و خوابی آشفتنه آفا ز گوی و گفت رسول علیه السلام فرمود که چه چیز و بودی گفت خرفای بخند خود و بودم
عبد السلام فرمود که این خواب را تاویل نیست و در دست نیاید و از آنچه است که میزند این خواب از غیر محضت و اولی

معبود که از دانش این تیسرا غافل باشد و چنین چیزها از سایل پرسد بعد از آن تاویل خواب بکند تا آنکه بدو درست
درست آید و علامتهای درستی خواب که چنین باشد که با دو سه شدن برین رحمة الله علیه که یک بسیار خوابست که کسی
چندین گس مزه او را آن نباشد تا دلش بکسی از خویشان او باز کرد و لیکن فرزند یا برادر یا پدر و بسیار بود که تاویل خواب
از ترک او تاثیر کند و مادرین باب پیش ازین فقره مکرر مدعی بودند که هر چه در خواب دیده اند تاویل آن بر سر سید
چنانکه کرد که تا بالغ چون خواب چند بر پدر باز کرد و پس چون بر اصول این چیزها دانسته باشد بر هیچ مشکل نبود و حضرت
رضی الله عنه که بسیار خوابست که میند و راضع و سبکین نماید تا دلش بخلاف آن باشد چنانکه او و و هم و تاویل
شادی و غمی باشد و نه تعالی و لیکن گفته من بعد خود خفته ام تا و که بخین از نیم یاد شده و دشمن و دو
تا آنکه بدین اندوایل کند که خداوند خواب در امان و زنده را خدای تعالی باشد و نه تعالی فقره الی اللعابی لکه منید
باید و صفین و اشکال این تا آنکه بسیار است و ما هر یکی روضه خود بیان کنیم ان شاء الله تعالی فصل پنجم در معرفت خواب
است و دروغ و انیال علیه السلام گوید که مردمان باشند در شکل و صورت و حیای و بالا سخن گفتن و خواب بر کس چون
طبیع مردم و هوا و شهر و کس مختلف باشند و بر یکدیگر نماند چون بر طبع مردم خوش غالب شود از بسیار جزو آن که دست صفا
خواب و چیزهای دیگر که از وی خون بغیر از خواب رک زدن و حجامت کردن و لب ناخن و عسرت کردن و او را
نکست و چنانچه نشودن آنچه بدین مذهب چون مسرور وی نگاه کند و گوید وی سرخ بیند و تن و به و در وی نشاء و شاد
بیند و نبوت به کام خویش بداند که آن از ملت غالب شدن خونت و آنکه ب را اصلی نباشد و چون بر طبع مردم
بسیار غالب باشد از خوردن چیزهای مسفراتی چون پیرو بیاض و پیل و چیزهای گرم و خشک و خواب تش و صراغ شمع
بشدیل و کرم و چیزهای بسیار بیند چون معبر و از دو گونه و لاخر میند و وی تیزی و حرکت بیند و سخن بسیار گوید و از کسب
دوئی غالب است و خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع وی غنم غالب شود از خوردن چیزهای غنم از چون و غن
است و شیر و آنچه بدین مذهب در خواب بر خفت و باران و آنچه بدین مذهب بسیار بیند چون معبر که از و سفید و تن قرمز بیند
از سخن او که را می باشد و از کس بر مزاج او غنم غالب است و و اند که خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع سودا غالب شود از خوردن
چیزهای سودا و آنچه چون گوشت نمکسود و پرشها و باد بخان و آنچه بدین مذهب خوابهای باقیم و نرس و مار و کرم و نایکی و
نرهای سبکین و سیاهی بسیار بیند و چون بیند که رنگ در وی و از اندیشه متفکر است و بی سببی بر روی و ریش
و دوست مالد معبر بداند که سودا بر وی غالب است و خواب او را اصلی نیست پس از را آنچه بود اجبست که معبر بدین چیزها
غنیتم تا تل نگاه کند و خواب بر کس را نیک پرسد و بر آن واقف گردد تا تاویل خواب بر وفق صواب آید این
چیزین رحمة الله علیه که در خواب آن گسایکه اصحاب همت باشند چون عاشق معشوق یا خواب بیند یا از باب حرفت
چیزه و خواب بیند مثلا جولا و کر قس را یا آبت که این را بیند بر معبر و همت است که خواب باز پرسد که دوش چه خورد

بودی و در پرتو اندیشه غفنی نمایان نمیکند یا کسی که بزواب در میان بر خفت و باران و برف و سرما گرفتار است چون بیدار
 شود و جامه خواب از وی دور شده باشد آن سر را بخواب دیدن سبب برپایی باشد و بی جاگی او بود و خوابگاه
 را اصلی نباشد و اگر بخواب بیند که اندر که ما بود یا آفتاب و حرارتی در خود بیند چون بیدار شود و جامه بسیار بر خرد
 پیچیده باشد و آن گرمی یافتن سبب جامه بسیار بود که بر خرد پیچیده باشد و اگر کسی بیند که از غلظتی می آید و در روزی
 در اندام وی افتاده بود و بر او بر خیزد یا اشت و همان در و دار و آنچه در خواب بیند که بول میکرد و چون بیدار شود بیند
 که در جامه خواب بول انداخته بود و یا بول بر وی غالب شد و باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم
 در افستن تقاضای میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی این سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از
 دو حال بیرون نیست یا مومن است یا کافر و این اصل را چهار وجه فسخ است نوع اول خواب پاوشا
 و دوم خواب قاضیان سوم خواب بنفیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب آزادگان ششم خواب بندگان
 هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان و دهم خواب فاسقان یازدهم خواب توانگران
 و دوازدهم خواب ورویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نایاب و ازین جمله خوابها
 پاوشا نامان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پاوشا نامان بر دیگران چندان فضیلت است
 که پاوشا نامان بر رعیت چنانکه در سبانه و تقابل جمیع علما پاوشا نامان بر گیرند و سرور می داد و خلق او فرمود تا آنکه
 می بجا آوردند قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر من
 ورسول صلی الله علیه و سلم فرمود من اطاع الکامیر فقد اطاع الله ورسوله پس هر چند
 خوابیکه پاوشا نامان صلح بیند آن خواب معزونی پاوشا نامان نزدیک بود و بخواب پاوشا نامان نزدیک تر
 او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و تفکر
 در کائنات می خاص و عام بستم گشاد و امور خلابی همه از قاضیان بود و خواب نعمت را فضیلت است
 بر خواب عوام چنانکه ایشان دانند با رسول فقه و حد و مسلمان و فرائض و سنن و محال و حرام از قول
 بتوان دانست و خواب آزادان را فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل جلاله
 و نسب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علماء افضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشان را
 و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بند و خدا
 را منفعت دهد که بند و از آن نصیب باشد و خواب مردان بر زنان فضیلت است از برای آنکه باری
 سبحانه و تعالی ایشان را بر گیرند بر زنان و بچند چیز رجحان داده تفصیل بنا و قوله تعالی الکرجال قوا
 حکم النساء وینفذ امرنا علیکم السلام فرستاده همه مردان بودند و جای دیگر فرمود قوا
 حکم النساء وینفذ امرنا علیکم السلام فرستاده همه مردان بودند و جای دیگر فرمود قوا

قَوْسُ نُونٍ مِنَ الشَّهَادَةِ بِدَهْنِ مَقْتَلِ سِتِّ جَبَرِ وَرَامِي وَتَجَاعَتِ وَتَخَاوَتِ وَتَعْلَامَتِ وَتَعْلَامَتِ وَتَعْلَامَتِ
 همه و جهت مردان مذکور گردانید و خواب زمان نزدیکیست بخواب بندگان و خواب جمالی از انفس است بر خواب
 فاسقان از بهر آنکه از این مباح بطاعت میل می کنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان که روزیست
 برایشان خجست باشد چنانکه بر که فزان زیرا که فاسق بر معاصی و لیسری کند و خواب تو انگر خیر و دین فضل دارد زیرا که
 تو انگر زکوة و صدقه و ده و حج و عمر کند و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که یک العلیا خیر من یک التفسلی
 یعنی دست نمیشد و بر از دست پستانده است و کردی از معبران گویند که خواب درویشان از اصلی نباشد زیرا که همواره
 دل ایشان را بر ایشان باشد از غم کس و عیال چون درویش خواب نیکو بیند اثر آن در پدید آید و چون بر چنان اثر
 آن نرود و ظاهر هر که در خواب تو انگر آن خلاف این باشد و خواب اهل بلوغ معتبر باشد زیرا که شهوت برایشان
 غالب باشد و نابالغ ادب و عقل ندارد و بعضی از معبران گویند که خواب کودکی نابالغ چون نیک باشد نیکی آن پادشاه
 را رسد و بدی آن زیان دارد و خواب کودکی نابالغ را دروغ است قوی است که خواب ایشان درست و درست
 زیرا که باشد حکمش پدید آید زیرا که دل کودکی از کثرت و صافی باشد و از معصیت و عقل و نیا فارغ باشد و ذلی و دیگر خواب
 بی ملود کا ترا عقل و تیر چنانچه باید نباشد و خواب است و جنب و زن حایض درست باشد چنانچه خصه جنت هستند
 خواب وید که ماه و انساب از آسمان هر دو بکنار وی افتاد و چون بیدار شد امیر خیر را ازین خواب آگاه کرد و امیر خیر
 را نیکو چنانچه بر روی وی نرود و گفت اگر این خواب راست میگوید محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم خیر است و بدتر ازین کند
 بر و نور رسول الله علیه و سلم خیر گرفت و لشکر اسلام صفیه را پیش برد و نور رسول صلی الله علیه و سلم از صفیه پرسید که این
 خواب روی که بر روی است چیست صفیه این صورت خواب باز گفت همچنان بود که دیده بود و تا ویل خواب او راست آمد
 که انچه از علم بالقباب فصل مغفتم در معرفت فرق میان خوابها که مانی رحمة الله علیه گوید که خواب سلمان درشتی
 است خواب کا فزان باشد و خواب وانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی ان خیر صیبت
 الکلین اجترحو السیئات ان تجعلاهم کالذین امنوا و عملوا الصالحات سوءا محجبا لهم و کما
 رساء ما یحکمون و خواب بران بهتر است از خواب کودکی و خواب زن آزاد بهتر از خواب کنیز بود و
 خواب هر کس مجرب باشد که در وقت گذاردن خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خداوند خواب سوال کند و الفا
 خواب کند که شود همه را بقیاس عقل راست کند چنانکه لفظ اول با خبر بود و از آن آخر تا اول را نیکو تعبیر کند و هر که آدم که
 لفظ قوی تر بیند با حصول همان لفظ تعبیر کند تا چون میزان کلام نگاه داشته باشد و را غلط نیفتد و آنچه گوید صواب گوید
 زیرا که علمای قدیم قیاس چنین کردند و صواب و راست آمدی حکایت چنین گویند مردی از ابن سیرین
 پرسید الله علیه سوال کرد که بخواب دیدم که با من نماز گفتم این سیرین گفت حج اسلام بگذار سی هم در آنوقت مردی بایست

[illegible]

طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جنت باشد دلیل بر تباهی بود و جعفر صادق رضی الله عنه که به اگر مردی بخندد
 به نیت آنکه خوابی بر خیزد و از آن خواب حال نیک و به باز و اند اگر خواب گویند ببرد یا کاه یا اسپ و سپه
 این باشد که گوشتی چیزی خورد و دلیل بر تباهی کارا باشد اگر بخندد و بسته از بر او گشاید و ماطحی شمشیر
 یافت و خورد دلیل بر نیک گذشتن فصل پنجم در خوابی که فراموش کرده باشد جعفر صادق رضی الله عنه که هر چه کسی
 خوابی دیده باشد و فراموش کند و معبر خواب را بداند که خواب او بداند طریق است که نامش برسد و حرفهای نامش
 بشمارد و بحساب بگذرد از وی بخندد و نگاه کند که چند مانده است مثلا اگر نه مانده باشد شهادت بخوابد و بخوابد
 دلیل بر فساد کند قوله تعالى وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ شَعْبٌ وَقَطِيعٌ يُغِيدُونَ فِي الْأَرْضِ فَكَانَ يُضِلُّونَ
 و اگر هشت مانده باشد سفر بازو بچشمیده باشد قوله تعالى ثُمَّ آتَى حِجْجَ فَإِنْ أَكْمَلْتَ عَشْرًا قَبْلَ عَيْنَيْكَ
 و اگر هفت مانده باشد روان یا سکان دیده باشد قوله تعالى يَتَوَكَّلُونَ سَعَةً وَبِأَيْمَانِهِمْ كَلِمَتَهُمْ
 و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب ستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل صلاح و انجواب دیده باشد تا ویش
 تمامی اشغال می باشد و اگر خداوند خواب مفید بود دلیل کند که دیوان و اهل نسا و خواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال
 او کند قوله تعالى خَالِقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عِلْمٍ تَرَوْهَا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى الْعَرْشِ وَكَانَ يُنْظَرُ مانده باشد بیان
 و سلاجات خواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و ستارگان بخواب دیده باشد فی الزبجاء آیا مریضاً
 لَلَّتْ أَفْلَاحُ و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد یا یکنون همین بخوابی تَلْتَلِيهِ إِلَّا لَقَا وَرَأَى
 و دیگر گفت تَلْتَلِيهِ إِلَّا لَقَا و اگر دو مانده باشد یا یکنون دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثَلَاثِي أَتَتْ بِنَازِلًا
 فِي الْفَنَاءِ يَقُولُ لِحَاصِبِهِ أَكْثَرُ خَيْرٍ تَأْوِيلُش آنست که آنچه بیشتر رسد این گردان برین رحمة الله علیه که چون
 کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و معبر خواب را بداند خداوند خواب را که بد دست برضوی نه از آنجا که
 خویش اگر بر سر نهد که در خواب دیده باشد و اگر چشم نه چشمه آب شور دیده باشد و اگر بینی نهد و من کو دیده باشد
 و اگر ریش نهد و غراره دیده باشد و اگر پروانه نهد چشمه آب خوش دیده باشد و اگر ریش نهد شکاف خاکها دیده
 باشد و اگر بر ریش نهد کلاه بر سر خواب دیده باشد و اگر بر شکم نهد و در خانه در خواب دیده باشد و اگر بر صورت نهد
 خوابات در خواب دیده باشد و اگر بر دوش نهد که شک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهد و درخت میوه و انگور و بادام
 و اگر بر آستان نهد شاخهای خور و درخت دیده باشد و اگر بر مچ نهد نعل دیده باشد و اگر از نو نهد که پویه دیده باشد و
 اگر بر ساق نهد درخت بل بر دیده باشد و آتیا علیه السلام گوید که چون کسی خواب بیند و فراموش کند از چه چیز نبوده
 باشد یکی از بسیاری گناه دوم از گردن مختلف سوم از صفت نیست چهارم اختلاف طبع که چون از حال بگردد و لا هم خواب
 فراموش کند فصل دهم در که از دین خواب بقول ابراهیم کرمانی رحمه الله علیه که با اهل علم و حکمت جایز نموده اند که

[illegible]

سمعی حدیث کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید هر خواب که در فصل بهار بیند امیدوار باشد و نیگوید حکم تا پیش
تا خیر بود و خواب که در فصل تابستان بیند حکم تا پیش زد و در ترقوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند
تا پیش درست نیاید و بر درستی این سخن دلیل آنست که مردی از ابو بکر حدیثی رضی الله عنه پرسید که خواب
برگ نمرود از درختی بمن داد و اند ابو بکر گفت هفتاد و چوب بر تو زدند و آن هفتاد هفتاد و چوب بروی بز ندید پس همین سال بکر
همین خواب دید همان هفتاد و بکر از ابو بکر حدیثی رضی الله عنه پرسید گفت هفتاد و هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المؤمنین
پارسال همین خواب دیدم تاویل آن هفتاد و چوب بود و امسال هفتاد هزار درم مرا کنی از فضل این خبر کن گفت پارسال فصل
خزان دید و بروی در آنوقت درختان همه خشک می شدند و بکر میرنجست تاویل آن آن بود و امسال بهار است و
درختان روی باقبال دارند تا پیش نیست آنروز هفتاد هزار درم یافت و انبیا علی السلام گوید که چون کسی درقبال خواجه
پرسد یعنی از باد تا نمرود حکم تا پیش بر اقبال و نیگوید باشد و بعد از زوال تا شب که دلیل بر شرف و فساد بود و تعبیر آن
خواب نمرود بر برف و باران بود وقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید عابر مغربی رحمه الله علیه گوید راست
ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب بر آمدن بیند یا استوار آفتاب خواب نیکو در دست و راست باشد و تا طلوع
و شکفتن درختان در رسیدن سید یا خواهرهای عظیم نیکو بود و تاویل آن درست آید و خوابیکه روز رستمان عین حکم تا پیش
ضعیف باشد که در رستمان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است فصل و و از و
در معرفت شرایط آداب با اهل خواب و انبیا علی السلام گوید مجرب باید که دانا و پارسا باشد و صفا و علم و از خصایل
دور باشد و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سایل با احتیاط تمام بشنود و بداند که سایل از چه
یاریست که ترست یا مهرعالت یا جاهل ازاداست یا بنده غریب است یا شهری توانگر است یا درویش مرد
یا زن فارغ دست یا مشغول در تابستان دیده است آن خواب یا در رستمان چون اینها جلد باند هر یکی اینها
مغفل چنانکه همدان این علم گفته اند تاویل کند و از خود نگوید این سیرین رحمه الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم اقامه چنان
بود با اینهمه فیصل خواهرهای که تعبیر آن نداشتی گفتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابو المقدم که این سیرین از کسی اهل
که پرسیدند یکی خواب گفتی و باقی را تعبیر گفتی پس معبر باید که اول سخن بشنود خواب نگوید بشنود و از تعبیر نیک و اند و در
تاویل کند و اگر سخن درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنکه و تعبیر کند و اگر خدش در میان سخن باشد
آن خدش از وی جدا بپسند و بر اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ سبیکه بگرنا تا ضغاث و احلام هست و تاویل
آن نکند و اگر تاویل آن پیش شد بروی از آن معنی پرسد از سایل که تنگ دست یا خوشدل و آنچه از او بشنود بنا بر تعبیر
خواب بر آن نهند و اگر نتوان گفتن و معبر آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبع عبارت و گفتار و زشتی و نیکویی
و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود نگوید و بروی پوشیده دارد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اصل خواب است

[illegible]

غَارِيَّةٌ صَالِحَةٌ غَيْرَ فَاسِدَةٍ غَيْرَ مُجَرَّبَةٍ رَافِعَةٌ غَيْرٌ وَاضِعَةٌ وَجَنُّ نَجْدٍ بَرْدٌ رَاسِتٌ كَمُنْدٍ
و چون بیدار شود و بچین حق سبحانه و تعالی را با و کند اگر خواب نیک وید و یا شد شک کند و صدقه دهد و اگر خواب شورید
وید و یا شد عود باشد من الشیطان الرجیم که بد و فحش بر او انداخته تمام بخواند و با بر سوی دست چپ خویش و مد و بگوید
یا رب توداتی و من نذام که اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان و اگر شر است شر این خواب بمن و از بجهت مسلمانان
و در واد یا مجتنب دعوت المضطرین یا الله العاکلین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و برخواستن
و ایند که کار بد کند این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم ثم الله الذی لا یضمر مع اینیه شیئی فی الاصل
فکذا فی السماء و قوا السبع العالیه و با و چون از نماز فارغ شود و در خویش از قرآن و در دعوت بخواند آنکه و بر خیزد
و نزد یک صبر و و باید که وقتی نیک باشد و چون خواب گوید زیادت و نقصان نکو بد این صبر بر رحمة الله علیه گوید بشرط
صبر آنست که چون خواب شنود با طهارت باشد و اگر کسی و شمن یا و باشد از بهر دشمنی خلاف گوید و شرخصی که بداند باید که
نگوید مغربی بعد از آنکه علیه گوید هر که خوابی بیند باید که زیادت و نقصان نکوید و از دفع اخراج کند که در خبر است که خواب
راست و می باشد از حق سبحانه و تعالی و هر که روی کم و بین کند دروغ بر حق سبحانه و تعالی است باشد و خواب غایتی
است میان خدا و تعالی و بدو و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بر من که در سولم دروغ میگوید بر نسبت فساد میکند و گوا
شایی بر خود میداد پس هر که خواب دروغ اقرار میکند بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم مای میستند و این دلیل است
بر تنظیم و بزرگی خواب و بشرط ادب نکا داشتن بر معبر و سایل و هیبت فصل چهارم در معرفت اگر تعبیر چند
نوع باشد آن بر سرین و عمة الله علیه گوید معبر باید که تخمین نام و مقدار و مرتبت و مذہب و سیرت و عقل و فهم سایل معلوم
کند و وقت و بدن خواب که در روز و بد نداید و در شب معلوم کند و نگاه کند که سایل در وقت سوال چه حرکت میکند و خوا
بر چه شوق میکند و در فصل ماه پارسی و در ماه نازی یا ناز آنکه و آنچه خواب نزدیکتر باشد تاویل کند و آنثال که گوید چون
کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای میغیران بود از راه و جز فال لیل کند و خبر و بشارت و خورن
و اگر نام وی نامی بد باشد و لیل بر سر و فساد کند و آنثال علیه السلام گوید خواب در اول روز کشنده نیکو بود که نفاق با فانی
در اول روز و شنبه غلغلی بجا و در و نیکو باشد و در اول روز شنبه بخلق برنج دارد و برسدن خواب نشاید و در اول روز چهارشنبه
نفاق بظهار دارد و در قوم جهود و اصحاب الرس هلاک شدند هم نشاید پرسیدن و در روز پنجشنبه مشرک باشد اول روز خواب
و لیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آئینه زهره را بود و لیل بر طرب و نشاط و خوشی و پیش جمیعت خاص باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید معبر باید که او را آنچه بر بسبب می باشد در که از آن خواب چنانکه طلب را آنچه بر بیمار و معالجت او
حکایت امیر المؤمنین مهدی شیخ خواب وید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد ترسید و معبر از جمیع که بر او
بخت در تاویل معبران در مانده تاویل آن خداوند است ابراهیم کهانی رحمة الله علیه که استا و معبران بود حاضر آوردند و خواب

نخستین گفت ترا در حق آیه معبران گفته ترا دلیل برین چیست گفت و لا ذی البیضاء احدکم یا لا فنی خل و جمل
مستور او فو کلین بر این المومنین ترا در هم بگردانی و او هم در آنرا و او خستری کند و هزار دم و یکبار با هم گردانی
نقد حکایت مروی بخواب وید که او را خفگی کرد و در نزد یک معبر آمد و رسید که می گفتند این مرد در دو معبر دو بگری
گفت از نزد آن جد کرد و و بگری گفت خدا و او گفتان کند و بگری گفت مثل او بریده شود و بگری گفت زن از آن
و بدین روز جاری بر نیاید که زن را صادق و او و هر زن آن بر گرفت و خرم سفر کرد و در دو بار کشتی نشست و بی نهایت
بر غناست و لستی غرق شد و در میان دریا ماهی زن ذکر و تحقیقین او بخورد و مال او فرو زن آن او جلد بالک شد و در معبر بود
و چنان آمد که معبران گفته بود که اگر آری رحمة الله علیه که باید که معبر در کورستارها تغیر بکنند و سایل در وقت سوال راست
گوید که در نزد آن یوسف علیه السلام گفت قتی الاثر الذی بقید کسفتی ثانی هر روز فال که پرسیدند راست آمد
جعفر صادق رضی الله عنه که که از چهار کرده خواب پرسیدن روانا باشد یکی از بیدمان دوم از زبان سوم از عیال
چهارم از دشمنان فصل با تیر و هم در دانش سایل که تعبیر آن مغلوب باشد یا که بسیار سایل بود که از سایل بسیار
که تعبیر آن مغلوب بود چنانکه با بعضی اران درین فصل بیان کنیم تا بر مسلم پوشیده و نمائند این سیرین رحمة الله علیه که یک در حال
در خواب دیدن کارزار باشد بیداری و در بیداری و خواب نشادی بود و بیداری و حجابست کردن در خواب قبل از روشن
بود و در و دندان محوی دیدن خود را و دلیل کند که در گریش کنند و در خواب خود را در و دندان و دلیل کند که در دندان کشیدن
به بیداری و در خواب خانه خواب شدن دختران اوان بود و دختران اوان در خواب شکون در و قوله تعالی انما فی کفر و کفر
مخفی نیکه آفت ششم نیکی در خواب که پاسب قنیدن بود و در پاسب قنیدن در خواب نیکی کردن بود و انجیر خوردن نیکی
خوردن بود و سیل بجای آمدن و دشمنی بود و بیداری و آمدن همه چیز که تو از آن نیک باشد گفته آید باشد و هر خبر که
در خواب کس آن بد باشد تو آن نیک باشد چنانکه موزه تو اگر کسی بی سلاح پوشیده بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی بی
سلاح موزه کند پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غمی خرب بد باشد و اگر بشیر و
نیک باشد و اگر اگر نیک میجو نیک باشد و اگر میجو خست بد باشد ازین قسم معکوسات بسیار است اگر جمله را با این
کتاب را از کرد و لیکن تیرج هر یکی در موضع خویش بگوئیم انشاء الله تعالی فصل شانزدهم در دیدن خدا تعالی
و خوششکان و پیغمبران علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمة الله علیه که اشارت این ضعیف بود و تاویل و بدین
ان شاء الله تعالی و خوششکان و پیغمبران را و اول کتاب یاد کرده اند بنا برین مقدمه ما نیز صواب چنان و بدین
که در و اول کتاب یاد کنیم تا بگوئیم که اینها خوابهای دیگر بر سق حروف بهم بر تیب چنانکه در دیباچه مذکور و هم با نامیم تا
ان هر خراشند و موزه آسان کرد و تاویل و بدین خداوند تبارک و تعالی و ان شاء الله تعالی که هر سینه مومن
از عز وجل را در خواب بیند چون و چگونه در اخبار آمده است دلیل کند که احادیث را در خویش روزی کرده و

و حاجتهای او را داند و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزوجل او را میدید و دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد
و مغفرت مخصوص کرد و اگر گناه بکار بود و توبه کند این سیرین رحمتی است علیه که یا اگر بگوید حق سبحانه و تعالی با وی مسکن است
و دلیل کند که آنکس نزد یک حق سبحانه و تعالی که می کرد و قول تعالی وَ قَدْ بَنَاهُ خُجَّاتٍ اِذَا كُنَّ اِلَيْهِمْ حُجَّابٌ بَؤْسُ سَكْنَتِ
و دلیل که او را در بین خلق یا خطائی باشد قول تعالی وَ مَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُّدْكِلَهُ اللهُ الْاَيُّ وَ حَيًّا اَوْ مَيِّتًا
حُجَّابٌ و اگر بگوید که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و با وی حساب کرد و او را بیا مرزید و دلیل کند که او را بیا مرزد و آما
در دنیا با وی کمارد و اگر بگوید که خداوند عزوجل او را پند میدهد و دلیل کند که رضای خدای عزوجل در آن نبود و لغو است
يُحْطِ بِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ اگر بگوید که حق تعالی او را مرزیده و او را پند می دهد و دلالت کند بر خوشنودی خدای تعالی و اگر بگوید
که او را بیم کرد و دلیل کند بر غضب خدای عزوجل و اگر بگوید که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر در پیش او کند و دلیل
که غم و اندوه رسد قول تعالی وَلَوْ تَرَى اِذِ الْخُرُوجِمْ مَوْتٌ نَّكَسُوا وُقُوفِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ كَرَاهِي وَ حَمْدُ اللهِ عَلَيْهِ
که اگر بگوید که خدای تعالی او را چیزی را داد و دلیل کند که در دنیا با او محنت بروی کمارد و اگر بگوید که بنظر لطف در وی بدید
و دلیل کند که بهشت و لغای خود او را روزی کند و اگر بگوید که او را از مستلح دنیا چیزی را داد و دلیل که بیماری سخت بکشد و آنرا
اجر و ثواب یا بد بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت کرد و اگر خدای عزوجل بپندد اگر کسی او را که بد که این خدا
عزوجل است و دلیل که او را بپندد حاجت افتد و اگر بگوید که خدای عزوجل بر زمین فرو آمد یا در موضعی و دلیل کند که اهل
آن موضع مظلوم باشند و حق تعالی اهل آن موضع نصرت دهد و اگر در آن موضع خطا و تنگی بود یا بفرافی مسدود کرد و اگر
اهل آن موضع گناه بکار و عاصی باشند حق سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بگوید که حق سبحانه و تعالی در خانه فرود
آید و بطرف دستی بر سر وی مالید یا او را خلعتی پوشانید یا بر گرفت یا بر بجانید اینهمه کرم حق سبحانه و تعالی
و مادر دنیا رنج و بیماری بکشد و اگر خدا تعالی را بر مثال نوری بیند چنانکه وصف آن نتواند کرد و از دلیل عظیم
و داند و کند و اگر بگوید که خدای تعالی او را نامی دیگر نهاد و دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر بگوید که بروی خشم گرفت
و دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بگوید که خدای تعالی او را نزد یک خود خواند و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد
مهربانی رحمتی علیه که یا اگر کسی خدا را عزوجل در شهری یا در می بیند و دلیل کند که آن موضع آنانکه مصلح اند و عز
شرف و قربت یابند و دست ظلم از آن موضع دور شود و قول تعالی اَللّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فَمَا كُنْتُمْ فِيهِ
تَخْتَلِفُونَ و اگر بگوید که خدای عزوجل بر اهل آن موضع خشم گرفت و دلیل کند که قاضی شریعت بدست کند یا امیر
آن شهر یا رعیت ظلم کند یا نام آن شهر بدوین باشد و اگر اجواب روزی بیند و دلیل کند که دست و پای وی بر
و در آن شهر فتنه و راه افتد و قتل واقع کرد و قول تعالی وَ هُوَ الْفَاضِلُ قَوْفَ عِبَادِهِ وَ يُرْسِلُ عَلَيْكَ حَفَظًا
حَتَّى اِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفَرِّطُونَ عِبَادَتِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا

اگر کسی خدای عزوجل را بچگون و بیچگون در خواب بیند از ترس و بیم این کرد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان
 بود و آخرت و دین حق تعالی بیند قوله تعالی لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ مفسران تعبیر در این حدیث
 بسیارند و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی بیند که مثل آفتاب در آید و باشد دلیل کند بر فضل و کرم خداوند تعالی و اگر
 بر صورت مردی بیند دلیل کند که آن مرد قاهر و ماهر و ماهر کرده و اگر خداوند تبارک و تعالی را در خواب و در هیچ بیند دلیل کند
 بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غازیان در غار چنین دلیل کند که آن غازیان از انصرت پناه
 و اگر خداوند تعالی را بر سر رت مردگان بیند دلیل کند که آن مردگان از بیا مرز و اگر کسی که خدای عزوجل را در خواب
 پیدا و دلیل کند که آنکس کافر کرده و اگر چنین که خدای تعالی پرستی نقشه بود و یا خفته این صفت نامست است
 دلیل کند که بیند و این خواب بدین و ماضی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تا و این بین خدای تعالی را در خواب
 و چه بود اول خود و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم زود هدایت و فوت درین چهارم ظاهر بر این ظاهر که چه
 ایمنی از بلا و محنت و عذاب آخرت ششم در آن دیا را با دانی و عدل پادشاه و مفتح خود شرف و بلند شد و در خواب
 آخرت چون بر رحمت نظر کند و اگر خود با تعدد منهای نظر هر شکا کند بر ضایق آن باشد و اگر قاضی بیند که خداوند تعالی
 عزوجل را در خواب بیند دلیل کند که از شرح بجا و کند و او را مشغول مذبح و اگر پادشاه بود دلیل بر سجدگی کند و اگر عالم بود
 در دین و اعتقاد او خلل بود و فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر که انتظار قهر بیند رحمت و عذاب بود و رحمت
 با آنست که گوئیم خدای عزوجل موجود است و دین او را از عذر و عذر باشد پس باید که بخواب و دین خدای تعالی را
 منکر نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که حق تعالی غایب را بجا آید
 بچگون و بیچگون بر ویته الملائکه تاویل و دین و فحشکان و دلیل کند بر پادشاه و کسار با دین و بیاینت و یا غایبی
 کار و بزرگترین که چو مانا نه جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیه السلام این سیرین رحمه الله علیه گوید
 که اگر کسی جبرئیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و گستاخ و دوی دلیل که بر دشمنان نظر یابد و بعد از برسد و اگر کسی
 این بیند دلیل بر غم و اندوه و او را که بخواب بیند که او را جبرئیل مرده و او را و عدو و نیکو یا از کارهای باز داشت و ولایت
 و عزت و جمعیت یابد و اگر بیند که جبرئیل در آخرت می رود و دلیل که از پادشاه و قدر یا بدین یعنی از سببان گفته اند که اگر کسی
 بر وی جبرئیل داد دلیل بر ترس و بیم غلیم بود که بوی رسد و اگر خواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرئیل دلیل کند که
 خراج کرد و مراد بیاید و با امانت و دیانت مشهور گردد و اگر کسی میکائیل علیه السلام در خواب بیند چنانکه صورت
 اوست دلیل که بر خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرئیل آمده اند عذاب و میکائیل اندو بشارت و خیر و نعمت است
 این سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر در خواب بیند که میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و جبرئیل را بدو و اگر بخواب بیند
 که برین میکائیل دلیل که از وی خیر و بشارت بدو رسد و چهره مردم و ترس و ترسند و دین اسرافیل را بدو

و این خوابها
 از حدیث
 است

این سیرین رحمة الله علیه که یک سال از ایش باخواب دیدن چنانکه صورتش است دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علو و کبریا
بود و در دیار که او را بینه دلیل بر اینست و آب و آبی آغز بار بود و اگر میند که صورت در دست داشت و میند دلیل بر جاه و قوتش کند
زیر که او را از هر خدای تعالی بدیدن صورت است و هر جا که در بدن صورت میند و سبب نشویش رفته و با باشد قوت تعالی
و قوت فی الصور فصیح من فی السموات و قوت فی الارض و اگر میند که اسرافیل علیه السلام صورت
داشت و میند دلیل که در آتش رفته و با و هم ترس افتد و اگر میند که اسرافیل در خانه آید و او خفته بود و زود بیدار
شود و دلیل که پادشاه آتش بر روی چشم که در کانی رحمة الله علیه که در اگر اسرافیل باخواب میند که اندک بین بود و صورت میند
و او بتنه او از صورتی تنید دلیل که در آن دیار و زمین هر یک بسیار بود و در خالمان چاک نشوند و اگر میند که اسرافیل باز روی بزرگ
و شادمان روی چاک بیکر دلیل که در آن دیار پادشاه و خیر و این رسد و اگر میند که اسرافیل در بر نه هر کرد و بد و او دلیل که جلوس
نزدیک باشد و اگر میند که اسرافیل بروی باکانت زد و ناپدید شد و دلیل که او را از پادشاه زبان رسد و بدین خرافات را
این سیرین رحمة الله علیه که یک سال کسی ملک الموت را بر آسمان میند و خود را بر زمین دلیل که هر که بود مغرول شود و اگر ملک الموت
را نزد یک خود میند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان میند دلیل که شهبیدار بود و اگر میند که
با ملک گشتی گرفت و افتاد دلیل که از دنیا زود برود و اگر میند که ملک الموت را بیند اخت بعضی از جهان گفته اند که پادشاه را شادمان
یا بد مغربی رحمة الله علیه که یک سال هر که ملک الموت را بخواب میند خرم و شادمان دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر میند که
موت بر روی سلام کرد و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و حاشا که روی پر شهادت نهد و اگر میند که ملک الموت
بروی چیزی شیرین داد و دلیل که جان گذن بر روی آسان بود و اگر میند که ملک الموت بر روی بخشنه میند دلیل که با خیر
مرگ او باشد و اگر میند که ملک الموت بر روی خیر غنی داد و دلیل که جان گذن بر روی و شادمان باشد که او را خبر دادند
که ملک الموت بستان حاست و او از دور بیکر کرد و دلیل که او را بسیار و شاه کار افتد و اگر میند که ملک الموت را بکشت
و دلیل کند که او دشمن خلق کرد و بدین صله العرش آن فرشتگان را اندک عمرش را با مرگت چون ملا بر سرشته اند اگر کسی
ایشان را بخواب میند دلیل که با سلطانانی کار افتد و مراد بآید و اگر میند که با ایشان پیوست داشت و دلیل که او را بسیار و شادمان
بزرگ کار افتد و خیر و منفعت میند که کانی رحمة الله علیه که یک سال که با کسی که اهل وین باشند پیوستگی کند و بی که او را
فرمود تعالی و توی الملائكة خافون من حول العرش یسبحون بحمده و اگر فرشتگان او را بخواب
و به بندگی خویش باز داشتند و دلیل که اجلش فرا رسیده باشد که اما کاتبین هو کائنات که کردار و کفایت و خلق از بنک است
میند این سیرین رحمة الله علیه که یک سال که اگر کسی که او را کاتبین را بخواب میند که صلح باشد خیر و صلاح و و جهانی محبت
شود و اگر میند که او را زود و بسیار کشد که تعالی یسبحون ما یفعلون این سیرین رحمة الله علیه که یک سال که او را
فرشتگان با هم جنگ و بر و میگردند و دلیل که کند کار و ماصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد و فرمود تعالی

[illegible]

با کمال آنروغ و غم و اندوه و سختی و دلاست باشند تا از جسد بود بخیر و صلاح و آبادانی کار و دین و دنیا و اگر میند که بخیر از
 از جای نقاش میکرد و در این آنروغ دعای بر سبک و در دلیل خدا تعالی بای طایر طایر اهل آنروغ فرستد مگر توبه کنند و
 خست استیال با ذکر گمانی رحمت الله علیه که بد هر بنده یمن که پیاپی بری را در جای خود تا فروری و شادمان بیند دلیل
 مرد و پاد و نصرت یا بد و اگر از چیزی خشنکین بود و دلیل به بد عالمی و بیخ و سختی بود و اگر بخواب از بین بران چیزی شود و دلیل
 از علم آن پیاپی بران بد و یا بد و شادمان شود و اگر میند که پیاپی بران بخت و دلیل که خیاست کرده باشد بقوله تعالی قیاما
 انفعنا لهم منینا قتلهم و کفرهم یا ایها الله و قتلهم الا یقینا ان یغفر حق جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید که اگر آدم علیه السلام را بخواب میند بزرگی و ولایت یا بد قوله تعالی و عصی آدم و کله فغوی الله اجبت به
 و کله فتاب علیه و کله و اگر بخواب میند که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که عالم آموز و عالم آدم
 الا سماء کلها و اگر میند که آدم دوست او گرفت و بزرگی و ملک یا بد و اگر بخواب میند که آدم را طاعت بزرگی
 که ماسی و بد بخت شود و حق علیه السلام را بخواب میند دلیل که دولت و اقبال یا بد و پیش و خوشی و نعمت فراوان و نعم
 و اگر در دو فوج علیه السلام را اگر بخواب میند عرض و از کرد و دل و سکن از دشمن بیخ و سختی میند و عاقبت برادر رسد
 او بر علیه السلام را اگر بخواب میند کارش نیکو شود و عاقبت محمود گردد و بر علیه السلام را اگر بخواب میند شمشیر
 بروی آفوس کنند و عاقبت برایشان ظفر یا بد و بر علیه السلام را اگر بخواب میند کارش بصلح یا بد و برادر و دل میند
 صلح علیه السلام را اگر بخواب میند جای بجای بخیر کند و در خیر بروی کشا و شود و بر علیه السلام را اگر بخواب
 میند هیچ اسلام بگذرد و بعضی از معجزان گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که بد بخونی کند با و در ویدر اهل
 علیه السلام را اگر بخواب میند بشارت فتح و غنیمت یا بد بقوله تعالی و کثیر ناکه یا یسعی یسعی من الصلحین
 یعقوب علیه السلام را اگر بخواب میند از قبل فرزندان غم و اندوه و خور و عاقبت از غم فرج یا بد بر علیه السلام
 را اگر بخواب میند خویشان بروی بهتان نهند و عاقبت بزرگی یا بد شحیث را اگر بخواب میند خصم بروی علیه کند و بخت از
 بروی ظفر یا بد موسی را اگر بخواب میند بشارت که در باطن عیان باشد از آن عاقلش که در و در دشمن ظفر یا بد بقوله عز وجل و یوحی
 کذبت و یوحی انما و یوحی انما یوحی من بعضی مدبران گویند که موسی را بخواب میند دلیل که پادشاه و از و پادشاه شود و او و علم را اگر
 حق تعالی او را بزرگ و یا دشاهی و نعمت و مال و جاهش زیادت کرد و اند که با علیه السلام را اگر بخواب میند حق تعالی
 او را توفیق دهد و طاعتی بجای علیه السلام را اگر بخواب میند حق تعالی او را توفیق دهد و نیز خضر علیه السلام را اگر بخواب
 میند سفری دراز کند یا ایمنی و در ق و عمر دراز بولس علیه السلام را اگر بخواب میند عیسیا فرج یا بد و در تاریکی روشنائی
 یا انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام را اگر بخواب میند کارهای هر دو بروی زند و کرد و توفیق طاعت و خیرات یا بد
 حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم را اگر بخواب میند نهمه عیسیا فرج یا بد و اگر و مدار باشد و پیش گذارده شود و اگر

[illegible]

ما انصاف بود و اگر او در شهری گشاده روی و خوش طبع بیند و دلیل که در اکثر محل و انصاف بدید آید امیر المؤمنین
عثمان ابن عفان رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه که بدید اگر کسی امیر المؤمنین عثمان ابن عفان را رضی الله عنه و خدای
بیند و دلیل که در ع و زهد و پرهیزکاری اختیار کند و اگر او در شهری خوش طبع و گشاده روی بیند و دلیل که مردمان شهر
بفرمان و علم امر و فتن رغبت نمایند امیر المؤمنین علی مرتضی رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه که بدید اگر کسی امیر المؤمنین
علی را رضی الله عنه بخواب بیند خندان و خوش طبع و دلیل که اگر است و تجامعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند انشهر بعدل
و انصاف موصوف گردد و لیکن گاه و گاه میان ایشان خصوصیت بود تا ویل صحابه رضوان الله علیه هم چنین است ابن سیرین
رحمه الله علیه که بدید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند و دلیل که در راه دین و اسلام بکماند و در میان مسلمانان مساوی
القول گردد و بدیانت موصوف گردد و لقوله علیه السلام اخذنا بی کمال الجود و یأمرنا ان نقتل یتیم ثم نبرکته و نقتل
علیه و سلم باران من ستار کا شند هر که اقتضای آنکه گداه یا بدید امیر المؤمنین حسن و حسین رضی الله عنه و عمار را خواب بیند
خیر و راحت برسد و عاقبت در خیر شهید یا بدید جعفر طیار را رضی الله عنه را اگر خواب بیند دلیل که حج و عمره کند ابو هریره
و انس بن مالک رضی الله عنه اگر خواب بیند دلیل که بسنتها را غلبه بود و علم و شریعت دوست دارد و مسلمان
فارسی را رضی الله عنه بخواب بیند و دلیل که حق جل علاه را علم و قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد و عبد الله
بن عباس ابن مسعود رضی الله عنه را بخواب بیند و دلیل که بکار دین مجتهد باشد طلال حبشی رضی الله عنه را بخواب بیند
و دلیل که مروت گردد و ثواب مؤمنان یابد و براه سنت و جماعت رود و فی الجمله دیدن باران رسول الله صلی الله علیه
علیه و سلم دلیل بر خیر و منفعت دنیا و آخرت و می باشد و اگر کسی را از علماء و حکما و زما بدید خواب بیند و دلیل که بر کار
خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علماء و دانشمندی از صفتی است که علیه و سلم و راه نمایان مسلمانان اگر
بیند که در شهری و یا در محلی کرده علماء و مکمل جمع آمده بودند و دلیل که مردم انشهر را نصرت باشد بر جاپلان بگفتند و کردار
امیر و نبی منکر تمام شخص در باب رویت حق جل علاه و فرشتگان و پیغامبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیر خبری را می بدید که بیند
بر خیزد و تبسم بیان کند لقوله تعالی حرف الالف من کتاب کامل التبعیر آبادانی ابن سیرین که بدید
اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان می گرد و چون مسجد و مدرسه و نمازگاه و آنچه بدین نماید و دلیل که بر صلاح دین و خیر و خدای
آخرت که در راه حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب از خرابی آبادان می گرد و چون سرا و کان و مانند این دلیل که خبر و غایده
انجمنان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان می شود و خراب شد دلیل که اهل آنجا بیک راه و ملا و صحبت رسد جا بر سفری گوید که
اگر کسی خوشتر بخواب در جایگاهی آبادان مقیم بیند دلیل که خبر و منفعت یابد بقدر آبادانی که دیده بود و اگر بخلاف بیند
و دلیل بر شر و فساد و مضرت و می کند حضرت صادق علیه السلام که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بر دواتل بر صلاح و خیر
انجمنانی و دویم خبر و منفعت استیم بر دواتل چهارم بر کثایت کارهای بنده آب پاکتر از کمالی همه چیز است

هر وقت که تا این زمانه که کل شیخ حجت ابن سیرین میگوید که برادر آب می گفت چون آب دریا و رودخانه و آنچه درین رود
 در این کینه برقرار بود آن را اعتقاد پاک و بی و اگر میند که آب مسافه مشکوکی بسیار بخورد و دلیل کند که میترساید و جویند
 بری خوش بود و اگر میند که آب تیره باشد و بری خورد و دلیل بخلاف این بود و اگر میند که زرد یا آب مسافه شری می خورد و دلیل
 کند که میند آن زرد شده و دل و نعمت باید و اگر میند که جله آب دریا یا بخورد و دلیل کند که پادشاهی همه جهان را بجز و درین
 اگر میند که بعد از آن آب دریا خورد و بخورد و برابری و دل و نعمت حاصل کرد و چون آب روشن و صافی بود و اگر تیره بود
 آنچه در رسد یا بچ و سخن و ترس بود و گمانی گوید که اگر میند که آب گرم می خورد و دلیل بود که بیماری و بچ کینه اگر میند
 که بروی آب گرم می ریخته چنانکه در اخبار نباشد و دلیل کند که بیماری کرد و یا غمی سخت بدور رسد و اگر میند که آب سفید و دلیل
 کند که در بچ و غم گرفتار کرد و اگر میند که آب بجام یا بر دست و دلیل کند که بر مال و زن و گمانی فریبند کرد و اگر میند که در کاش
 آب کینه بر زن خویش داد و کاش آگینه را نسبت بچ و بر زن آن کرد و اند و آب که در کاش آگینه بود و در زن و حفل بود که در شکم دارد
 یا شد اگر میند که در شکست و آب بر بخت و دلیل کند که بخت و بیدر و فرزندش بماند و اگر میند که آب بر بخت و کاش می
 ماند و دلیل کند که بر دشمن میرد و زن او ماند و اگر میند که بی بها آب بر دم می داد و دلیل کند که در دنیا و آخرت خیر و بر دم می
 و جایگاه و خراب را آبادانی کند و اگر میند که در خانه که اندر آن آب ریخته بود و داخل شد و دلیل کند که غلغله و مشکوک در و اگر
 میند که آب صافی پیاله مانند سکی خورد و دلیل کند که زندگانی بعبود و عشرت گذرانند اما کار می کنند که در جافتنه بدور رسد که دل
 صبح را از کاش که بر و آن بخشد و بخیرات خرج کند یا بر سفری گوید که آبها که بوقت زیاده شود و دلیل کند که در آن سال زلزله
 و نعمت بود و اگر آبهای بسیار و بد که برین خورد و دلیل کند که مردمان عامه را سلامت و عافیت بود و قول تعالی و قتال
 یا ارض باقی ما ذلک و یا سماء اقلعنی و غیض الماء و اگر میند که آبها از سر مردمان فرو می آید و دلیل کند که در آن سال
 نعمت و فراخی بود و آن در قول تعالی انا سببنا الماء حبنا و اگر میند که در خانه او آب صافی بود و دلیل کند که نعمت و فراخی
 و جویند یا بد و اگر میند که در خانه وی آب تیره ایستاده باشد تا ویش بخلاف این نبود و انیال گوید که آب وادن باغ و گشت
 آنچه پیاده و داند و دلیل کند که بر مال و دستکاری اندم و داند و آب وادن مردمان را دلیل کند که بر دین و دیانت و کردار و دای
 نیک و پسندیده بود و اگر میند که آب اندر می رفت و اندر آن وقت تن و قوی بود و دلیل کند که بخل و حسابش بود که در
 از قبل نیش و قول و اندر آن قبول بود و خاصه کارهای اندر آن کار ظاهر کرد و اگر میند که آب صافی رفت و تن او پشید و در
 و دلیل بر قوت دین بود و توکل کردن بر ایزد و تعالی و مستقامت کرد و اگر میند که آب بیاض می خورد و دلیل کند که زن خواهر
 یا کزن خورد و اگر میند که آب پاک بروی بر بخت و دلیل کند که از آن کس خیر و منفعت بدور رسد و اگر میند که آب تیره بروی ریخته
 یا ویش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب غرور و فتن بچ آب اعتبار برنج و به تعبیر کنند اقول بعضین
 و بزم فوت سیم بکار شود و چارم فیم چسب عمل از جبهه رئیس شهر یا کله ناوهای با این در حرف بل بیان کنیم و ناوهای

سید

حریحان

حزین

حجیه

سکریه

حرمیه

دلیل کند که زن جادویه ویرا حاصل کرد و او ازین حرام خورد و بی وینست بود و اگر بیند که در آب خانه بول و غایب می کرد
 دلیل کند که مال خورشید را بریزد کند و اگر بیند که در آنجا نه بقیه و یاد ماه آنجا نه افتاد و دلیل کند که در هیچ مال غریب بود و اگر بیند
 اگر کسی در جادو آنجا نه خوانده و دلیل کند که مال کسی بجنبه بستاند اگر بیند که چون بقیه دست و پای او بشکست و دلیل
 کند که بوی سخت بدورسد حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن آنجا نه در خواب برنج و جادو و توکل از حرام و ویم
 عیش دنیا سیم خزینه چهارم شروع و در حرام خیم زن عاومه و حرام خوراد ایدستان ابن سیرین گوید که ایدستان و خیم
 خزینه دار و صاحب خیم بود که خیم و دخل در دست او بود و اگر بیند که پادشاهی ایدستان بوی داد و دلیل کند که خیم
 و خیم را پوشاد بود و اگر او کسی و هر چه بر این قیاس بود و اگر تانی گوید که ایدستان در خواب خادم بود و قبول خدا می خورد
 تو را تعالی یغوث علیه السلام و لدان مخلد و قوت پاکو آب و کلبا و نیتی و اگر بیند که ایدستان او بشکست و دلیل
 شد و دلیل کند که زن از وی جدا کرد و یا نیرد و اگر بیند که از آب دستان آب می خورد و دلیل کند که ویرا فرزند می
 حاصل کرد و خاصه که آب را صافی میند و خوش ضم حضرت صادق علیه السلام گوید که دیدن ایدستان در خواب خیم
 و جادو و اول خادم و ویم خزینه سیم و بر کار چهارم فرزند خیم روزی اندک از جانی که امید ندارد و ایدستان
 ابن سیرین گوید که اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود و چون آب آستن دلیل کند که او را مال و نعمت دنیا حاصل کرد
 و هر چند که شکم بزرگ تر بیند مال دنیا بیشتر بود و اگر تانی گوید که فرزند یا بالغ خود را آب آستن میند و دلیل کند که اگر سپرد و در
 نعمت و مال حاصل کرد و اگر میند و خواب دختر خود را درش را نعمت و مال حاصل کرد و ایدستان ابن سیرین
 که خوردن ایدستان در خواب دلیل که بر رنج و بیماری زن کند که اگر بیند که ایدستان می خورد و دلیل کند که بقدر آن ویرا
 بیماری بود و اگر تانی گوید که اگر بیند که ایدستان بر بخت یا از وی هیچ نخورد و دلیل کند که از غم و اندوه و فرج یا بد و اگر بیمار
 بود و شفا یا بد حضرت صادق علیه السلام فرمود که خوردن ایدستان بر رنج و وجه گفته اند اقل بیماری دو غم غم ستم و غم
 جهاد و حاجت خیم ناسازگاری یا ابل و خیال آبکینه و انیال گوید که آبکینه در خواب زن بود و اگر بیند که در
 آبکینه آب می خورد و دلیل کند که زن خوابد و مال یا بد اگر میند و آبکینه کسی شراب داد و دلیل کند که اگر کسی زن
 ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که آبکینه سفید داشت و نامش بر آنجا نوشته بود و دلیل کند که دولت دینی و دنیایی نام
 و حاجت او را کرد و اگر بیند که بر آن آبکینه نام یا دشتا نوشته بود و دلیل کند که بر او جانش نزدیک بود و اگر میند
 پادشاه یا دشتا و اگر نباشد دلیل کند که بر قند و انداز و آن خیر و غری یا بد جابر مغربی گوید که اگر بیند که آبکینه دشتا
 و بشکست و دلیل کند که از زن دارد و طلاق دهد و اگر زن ندارد و نیتی از خویشان می رحلت کند و بد و اگر آبکینه که
 بنا و بل نیر که خداوند کار بود و بعضی از معبران گفته اند که آبکینه که کسی بود که کارهای زنانه گذارد و پیوسته او را
 بازماند و محالطت بود و آبکینه ابن سیرین گوید که ابله و خواب زیان مال بود که میند که بر زن او افتد بود که بقدر آن

خواسته مال او را حاصل کرد و کرمانی گوید اگر عینید که بر تن او آید بود و دلیل بود که بقدر آن مال حرام حاصل شود حضرت
 صادق علیه السلام فرمایند که آبله بر تن دیدن برنج وجه بود و اول زیادتی مال و دوم زن خواهر سیم پسرش آید چنان
 حاجت روا شدن چشم از ترس بیم این کرد و چون آبله سفید آید بوس این پیرین گوید که دیدن آبتوس در خواب
 مردی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما تا که و بخیل بود و از وی چیزی بکس نداد کرمانی گوید که آبتوس در خواب
 زنی بود بهر برین صنعت که مادر کرد و شد حضرت صادق میفرماید که آبتوس در خواب کسی باشد بهر برین صنعت
 که گفته که آبتوس و انبیا که آید اگر کسی آتش بید و در خواب بیند دلیل که پادشاهی نزدیک است که در دو کار بسته او
 نشاده کرد و اگر عینید که کسی و بر آتش بخت و آتش پیرا سوخت دلیل که پادشاه بروی ستم کند لیکن نه و غاصبی
 یابد و بنار نشاندگی یابد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید فرموده **وَلَنُلَاقِيَنَّهُمْ كَوْنًا أَوْ سَلَامًا عَلَىٰ**
أَنْفُسِهِمْ و اگر عینید که آتش بر آتش دلیل کند که روی بگرایست سفری کند و اگر آتش را بافت و موز و سوز بیند
 دلیل کند که از علت تب بیمار کرده و اگر عینید که آتش اندام وی را بسوخت دلیل کند که بقدر آتشو خنکی و برای چ و ستم
 رسد و اگر کسی بیند که آتش در خانه وی افتاده همه اندام او را بسوخت و زنده می زد و از و سهم و ترس در دل آید
 دلیل کند که از محنت و مصیبت که بد و رسد سبب بیماری و ضعف بود چون سیرا و طاعون و آبله و سرخه و آنکه بخت
 مانده و اگر عینید که از آن آتش فرار گرفت دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بروی رسد و اگر عینید که آتش را در دو
 دلیل کند که مال حرام وی را برنج و بنار حاصل کرد و با جنک و خصومت و اگر عینید که از آتش شکر می و پیش روی می رسید
 دلیل کند که کسی وی را از دو در جنبش کند کرمانی گوید اگر عینید که شعله آتش بر دامن می افتادخت دلیل کند که در میان مردم
 عداوت و دشمنی افتد و اگر از کرمانی عینید که آتش در کان و کالای او افتاد و دلیل کند که کالائی که دارد بر باد و در آید
 بدنی از و بسوزد و بر کسی شفتت برود و اگر عینید که آتش در خانه کسی افتاد و دلیل که آنکس در جنگ است
 و اگر سلطان افتد و اگر عینید که آتش جامه او را بسوخت و دلیل کند که با دشمنان جنگ و خصومت کند و از سبب مال
 اندوهمین کرده و اگر کسی آتش عظیم در زمین بیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ افتد و اگر چیزی سوخته بیند دلیل
 کند که از بخت زمان و بر با کسی خصومت کند و اگر عینید در شهری یا در محله و در سرای آتش افتاد چنانکه هر چه بود ستم را بسوخت
 آن آتش زبانه میزد و از سبب این می داد و دلیل کند که در آن موضع جنگ و کار زبانه و یا بیماری مصیبت افتد و اگر عینید که
 بر حن چیز را بسوخت و برخی را که در دوازدهمین نداشت دلیل بود بر جنگ و کار زبانه در آن موضع و اگر زبانه و فریاد
 داشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را باد و عینید دلیل که بر نرس و بیم اندک کار با و اگر عینید که آتش از آسمان
 بیفتد و شهری یا محله یا سرای بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر آن موضع ستم بود و اگر عینید که از سبب این
 زبانه می زد و در جانی افتاد لیکن زبانه می کرد و دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی و خصومت افتد بزبان و اگر عینید

سینه
 سینه
 سینه

باب

از نیر زمین آتشی می آید و سوسو آسمان شد و دلیل بود که آتشی در دوستان باقی بقای حرب کشته دروغ و بهتان گفته می شود
بعد از آن آتش که دیده بود و اگر می آتشی از بالای بیانی می رفت و آن آتش هیچ گاه نمی گریه بلکه دلیل بود که در آن مغفست
یا به و کرد و پیش بود و اگر کرد و استعجل اشعت که دید که اگر کسی بیند که آسمان باشد باران آتش می باران دلیل بود که در آن سخن
بود از جهت پادشاهان در آتشی بود و اگر بیند که آتشی آسمان بیاید و چیزی می خورد و می که از آن با و بود و سوخت و دلیل که در آن
وی نزد حق تعالی نیرفته کرد و قوله تعالی بقرآن یا کله التاء و اگر بیند که آسمان آتشی می آید و کسی را سوخت و دلیل که در آن
حق تعالی باشد قوله تعالی عذاب النار التي كنتم فيها تكذبون و باشد که از پادشاه و برابیم بود و اگر بیند که سر آتش می زنند
گرم بیند دلیل که که پادشاهی بزرگ نزدیک کرد و اگر بیند که آتشی چیزی می بخت که متعلد نباشد و نباشد و می تمام کرد و در آن
که آتشی آسمان فرو آمد و نبات زمین را سوخت و دلیل بود که در آن و باران بود و باشد که در آن مغفست و دلیل بود که در آن
توبه یا سزا سوخت و دلیل که که پادشاه آتشی بود و بعضی از متبرکان که آتشی بیند که آتشی از زمین می آید و در آن
سید و دلیل که که در آتشی که در حضرت صادق علیه السلام می فرماید که اگر بیند که آتشی می باران آتشی می بخت و دلیل که که مال زمین خود
نور تعالی الذین باطلوا انما یا کلون فی بطونهم فاما و استصلوا فی سعبان
و اگر بیند که از دامن وی آتش می آید و دلیل که که سخن دروغ و بهتان که بیند که اگر کسی آتشی می بیند که آتشی می بخت و دلیل که که از
برجائی می آید که میان عیت و مردان یا پادشاه و اگر بیند که در جلعوی او آتشی افتد و در آن زمان داشت دلیل که که در
خبر و یکی رسد قوله تعالی انما یا کلون فی بطونهم فاما و استصلوا فی سعبان و اگر بیند که آتشی می بخت و دلیل که که در آن
نور تعالی کلما او قتل و فاء الحیر و اگر بیند که آتش در مردم میزد و دلیل نصرت بود و از پادشاهان و اگر بیند که آتش
سوخت و آن آتش نور داشت دلیل که که از غلت سرسام می آید و اگر بیند که آتش را نوزد بود و دلیل بود که کسی را سوخت
و غیر ندان وی نزدی آید که مردان بروی شنا گویند و مال و بزرگی یا به بعد نور آن آتش و اگر در زمین آتش بیند و دلیل که
بر پاری می می صعب چون آید و طاعون و سرسام و مردم که مغفست و اگر آن آتش را با و دو و بیند و دلیل که که از آتش
که از سر می بود و اگر آتش را در بازار بیند و دلیل که که بر پاری می آید و اگر آن آتش را با و دو و بیند و دلیل که که از آتش
گویند که اگر در وی آتشی افتاد و بیند و دلیل که که در مردم می آید و اگر آن آتش را با و دو و بیند و دلیل که که از آتش
آتش می بیند و دلیل که که در وی آتشی افتاد و بیند و دلیل که که در مردم می آید و اگر آن آتش را با و دو و بیند و دلیل که که از آتش
ایستاده و بیند و دلیل که که از آتش افتاد و بیند و دلیل که که در مردم می آید و اگر آن آتش را با و دو و بیند و دلیل که که از آتش
فروغ قوت بود و خواسته و آتش با و دو و پادشاه متکرر و نم و اندوه و زبان بود و اگر بیند که آتش را فروخت تا گرم کرد و می
و دیگر بران گرم شد و دلیل که که چیزی طلب کند که از آن مغفست یا به و اگر بیند که بیایه و آتشی را فروخت و دلیل که که در آن
جنگ و خصومت کند و اگر بیند که آتش را فروخت چیزی بر پاری می آید و دلیل که که در وی پیش که و سبب غیبت را

تذکره

با طلب حال کسی کند و اگر میند که از آن بریان بخورد و دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد با غم و اندوه و اگر میند که بزرگ
 آتش می افروخت و در دیکت کوشت بود و یا چیزی دیگر و دلیل کند که کاری بسیار که از آن کار که با نومی خانه در شفقت رسد
 و اگر میند که در آن در یکسج طعام بخورد و دلیل کند که از آن کار با غم و اندوه بود و اگر میند که آتشی برافروخت حلال بر و دلیل کند
 که آتش می نیکو کند و اگر میند که آتشی برافروخت از برای روشنائی و دلیل کند که کاری را بخت و برهان روشن کرد و اگر میند که بوی
 میند که جای کسی آتشی برافروخت تا این آن جای که در اسوزاند و دلیل بود که اهل آن موضع را عیبت کند پس بوی که بوی و اگر میند که
 در تنور یا در آتش داس می افروخت بی آنکه طعام برزد و دلیل کند که با مروی از ایشان و یا اهل بیت او را بخت و خصوصت
 افتد و اگر میند که خواست تا آتش برافروزد و از بر شغفتن خست و آن آتش بر نمی افروخت و روشنائی نمیداد و دلیل کند که از
 ظلم خویش بر خود و آدمی یا بر دیگران کس پادشاه بود و عرق جاده و دولتش افزون کرد و اگر میند که آن آتش که افروخت بر
 و دلیل کند که بزرگ کرد و جابر گوید اگر میند که در بیابان آتش می افروخت که مردمان از فرزان آتش راه می یافتند و هر کس وضع
 و مقام خویش می یافتند و دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره می یافتند و راه راست که نیکو میند که آن آتش فرود می رود و نور او
 زایل می گردد و دلیل کند که آتش متغیر و باشد که از دنیا رحلت کند و اگر میند که آن آتش در بیابان افروخت نیز از راه راست
 می درخشد و دلیل کند که علم او مردمان را راه ضلالت برود و اگر میند که آتشی در موضعی برافروخت تا آن موضع را اسوزاند و دلیل کند
 آنرا سوخت و آن باز در کان بود و دلیل که خرید و فروخت متناقض کند و مالش حرام بود و اگر میند که از خانه همسایه آتش
 می برد و دلیل کند که مالی حرام به دست آورد و روشنائی آتش این برین گوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش میند چنانکه
 بان روشنائی راه از آن رفت دلیل کند که راهی یابد و اگر روشنائی آتش را ایستاد و میند و دلیل کند که سبب دولت
 و پادشاهی بود و اگر فروخته دلیل کند که در آن دیار و ریت سلطان پیدا یابد و اگر در خانه خرد و خرد و چنانکه از نور آتش خانه
 روشن بود و دلیل کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاد گردد و اگر میند که آن آتش را بخت و دلیل کند که در خانه از آن
 نصومت و اواری بود آتش پرستیدن و انیال گوید اگر میند که آتش را می پرستند و سجد می گردند و دلیل کند که پادشاه می گرد
 سجد کند و بجز مشغول گردد چنانکه او را تشکیب اگر میند که تنور یا آتش یا چراغ را بچند می گرد و دلیل کند که بخت
 مشغول گردد و اگر میند که آتش را بوسه می داد و می پرستید و دلیل کند که صاحب خیر پادشاه گردد و اگر میند که در میان
 آتش را خد می کرد و دلیل کند که پادشاه بطوع و رغبت بازگانی کند و لیکن عاقبت کارش در خطر بود و خاصه که از آتش برین
 او کند و سجد و اگر آتش برین او را هم کند و نزد و دلیل کند بر همه رسالت سلامت نفس و جمعیت بار و کار او از پادشاه بود
 و اگر میند که در میان آتش رفت دلیل کند که بقدر آن از پادشاه شفقت یابد و اگر میند که آتش از روی یا از جامه یا از دست او
 روشنائی میداد چنانکه خلی از نور او بخورد و دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و مراد و و جانی حاصل کرد و قوله تعالی و اذ خلی
 بلیک فی حبیبیات مخجج بیضا من عین حق و این چیز حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل شعث

سجد
 سجد

آتش
 آتش

آتش
 آتش

باب الحجاب
در حجاب

که بد که اگر کسی در خواب بیدار که آتش بر سر عقیده دلیل کند که باز داری و عموایی کند و آن آتش که بر سر عقیده که شکل انگار
اغرض از این جمع کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند شراره آتش این سیرین کوید که شراره آتش و در خواب
باشد که بوی رسد و اگر سقیاس شراره آتش روی می افتاد و دلیل کند که در محنت و بلائی سخت گرفتار کرد و در کارها
اگر بیند که در شری یا کوچه شراره آتش می افتاد و دلیل کند چنگ و فتنه و آفت وضع پیدا آید و اگر بیند که شراره آتش
سخت بزدل بود و دلیل بود که عذاب خدای عزوجل بد و در رسد یا بد آفت وضع رسد و در آفت آتش نوحی دشت و
کافق و کافک که نه جلاله خضر و اگر بیند که شراره آتش در میان مردمان افتد و دلیل کند که مردمان آفت وضع و
جنگ و خصومت افتد و آتش از آفت و بازی کردن آتش سخت است گفتن بود و جابر مغربی کوید اگر بیند که شراره آتش
در دست و پشت دلیل کند که کار پا و شاه مشغول کرد و اگر بیند که با آن آتش و دود بود و دلیل کند که در آن کار و
بیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش در دست می فروم و دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و دلیل
اگر از آن آتش پاره مردم را می داد و دلیل کند که از کار و روی مردمان رنج و مضرت رسد و مردمان بخشن و او شود و اگر بیند
که چیزی از خود بی بر روی بخت و میخورد و دلیل کند که سخنها می خوش شوند و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دلیل آتش
در خواب بر بیت و بیخ و جود اول فتنه بود و دوم کار از اسیم فساد چهارم مرتب چشم خصومت ششم سخنها
هفتم منع از کام و مراد هفتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم لفاق یا دود هم بر لای و دود دهم علم و حکمت سیزدهم
راه دهم چهاردهم مصیبت پانزدهم ترس سیم شانزدهم سوختن هفتم خدمت پادشاه و بیجهت طاعون و بیجهت
سرام بیستم آید بیت و یکم گشایش کار بیست و دوم فضیلت بیت و سوم مال حرام بیست و چهارم
بیست و پنجم منفعت آتش و آن این سیرین کوید که آتش و آن بخواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتش
آهنگین بود و دلیل کند که آن زن از خوشیانش اهل آن خانه بود و اگر آتش آن چنین بود و دلیل کند که آن زن از خوشیانش
اهل آن خانه بود و اهل لفاق بود و اگر آتش و آن از کل بود و دلیل بود که آن زن اهل آن خانه باشد و از شرک آن نیز
بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در بخواب برود و جود اول زن خادمه و دوم کینه آتش زن این
سیرین کوید که آتش زن و سنگ آتش و آن این برود و انبار باشد که از ایشان یکی خوی و دلیل بود و دوم سخت دل بود و این مرد و
بر شرف و کارهای بزرگ را در زندگانی کوید اگر بیند که از آتش زن آتش سیرین می آورد و از او شمع با چراغ برافروخت اگر آتش
پادشاه بود و دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف و آسایش یابند و اگر بیند که در خواب عالم بود و دلیل کند که مردم از غم و آتش
یابند و اگر بازگان بود و دلیل کند بزرگ بامردمان خیر و جود و احسان کند و اگر در ویش بود و دلیل کند که مردمان از سیرت و کردار
منفعت یابند حضرت صادق میفرماید که اگر بیند که از آتش زن سیرین آورد و دلیل کند که مال حرام از بنده پادشاه و دلیل کند که
او مشغول کرد و از شوق مال بدست آورد و اگر بیند که از آتش زن سیرین آفرودن و دلیل کند که مال طلب کند و بیجا

آتش
خشم

سخت

منتهی

س

آسمان میبرد و در سفر می بود و تحت و برکت و اگر میند که چنان مست میگردید تا آسمان رسیده و دلیل کند که معصرت و هیچ نشانی
 میند که آسمان رفت بر این نیست که بر زمین بماند و دلیل کند که رنگی و پادشاهی و بدو که می رنگت شب کند و بسیار و اگر میند که
 آسمان بماند و تمامی شود و دلیل کند که بر خیر و دوست و اگر میند که مرغی از آسمان بدی سخن بگفت و دلیل بود که نادانان و اگر میند که
 گوید اگر میند که او در آسمان سبب یا دوست چنانکه مردان را از زمین میند و بود و دلیل که پیش از روایت بود و اگر میند که چنانکه
 چون میاید و در اینشت و علی و با و اگر او پس بود که خداوند خواب و در شبانم و در و اگر میند که از آسمان انجین می بارید و دلیل که
 مردان را خیر و نعمت و غنیمت بود و اگر میند که از آسمان یک یا خاک سبب یا و اگر اندک بارید و دلیل کند که نیک بود و اگر بسیار
 بود و دلیل آن بود و اگر میند که از آسمان که درم یا بار یا سنگ می بارید و دلیل بود و بر صواب خدای عزوجل از دان و بار و اگر میند که خود
 آسمان را از او بخت و دلیل کند که کار او چنانکه در و چنانکه مرغی که بر بالای زمین آسمان رفت بجای که در هم آنجا بخند و فرزند
 و دلیل کند که اجل در نزد یک آمد و بود و غایت که از این میند و بود و اگر خداوند از خواب بیدار و صبح و میند که در آنجا فرود آمد و دلیل که
 درین راه که در و اگر خداوند خواب صبح و مستور نباشد و دلیل بود که در کوه یا پاک کرد و اگر میند که از آسمان بر زمین آمد و دلیل کند که
 و بسیار می رسد و در آن شفا یا به و اگر میند که در میان آسمان زمین بنیادی بود و چون قضا که شکلی که نازک است و اگر
 بود و دلیل بود که خداوند خواب را پس عمل مغرور گشته بود و اگر میند که در آسمان کشا و دلیل کند که دعا و آسمان شهاب کرد و
 و باران بسیار بار و آسمان از آن بود و قوله تعالی فَتَخْتَلِفُ أَلْوَابُ السَّمَاءِ وَتَخْلُفُ السَّحَابُ بَرَقًا فَالْأَرْضُ يُخْرِجُ مِنْهَا نَبَاتًا كَثِيرًا
 آتَمِ قَدْ قُلِدَ و اگر میند که در آسمان در می باز بر روی یا از بهر مردم آید یا که شده و کرد و دلیل کند که بر خیر و نعمت مردمان آمد یا رستا
 که بکشاد و آن در دماغ خیر یا هر که و اگر میند که آسمان بیضا و دلیل کند که ایزد تعالی با وی بخشش بود و اتمام حقیقت صوابی میفرماید
 که آسمان بگویند سبز بود و دلیل بود که در آن و یا خیر و صلیح و اینی بود و اگر میند که بگویند سفید بود و دلیل که در آن موضع رخ و بسیار بود
 میند که آسمان رخ بود و دلیل کند که در آن و یا در جنگ و خون و ریختن بود و اگر میند که آسمان سیاه بود و دلیل که در آن و یا در بلا و فتنه و غم بود
 و اگر میند که آسمان روشن تر از آن بود که بود و دلیل کند که او را احتضار و روشنی تمام و درین حاصل کرد و اگر میند که برابر او آسمان کشا
 شد و دلیل کند که بر خیر و روزی بر او کشا کرد و عالم و حکیم که او را و روزی بسیار برودم رسد و اگر میند که آسمان را در آسمان رخ می
 بر و شود و دلیل کند که باران یا آن موضع را در دست حضرت بود و اگر میند که آسمان را بر پیوسته دلیل کند که برین و اگر در و دلیل
 اشعت که در اگر کسی میند که از آسمان سنگ چون باران می آید و دلیل کند که بلا سخت و قذاب یا بل موضع رسد و قوله تعالی إِذَا كُنْتَ تَخْلُفُ
 عَلَیْهِمْ حِجَابًا مِّنْ سَحَابٍ و اگر میند که از آسمان که درم و جو میاید و دلیل کند که اندان و یا در نعمتای الوان و قیاس بود و قیاس
 این و کسب و محبت بود آسمان این برین که در اگر میند که آسمان خانه وی بلند کرد و دلیل کند که بر فتنه آن مال و نعمت یا به
 و شرف و منزلت و اگر میند که آسمان خانه او بیضا و دلیل که از شرف و تزلزل بیفتد و زود مردمان بخوار کرد و اگر میند که آسمان
 خانه وی آب صافی چون باران می بارید و دلیل که بعد از آن مال و نعمت باشد و اگر میند که آسمان خانه وی مار و کرم می افتد و دلیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[illegible]

تسلیم کند و بعضی از جنان گفته اند که آفتاب به خادم قمری بود که آن قوم بطاعت او گردیدند و از سعادت بهر یکند و اگر میند که آفتاب به
 داشت یکی به او داد و دلیل کند که در آنجا و مانند بایکین که حاصل کرد و بدین صفت که گفتیم و اگر میند که آفتاب به یکست دلیل که خادم به
 کینه که بیار کرد و با بایر و اگر میند که آفتاب به او صانع کرد و دلیل که خادم به بایکین که او گریز و یاز و جد کرد و حضرت صادق علیه السلام
 که آفتاب به او خواب بر نهاده بود و اقول زن دوم خادم که یک زن چندم خادم بود و از چشم من ششم مرد را از معتم مال و نعمت بهر ششم خبر بود
 شهر داشت از جهت زمان الحج و آنکه الحج را بجا نیاورد و در خواب میند که آنکه بی خود دلیل که او را بیج و بیماری رسد بعد از آن
 که مالی که بیدار میند که الحج داشت بایکسی داد و باز از خانه بیرون نرفت و از او مخدود دلیل که او را بیج و بیماری رسد بعد از آن
 الحج در خواب در راه هیچ خبر و منفعت نباشد آما س این میرین که دیدن آما س و خواب مال بود که میند که بر تن او آما س پیدا شده
 بود و دلیل کند که بعد از آن او را مال حاصل کرد و خادم چون که در آن آما س و بیچ میند که بسیار بود که مالی که بیدار میند که بر تن او آما س بود
 چنانکه او را هیچ نماید و دلیل که بعد از آن مال حلال باید و اگر آما س جنان نباشد که بدو بیج نماید و دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام
 که دیدن آما س بر تن بیخ و چه بود اقول الش زید و او که دو دویم زنی با منفعت خود بیچ میسر آورد و چه آدم حاجش را که او دو چشم
 این کرد و از غنما و اگر میرین خود را آما س میند دلیل که این بیخ چیز که با او کردیم او را حاصل کرد و آما س بدانیال که چه کار کرد
 میند که با آما س می از تن میرد و دلیل که اگر مال دارد و بعد از آن می که بر سرده بود و او را مال حاصل کرد و او اگر غمگین بود از غم بیخ
 باید و اگر خادم دارد و او را مال ندارد که او این میرین که بیدار کند و در خواب تو را که از یاد تو مال بود و در دین را که از دین و ام
 و کا فخر از نشان مسلمان باشد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که اگر بایک و در خواب بر سرده و چه بود اقول خبر بود و دویم سخنانی رشت از تن
 سیم کارهای دشوار و عمارت کردن بایک و در مایل بدو و این آما س این میرین که بیدار کند این محمول بخواب و بدین خادم بود و اگر
 به محمول بود چیزی از شمع دنیا بدو رسد بعد از آن و اگر میند که آما س بوی داد و دلیل که از شمع و بیا بعد از آن که این چیزی بدو رسد
 که بیدار کند که کسی بخت بایک و در راه و در مشایخ با و شاه بود و خدا که خدای عز و جل در کار مجرب خود فرمود است قوله تعالی
 انکم بلایا فیه بانیس مشک بلایا و منافع للناس و اگر میند که آما س از شک بیرون می آورد و دلیل کند که او را سخنی شنید
 قوله تعالی انکم بلایا فیه بانیس مشک بلایا و منافع للناس و اگر میند که آما س از شک بیرون می آورد و دلیل کند که او را سخنی شنید
 میگرد و از اهل بیگانه بدو دلیل که او را بایکس خصوصت افتد و اگر آما س که بدو دلیل کند بر خیر و منفعت و بعضی از جنان گفته اند که آما س که
 بنا بر دل و پناه و بزرگ بود و او را که این میرین که بیدار کند و این بایک و در خواب بیچ میسر آورد و چه آدم حاجش را که او دو چشم
 نیک و بد بخندد و بدو بایک و بزرگ بود و اگر میند که آما س بوی داد و دلیل که از شمع و بیا بعد از آن که این چیزی بدو رسد
 و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که اگر بایک و در راه و در مشایخ با و شاه بود و خدا که خدای عز و جل در کار مجرب خود فرمود است قوله تعالی
 انکم بلایا فیه بانیس مشک بلایا و منافع للناس و اگر میند که آما س از شک بیرون می آورد و دلیل کند که او را سخنی شنید
 که بیدار کند که کسی بخت بایک و در راه و در مشایخ با و شاه بود و خدا که خدای عز و جل در کار مجرب خود فرمود است قوله تعالی
 انکم بلایا فیه بانیس مشک بلایا و منافع للناس و اگر میند که آما س از شک بیرون می آورد و دلیل کند که او را سخنی شنید

بایک
 بایک

بایک

بایک

بایک

بایک

بایک

و کرامی بود و اگر بیند که مردی تجمل آفرینیده بود و او و روی نکوست دلیل که بدیدن دوستی نماید شادمان گردد
 و برودن در خواب و انبال که یکدگر بر خواب دیدن برشش نوع بود اول بر سفید و سیاه و زرد و سرخ و ابر بارنده و ناله بارنده
 و بر کبریا و غیره و مناسبت و اگر کسی خوشنشین را در زیر ابر سفید بارنده وید دلیل که خدای عزوجل بر او علم و حکمت ارزانی داد
 و مرد و ناله از علم و حکمت او منتفت رسد و اگر بیند که در زیر ابر زرد بود و دلیل که بسیار گردد و بعضی از متعبران گفته اند که در ناله خواه
 و ناله وی برنج و غم و ناله و کشتن آن بیند که در زیر ابر سرخ بود و دلیل که بر محنت و بلا گرفتار گردد و زیر ابر خدای عزوجل بر او قوی که خدا
 بر شاد و بی محنت بر سرخ بر فراز آن ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز ابر سر راست بایستد و دلیل که بقدر آن فرمان روائی باید که
 بیند که ابر بر سر روی میگذشت دلیل که او را با کسی نیکو جاده و نیکو عهد و دوستی حاصل کرد و این بر سر بر
 که بیند که بر او و بر او ای راند و دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر بر ابر با و شاد و بیند دلیل که در ولایت خلیفه
 بر دولان و صاحب خیران فرستد و اگر بیند که ابر از جو کوفت و بر زمین آید و دلیل که با دشمنان و بر دشمنی باید و علم و حکمت
 و اگر بیند که ابر بر سر روی سایه می کرد و دلیل که در انسال خیر و نعمت بسیار باید و قوله تعالی وَ كَلَّلْنَا كَلْبًا عَلَيْهِمُ الْغُلَامُ وَ كَلَّلْنَا
 كَلْبًا عَلَيْهِمُ الْغُلَامُ وَ كَلَّلْنَا كَلْبًا عَلَيْهِمُ الْغُلَامُ و اگر بیند که ابر جابه در روخت بود و در پوشید دلیل که چندان علم حاصل کند که سر
 بنود و اگر بیند که ابر بر نه چنان را پوشید و هیچ ابران نبود و دلیل که بدو کرامتی که بدو که اگر بیند که ابر را جمع کرد و با برداشتن با خود
 و دلیل که در میان حکیمان ممتاز شود و در دانش چنان گردد و جابر مغربی گوید که اگر بیند که ابر را میخورد و دلیل که معیشتش و اند
 حکمت بود و اگر بیند که ابر بر سر و بر فراز موضع چای میخورد و دلیل بر شرم و خداست و دلیل که ابر از انداز ابر زرد کشت و دلیل که
 مستقامی از دیکت بود و اگر ابر با زبان سیاه و دلیل بر کثرت و غیرت کند و اگر بیند که ابر با زبان سیاه و دلیل که بقدر آن ویران گشت و نیکی و رزق
 و ابر با زبان در عسخت بود و دلیل که بر سر از غای مانده و در بال از غای مسلمانان و اگر با جدر برق میند این میند با خود و بر سر و کلاه
 و عاقله را عذاب محبت تر بود و اگر بیند که در خانه وی در جایگاه نشستن ابر کشته شده است و دلیل که بزرگواران و انبیا
 حکمت بود و در دانش نیز حاصل کرد و بر قدر تنگی و ناریکی حضرت صادق علیه السلام را که ابر بخواب دیدن بر ناله و جبهه بود و آن حکمت
 و در عجم بیست و یکم پادشاهی چهارم رحمت ختم بر پیر گادی ششم عذاب ختم بر ششم پادشاه ششم پادشاه ششم پادشاه ششم پادشاه ششم
 گوید که ابر سیاه و خواب و دلیل جیم و ترس و سختی بود و ابر با زبان برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن ابر که از کلاه
 را با اند که تازی آنرا سفید خوانند دیدن وی در خواب غنیمت بود و بر قدر آنچه بدو بود و ابر و با این سیرین گوید ابر و
 دیدن خواب دیدن بود و اگر بیند که ابر و دانش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود و دلیل که در نیت و بی تمام و کمال بود و اگر بیند
 که ابر و دانش خود ریخت و دلش کجایان بود و کرامتی گوید که اگر بیند که ابر و دانش با سوس ابر و دانش خود ریخت و دلیل که ابر و دانش
 چیزی گوید که از آنچه نوی را بدنامی و فساد درین حاصل گردد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که قصد چیزی کند که در اینک است و می مصالح
 برین حاصل آید و اگر بیند که ابر و دانش خود ریخته بود و دلیل که علم و آهستگی وی زیاده کرد و لیکن دانش را نقصان بود و جابر مغربی گوید

[illegible]

جوابیہ

بنده اینها اند و او را تو حیدر می بنویسد و دلیل کشت محنت و کار گرفتار کرد و بعد از آن بر دست خندان و خلف را بدو اگر چند که از او میستند
 هر دلیل کند که محنت و تلای وی در دنیا که از آن بود و اگر چند که از او میستند و تو اگر کردی نیست و دنیا بروی فراخ کرد و اما در این
 بنا کرد و کردانی که بدو اگر چند که نام وی متغیر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی
 و شاپور و دلیل بود که او را بدو خیر و نیکی با و سازند و اگر بخلاف این میزد و روان و بر او بدی یا اگر کند و اگر چند که او را بدو
 یا قاضی شد دلیل که در شغل خویش عدل انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این میزد و دلیل شود بدی بود و یا بر شرفی که بدو اگر چند که
 صلاح و انصاف و سبیل شد دلیل که بر شرفی و اداری وی و اگر بخلاف این میزد و دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیا می وی از او با
 این سیرین که بدو از او را با نجات دیدن دشمن بزرگ و اندوختنی قوی بود و اگر چند که از او دانی داشت و دلیل که با بزرگان این
 اگر چند که با او با نجات و برادر میگرد و برادر شد دلیل که بر دشمن او را چنانکه خصومت افتد و سر انجام دشمن را قهر کند اگر چند
 که از او را با نجات و کشت وی بخور و دلیل که بر دشمن خلف را بدو یا باستانه و بر شرفی که بدو اگر چند که از او با نجات
 و دلیل که بر دشمن بود که دشمن و برادران که از او اگر چند که بر پشت او داشتند و او را مطیع و فرمان بر او بود و دلیل که دشمن
 بزرگ و بر مطیع و فرمان بر کرد و کارهای او بظلام کرد و اسپندان کردانی که بدو اگر اسپندان بیند دلیل هم بود و اگر چند که
 می خورد و دلیل که بقدر آن بر او غم اندوه رسد اگر چند که کسی اسپندان بود و او دلیل که غمی از آن کسی بر او می حاصل کرد و اگر چند که
 اسپندان و کسی را غمی از وی بر او حاصل کرد و اسپندان اشفت که بدو اگر چند که اسپندان داشت لکن بخورد یا کسی داد
 یا از خانه بیرون بکشد و دلیل که او را غم و اندوه و کسر بود و اسپندان را نیال که بدو که اسباب نازی را با نجات دیدن دلیل بزرگ
 و غم و جاد بود و اگر چند که بر اسباب نازی نشسته بود و آن اسباب مطیع و فرمان او بود و دلیل که غم بزرگی و دولت با بدو بر قدر
 نیکوئی و وقت اسباب اگر چند که اسباب را گرفت و نه نازی بود و کسی بدو داد و بروی نشست و دلیل که شرف و بزرگی با بدو
 لکن کمتر از آن که در اسباب نازی گفتند و اگر چند که از آن اسباب چیزی کم بود و این یا نذرین یا کلام دلیل که بر قدر آن انصاف
 و بزرگی او بود و اگر چند که اسباب و برادرش آموه و دراز بود و دلیل که بر قدر آن وی را خادمان باشند و جا کران و اگر چند که نیش
 اسباب و برادر بود و دلیل که بر خادمان و جا کران نباشد اگر میزد چیزی را نایام اسباب و ناقص بود و دلیل که بقدر آن او بر خور
 او انصاف بود و اگر چند که با اسباب چنانکه و بر دینی کرد و اسباب غالب بود و فرمان بروی نبود و دلیل که سعیت و کناه که نیکو
 این سیرین که بدو اگر کسی میزد که بر اسباب بر شرف نشسته و دلیل که سعیت و سعیت و کناه و اختیار بود اگر آن اسباب کسی و دیگر بود و اگر
 خداوند اسباب را بود و اگر چند که اسباب بر سر نه بود لکن مطیع او شد و دلیل بر بزرگی و شرف او بود و اگر چند که بر اسباب نشسته بود و آن
 اسباب بر نام خانه یا بر دیوار ایستاده بود و دلیل که نیکو گفتیم از کناه و بیشتر و صاحب تر کند و اگر میزد بر سر نشسته بود و آن اسباب
 می برید یا چند که آن اسباب را بر او چون مرغ می پرید و دلیل که بر شرف و بزرگی بود و درین دنیا باشد که خداوند شرف بخشد
 کردانی که بدو اگر چند که بر اسباب این نشسته بود و دلیل که کار می کند که بروی کو اوی و برسد و اگر چند که بر اسباب نشسته بود و دلیل که

اینها

اینها

اینها

اینها

آنکه برادر دل و دهنش را حاصل کرد و اگر چینه که بر اسپ گشت نشسته بود دلیل که از پادشاه فوت و بزرگی باید و اگر چینه که
 شتر بود دلیل که بر صلاح دین و حرمت او از پادشاه و اگر چینه که بر اسپ نه بود دلیل که از آنکه بیاری باید بود
 دلیل بود و اگر چینه که بر اسپ بر بود دلیل که بر تیر و متوج و اگر چینه که بر اسپ سلیس بود دلیل که زن خواهد و اگر چینه که از اسپ فرو رود
 دلیل که از شرف و بزرگی یافته و اگر چینه که از اسپ بر نه فرو آید دلیل که از آنکه از نصبت باز آید و اگر چینه که بر اسپ نشسته بود
 تا به پیشه بود دلیل که شرف و بزرگی باید چنانکه کس را از آن منع نباشد و سخن را در نظر نیاید و اگر چینه که بر اسپ ایستاد
 چنانکه دلیل که از وی کتابی در وجود او آید یا ترس و وحشی بدو رسد بر قدر تا متناسب و اگر چینه که بر اسپ نشسته بود
 و اسپ او را در سجده بود دلیل که هیچ خیر از این نبود و اگر چینه که اسپ او را از آنجا بیرون آورد و اگر چینه که اسپ او را از
 وی کرد و دلیل که مال دولت باید و اگر چینه که اسپ با وی سخن گفت دلیل بود که کار وی کند که مردان را از آن بگفت
 و اگر چینه که اسپ بجا که نور سرای وی در آنجا بود که چندی دلیل که مردی شریف نام دارد در سرای او که چندی در آنجا بود
 و قیمت اسپ در آنجا مقام سازد و اگر چینه که اسپ از آنجا بیرون رفت دلیل که مردی شریف نام دارد که در آنجا
 و غایب کرد و یا پسر و جابر بود و اگر چینه که اسپ با دیان فرار گرفت یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل که آن
 خواهد بود و بر وی مبارک بود و اگر چینه که آن با دیان بکونه سیاه بود دلیل که آن زن شریف نام دارد باشد و اگر چینه که آن
 با دیان ابلق بود دلیل که آن زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر با دیان جرمه باشد دلیل که آن زن خوب
 روی و با جمال بود و اگر آن با دیان سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دارد و پسر بهر کار باشد و اگر شتر بود دلیل که آن
 عزیز و خداوند جا بود و اگر گیسب بود دلیل که آن زن معاش و طلب دوست بود و اگر چینه که آن با دیان که داشت
 دلیل که آن زن را فرزند بود و چنانکه اگر کرد و از تر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر مادر بود دلیل که فرزند زن و دختر بود
 و اگر چینه که گوشت اسپ همی خورد و دلیل که پادشاه او را خاسته کرد و در بختن نزد یک کند و اگر چینه که در پیش کسی
 با سپی نشسته بود دلیل که آن مرد که در پیش وی نشسته بود تاج او کرد و اگر چینه که اسبان بسیار پیر من سرا که پیر او بود
 دلیل که در آن موضع باران بار و یا سیلاب روان کرد و اسب خیل اشعث گوید و اگر چینه که بر اسپ در او نشسته بود دلیل که
 او اگر با صلاح برنی نخواهد و اگر او را آن نباشد زیرا که با چنین بی مصاحبت افتد و از او منفعت نیگونی آید و اگر چینه که گوش
 اسپ او بریده بود دلیل که پیغام بهتر از آن وی بریده کرد و اگر چینه که اسپ بریده زد و زود بر خاست دلیل که آن
 یعنی از شغل وی خلل افتد و دیگر با بر صلاح باز آید و اگر چینه که اسپ خرم بی دم و بر داشت دلیل که آن زن بی پس از بیانی
 بخواد و اگر چینه که با اسپ بهر بر شد و بعد از آن از هر طرف و آمد و دلیل که بر دست پادشاه و یا آن که در و اگر چینه که آن
 و بر آنکه زد یا بگریز دلیل که عیالش بنه مشغول کرد و اگر چینه که کسی اسپ ببرد از بدو بییم بود که عیالش با آن کرد و اگر
 که اسپ وی کم شد و دلیل که زن را طلاق دهد و اگر چینه که اسپ خویش را بفروخت دلیل که غر و جا و کم کرد و با عیال اندی جا

گردد و اگر بیند که براسب بازگردد نشسته بود و دلیل که از وی بدست می آید که در آن روز برامشرفت و ملامت بود و جای
گوید که اسب در خواب بر روی زمین نشسته و نفس را می کشد و اگر اسب پیش از سر کشیدن دلیل کند که بر روی نفس را می کشد و اگر نشسته
که اسب پیش از طبع و فرمان برود و دلیل که بر روی نفس را می کشد و اگر اسب بر زمین نشسته و ملامت بود و جای
بود و از پا و شاو و اگر خزن پا و شاو را بر اسب بیند و در وقت او بود و در دم خامه را اسب بخواب دیدن و بخت بود و اگر
بیند که اسب پیش از طبع بر روی زمین نشسته و دلیل که از وی بدست می آید که در آن روز برامشرفت و ملامت بود و جای
بخت در بود و هر چند بالائی فرمان برادر تر باشد بخت و طبع تر و فرمان برادر تر بود و اگر بیند بالائی که نشسته و ملامت بود و جای
عجی در اینجا بدید که اگر بیند که بر اسب در روز و در وقت او بود و در دم خامه را اسب بخواب دیدن و بخت بود و اگر
این بیند و دلیل که حال بر روی بد کرد و در وقت او بود و در دم خامه را اسب بخواب دیدن و بخت بود و اگر
بود و اول خود و غیره بر حسب سیم فرمان روانی چهارم بزرگی پنجم خیر و برکت چنانکه رسول خدا فرمود و الحمد لله
الحیل و اگر گشتالی بود القیته او الذل فی او بار البقر و اگر بیند که بوی بر اسب و نشسته بود و دلیل که در وی باز نوب
فساد کند و اگر بیند که سگی بر اسب و نشسته بود و دلیل که منفی باز نوب و فساد کند و ستر بر سیرن که بدید که چون ستر
خواب بیند که طبع بنود روی بدی و چون طبع بود و نکات بود و اگر بیند که بر ستر بی نیز نشسته بود و داشت که ستر از آن
کست دلیل کند که ستر بر روی زمین نشسته بود و چون ستر کند با سو و منفعت بدید که اگر بیند که بر ستر بر بالان یا
سماری نهاد و بود و دلیل که زن او باز نوب و خواصه که داند ستر نکات و بود و یا کسی بر او بنشیند و بود و اگر بیند که بر
ستر او سیه و نشسته بود و بیند بال او بود و دلیل که زنی خواب که خداوند حرمت بود و اگر ستر با کوزه سفید بیند آن زن که خواب با جمال
و خوب روی بود و اگر ستر که بر ستر بیند و دلیل که آن زن بدین و او بر ستر نکات و بود و اگر ستر کوزه سفید بیند و دلیل که آن زن مطهر است
دوست بود و اگر ستر که بر روی زمین نشسته بود و دلیل که آن زن بیکار گشت و در روی بود و اگر ستر بر ستر و رام کرد و بیند و دلیل
که بر روی منفعت جابر مغربی که بدید که ستر او در خواب مولاد او بود و اگر ستر بر روی سفر بود و بعضی از استادان این
صناعت گفته اند که ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر کسی که ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر
بفرود شد و دلیل که اگر ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر
بود و دلیل که ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر
دلیل که ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر
دلیل که ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر
جد کرد و بدید که گشت و بدست ستر مال بود و بعضی از ستران گفته اند که کوس ستر جای بود و اگر بیند که ستر بر روی زمین نشسته
که بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر بر روی زمین نشسته و دلیل که اگر بیند که ستر بر روی زمین نشسته

بایست
مستحق

مستحق

مستحق

مستحق

مستحق

دویم زندگی در این ستم غمخیز دشمن چهارده سال و اگر پیش تخم مرد امتی بود و استر و از نیکو بایند بود و استر کرد
و این چنین مرد بود و استخوان این سیرین گوید که استخوان در خواب می بود که مردم بدان میشت کنند و اگر میند که استخوان
در بران استخوان گوشت بود و دلیل کند رفته اند که گوشت خیر و مال بد و اگر میند که گوشت بود و دلیل کند که اندک خیر بود و رسید
که اگر کسی میخواند و او دلیل کند که از او بد انگیز خیر رسد که گاهی گوید اگر میند که استخوان کسی در شکم بودی بست دلیل کند که بزد
که ناگون بد و در داریا کند بعضی از مبران کنند که کار میندالی از او بد و اگر در شکم است و حق میفرماید که بدین استخوان
بخت و بد بود و اولی و مال و دویم خردیشان ستم فرزندان چهارم تخم خانه تخم مال ششم مردان و تخم بار و انباز بود و استغنا
بدانکه استغنا کردن است غنا باشد و بعضی از مبران از خدای عزوجل این سیرین گوید که اگر میند که در خواب استغنا میکرد
که این خدای برادر و فرزندان را می دارد و چنانکه در کرم مجید فرمود است قوله تعالی و استغفر فانیکم انما کان غفارا
استغفاء حکایت کند و از او میگوید که در خواب با او می گفتن حضرت صادق فرمود که استغنا کردن در خواب چهار وجه دارد
مال و دویم فرزندان ستم از مبران است چنانکه در کرم مجید فرمود که در خواب با او می گفتن حضرت صادق فرمود که استغنا کردن در خواب چهار وجه دارد
بود و مبران بزرگ اگر میند که سحر و جادو یا کسی بخیزد یا کسی بد و او دلیل کند که انما صاحب سلطان کرد و او مبران می کرد و اگر
که استغنا و صاحب کرد و بد یا شکست دلیل کند که جادو و سحر و جادو یا کسی بخیزد یا کسی بد و او دلیل کند که انما صاحب سلطان کرد و او مبران می کرد و اگر
میکرد و دلیل که تسلط سلطان با شغل اسیران وی مستغل کرد و از ایشان خیر و منفعت بیند و بعضی از مبران کنند که استغنا که استغنا
در خواب بودی بود که ویرانی نباشد و بر کار بایند و بنود اسفاناج این سیرین گوید و بدین اسفاناج در خواب بایست غم
بود و خوردن وی دلیل بر فقر و نقصان مال بود و اگر میند که گوشت بخت بود و در خون و از او می خورد و دلیل بر فقر و منفعت
کند بر قدر آنچه خورد و بود و استر این سیرین گوید که اگر کسی خورد و برشته می خورد و دلیل که شتاب می رفت دلیل کند که
و اگر میند که برشته می خورد و دلیل که نمکین می خورد و دلیل که برشته می خورد و دلیل که شتاب می رفت دلیل کند که
که راه راست گجاست و دلیل که در راه خویش فروماند و هیچ قدر آن نتواند ساخت و اگر میند که جادو و شتری بافت دلیل کند که
خواهد و اگر شتر بایچه بود آن مرد که خواهد با فرزند بود و اگر میند که شتر از پس او می دید و دلیل که نمکین می خورد و دلیل که شتاب می رفت دلیل کند که
و طبع او نشد و دلیل که اندکین کرد و در خیال گوید که اگر میند که برشته می خورد و دلیل که شتاب می رفت دلیل کند که
که با شتر جنگ و خبر و دیگر دلیل که با مردی میجی که با او دشمن بود و او را با وی خصومت افتد و اگر میند که برشته می خورد و دلیل که شتاب می رفت دلیل کند که
و دانست که از مملکت بود و دلیل کند که پرا و لایبی بود و بر مردم آن ولایت خزان دوا کرد و اگر میند که شتر از پس او می دید و دلیل که نمکین می خورد و دلیل که شتاب می رفت دلیل کند که
از او نشاند و مال بد بر قدر آن خبر که دوشیده بود و اگر میند که بجای شتر از پس او می دید و دلیل که نمکین می خورد و دلیل که شتاب می رفت دلیل کند که
که دوشتری کسی بر بخشد یا کسی را بخرد و دلیل که از او خواهد یا اگر میند که جادو و شتری بافت دلیل کند که
جدا شود و بدین بیان اینان خصومت اند که میند که جادو و شتر او بود و دلیل که از او خواهد یا اگر میند که جادو و شتری بافت دلیل کند که

چند که در دشتی رویه با میدی که در دبر سداگر فید که گوشت اشتر میخورد و دلیل که بیار که در کانی که اگر فید که کسی گوشت اشتر بسیار باور
 دلیل که مال با بد بندر گوشت اشتر و اگر فید که اشتر را فانی میگرد گوشت او را بهر کسی داد و دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان کرد و بیخ
 و اگر فید که اشتر بیجول در پس او بی آمد و دلیل که سرگشته و تنگ کرد و اگر فید که اشتر را خیر و زبون خویش کرد و دلیل که دشمن را مقهور و زبون
 خویش کند و اگر فید که در شتران دهنی بی دارد و بی جمع میکرد و بداند دلیل که در آنجا دشمن جمع شود و بیل و رانجا قربانی کند یا بیار می
 مردم آنوقت صنع ستوی کرد و اگر فید که اشتران با رگندم و دو دشتند و دلیل که از آن دشمن در آنجا خیر و برکت بود و جابر که بیار فید که
 بر شتر یکجا نشسته بود و دلیل که اند و بکین کرد و اگر فید که از آن دشتی خون ذایل شد و دلیل که سعادت و نعمت دنیا با بد بقاء
 آن خان و اگر فید که مهار اشتری میکشید و دلیل که با مردی فرمان بر دار و از خدمت افتد اگر فید که در بیابان اشتر بسیار یافت و دلیل
 که زردی که در فرمان روانی با بر جماعت بیان کرد و اگر فید که در اشتر یافت و دلیل که مال یا بد اگر فید که کسی روی اشتر می
 دلیل که بقدر و قیمت آن شغفت یا بد اگر کسی اگر فید که قوی شتری بکشند و گوشت آنرا نمکست کردند و دلیل که در آنوضع مردی
 بزرگ میرود مال و بر امتت کند میراث اسمعیل اشغبت که بیار فید که اشتران بسیار داشت و داشت که آن جمله ملک است
 و اگر اشتران را غرابی بودند و دلیل که در دیا غروب پادشاه کرد و اگر اشتران غمی بودند و دلیل که در دیا غم پادشاه کرد و اگر فید که اشتر را
 بخورد و دلیل که از پادشاه مال و نعمت یا بد و چنانکه پوست اشتر بزرگین دلیل دارد و بعضی از بزرگان گفته اند که میراث یا بد اگر فید که اشتر
 با او سخن گفت و دلیل که خیر و شکی بود و در حدیث آمده که هر که در خواب برود و در خواب او قول یا بد و شاد و غمی و در جمعی مردی
 استیم مردی چون چهارم سیل تخم فندق ششم آبادانی از تخم زن استیم حج تخم نعمت و هم مال و اشتر عربی و دلیل که مردم خوب کند
 و اشتر غمی دلیل که مردم غمی و چنانکه اشترانی بنا و دلیل خداوند تبارک و تعالی بود و در است کنند و کار یا بد و در جمعی است اشتر مرغ
 این سیرین گوید که اشتر مرغ در خواب مردی با بیانی بود و اگر اشتر مرغ با بد و وزن بیایانی بود و اگر فید که اشتر مرغ با بد و گرفت با کسی بد
 داد و دلیل که زن برین صفت که گفتیم بخار و یا یک زن بخورد و اگر فید که اشتر مرغ نشسته بود و دلیل که که بسفر میان برود و بعضی از بزرگان
 گفته اند که بر مردی بیابان نشین غالب کرد و بجای بزرگ رسد که فانی که بیار فید که اشتر مرغ را بکشت و دلیل که بر مردی بیابانی
 دست یا بد و او را خیر کند و اگر فید که خایه اشتر مرغ یا بر استخوان او داشت و دلیل که از مردی بیایانی و بر مال حاصل کرد و اگر فید که
 اشتر مرغ داشت و دلیل که که فرزند مردی بیایانی او را حاصل کرد و بجای مرغی که بیار فید که با اشتر مرغ نشست و آن اشتر مرغ او را طبع بود
 او را و در او و دیگر باره از هم بر زمین آمد و دلیل که با مردی بیایانی بسفر و در شاد و با زاید با سو و منفعت بسیار و اگر فید که از آنجا فانی
 بود و اشتر غازی برین سیرین کرد و بدیدن اشتر غازی خواب لیل غم و اندوه بود و اگر فید که اشتر غازی گرفت یا کسی بد و او را از آن غمی
 لیل کند و بعد از آن غم و اندوه را اگر فید که می آید یکی را و با یغیروخت و دلیل که از غم و اندوه دست کرد و اگر فید که اشتر غازی داشت
 بخورد اشتر غمی داد و دلیل که آنکس از بزرگان اشتر اند و بکین کرد و اشکست که فانی که بیار فید که اشکست سر از تخم او بی بار و دلیل که
 شادی و خرمی یا بد اگر فید که اشکست با وید و دلیل که غمگین و در دمنده کرد و اگر فید که بیار فید که بیار فید که بیار فید که بیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

[illegible]

五

055
05

●

之

مفت

1

الحمد لله

卷之四

•

1

بجنگ و خبر دهی که در دلی که او را پادشاه و جنگت خصوصیت بود و اگر میند که آن بخورد و پادشاه کند که بقدر آن پادشاه مال
 پادشاه که اگر میند که اگر سرور وی وی نشسته بود دلیل کند که ویرا میری آید و پادشاه کرد و حضرت صادق فرمایند که اگر خواب دوم
 بود اول پادشاه ظالم و ستمکار و خردکار و دیکم عالم بی دیانت و جلیق بود و بعضی گفته اند اگر کسی میند که اگر داشت دلیل که عروا و زبدر
 الگوی سرخ این میرین گوید که اگر خواب الوی سرخ و سیاه را وقت خود میند دلیل بر مال و خسته بود و اگر وی زرد دلیل بر بیماری کند
 اگر میند که الوی زرد و با سرخ و سیاه که بطعم شیرین بود و زرافت یا کسی به بود او بخورد و دلیل کند که بقدر آن مال خسته نباشد اگر میند که الوی
 زرد و خرد و وقت آن بود و دلیل کند که بر غم و اندوه و مصیبت و خصوصیت که اگر بطعم ترش بود و بهتر بود و این میرین گوید یا غامت کردن
 که پیش قدمی مامی که در تمام بود دلیل کند که اگر انقوش منکر و در جلد یا جاع و شوشه چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر میند که مامی
 اینده و نماز بود و در گفته که مامی کن و پادشاه فرمود با و که مامی کن و او در پیش رخت و امامت کرد و دلیل کند که در آن
 میر و فرمان روا کرد و با ایشان بدل درستی کند بقدر رستی قبله و تمام کردن نماز و سجود و اگر میند که از نماز چیزی نقصان
 کرد و دلیل کند که بر ایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرد و بود و این میرین گوید اگر میند که مامی سیکر و ولیکن نشسته بود
 دلیل که بپای کرد و در آن بر پنبه نشسته بود و در نماز چیزی بخورد و دلیل کند که زرد و میر و انقوش بر روی نماز کند و اگر با بر محراب و بر
 دلیل که شرف و منزلت پادشاه بر قدر و شرف و منزلت مام و اگر میند که مام را و لایبی می داد یا با امام رخا رفت یا امام و یا چیزی
 بخشد یا با امام صلح کرد و دلیل که بر قدر آن غم و اندوه و درسد جابر شربی گوید اگر میند که با امام بر جفا بود و دلیل کند که با ولایت
 دولایت با وی شریک بود یا در سجده یا در دهی یا در شهری استعجاب افشت که به هر خبر کرد و امام در خوشین زیادت میند و در آن
 و برزکی و زیاده کرد و در سه چادران نقصان میند و مال و نعمت و نقصان کرد و حضرت صادق فرمایند که اگر کسی
 برش و چه بود و اول فرمان روائی و دیکم پادشاهی بعد از انصاف ستم علم چاهم قصد کردن بکار خیر و ستم منفعت ستم این از ستم
 و اگر میند که مامی زمان کرد و دلیل کند که در حدیثان دالی کرد و اگر میند که مامی از آسمان فرو و آمد و قوی را امامت کرد و دلیل کند
 که دست بود بر اهل زمین و اگر میند که بر مرد نماز سیکر و دلیل که از پادشاه فرمان روائی یا به امر و و این میرین گوید که خوردن امر و
 بوقت خود چون شیرین بود و دلیل کند که مال محال یا بد و اگر بگویند زرد بود و بیاری بود و اگر میند که امر و میخور و زرد بود و دلیل کند که
 کرد که نه سنگام او بود و اگر امر و بگویند سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین بود و مال بود و اگر ترش بود و اندوه بود و بود که مانی گوید
 امر و سبز و شیرین بوقت خود دیدافتن مراد بود و اگر میند که امر و را می خورد و دلیل بر منفعت بود و حضرت صادق فرمایند که خوردن
 امر و در خواب برنج و چه بود و اول محلال و دیکم تو اگر کسی ستم زن چاهم یا فتنه و او ستم منفعت و اگر میند که پادشاه امر و میخور
 دلیل کند که امر و بزرگوار منفعت یا به بقدر آن خود بود و او اندام و نایال گوید که اصل کار بکتاب مال بود لیکن بقدر ستم مردم
 که وقت خود بود و اگر بوقت خود بود و اگر میند که کار از درخت پیر و بخورد و دلیل کند که نونی یا بجال منفعت یا به این میرین
 گوید که اگر نماز شیرین بخواب میند مال صبح کرد و بود و بعضی از میرین گفته اند که یک نماز شیرین خوردن بخواب بر مردم بود که مایه

بکتاب
 التوحید
 و توحید

و توحید

[illegible]

چنانکه گوشت از اندام خویش بی برید و در پیش من می انگشتم دلیل کند که ناله خویش پیوسته کسی بخشد جا بر من بزی که گوید که اندامی از اندامهای او
 نجات یافت دلیل کند که بر است نبود و آنم فضل گوید که بر سر دل خدا عرض کردم یا رسول الله خدای سبک و دینم فرمود چه دیدی عرض
 کردم بگو بگو دیدم که باز از اندام تو بریدند و بر کنار نهادند رسول خدا فرمود که غایب را پس کرد که در کنار تو بزرگ و بعد از آن از نامه
 حسین بوجود آمد و در کنار او بزرگ شد و او را می پرورید انگبین کرمانی گوید که انگبین در خواب شب نیست بدو از لاله و یکی بدو از گوارا
 زیرا که در روی شقای در دنا است و بشمار روزی بسیار بود چنانکه حتمی که در کلام مجید خویش فرموده است قوله تعالی فی شقای
 لئن کانت حشر حضرت صادق فرمود که خوردن انگبین در خواب بر سر تو بود و اول روزی حلال در تویم مغفوت استیم کام دل یافتن و چنان
 روزی بود که بی منت به درسد قوله تعالی و انزلنا علیک الکتاب و التوراة انما نزلنا انما نزلنا انما نزلنا انما نزلنا انما نزلنا انما نزلنا
 بر تو را و این پنج نماز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از متبرکان گفته اند که انگشت خنجر لیل نماز باید و انگشت سیم و دهم
 دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان دلیل بر نماز و یکو و انگشت بیضر دلیل بر نماز شام و انگشت خضر دلیل بر نماز صبح و صلاح نماز
 بود و اگر کسی که انگشت دست راست داشت دلیل که فرزند برادرش میرد و بعضی گویند فرزند برادرش در مصیبت و سدا که اگر کسی
 اگر کسی که انگشتان او هر چه که باشد دست دلیل که سگت دست کرده و اگر کسی که انگشتان را با هم جمع کرد دلیل که کار بر او آسان و قدرتی
 را به صلاح آورد و اگر کسی که انگشتان را بگرداشت در هم بسته بود دلیل کند که کار او بر روی بسته کرد و هر چه را بیل بست او را بر سر باری
 که اگر کسی که انگشت همین او بریده است دلیل که قوه فاش بود و اگر کسی که انگشت سیم او بریده است دلیل که در زمینه نماز تحقیق کند
 و اگر کسی که انگشت میان او بریده است دلیل که در شهر روی پادشاهی یا بزرگی میرد و اگر کسی که انگشت بعد از میان او بریده است
 دلیل کند که ویران مال زیان افتد و اگر کسی که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزند زاده او میرد و اسمعیل است و اگر کسی که انگشت
 بی در خواب دیدن دلیل بر روزیست و اگر کسی که انگشت بی در دست قوی می داند دلیل کند که کار کند و اگر کسی که انگشت بی در دست قوی می داند
 دلیل که انگشت پای او را قوی رسید چنانکه رفتن و انگشت دلیل کند که در آخری سخت رسد سبب در حق مال اگر انگشتان در دست و پای
 کسی بریده دلیل کند که کاروی بازگردد خود حضرت صادق فرمود که دیدن انگشتان در خواب بر سرش و بر بود اول فرزند و دوم برادر از او
 ستم خواهد آمد و اگر کسی که انگشت بی در دست قوی می داند دلیل کند که کار کند و اگر کسی که انگشت بی در دست قوی می داند دلیل کند که کار کند
 میارفت افتد و اگر کسی که انگشت او شکست دلیل کند که یکی از اهل بیت او برید و خلفا صغری که گوید که اگر کسی که انگشت همین
 او بشیر آمد یا از انگشت سنا یا او خون جی آمد دلیل که انکس با مادر زن خویش نسا کند و اگر کسی که انگشت او را از او برید دلیل کند
 که در میان خویشان او گفتگو رود و انگشتی او را نکند که چون بنید نقش و صفت انگشتی دلیل که از خدا و دشمن بدو خیرشکی بود
 و اگر کسی که انگشتی کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از آنچه لایق او باشد برخی سیاه پس می آید اگر لایق پادشاهی باشد
 پادشاهی سیاه و اگر بود مال باید بقدر و بقیمت انگشت اگر کسی که در سجده یا در نماز یا در دعا کسی انگشتی بوی داد و اگر کسی
 زاده و عا بود و اگر باز کان بود و نصیب نیا و دفع تجارت بود و جمله هم بر این قیاس بود و اگر کسی که انگشتی سلطان بوی داد

باز

صحب

نشین

سجده

三

۱۰۰

[illegible]

[illegible]

این سیر که یک پسر داشت در خواب برود و اگر چینه که پاس اهل صلح می داشت دلیل بود بر خیر و منفعت و در همانی که
که در سراسر چو دنیا با یاسانی میکرد و دلیل کند که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر باز که این خواب باینه و تجارت سود بسیار کند
چینه که پاس اهل صلح دو مع می داشت دلیل که از ایشان خیر و منفعت و بی چینه و یاسان در خواب دیدن نمادند قدر و سزا
ولایت بود و تجارت کار و دار و مردم در این نام او باشند پاشنه پاشی این سیر که یک پاشنه پاشی در خواب لیل
مردم کند و اگر چینه که پاشنه پاشی او بتست دلیل بود که بیماری مشغول کرد و کاری که از آن بشیانی حاصل کرد و اگر چینه که پاشنه
او بشکافت با جروح شد چینه تا اول وارد و اما نه شتران کنه و نه جبار مغربی کو و اگر کسی چینه که پاشنه پاشی خود می بیند
بجز در سیاه و قرمز و سیاه و دلیل کند که آنچه کسب حاصل کرده بود بجز در چشمش و در و اگر چینه که پاشنه پاشی او می بیند
که او را کار و کسب نباشد و در پیش و جبار هر که در و باغ و دیدن و انیال که یک که در دین باغ بخوابد زن بود و اگر چینه که یک
آب بی داد و دلیل که زن خوشتر با محبت کند و اگر چینه که باغ را آب پیدا و در تر نشسته دلیل کند که زن او از شوهر جدا
و اگر چینه که در باغ کجی در میان میبکشد دلیل کند که فرزند صالح بیاورد و اگر چینه که در باغ شفته و میبکشد دلیل کند
او از فرزند می آید که نو در علم و ادب بیاورند و اگر چینه که در باغ او در میان دست بود و با کشید و بوی او در باغ بر رفت دلیل کند
فرزند می بود و پدر و مادر او خردمند و بوی در میان دلیل بر سر فرزند کند اگر باغ خود را سبز و آب روان که شکست چینه
و از میوه درختان می خورد و از میوه او است و با زن خود در میان است و دلیل که ایشان را این بیت باشند و اگر چینه که در باغ آید
بود و از میوه درختان می خورد و دلیل بود که زنی توانگر بخوابد و از او مال و منفعت یابد و اگر چینه که در باغ شتران در باغی مجهول شد و از
بر که میسر نیست دلیل کند که غم و اندوه بدورسد و اگر چینه که در باغ که شکست با بود و سبز و آب روان و درختان میوه و باغ
او را بخوابد دلیل بود که بخت و جور العین در آخرت بیاورد و دلیل کند که در چینه شهبان حاصل کند و اگر چینه که باغی داشت
یا کسی بد و داد و میوه آن باغ می خورد و دلیل کند که زنی مال دار بخوابد و مال او را بخورد و اگر چینه که در باغ بود و میوه از درخت
بر روی می افتد و دلیل بود که بیماری مشغول او را خسته و افتد و بوی غالب کرد و اگر چینه که در باغ بر سر درخت شفته
دلیل بود که نسل و فرزندان او بسیار باشد که زنی که یک که باغ در خواب مردی بود و بزرگوار با مال و جمال و اگر چینه که در وقت
بهار با آبستان باغ خرم گشته بود و در او میوه دارسته بود و کل را این بیت گفته و آب روان و در میان باغ نشسته و دلیل
که مرگ او بر شما دست پذیرد که جای صفات بهشت است و اگر در تابستان باغی بیند معروف یا مجهول یا میوه ای که باغ
بود و بر کسی درختان بخت بود و دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد و زحالی که پادشاه از خدمت و چشم باز مانده باشد و اگر
که باغی در تابستان سبز و پر میوه و آب رو و سیاه و باغ را از اهل بر کند و خراب کرد و دلیل که پادشاه آمد و با بر آید و اگر
یا بسبب سلاطین بزرگ از پادشاه می مغرول کرد و اگر چینه که آتشی سیاه و درختان آن باغ را بسوخت دلیل که باغ
را مرگ منافات رسیده اگر خراب برید که در باغ شتران بودند و دلیل بود که پادشاه آن ملک بر دشمنان مغرور

و باغ که سفندان دید دلیل که از پادشاه مالی و نعمت حاصل کند و نسبت به پادشاه داد و دو و اگر در آن باغ بر نه کان چند دلیل که
 لشکر پادشاه بر عهد و وفا باشد تا بر ایشان اعتماد نبود و اگر چند که از آن باغ میوه جمع میکرد و بخانه میر و دلیل بود که بقدر آن بود
 خیر و منفعت رسد و اگر چند که در باغ جمیع جمع میکرد و دلیل منفعت بود و از پادشاه و دیگران میخواست و هیچ بیا به جابر مغربی که به اصل باغ در
 خواب متغیر مردم بود و بقدر نعمت و اگر در باغ میبرد و دلیل بود که کادش نکند و در شوق بی ادب است و اگر باغ در سبزه بود
 خالی چند دلیل که کار و نیکو کرد و اگر باغ آخرت و اگر سسته وید کسی جدا گشت که این باغ از آن نیست و او سپرد و از آن باغ بخورد
 و دلیل که بقدر آن از خداوند باغ منفعت یابد و اگر در وقت بهار یا تابستان باغی خراب دید چنانکه در وی هیچ سبزه و درختان نباشد
 و دلیل بود که پادشاه بر رعیت چهره مست کند و اگر چند که بدست خود باغی نوساحت و درخت نشاند و سبزه بر آمد و دلیل بود که زنی
 که او را زنی خواهر و مال نعمت و فرزندان حاصل کرد و اگر در آن باغ بود که خوشی اش کورد و دلیل بود که مال خسر است یا به بقدر است
 خویش حکایت آرد و اندک مری پس بستاند که گفت که ای پیغمبر خدا چرا بیدم باغی آیدسته و در وی میوه ای بسیار بود
 و در باغ ویدم که خوشی بزرگ داشته بود و مرا گفتند که این باغ غلک است من از آن مال متخیر کردیم و در باغ خوشکان بسیار
 ویدم که میوه میخورد و گفتند که این خوشکان میوه بزرگ میخورد سبزه است که این خوشک بزرگ پادشاه و خان و سبزه
 است و خوشکان دیگر داشته اند آن حرام خاوه که مطیع و فرمان بر پادشاه و ظالم اند و درین را به نیا فروشد و از خدا بی خدای است
 صادق فرماید که بدین باغ در خواب بر میفتد و بعد و او را دل زن خوب و تویم فرزند نیک استیم عیش خوش چهارم مان تمام چند کسی
 شاد و میهمان کنیزک و باغ و خواب و دیدن تیر زن بود و اگر کسی چند که به غنائی میکرد و دلیل که زنی توانا کند و بشغل مشغول شود
 و بایشان سازگاری و مدد کند و بعضی از تیر زن که بدین باغ برشته و بعد و او را دل که مدای سرای و ویم تیر زن استیم زن و فرزند
 بافتن جامه ها این سیرن که بود که بافتن جامه ها در خواب میخورد و بافتد و مسافر بود و اگر چند که جامه با خیر می بافت و دلیل بود
 که بسفر رود و او را مدد کند بافتن جامه ها در خواب خصوصت بود و اگر چند که جامه بافتن میر و دلیل بود که انکار بخصوصت میر و خصوصت
 و بریدن آن هم از سبب میخورد و اگر رسن باریسمان تاب میداد و دلیل که بسفر شود و زمانی که بود اگر چند که باغی بر تیرم بسلطان آید
 می یافت دلیل بود که بدو بزرگ نشان غیبت بود و اگر چند که جامه را تمام میافت و میر و دلیل بود که بسفر شود و کار وی تمام کرد
 و اگر چند که تمام نباشد بود و دلیل بود که کار و تمام کرد و جابر مغربی که بود اگر چند که بافتن می کرد و دلیل بود که او را بار دم خصوصت است
 در حالتش نیکو کرد و اما از مردمان او را سرزنش و تاملت رسد است الا این سیرن که بود که بدین باغ را خواب و وقت خود خوردن
 و میر وقت خوردن اگر بخت باشد یا تمام دلیل بر غم کند و مگر ماهی آن در تر خشک بکسانست و اگر چند که نخورد و غم و اندوه که در
 کرمانی که بود اگر کسی چند که بافتد بود و دیگر و دلیل بود که اندوه بکین کرد و او باشد که آنکس خصوصت کند و سبزه آن گویند اگر چند
 که بافتد داشت یا کسی بدو داد و از خانه میر و درخت و از آن هیچ نخورد و دلیل که او را زبان خداوند خاتمه چون بوقت خویش دید و او را
 بالار رفتن محمد بن سیرن که بود اگر چند که بر بالای کسی نشسته بود یا بر بام یا بر کوه یا بر کوهک و بر پائین آید و بالار رفتن دلیل

بخت

بخت

بخت

بخت

نفس

ایست

نیت

بیت

آنکه که آنچه در بیابان و دماغش بود کرد و بعضی از متبرین که بیند که پشوری بر آید ای رفت دلیل که آنچه میجوید بر سرخ و دوشا
 و اگر بیند که بر نزد بان بالا میشت دلیل بود که درین شرف تزلزل یا به خامه که نزد بان و اندک بود و اگر بیند که نزد بان آنچه بود که
 دلیل بود که درین و غل باشد که رانی که بود که نزد بان بر آید از رفتن از آنچه و سنگ دلیل که شرف و بزرگی یا به دریا بخواند و اگر بیند که از
 خامه و کل بود دلیل بود که قدر و تزلزل یا به دریا بخواند و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت و باز نیامد دلیل بود که اصل از نزدیک است
 و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت بیار کرد و سر انجام شفا یا به حضرت صادق از یاد که و درین بر بالا شدن بر سرخ
 و به بود اقل و روالی حاجت و دویم زن خود همین ستم قرب و بزرگی چه نام مراد یافتن بخیم بالا رفتن که یا لان این سیرن که بود که
 و درین در خواب ندان بود و اگر بیند که یا لان داشت یا از کسی بر بهیا بخیزد دلیل که زن خواهد یا کینز که نزد و اگر بیند که یا لان بر پشت
 داشت دلیل که مطیع و فرمان بر و از زن کرد و بر روی سنولی کرد و اگر بیند که یا لان از وی ضایع شد دلیل بود که زن از وی
 کرد و یا از قش و به جابر مغربی که بود که اگر بیند که یا لان پاکیزه نود داشت دلیل بود که زن سوز سازگار نخواهد و او خیر و منفعت یا به از
 که یا لان در پشت و چکر داشت دلیل بود که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازگار و از وی حضرت بیند یا لاش سیرن که بود که اگر
 در خواب خامه بود بیند خواب را اگر بیند که لاشی از او گرفت و آن لاش سیرن بود یا کسی بوی داد دلیل که او را خامه یا به دشمنی که
 مصطلح یا ساید کرد و اگر بیند که لاش که کس و چکر و زرد و سیاه بود و لاشی بخلاف این بود و اگر بیند که لاش او بود و
 یا به پشت یا از وی ضایع شد دلیل بود که دشمنکاران وی ضایع کرد و یا بکریز و یا رنج و بلای بود و رسد و بسبب آن از وی بد
 کرد و در رانی که بود که اگر بیند که کسی از خانه او لاش بدوید دلیل بود که کسی از بیرون او میکرد که او را بفرساید یا از بیرون میکشد و می
 گویند که دیدن لاش در خانه و دلیل بود که کسی از آنجا نه میبرد و اگر مردی بیند که لاش بسیار یافت دلیل بود که بقدر آن باشد او را
 خامه و آن که کینز آن حاصل کرد و اگر بیند که لاش در افتاد و لاش او بر پشت دلیل بود که خامه و آن که کینز آن و بر روی بکریزه حضرت صادق فرمود که
 لاش و آب بر سر و وجب و اول خامه و دویم که ستم ریاست چهارم و برین که چرخ بر سر بکارد و عدل با هم و اگر بیند که با هم خامه مهمل بود و دلیل که
 او را بر تو بر بیند یا به بهتد و رفت اگر بیند که با هم خامه معروف بود و دلیل که شرف بزرگی یا به و کارش بر نظام کرد و جابر مغربی که بود که اگر بیند که
 یا به شاه بود دلیل بود که بزرگی و تزلزل یا به و اگر بیند که از با هم بیافا و از جا و و تزلزل نیفتد و او را ندو رسد یا نکشت و شستن
 یا نوران نمیدین سیرن که بود که با نکشت و شستن جانوران و مرد و مرد بخواب دلیل بود بر غم و مصیبت و آنکه وضع و اگر بیند که او را با نکشت
 میکرد و نماز جانی دور اگر جواب داد و دلیل بود که زود میبرد و اگر بیند که جواب نمیدهد دلیل که بیمار کرد و اگر بیند که او را نکشت و شستن
 دلیل بود که شادمان کرد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل بود که چیز ناخوش شنود و اگر بیند که با نکشت از آبی می شنید دلیل بود که
 حاجت او را کرد و بر دشمن مغرور بود و اگر با نکشت و شستن می شنود که راهی بوی رسد و زود زایل کرد و در رانی که بود که اگر بیند که با نکشت
 میکرد دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از متبرین که بیند که البتد که بر روی بوی رسد از بهر آنکه بهایم دروغ گویند و اگر بیند که از
 با نکشت میکرد و از دشمنی و یا بی فراد و شاعت شنود و قوله تعالی ان انکروا الا صوات لک صوت الحییر و اگر بیند که شتر با نکشت

باب
در بیان
نوع
نوع

ب

نوع

نوع

ب

نوع

دلیل بر وجود حق تعالی اینست که چنانچه در حدیث آمده است که هر که در خواب ببیند
 را یا ببیند یا نیکی یا بدی که در آنجا که کسی میگوید که اگر در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 شدن آن کسی که ببیند یا اگر در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 این بود بر این سبب که هر که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 پس که هر که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 برای مفسرین بود که هر که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 و هر که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 بود و او مطلع بود پس بود که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 بود که از هر دو ای نفس تقریب کند بزی که با وی می آید و اگر ببیند که آن بت است یا نیم
 ببیند که آن بت است یا نیم بود یا آنس یا از از زیر دلیل بود که هر نفس از زمین مطلع است و او بود که آن
 از خواب بر بیدار شدن از زمین بود و هر که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 مال حرام بود و اگر ببیند که بت و نهاده بود و او مطلع است و او بود که آن
 و بود و او مطلع است و او بود که آن
 خبر بخشش میکرد و دلیل کند که خود را از خواب بیدار کند و او بود که آن
 بر او و بخشش میکرد و دلیل کند که خود را از خواب بیدار کند و او بود که آن
 او نیم بیدار گشت و او بود که آن
 بخود کردن این سبب که هر که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 آن اندر وی مال حاصل کرد و او بود که آن
 خدا و خواب را تا پیش بخوابد این بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که در خواب ببیند
 خوش استیم نام نیکی بر این سبب که هر که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 بر او بعضی از مبرکان که ببیند که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 اینکه بود اگر ببیند که خود بر مرغ داشت دلیل بود که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود
 و با او ببیند و او بود که آن
 بر لب این سبب که هر که در خواب ببیند که کسی بر او آید یا بشنود

[illegible]

١١

چ

سید

५.

0.1

۱۹۱۰

[illegible]

بستان

بستان

بستان

بستان

گوید اگر خواب بیند که بست سحر یا بستان دارد و دلیل بود که بختش غم و اندوه خورد و اگر بدید که بست کسی داد یا بفرخواست دلیل بود
 که نروسی بداند غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که بست داشت و از خانه بیرون بخت یا کسی بخشد و هیچ ازان نخورد و دلیل بود که از
 غم رسته کرد و در ازان غلغله ای بستان افروزد این سیرین گوید که بستان افروزد و بستان بدین نشادی بود لکن بدین بدو اگر بیند که
 بستان افروزد و گرفت یا کسی بدو داد و دلیل بر غم و ستادی بود که خرم کرد و اگر بیند که بستان افروزد کسی داد و دلیل بود که از غم رسته کرد
 گرانی گوید که بستان افروزد چون بوقت خواب و بیدار می شود و بعضی از متحرکان گویند که بستان افروزد که بزرگوار بود و بجا مال و خوش خلق بود
 بیند که بستان افروزد و خواب در جایگاه خویش میگرد و دلیل که بدو بزرگانی دوست و مصاحب داشته و اگر بیند که از زمین بکند و دلیل که از
 صحبت مردی جدا گردد و بستان در خواب دختر بود و اگر بستان بیند از زیادت و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران کند و اگر بیند
 که از بستانش شیر روان کرد و دلیل که بر دخترش نعمت و روزی فراخ کرد و مال ملال یا بدو اگر بیند که بد شیر از بستانش خون نشو
 بود و دلیل بود که مال حرام بدو اگر بیند که بستان او پیش از خانه فرو داد و بخت بدو دلیل بود که او از خسری آید و اگر مردی بیند که بستان او
 شیر جمع کرد یا بدو اگر زن دارد و زن از خانه فرو نهدش آید و اگر زن دارد و تو را اگر کرد و اگر این خواب را بجزند و دلیل بود که برادرش دی
 را اگر زن جوان این خواب را بیند و دلیل بود که عرش دارد و اگر خسری بیند و دلیل بود که هم خورد و بیسردگانی گوید اگر مردی بیند که بستان
 مردی بکشد و دلیل بود که بیمار کرد و اگر زنش آید چون بدو پس از در و اگر زن بیند که از بستان سحر دو دلیل بود که کار دنیا بر وی بسته کرد و
 جابر مغربی گوید بستان مرد در خواب زن او بود و سبب آن زن دختر وی و اگر زنی بیند که بستان او در خواب بدو دلیل بود که دخترش
 بپذیرد و اگر مردی بیند که بستانش بریده بود و دلیل بود که دخترش بپذیرد و اگر زنی بیند که در بستان پستانی یا دیگر برآید و دلیل بود که دخترش
 و اگر بیند که مرد و بستانش بزرگ شده بود و دلیل بود که او احوال فرزندانش نیکی کرد و بدو دختر را بشهر دهد و اگر بیند که از مرد و بستان
 خود شیر سحر دو دلیل بود که او از غم و غلامت رسد و اگر بیند که از بستان وی شیر شکم او میشد و دلیل که او از یابی رسد و اگر بیند که
 یک بستانش با بستان دوست و دلیل بود که دخترش داشت و اشتغال افتد از پادشاهی و اگر بیند که بر همه قش بستانها بود و دلیل بود که از بستانش
 بسیار کرد و اگر زن دارد و از بستانش زیادت کرد و لیکن با مردمان غلامت بود و اگر زنی بیند که او از بستان او آید و دلیل بود که
 حرام پسری آورد و دخترش صدوق نمازید که بدین بستان در خواب بر سر و وجه بود و اول فرزند آن خرد و تو بجم دختران سیم شد و آن
 چهارم دوستان خیم برادران بستان بستان بر سرین که بد که بستان بندید و در خواب زنا خورد و مریت و کج مروالی بود و مردان
 زخم آید و غم و اندیشه بود و اگر زنی بیند که بستان بندد و اندوه داشت و دلیل بود که غم و مریت یا بدو بکام رسد و اگر زنی بیند
 که بستان بند داشت و دلیل بود که مال نعمت یا بدو شد و آن کرد و اگر مردی بیند و دلیل بود بر خندان و نامرادی از همکنان
 پشت این سیرین گوید که پشت در خواب بدین مردی بود که او قوه و پناه و یار می طلبید و اگر بیند که پشت او پشت و دلیل
 بود که آنکس که پشت و پناه او بود و دنیا و مرط کند و اگر بیند که زخمی بر پشت او رسید و دلیل بود که زخمی بر او افتی بدو رسد که پشت او
 ادب در کمالی که بدو مرای پشت قوه و فرزند بود و هر صلاح و فساد که در حرامی پشت بود و او دلیل بر تو فرزند آن بیند و خواب

[illegible]

از این
نمونه

سجده

سجده

سجده

سجده

گفته اند از او گفته که او گفت که پیش من برین بودم مردی سیاه و گفت بخواب دیدم که از عیله آب میخوردم و آن شب که را در دور بود
 آتش برین خیز میوزدم و از یکی آب شور و غلغله این برین گفت تو نمی داری و خواب برنی و در دور با یکار سیدای تو بر کن و از خدا بقتل
 بر سر مراد گفت چنین است که تو گفتی تو بر کردم و بخت از کردیدم و بدین این برین که دید که غلغله خواب مالی بود که بود و بر مصالح
 مثال افتاده که از کسی خواب بیند که غلغله بخای گاهی چکر از دست و او پیش بخلاف این بود و اگر بیند که غلغله از یکور از دست چکر
 یا بگوید دلیل کند که مال بود و معنی غلغله کند که مالی که بود اگر بیماری بیند که غلغله را بفرستد دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که غلغله
 بفرستد دلیل بر عدم او کند و اگر بیند که غلغله خون آلود بود دلیل بود که از مال چیزی بفرستد که او را که بیند که غلغله بر روی خانه
 خورده است دلیل بود که مال بر یکا بکشان افتاده که او را که بیند که غلغله در مسجد بکشد دلیل بود که مال نه بود و مصالح بر یکا بکشان افتاده
 بر کشت این برین که بود که نه خواب دیدن بر کدخت بر دخت خلعتی خوی بر بیند خواب بود و خاصه بر یکا بکام وی بر کشت
 که بر کن بنزد دخت پاره خرا گرفت یا کسی با و داد و دلیل میند خواب را خلق و خوی خوش بود و دیگر که مالی که بود که از
 بیند که از دخت بر کدانه خرا گرفت دلیل بود که او را بقتل و دم حاصل کرد و جابر مغربی که بد که بر کدانه دخت میوه
 شیرین و دلیل بر خستی نیکو بود بر کدانه و حمان میوه و ترش دلیل بر خلق بد بود و بر کدانه دخت نیکه مار تیار و دزد دلیل بر دردم و
 بود و حمان که بیند که بر کدانه دخت نیکه میوه و دزد دلیل بر دردم و دینار کند پلنگ است این برین که بود که پلنگ در خواب
 دشمنی قوی و تو مابود اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد و دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را مغرور و غلبه بود و غلبی اگر
 پلنگ بر وی غالب کرد و دشمن بر وی غالب کرد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب کرد و اگر او بیند که با
 پلنگ است می خورد و دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن بر نظر کرد و در شرف و بزرگی با دیگر مالی که بود اگر بیند که پلنگ
 نشست دلیل بود که بر غرور و جاه و وی و دشمن با قهر کند و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد و میجکد ام بر یکدیگر بر نظر نیا افتند
 و دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بود و رسد یا بیماری مصعب یا بد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که شیر بر پلنگ را می خورد
 دلیل بود که از دشمن ترسی بد و رسد و سر انجام امین کرد و اگر بیند که پوست پلنگ یا استخوان یا موی او را گرفت
 یا کسی به و داد و دلیل بود که از مال دشمن بقتل آن چیزی بیا بد و اگر بیند که پلنگ را بکشد دلیل بود که از اسلام روی بگرداند و در راه
 هیچ خیر نباشد حضرت صادق (ع) فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سر و جود و اقبال و دشمنی قوی و تویم مال یافتن از دشمن است
 ترس از او باشد و بلور بد و اگر بلور در خواب نبی بی اهل بود اگر بیند که بلور داشت یا کسی بد و داد و دلیل بود که زنی بی اهل
 برنی بخوابد و اگر بیند که بلور داشت یا صاحب شد و دلیل بود که زنی را حلاق بد و یا از او غایب کرد و اگر بیند که بلور بسیار داشت
 دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل کرد و جابر مغربی که بود اگر بیند که بلور میفرودست دلیل بود که دلالی زنان بی اهل
 و اگر بیند که بعضی از آن بلور که میفرودست و بعضی سوراخ داشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلالی زنان و دشمنی و زانی
 میوه و بی اهل پس کند با حوا این برین که بود که دیدن بلوط در خواب روزی مال بود و بقتل آنکه خورد و بود و اگر بیند که در خانه

انسانهای عیون بود که دل و لغت بسیار را در آتش حاصل کرد و چون دانند که آن بطوطه لک می هست و اگر طوطه خوان
 و دیگران بر دلیلی که مردمان می بینند و آشنایانند حضرت صادق می گویند که درین بطوطه خواب برسد و بعد او دل روزی حلالی تویم
 و منفعت جسمی نیست بیکو پلیس که کافی گوید که پیش از فروخته در خواب کار فرمائی بود که درین مردمان بود و میرمن دی که در دست
 و کشید که پیش از فروخته نباشد تا پیش بخلاف این بود و بناگوش در خواب دیدن پسری خوب روی مبارک بود و مرد و بناگوش
 و پس بر روی کافی گوید که دیدن بناگوش در خواب لیل بر قدر و جاده او بود و زیادت نقصان دیدن در بناگوش لیل بر قدر و جاده
 خواب بود حضرت صادق می فرماید که دیدن بناگوش در خواب بر جاده او بود و اول پسری بیکو روی تویم قدر و جاده جسم و بدن است
 آجایم منفعت از سبب فرزند پیشه این پسری گوید که چندی در خواب مال حلال بود و بعد از آنکه دیده بود و از آنکه و بسیار و چندی دانند
 و خواب دیدن دلیل بر مال بود که در آتش است که در بی پنج و شصت حضرت صادق می فرماید که چندی در خواب برسد و بعد او دل مال
 حلال تویم منفعت جسمی است و بدن پیشه و آشنایان پسری که چندی در خواب برسد و بعد او دل مال حلال تویم منفعت جسمی است
 در خواب دیدن مردی با قدر و جاده او بود که صاحب سوز بود و اگر سوز نبود و میباید که او با پدر و یکیش گرفت دلیل بود که با مرد و میباید که
 ساز و او را فکر کند که چنگ است و او گرفت دلیل بود که زنی با قدر و جاده او بود که چنگ است که در دست و میباید که او را فکر کند که
 که شسته می خورد و او بود و رسد که چنگ است از آشنایان پسری که در دلیلی که در دست و ولایت رسد که تا یکصد پسری که او را فکر کند که
 شک و میگرد و در این آشنایان می بیند و دلیل بود که مسلکی بود که کلان بکشد و اندام ایشان را بچوب خود دیکه و اگر
 چنگ است سرخ را صد که در دلیلی بود که زنی خوب روی خواب با کسی با جالی بود و اگر چنگ است چنگ است دلیل بود که زنی با کوه زرد
 کند و معتبران گویند که چنگ است بافتن در خواب فرزند بود با غلام اگر چنگ است چنگ است که در دست دلیل بود که با مردی برادر با فعل و سستی
 کند و گفته اند که بافتن چنگ است در خواب دلیل بود که اگر در پیش و در دست دم میاید و اگر در نوک و در دست بر در دم میاید و خانه چنگ است
 خواب دیدن و دلیل بر خبر و حرمی بود و این بود اگر میباید که چنگ است از آشنایان پسری که در دلیلی بود که در دلیلی بود که
 در آفرینان استند از حلال و حرام و اگر خواب که چنگ است او از میسر کرد و آواز او را می شنید دلیل بود که
 صفای می شنود که او را از آن شکست آید و معتبران گویند که او از چنگ است در خواب هیچ کردن بود
 اگر چنگ است چنگ است بسیار و حاصل نه دلیل بود که بر سر روی سر و میباید که کافی گوید که چنگ است از آشنایان پسری که در دست
 و زخم و اگر چنگ است بسیار با یک میباشند دلیل بود که او با مردان غوغا کاری آمد و اگر چنگ است چنگ است در دمان نهاد
 و فرزند و دلیل بود که او از فرزند می آید اگر چنگ است چنگ است دلیل بود که بعد از آن مال یا به اگر چنگ است چنگ است
 با در دست و دلیل بود که زنی با در دست و فرزندش می رود اگر چنگ است چنگ است دلیل بود که او را در خانه و در چنگ است
 تمام حضرت صادق می فرماید که دیدن چنگ است در خواب برسد و اول پسری بیکو روی تویم قدر و جاده جسم و بدن است
 غم فاضی ششم باز کان بستم مرد را و زن بستم مرد را بضممت ششم مردی بجماع کردن موی بود حکایت است از علوه و حکایت کرد

در خواب دیدن
 در خواب دیدن
 در خواب دیدن

[illegible]

والله اعلم

بہارِ وادان

میں نے

[illegible]

五

و بار و کشت خون آرد از بندوی او بقیه و دلیل بود که زن با او بچه بیچاکم میکنند و اگر جنین که برود دست بر پندار نماید بود دلیل بود که زن
 غنی نیست و سد کرمانی که اگر کسی بخواب بیند که نتوان پهلوی با او شکسته بود دلیل بود که زن با او با عیال غم و اندوه بدو رسد و اگر
 که دست پهلوی چپ وی جدا شده و بیند او دلیل بود که مان عیالش هر دو وقت کرده و اگر جنین که برود پهلوی او زده شده بود دلیل
 عیالش بخور کرده و اگر جنین که برود پهلوی او سر را خنجه شده بود و از آن که هرگز یا لوثی بقیه و دلیل بود که او را فرزند بی عالم آید پارسا و اگر
 بیند که برود پهلوی او فرزند او دلیل بود که او را غم و اندوه رسد و اگر جنین که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود که دوستی دین
 و قوه عیال او و اگر جنین که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود آه و پیش بخلافین بود که گفتیم جای مغربی که که پهلوی او در خواب دلیل زن
 بود زیرا که زن آن از پهلوی مرد آن آفریده شده و اندک سرخ و سرکه در پهلوی جنین تاو ل آن بر زمان با ذکر و اگر جنین که او را پهلوی
 بسیار بود و دلیل بود که بعد از آن زن آن و کین زن حاصل کردند و اگر جنین که از پهلوی او ماری بیرون آمد دلیل بود که او را فرزند آید چهره
 صاف و قوی و آنرا که دیدن پهلوی در خواب سرخ و چه بود و اول زن دویم و تریسیم که بزرگ خادم و تجم پر زنی که در خانه بود و بوی
 این پسرین که که پهلوی او در خواب روزی بود و مال ملال که از زن بدو رسد و اگر جنین که پهلوی او بگرفت یا کسی بدو و دلیل بود که بعد از
 از زن مال بخورد و کرمانی گوید و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و از کشت و می خورد و دلیل بود که بعد از آن زن مال بخورد و کرمانی گوید که بوی
 و چون در خواب دلیل بود که بزرگ و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و بخانه آرد و دلیل بود که از خوشایان خوردن و او را و مال و منفعت
 حاصل کند بود یا این پسرین که که اگر کسی بود یا کند و دلیل که بر مردی که سفید و جنس بود و نیز دلیل بود که زن که زن خواهری است و منفعت
 حال و اندک غلام یا بدو اگر جنین که پهلوی او بگرفت و پسری شد و دلیل بود که شغل و پیش را تمام کند و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و عیالت
 دلیل کند که که خدا فی خود مشغول کرد و جای مغربی که که اگر جنین که پهلوی او بگرفت یا کسی بدو و دلیل بود که او را از زن منفعت رسد و
 که بوی و بزرگی بود یا حاضر و قوی و آنرا که پهلوی او در خواب برشته و چه بود و اول منفعت و دویم و تریسیم که بزرگ و خوشایان خوردن و او را و مال و منفعت
 بود زیرا که پسرین که که پهلوی او در خواب دلیل بود که پسرین که پهلوی او بگرفت و پسری شد و دلیل بود که شغل و پیش را تمام کند و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و عیالت
 کرد و دشمنی غالب کرد و او را و قهر کند و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و پسری شد و دلیل بود که پهلوی او بگرفت و پسری شد و دلیل بود که شغل و پیش را تمام کند و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و عیالت
 پدید آید که از آن خلاصی نیابد کرمانی گوید و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و از کشت و دلیل بود که دشمن را قهر کند و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و دلیل بود که
 در برخی و عیسی که فشار آید و اگر جنین که کسی بوزنه بوی بخشد و دلیل بود که کسی دشمنی او ظاهر کند جای که اگر کسی جنین که بوزنه را بگشت
 دلیل بود که بیمار کرد و در دو شفا یا بدو اگر جنین که بوزنه بر پهلوی او بگرفت و دلیل بود که پهلوی او بگرفت و پسری شد و دلیل بود که شغل و پیش را تمام کند و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و عیالت
 جادو بود و اگر جنین که بوزنه بخانه آید و دلیل بود که خدا سخاوتی را جادو کند و اگر جنین که بوزنه با دمی سخن گفت و دلیل بود که زن
 با دمی و آن زن با کند و اگر جنین که بوزنه او را بگرفت و دلیل بود که بیمار کرد و پهلوی او بگرفت و پسری شد و دلیل بود که شغل و پیش را تمام کند و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و عیالت
 که مال خویش را بر این است بزمین کند و سبب و انیال که که پهلوی او بگرفت و پسری شد و دلیل بود که پهلوی او بگرفت و پسری شد و دلیل بود که شغل و پیش را تمام کند و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و عیالت
 که پهلوی او بگرفت و پسری شد و دلیل بود که پهلوی او بگرفت و پسری شد و دلیل بود که شغل و پیش را تمام کند و اگر جنین که پهلوی او بگرفت و عیالت

بزرگ

بزرگ

بزرگ

بزرگ

بزرگ

۱۰۰

١٢

22

میں نے

کے

کرد و اگر پوست تن خود را بپایه و پینه و لیل بود که غم و اندوهی بودی رسد اگر چینه که پوست بپاشی روشن بود و لیل بود که اگر
 عادت کرد و کوفتی که بگوید پوست بپاشد بپایان خواب و پینه مال بود و پوست بر سر برشت بود و نرمی بزرگ و پوست که سفید
 صاحب را زنی بود و اگر پوست درخت بپاشد خندهش روز و در بود و اگر چینه که پوست بپاشد بپایان خواب و پینه مال بود و پوست
 بر آن منسوب بود و مالی بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد
 و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد
 شد و باطلی بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد
 این سر بر که اگر کسی در خواب بپاشد و پینه که پستین پوشیده بود و وقت زمستان بود و لیل بود که چینه بپاشد و پینه که پستین
 او بود و اگر وقت تابستان بود و پینه که پستین پوشیده بود و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد و اگر چینه که سر را بپاشد
 و لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 بود و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 سر که پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 بپاشد که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 و این سر بر که اگر کسی بپاشد و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 از جایی که طبع خدایه و منفعت بپاشد و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 و لیل بود که طالب و خوشکار وی بود و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 خواب و دشت لیل بود که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 این سر بر که اگر کسی بپاشد و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 دلیل بود که در میان همسران دروغ گوید و اندوه و غم و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 زدن بنای اول مردان را نصیبت بود و زدن از زدن و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 وجه بود و اول خبر دروغ و توهم سخن کرد و توهم ظاهر شدن و از چهارم محصیت بود و لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 پادشاه بود و مردی بزرگ که مردان را بپاشد و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به
 بپاشد و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به و اگر چینه که پستین پوشیده و دشت لیل بود که زنی تو اگر خواب و اندام مال یا به

[illegible]

مجلس

١٢

۱۰۰

5.

١٤٢

六

1

۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

کار و تنگونی احوال و اگر میند که پادشاه پیر این اوده بود و پیش میانه بود و در تنگی و بدی و اگر میند که پیر این بدی کس و هر کس بود
 دلیل بود که در تنگی و چواری رنج و غم بود و در سده و هر چند پیر این را گفته شود و در بدی و ترید و بلا و مصیبت و همیشه پیشتر بود که خداوند
 خراب بکند کرد و اگر کسی میند که پادشاه او پیر این خود او بود و پیش دلیل بود که پادشاهی از وی بستاند که مافی کوید اگر کسی میند
 که پیر این بود و پیش دلیل بود که پادشاهی از وی بستاند که مافی کوید اگر کسی میند که پیر این بود و پیش دلیل بود که پادشاهی از وی بستاند
 بود و در پیش کرد و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری
 فراخ کرد و اگر میند که پیر این تنگ بود دلیل بود که پیش بر وی تنگ کرد و اگر میند که پیر این اوده بود و دلیل بود که از تنگی
 کرد و اگر میند که پیر این بی گریبان بود و بی آسودگی و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری
 در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد
 نهند و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی
 دلیل بود که پیشتر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد
 پیشتر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد
 بود که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد
 اول دیدن مردم و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری
 در آسمان چهارم برابر کعبه و آن حج کا و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی
 یا بعد ظاهر کرد و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری
 و اگر میند که پیر این تنگ بود دلیل بود که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد و در انداخت و دلیل که کارش بر کرد
 پیر دلیل بود که از تنگی و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری
 که مافی کوید اگر کسی میند که از زمین و آسمان و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری و در غم و اندوه و گرفتاری
 بیت المعمور را بسته است و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی
 سیرین کوید که پیر این در خواب دلیل بر مالی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی
 بسته بود و پیر این بود و دلیل بود که بقدر آن او مال محال حاصل کرد و اگر میند که پیر این او ضایع کرد و دلیل بود که او را
 غم و اندوه و در سده و اگر میند که پیر این زن و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی
 غم و اندوه و در سده و اگر میند که پیر این زن و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی
 بجز زار و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی
 بر چهار وجه بود اول غم و اندوه و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی و در تنگی

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

که بر کرد و محاسن او سفید شد دلیل که غرور شرف یا بد و اگر کسی بجمول را بیند که خرم و شادمان بود و دلیل که ناز و ستی بر او ای و بر او دار
 غم دست که دو و اگر کسی حروف را بیند که خرم و شادمان بود و دلیل بود که ناز و جویری بد و در سد و اگر او را ترش روی و نمکین بیند دلش
 بخلاف این بود و جابر بن یزید گوید اگر کسی بر این بیند که جوان شد و دلیل بود که غرور و بزرگی و نقصان باشد و در دنیا مشغول گردد و اگر جوانی
 یا کودکی بیند که بر سرش دلیل بود که غرور و بزرگی یا بد و بکار آخرت مشغول گردد و میسرین این بیند که کسی در خواب ثل و تو لکری بود
 و اگر بیند که تن او پس کرد و دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از مجربان گویند که کسی در خواب بر سرش
 حضرت عیسی و قمری نیکو کسی در خواب بر جبار بود و اقل مال و تویم میراث خیم منفعت چهارم بدید آمدن کار و مشکل جابر مغربی
 گوید اگر بیند که با مردی پس او را محبت بود اگر آن مرد مصلح و مستور بود و دلیل بود که او را منفعت خیرت بود و اگر آن مرد فاسد
 و کینه لعل بود و اگر او را از حرام منفعتی سپید پیشانی این بیند که پیشانی در خواب قدر و جاهد مردم بود زیرا که موضع سجده است و اگر
 افتاد است و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزندی بود که از این بیست و تو لکری کرد و اگر بیند که پیشانی او ناشی بود و دلیل که خدا
 او را پاک و بی و بر بزرگاری شود و اگر بیند که کسی بر پیشانی او زرد و خون و آن شد و دلیل بود که قدر و جایش ناپاوه کرد و اگر بیند
 که پیشانی او کوکب است که در دهان و پیشانی این بود و اگر بیند که پیشانی او از مال خود بکشت و دلیل بود که نیکوای بی و سپید و اگر بیند که پیشانی
 او مورد است و دلیل بود که دام و اگر کرد و اگر بیند که کسی سرخ یا سفید بود و دلیل بود که آن و اش از جبهه عیال بود و اگر بیند که پیشانی
 او آساست و دلیل بود که ناشی ناپاوه کرد و اگر بیند که از پیشانی او مار یا کرم یا چیزی دیگر بیرون آید و دلیل بود که نقصان او را
 اگر کرد و از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی بیند که بر پیشانی بکشت چشم داشت و دلیل بود که کار که خدا فی او بیند کرد و اگر بیند که
 پیشانی چشمهای بسیار داشت و دلیل بود که او را و مصلح خود بپنداری تمام بود و اگر بیند که بر پیشانی وی خطی بنویشته بود
 که او از فرزندی آید عالم و هر چه کار و اگر بیند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است و دلیل بود که عاقبت را محمود و کند و اگر از پیشانی
 او بود و اگر بیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است و دلیل بود که عاقبتش محمود و نباشد و دلیل بخلاف این بود و حضرت عیسی و قمری
 که درین پیشانی در خواب بر سرش و بر او اقل جاهد و قدر و تویم غرور و بزرگی ستم فرزند تو لکری چهارم محبت چشم را بست چشمی جز و نیک
 پیشانی گرفت و این بیند که اگر بیند که در کارش پیشانی گرفت یا بر کسی از کارهای او بن مثل عیال و تویم و غرور او آنچه بدین اند و دلیل بود
 که از قدرت مستکاری یا بد او را از خدا بیستالی ثواب بود و اگر کسی بر کار و دنیا پیشانی گرفت و دلیل بود که غرور و اقبال این با حضرت
 صادق مفریاد که پیشانی گرفت و در خواب و کارهای خیر و صلاح و دلیل بر خیر و صلاح و وجهانی بود و اگر بیند که پیشانی گرفت و کارش ناپاوه
 و دلیل که بد بر ناپاوه و وجهانی همیشه این بیند که بد که پیش از خواب و بدین اگر بیند که پیشانی خود را در کار و بد پیشانی از آن بهتر شود و اگر
 و دلیل بود که کارش و حالش بهتر گردد و در کسب و کار و وی نیکو بدید آید و اگر بیند که پیشانی که ناگون بی کرد و اگر آن پیشانی نیکو و دلیل
 بر خیر و نیکوای کار کند و اگر بد بود و دلیل که بد بر شر و بدی و اگر بیند که بعضی از پیشانیها بد بود و بعضی نیک است بر کلام قوی تر بود حکم این
 این بیند که بد که پیشانی در خواب ناپاوه و بیابانی اگر بیند که در پیشانی او کانی پیشانی بد بود و در پیشانی او نیکو و در آن بود و خدا

نسخه

چند

چند

چند

چند

چند

سینه

در وقت آن و از سیه و آن همیشه می خورد و دلیل بود که زنی خواهد که اصل او بیایالی بود یا کیت که زنی خواهد که در میان او بار آورد باشد و آن
 زن او را خیره و نفعست رسد اگر آن میسر را خالی از اینها بدو دلیل بر شرف و عزت کند و اگر میند که در آن همیشه بجای درختان خار بود و از آن
 او را کند رسد دلیل کند که او را غم و بخت زمان رسد حضرت افق گوید که دیدن بیشه در خواب بر چهار و بر دو اول زن بیایالی
 و تویم که کیت که تسم شفته چهارم غم و اندوه بود و بیع این سیرین که اگر میند که معصیت بفروخت و دلیل بود که
 وین او را و غیر بود و خار و اگر میند که بنده خویش را بفروخت و دلیل بود که کار بروی تنگ آید و شکم کرد و اگر میند که زن خویش
 بفروخت و دلیل بود که حرمت در زنی او را از دست نام کرد و اگر بخواند زن که بفروخت او را زنی دیگر بود و دلیل بود که کارش بیایالی
 باز آید که آن که بر حیرت درین غریب و غریب و غریب آن خواب بود و در غریب آن بیک بود و سپیکان در خواب و درین مردی که
 خطر بسیار بود و اگر میند که بیکانی نیز بابت یا کسی دی بخشد و دلیل بود و بر روی بیکار که در رسد جابر مغربی گوید که دیدن سپیکان و
 خور بود و در سختی که میند خواب با خصم که در خاصه که بیکانی نیز بر او روشن بود و اگر شکسته باز بیکار گرفته میند ناویش بخلاف این
 پیغمبر را که تاویل چهارم بر آن در مثل شازدهم یاد کرد و هم از آنجا مطالعه باید کرد و سپیک این سیرین که در یک بیکار خواب زن بود و اگر میند
 که او را پیکری بود و دلیل کند که زن خواهد و اگر میند که بیکار کسی بسیار بخورد و دلیل بود که کیت که خرد و اگر میند که بیکاری داشت و از دنیا
 ضایع شد یا از دست او برفت و در شکست دلیل بود که زنا طلاق دهد یا زنی از دنیا رحلت کند و اگر چهارم بیکار خود را بصورت
 و بیکار میند دلیل بود که او را الف کبر و هم بر آن مبیات که آن چیز رسیده بود که مانی گوید که بیکار خیره را بصورتی زشت جل کرد و میند
 دلیل که حال او متغیر کرد و اگر میند که بحال و صورت خود کرد و دلیل بود که حال خود بدوی خدا باز کرد و اگر بیکار خویش با شکسته
 دلیل بود که مردی یا زنی بگرداند و بروی خدا میند جابر مغربی گوید که اگر کسی میند که بیکار دوی یا بیکار حسواتی بدل می کرد و دلیل
 که آنکس بد مذنب و دروغ گو بود یا در صفات خدا تعالی چیزی گوید و اگر میند که بیکار کسی بخورد و اگر میند که از این دلیل بود که بخت دلیل
 که میند و اگر کار معصوب به یاید و در آن متغیر باشد و صورت در خواب و درین مردی بود که بر خدا استیلا و دروغ گوید و دلیل این سیرین که
 که مقبول بود که میند که فرق نیست هیچ و در میان خواب شب و خواب روز و اگر کسی در خواب میند که برین نشسته است و دلیل بود که
 زنی خواهد و اگر خواب را بر او میند و دلیل بود که زن را طلاق دهد یا کیت که را بفروخت و اگر میند که بیکار بخت و دلیل کند که اگر
 بروست او گفته کرد و یا حساری حکم را بخشاید و اگر میند که برین ای بر سر روی نهاد و او را بخت و دلیل بود که بیکار که از دنیا
 بگردد و اگر میند که بر سر بیل نشسته بود و آن بیل و کیری داشت و دلیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود و اگر
 گوید که میند که بر بیل نشسته بود و آن بیل صلاح داشت و نیک طبع او بود و دلیل کند که پادشاه دیگر کرد و یا پادشاه عجم را قتل کرد و اگر میند
 که از دست بیل می خورد و دلیل بود که بقدر انگوشت از پادشاه عجم مال داشت یا بد و اگر میند که از آن بخت بیل باز بخت و چیزی
 داشت و بیل کند بر مال داشت که از پادشاه بد و رسد و اگر میند که بیکار هم از غم بروی نشسته و دلیل بود که دشمنی بزرگ و
 کند و بر این قول شسته و یا بیل را دلیل آید و او را و اگر میند که از دست بیل بخت و دلیل بود که در طایفه بخت کند که بیل بر

سینه

سینه

سینه

[illegible]

پس در میان برتو بود و اول غر و تامل بود و تمیز باضت نفس تنیم گشتا پیش که ساسی فرجه بسته تا لیسان این سیرین که بد که پادشاه
 بخواب دیدن پادشاه سخت بود و اگر گریخت و چنانکه مردم را از آن زبان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه و در میان
 پادشاهان را پوشیده خفته خواب دیدن بهتر بود و گمانی که بد اگر کسی تابستان را بخواب میزد بوقت خود چنانکه جان خرم بود و در میان پادشاه
 دلیل بود که غر و دلش زیاده کرد و کاوش برادر و مردم عام پادشاه را بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر
 تابستان را نه بوقت خویش میزد تا پیش بختا این بود و تاج تخت بر سیرین که بد که تاج و خواب دیدن پادشاهان را ملک و دولت
 بود و از آنرا شهر و مردم عام را شکوفی حال اگر میزد که بر سر تاج داشت نذر و مرصع دلیل بود که قدری بلند و شرفی غلبه باید که
 در زمین را و شریفیت منیفیت هر دو اگر این خواب را نمی بیند دلیل بود که شوهری کند صاحب شست و بجا و در شغل و بکار گمانی
 گوید اگر میزد که پادشاه بر مردی تاج میسازد و دلیل بود که از پادشاه بزرگی و کام و دانی بود و اگر میزد که پادشاه تاج بوی داد و دلیل بود
 و او بر سر شاه و دلیل بود که تنی توانگر خوب روی بخوابد و از او کام دل و دوا و بد اگر میزد که تاج از سر او بیفتد و دل شکست
 دلیل بود که زن را طلاق دهد و اگر کسی میزد که تاج از سر وی برگرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا کرد و اگر میزد که
 تاج از سر وی بیفتد و دل شکست دلیل بود که زن او ببرد و اگر کسی از این بیت او ببرد و از دنیا رحلت کند حضرت صفا و قیام فرمایند
 اگر زنی میزد که تاج بر سر دارد و شوهر ندارد و دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد و دلیل بود که بر زنان فتنه کرد و اگر زنی
 میزد که تاج از سر او برگرفته شد دلیل بود که شوهر از زنی خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر میزد که تاج مرصع بود بر او بر سر شاه
 بود و بجا و حرمت حاصل کند و او را حرمت بپذیرد تا تاج این سیرین که بد که اگر میزد که مال و نعمت کسی را بنابر تاج بر و دلیل بود
 که اگر کسی غم و اندوه و زبان رسد بقدر آنکه از وی برود و حضرت صفا و قیام فرمایند که تاج کردن دلیل بود بر چهار وجه اول
 شنب دوم تنیم غم و اندوه چهارم از زنی مخ که گرفتار نیست بود و تاج یکی این سیرین که بد که تاریکی و خواب و دلالت
 بود و راه زمین اگر میزد که تاریکی فرار گشت یا کسی بد و داد و دلیل بود که بر قدر آن منالالت و تاریکی یا بد اگر میزد که تاریکی
 بود و آن تاریکی هر دو شانی مبتدل کرد و دلیل بود که توبه کند و راه دین بر او گشاده کرد و گمانی که بد اگر میزد که تاریکی بزرگ
 و آن تاریکی را بزرگ و شانی شد و دیگر باریکی شد دلیل بود که این منافق بود و قوله تعالی و انما اکظم حکمتهم فاصحابه اولیاء
 جابر گوید که تاریکی بخواب غم و اندوه بود اگر میزد که بجا سخت تاریکی کرد و دلیل بود که مردم آند از غم و اندوه رسد و کار
 ایشان مبتد کرد و اگر میزد که بجا روشن بود و تاریکی باریک بود که باریک بود که در آند از مرگ مغایات طلب بر که حضرت
 صفا و قیام فرمایند که تاریکی در خواب برنج وجه بود و اول غر و تنیم غیر تنیم فرو بستن کار چهارم بدست پنجم در منالالت اندوه
 است و دلیل اشتد که بد که اگر بخواب میزد که تاریکی هر دو شانی آمد و دلیل بود که از راه و شنی جزو تاریکی یافت و از غم و قیام باید که کار
 بر وی کشاده کرد و از راه و منالالت دور بود و تاریکی و منالالت که بد اگر کسی میزد که تاریکی بزرگ و در آند از غم و دلیل بود که کار
 نه بر او و نظام او بود و اگر میزد که تاریکی از محفل نکرده بود و دلیل بر شرف و بزرگی بود و بقدیر آن که تاریکی و بعضی که میزد که تاریکی

تنیم
 لیسان

منجم

منجم

منجم

منجم

در خواب دلیل بر مال زکات و بر توبه نیست و خواب اگر میند که دو مال تا زیاده از یکست دلیل بود که مال و بزندی از وی جدا کرد
بن سیرین گوید اگر کسی چینه گسی را با بنای زیاده و دلیل بود که بجاری مشغول گردد و آنرا گسی کسب نماید و بدو فرسد اگر چینه
که زیاده از دست مینداخت دلیل بود که انکار می کرد و دست دارد و چینه زیاده و اگر میند که چون در بار بنای زیاده و بزودی بر توبه
روان شد دلیل بود که سخنانی ناخوش شنود و اگر میند که خون از وی زشت دلیل بود که بر توبه زیاده و در می یابد که گاهی گویا که
میند که با و با بنای زیاده و دلیل بود که آنرا گسی مال حرام یا بد اگر میند که زخم نمائند تا خون از او روان شد و دلیل بود که مال بد و اگر
که زخم نمائند تا بر توبه او با و دلیل بود که سخنانی ناخوش شنود و اگر میند که او را بنای زیاده و بداند است که کسی ندو دلیل بود که
تا که دو مال یا بد و اگر کسی چوب میند که دست نمائند و نیکو و هشت یا ملاقه ابروین دلیل کند که او را فرزند می آید اگر
میند که نمائند با خوب بود و دلیل بود بر توبه و حال وی و اگر میند که نمائند با و درم با و دو مال بود و دلیل بود که خیر و شفت بد
و اگر میند که نمائند و دست او شکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از کار خود معزول گردد و اگر میند که بر آب شفته بود و بر
میز و دلیل کند که بجای کسی که می کند و جان کار بر وی منت نهد و اگر میند که بر پشت کسی نمائند و از او از انجا خون بر آید و دلیل بود
که آنکس مال حرام یا بد از تنده او را ستم کند بجای کسی و اگر بر پشت خود زخم نمائند میند و دانست که هر کس زد و دلیل بود که
خوبی او تمام گردد و اگر میند که بر کسی نمائند و زدن چنانکه پاره پاره گردد و دلیل کند که او را شتر قی کرد و و اگر کسی را با نمائند و
زد و دلیل بود که بر اعم زنده و رسد اسمعیل شفت که بد اگر کسی میند که در خانه خود دست خور نمائند که او بود و دلیل بر آن
که هر چه و دلیل بود که زبان او زخم حنا گردد و اگر میند که در از بود و گوشت دلیل بود که دشمن بر وی منقلب گردد و ضرر و شفت
فرماید که نمائند و در خواب بر چوب بود و اقل شفت و توبه بدل کردن ستم روشن شدن کاری مشکل چهارم سفر و مفارقت غیر
و مال تا و این سیرین گوید که تا و در خواب خند و شکار نمود که آنچه بر که خدای خانه بود و بجهل بر عیال خود و دیگران نفقه کند
که تا و نمود و شفت با کسی بود و او دلیل بود که خند و شکاری معطل او را حاصل کرد و یا از وی جدا کرد و یا بر مغزنی گوید که میند که و یا
چیزی بیعت دلیل کند که کار خند و شکار او نیکو گردد و اگر میند که با و چیزی بر سر زد و دلیل بود که از آن خند و شکار خیر و شفت بد
بشد خود و بی و اگر میند که آن خود را می ترسند و ناخوش بود و دلیل بود بر غم و اندوه و می تب این سیرین گوید اگر کسی بخوابد
که او را تب پیوسته بود و چنانکه زما می رسد و نیکو دلیل کند که پیوسته بفساد و کثرت مشغول بود و توبه با دیگر و ناخوش و تب بخت
گرفتاری که بد اگر کسی میند که شمشیر را زد و دلیل کند که قفس در دست و عرش در از بود و اگر میند که بر آب تابد و او را شفت بخت
این بود و تب این سیرین گوید که تب در خواب خند و شکاری بود که آنچه کار می کند و اگر او را کاری خرد یا بد و اگر آنرا گسی
تا و دیگر کارش نافرماند عیار گوید که تب در خواب بر وی ترسند و بود و اگر یادی خواب از مرد و منافق بود و در میان مردم جنگ
بخت و اگر میند که ترسید و شفت با کسی بود و او دلیل کند که او را با مردمی بران صفت و دوستی اند اگر میند که ترس و شفت با
کرد و دلیل کند که آن را با اهل و از سد بشیر و بنای می خیل بود و بدین آن در خواب خبر کرده و سخن دروغ بود و کاری بد

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

[illegible]

5

۱۰۰



10

[illegible]

مینوشت و مردم میداد و بهای میزد و دلیل بود که اندوگین کرد و متفکر تغار و بین تغار و نانی بود و متکسار و صالح
 که خندان و ابصالح وارد و او را خیر مردم آموزد و از شر و فساد و توبه کند که نانی کوید اگر میند که تغار و تبتکت با فانی کرد
 دلیل کند که آتین نانا و جد کرد و از دنیا رحلت کند و بقول بعضی جهان تغار که تیرک بود و خا و مره قفسه که با تکه قفسه که
 عس بخت بود اگر کسی از آنجا بید و دلیل بر غم و اندوه کند ای سیرین کوید اگر میند که قفسه می خورد و دلیل کند که غم و اندوه
 یا و با کسی خفته و بدان سلب بود که دروغ غلی الجله در قفسه خوردن هیچ خیر و منفعت نداشت و تکیه کردن این
 سیرین کوید اگر کسی در خواب میند که تکیه میکرد و دلیل کند که از شر و دشمنان این کرد و دور خیرات بروی کشاد و کرد و خیرت
 حاصل می فرماید که دیدن تکیه کردن در خواب بر چهار وجه بود اول یعنی از دشمن و تویم رسکاری از بالا و خفته سیم خیرت
 چهارم کشایش بکار ای بسته تکر کش این سیرین کوید که تکرک در خواب دیدن صواب نمکی دنیا بود و مکر اندک بود و توبه
 خود بود و دلیل که این آتش منع فراخی و نعمت بود و لکن تکرک دیدن نه بوقت خود و دلیل بر غم و اندوه بود و اول آن بر وضع را
 حضرت صفا و حق کوید که دیدن تکرک در خواب بر پنج وجه بود اول و اول بر تویم خصوصیت سیم لشکر چهارم فقط پنجم سیار می تل
 بغای می آهسته بود و شرح و تاویل آن در حرف با بیان کردیم تمام شدن کار این سیرین کوید که هر که خواب میند که کار
 و نیانی او ب نظام کشت و کامکار شد دلیل کند که او الس متخیر کرد و قوله تعالی حتی اذا اخذت الا قضی و حرقه
 و اذ یقتل و هر که میند که کارش تمام نشد دلیل بر بغیر حال او بود و بهمیم بود که عمرش سپری کرد و بهمیم میداد که بود که از آنجا
 گذشتن مردم این سیرین کوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود که معیشت مردم بود و بر زبان است لغت
 که در تن میند و دلیل بر معیشت کند و اگر میند که قش لاغر و نحیف بود دلیل بود بر درویشی و بیکاری کار با و اکثرین فقر
 میند دلیل کند بر توبه اگر کسی کار با و اگر میند که از تن او درشته بیرون آمد و دراز میکرد و دلیل کند که زنگاری بعضی
 و فراخی کند از دوا لبس زیاد کرد و اگر میند که از تنش کسسته شد و مالش بکلاف این بود و اگر میند که تن او آسین شده
 پسین دلیل بود که عمرش دراز بود و درویشی و نعمت بروی فراخی کرد و اگر میند که تن او آیکینه بود و دلیل بود که اجلش نزدیک
 باشد که نانی کوید اگر میند که تن او قوی و درست بود و دلیل بود که کارش ب نظام شود و از او پوشیده باشد و اگر میند که تن او
 است دلیل بود که درویش کرد و درازانش آشکارا کرد و حضرت صفا و حق میفرماید که اگر بر تن خست نانی باقی میند و دلیل کند بر قوت و عزت
 و طفره افتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی میند و لیست بکلاف این بود و اگر میند که همه تن او ناسخ است و دلیل بود که
 کرد و تندر لغت پاری را مدد بود و دیدن او در خواب بر تعدد بود و از عالم انزوا این سیرین کوید اگر میند که خزین تندر را
 بازن دلیل بود که مرد از ترس و بیم کمتر بود و نعمت و خیر فراوان و اگر میند که بازن سخت بار و تندر سخت بار و دلیل بود که
 ترس کاردی میند که خواب از دوا و پدر و مادر کاردی کوید که خزین را عدا کند باو و این بازن اندک و دلیل بر ترس کاردی از بازن
 از عای زبانه و صالحان حضرت صفا و حق فرماید که دیدن تندر بر پنج وجه بود و اول مذهب و تویم حکمت سیم خست چهارم

در خواب دیدن
 اگر کسی در خواب
 دیدن تکرک
 بر چهار وجه
 بود اول یعنی
 از دشمن و تویم
 رسکاری از بالا
 و خفته سیم
 خیرت چهارم
 کشایش بکار
 ای بسته تکر
 کش این سیرین
 کوید که تکرک
 در خواب دیدن
 صواب نمکی
 دنیا بود و مکر
 اندک بود و توبه
 خود بود و دلیل
 که این آتش منع
 فراخی و نعمت
 بود و لکن تکرک
 دیدن نه بوقت
 خود و دلیل بر
 غم و اندوه بود
 و اول آن بر وضع
 را حضرت صفا و
 حق کوید که دیدن
 تکرک در خواب
 بر پنج وجه بود
 اول و اول بر تویم
 خصوصیت سیم
 لشکر چهارم
 فقط پنجم سیار
 می تل بغای می
 آهسته بود و شرح
 و تاویل آن در حرف
 با بیان کردیم
 تمام شدن کار این
 سیرین کوید که هر
 که خواب میند که
 کار و نیانی او ب
 نظام کشت و کامکار
 شد دلیل کند که او
 الس متخیر کرد و
 قوله تعالی حتی
 اذا اخذت الا قضی
 و حرقه و اذ یقتل
 و هر که میند که
 کارش تمام نشد
 دلیل بر بغیر حال
 او بود و بهمیم
 بود که عمرش سپری
 کرد و بهمیم
 میداد که بود که
 از آنجا گذشتن
 مردم این سیرین
 کوید که تن مردم
 در خواب دیدن
 دلیل بر غم و
 اندوه بود که
 معیشت مردم بود
 و بر زبان است
 لغت که در تن
 میند و دلیل بر
 معیشت کند و اگر
 میند که قش لاغر
 و نحیف بود دلیل
 بود بر درویشی
 و بیکاری کار با
 و اکثرین فقر
 میند دلیل کند
 بر توبه اگر کسی
 کار با و اگر
 میند که از تن او
 درشته بیرون
 آمد و دراز
 می کرد و دلیل
 کند که زنگاری
 بعضی و فراخی
 کند از دوا لبس
 زیاد کرد و اگر
 میند که از تنش
 کسسته شد و مالش
 بکلاف این بود
 و اگر میند که تن
 او آسین شده پسین
 دلیل بود که عمرش
 دراز بود و درویشی
 و نعمت بروی
 فراخی کرد و اگر
 میند که تن او
 آیکینه بود و دلیل
 بود که اجلش
 نزدیک باشد که
 نانی کوید اگر
 میند که تن او
 قوی و درست بود
 و دلیل بود که کارش
 ب نظام شود و از
 او پوشیده باشد
 و اگر میند که تن
 او است دلیل بود
 که درویش کرد و
 درازانش آشکارا
 کرد و حضرت صفا
 و حق میفرماید
 که اگر بر تن خست
 نانی باقی میند
 و دلیل کند بر قوت
 و عزت و طفره
 افتن بر دشمن و
 اگر بر تن خویش
 نقصانی میند و
 لیست بکلاف این
 بود و اگر میند که
 همه تن او ناسخ
 است و دلیل بود
 که کرد و تندر
 لغت پاری را مدد
 بود و دیدن او
 در خواب بر تعدد
 بود و از عالم
 انزوا این سیرین
 کوید اگر میند که
 خزین تندر را بازن
 دلیل بود که مرد
 از ترس و بیم کمتر
 بود و نعمت و خیر
 فراوان و اگر میند
 که بازن سخت بار و
 تندر سخت بار و
 دلیل بود که ترس
 کاردی میند که خواب
 از دوا و پدر و مادر
 کاردی کوید که خزین
 را عدا کند باو و این
 بازن اندک و دلیل
 بر ترس کاردی از بازن
 از عای زبانه و صالحان
 حضرت صفا و حق
 فرماید که دیدن
 تندر بر پنج وجه
 بود و اول مذهب
 و تویم حکمت سیم
 خست چهارم

[illegible]

[illegible]

گشت و پیش بود که یار کرد و با کسی خدمت کند و اگر چینه که چشم او سیاه گشت چنانکه سفیدی داشت بلیس بود که سفید کرد
 و اگر چینه که چشم او گشت سید دلیل بود که فرزند این انداخته شد و اگر چینه که کسی دست خود را زد و یکست بنام خدا بر کند بلیس
 که فرزند او از او برود اگر چینه که کسی چشم او دایست یا بدست گرفت دلیل بود که فرزند او را نه باقی رسد یا نه بلیس بود و اگر
 کند و اگر چینه که از او نه و از خون بجی رفت دلیل بود که چینه فرزند عینی نبوی رسد یا نقصان آلی و شود و معیض اشفت که بر اثر
 چینه که چشم او گوش گشت و گوش او چشم گشت و دلیل بود که نه از خواب که او از خوشی بود و بهر دو مجامعت کند و اگر چینه که چشم
 کند و شش بود و دلیل بود که مال یا بعد اگر چینه که چشم او سفیدی بود و دلیل بود که او را غم و اندوه درسد و قوله تعالی و انیشت
 سینا و میراث حکایت چنین گویند که مردی پیش و اینان آمد و گفت بخواه دیدم که چشم راست من
 به چشم چپ من میزد و گفت ای مرد از خدا بترس و تو بکن و بعد از این با زن بسایه حیانت کن تا از عقوبت حق تعالی ایمن بگرد
 نه و گفت که تو بگو که بعد از این زن کنم حضرت صادق علیه السلام فرمود که چشم در خواب بر میفتد و در شبانی و آتیم و این
 بهیستم سلام چهارم فرزند حجیم مال ششم علم بنفتم و آتیم و درین زمان چشم من این سیرین کرد که چشم راست او در خواب
 بود و چنانکه چشم او در خواب طعم خوش بودی بود و قوله تعالی فلیتأمن بین جواریه و اگر آتش تیره و کند و در چینه
 بود و دلیل بود که انجام غم و بیماری مصیبت بود و اگر چینه که از آن چشمه صبح می کرد و دلیل بود که از شهاب فرج یا بهر و اگر چینه که
 چشمه زیاده شد و دلیل بود که بهاء و عزت و دان یا در آخری نه یا در دو و اگر چینه که آب چشمه نقصان کرد و در شش
 این بود و اگر چینه که آب چشمه خشک کرد و دلیل بود که مهنری جوهر و از آن یا در حلت کند که باقی گوید که اگر چینه که نه خانه او یا
 بود که آن آب چشمه آب برید و دلیل بود که او را غم و اندوه و اگر چینه که بر قدرت و قوت آب چشمه و اگر آب را تیره و او را غم
 غم و اندوه بود و در حسیب تر و اگر چینه که در آن چشمه دست و روی میشت دلیل بود که اگر چینه در و از آن کرد و اگر چینه که
 از آن فرج یا بهر و اگر چینه که در شفا یا بهر و اگر او را در و شش که او در شود و اگر چینه که او بود و تو بهر کند و اگر چینه که
 ببار بر گوید که آب چشمه بخواه دلیل بهر صاحب خواب بود و اندک که در چشمه آب میانه خاصه که دست در آن آب تیره و
 ایستاد و بنا بر صلیف تر و آب روان بود و بعضی از معبران گویند که چون آب چشمه آینه او بود و بنا بر دلیل بر خیر و مصلحت
 درین کند چون روان بود دلیل بر خرم و اندوه بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که درین آب چشمه بر خواب برنج و بر باد افکند
 جوهر از دو نیم غم و اندوه چشم مصیبت چهارم سیار می چشم هر روز نه کافی یا ختم چنانکه این سیرین کرد که چینه که در خواب
 سخن باطل و دروغ بود و اگر چینه که چنانکه میر و دلیل که سخن باطل و دروغ گوید و از آن غم و اندوه رسد و اگر چینه که پادشاه و پادشاه
 چنانکه او دلیل بود که از پادشاه و پادشاه و از آن غم و اندوه رسد و اگر چینه که چنانکه در شکست و شکست و دلیل بود که از سر و سر
 تو بهر کند و اگر چینه که چنانکه بر سر تیره و چنانکه نه از او دلیل بود که اگر صاحب سلم بود و مرد و از آن تیره کند و از آن سلم تیره
 بر دامن رسد و با شکر که از شکر که علم گوید و تیره و سلم حریف و نه و اگر انگیس یا بهر و در شش میانه کند که از آن شش از سر تیره

بلیس

بلیس

بلیس

گفتند اگر بیند که اجنه نه جنگ نامی و قفس بود و دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند چندان خواب مروی بود با یکبار چنان
 و حرام بود اگر بیند کسی چندی که در دلیل بود که او را با چنین مردی خصوصیت افتد و در کبریه حال او بدین چندان خواب مبارک
 نباشد که فانی که یا اگر کسی بیند که او را چندی ششید دلیل بود که در آنجا نه و نشود بود بقدر باکت چندان که هر چند بود
 دلیل که فرزند او ستم و ماحلت بود و اگر بیند که گوست چندی خود و دلیل بود که از مال مروی زد و با یکبار بقدر آن چیزی
 بخورد و چندان را بن سیرین که بیند که چندان در خواب دلیل غم و اندوه بود و اگر کسی بیند که چندان همی خورد و دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه
 خورد که بیند که چندان در خواب بر آن انداخت دلیل بود که از غم فرج یا دامن سیرین که بیند که چندان در خواب شفقت اخذ کرد و از جهت زمان و چندان
 بجهت هم از زمان شفقت یا بدین که چنانکه سیرین بود که اگر بیند که چنانکه بودی و یا دامن و در میانفت دلیل بود که مال
 و شفقت یا بدین که کسی بر و یک یا خط و فکله میوشت دلیل بود که حجامت کند جابر مغربی که یا اگر بیند که چنانکه مردم
 کرد و داشتند هر دو گرفت و دلیلست که در مال و نقصان افتد که بیند که چنانکه نزدی صنایع شنبه یا سوخت دلیل بود که وی
 نماند کرد و چنانکه که بقدری قهر خوانند و نادیش و خواب فرزند یا غلام بود که در خواب بیند که چنانکه و یک گرفت یا کسی
 و او دلیلست که غلامش را فرزندش یا چنانکه که چنانکه و یک زبیر و غلام میسر آید و اگر ما بود و غلام را و خستری آید که فانی که بود که چنانکه و یک
 در خواب مروی بود و سیرین سخن غریب و کم از و چرب فانی اگر کسی بیند که چنانکه و یک در اعطای او یا گرفت دلیل بود که با چنین مردی
 او را صحبت افتد چنانکه سیرین بود که یکبار در خواب مال پنهان کرده بود و اگر بیند که چنانکه مردم بود و دلیل بود که مال پنهان کرده یا بدین
 و نیز بیند که اگر بیند که بسیار چنانکه یا بر آن کرد و او را حاصل کرد یا خاتم و دلیل کند که کج بیاید و یکبار که و در سینه هم و سیرین مال
 و نعمت بود و بعضی از متبران که بیند که چنانکه خواب او دلیل بر فرزند آن بود چنانکه رسول فرمود او را و انکبا و اگر فانی که بود
 که سیرین آمدن چنانکه پیداشدن مال پنهان بود که پید کرد و یکبار بسیار از چنانکه یا خاتم بود و دلیل کند که سیرین چنانکه و بر علم و سیرین
 صادق فرماید که درین حکر و خواب بر ستم و جد و اول فرزند و مال و تو بر دوست که بجای فرزند بود و ستم علم و اگر بیند که از خانه
 و یکبار سیرین میگرداند با آتش یکبار میسخت دلیل بود که پادشاه کج و مال و بسند و اگر این خواب را عالمی بیند دلیل بود که چنانکه
 به علم فراموش کند حجامت و انبالا که بدین حجامت کردن در خواب روان شدن حاجت بود و خاص چون بیند که سنی از وی
 جدا کرد و اگر کسی بیند که با کسی چنانکه و دلیل بود که از آنکس شکلی باید و حاجت دور و اگر بیند که کسی با او جماع کرد و دلیل بود که از خانه
 و تو اگر کرد و اگر بیند که با زن خود حجامت کرد چنانکه زن از نیلای بود و مردان و دلیل کند که زنی و یکبار و او را ندی خبر و شفقت
 بدینا بن سیرین که یا اگر بیند که با زن خود یا زن و یکبار از وی و یکبار حجامت دلیل که مردی مستمع بود و بر طلب کار ناسخ و در آنکارا
 رستلخت نباشد و ستم رسول از آنکه بزار و اگر بیند که با مادر یا با خواهر یا با کسی دیگر که بر وی حرامست حجامت کرد و دلیل بود
 که شفقت از وی از وی بر بود که در دو اگر زنده بود یا مرد و دلیل بر غم و اندوه و بعضی از متبران که بیند که اگر زنده بود و از وی خبر و شک
 بیند که چنانکه اسلام کند اگر بیند که با زن که مرد و بود حجامت کرد و دلیل بود که تخمین نه ختم کرده و اگر بیند که با زن مرد و یکبار

چنانکه
 چندان
 چندان

چنانکه
 چندان

چنانکه
 چندان

و اندوه و صرب نیز کوه و بود اگر خواب بیند که صرب داشت دلیل که را از زندگی باید و اگر زن نذر و مال یا بد و اگر میند که صرب است
 تمام داشت دلیل که بزرگی و جا یا بد و اگر میند که پادشاه صرب بد و او دلیل که از پادشاه منفعت یا بد و اگر میند که صرب نزد کسی
 دلیل که از آنکس بد و چیزی رسد اگر میند که صرب بد است او بود و بست دلیل که از دشمن نصرت یا بد و جعفر صادق معنی الله علیه و آله
 صرب در خواب دیدن برشش و بد باشد یکی عجب دوم و ولایت سوم و مرد و از چهارم و نظیر پنجم است ششم منفعت حرم جای این
 اگر میند که حرم کعبه بود دلیل که از آن غایت دنیا اینی یا بد و از راج روزی شود که آنی در حقه الله علیه و آله که بد و اگر میند که حرم یا پادشاه یا پادشاه
 رفتن دلیل که نه بد و اگر میند که پادشاه چیزی بودی رسد و بعضی معتقدان میند که او را حاجت یا این حرم و اگر میند که
 یا پادشاه یا حرم خود را و آنجا مقیم شد دلیل که در پادشاه شروع کند و کاری کند که او را از آن کار به نامی حاصل آید که
 بیند که حرم یا پادشاه ظالم رفت بهین تاویل دارد و صرب و خرو و صرب و حرف و ال بیان کنیم حساب این سیرین و صرب
 علیه که اگر کسی خواب بیند که حساب بگرد و دلیل که در محبت و عذاب فتنه که مالی در حقه الله علیه و آله که بد و اگر میند که حساب جزا و تنالی و دنیا
 حساب با وی آسان بگرد و امید است که رسکاری یا بد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در محبت الله جعفر صادق معنی الله علیه و آله
 حساب قیامت خواب دیدن برشش و بد بود یکی عذاب یا پادشاه دوم مشغلی سوم سختی و پنج چهارم بد حالی پنجم اندوه
 عر که آن حساب اگر میند که در حساب می شد دلیل که از دشمن بهین گردد و اگر میند که آن حساب بیرون آمد دلیل که بد دشمن نظیر بد و مالی
 بد حقه الله علیه و آله که بد و اگر میند که در حساب می بود آن حساب را از آن او بود و دلیل که از دشمن بهین گردد و اگر میند که آن حساب بیرون آمد
 این در مغربی رحمة الله علیه که بد و اگر در حساب میند دلیل که نشت روزی بودی خوش گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که نه بد و مالی
 او در بستی کار باشد حصیر این سیرین و اگر خواب بیند که حصیر داشت با کسی بودی او دلیل که بد و آن حصیر منفعت یا بد و اگر میند
 که حصیر بیافت دلیل که بدی معنی شود و اگر میند که حصیر کم بسیار که بیافت دلیل که آن زن بی مهر و دریش بود و اگر میند که حصیر
 بیش یا بکسر بود دلیل که زنی منقسم با اصل بخوابد مغربی رحمة الله علیه که بد و اگر میند که حصیر بیافت و بی فروخت دلیل که از آن
 نمی رسد جعفر صادق معنی الله علیه و آله که بد و این حصیر در خواب برسد و بد بود یکی زن و دوم منفعت سوم خواستکاری که از آن
 و راست بود حقه این سیرین رحمة الله علیه که بد و حقه در خواب در خشم شدن باشد و از جانی بیانی شدن چنانکه
 رخصی آن به پیش شود و بعضی از معتقدان گویند حقه در خواب می بود که بهیند و باز گردد جعفر صادق معنی الله علیه و آله که بد و اگر میند
 او را حقه که در آن از پنج بود و دلیل بر بدی احوال او بود و اگر بخلاف این بیند حقه این سیرین رحمة الله علیه
 که در خواب از آن باشد یا بکسر اگر میند که حقه نوزاد گرفت یا بجز بد یا کسی بودی او دلیل که زن خواهد یا بکسر که خرد و اگر میند
 حقه شکست یا ضلوع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمة الله علیه که بد و اگر میند که حقه بزرگ نقش است دلیل که
 زنی نزا که خواهد و از منفعت یا بد و اگر بخلاف این بیند دلیل که زنی زشت روی و دریش بخوابد حکمت این سیرین رحمة
 علیه که بد و اگر خواب بیند که حکم مکتب میخواند دلیل که زن آن خوان شود و اگر میند که کتاب حکمت بدست دلیل که رتبه این دین وی بود

خواب اگر خواب بیند که حساب بگرد و دلیل که در محبت و عذاب فتنه که مالی در حقه الله علیه و آله که بد و اگر میند که حساب جزا و تنالی و دنیا
 حساب با وی آسان بگرد و امید است که رسکاری یا بد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در محبت الله جعفر صادق معنی الله علیه و آله
 حساب قیامت خواب دیدن برشش و بد بود یکی عذاب یا پادشاه دوم مشغلی سوم سختی و پنج چهارم بد حالی پنجم اندوه
 عر که آن حساب اگر میند که در حساب می شد دلیل که از دشمن بهین گردد و اگر میند که آن حساب بیرون آمد دلیل که بد دشمن نظیر بد و مالی
 بد حقه الله علیه و آله که بد و اگر میند که در حساب می بود آن حساب را از آن او بود و دلیل که از دشمن بهین گردد و اگر میند که آن حساب بیرون آمد
 این در مغربی رحمة الله علیه که بد و اگر در حساب میند دلیل که نشت روزی بودی خوش گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که نه بد و مالی
 او در بستی کار باشد حصیر این سیرین و اگر خواب بیند که حصیر داشت با کسی بودی او دلیل که بد و آن حصیر منفعت یا بد و اگر میند
 که حصیر بیافت دلیل که بدی معنی شود و اگر میند که حصیر کم بسیار که بیافت دلیل که آن زن بی مهر و دریش بود و اگر میند که حصیر
 بیش یا بکسر بود دلیل که زنی منقسم با اصل بخوابد مغربی رحمة الله علیه که بد و اگر میند که حصیر بیافت و بی فروخت دلیل که از آن
 نمی رسد جعفر صادق معنی الله علیه و آله که بد و این حصیر در خواب برسد و بد بود یکی زن و دوم منفعت سوم خواستکاری که از آن
 و راست بود حقه این سیرین رحمة الله علیه که بد و حقه در خواب در خشم شدن باشد و از جانی بیانی شدن چنانکه
 رخصی آن به پیش شود و بعضی از معتقدان گویند حقه در خواب می بود که بهیند و باز گردد جعفر صادق معنی الله علیه و آله که بد و اگر میند
 او را حقه که در آن از پنج بود و دلیل بر بدی احوال او بود و اگر بخلاف این بیند حقه این سیرین رحمة الله علیه
 که در خواب از آن باشد یا بکسر اگر میند که حقه نوزاد گرفت یا بجز بد یا کسی بودی او دلیل که زن خواهد یا بکسر که خرد و اگر میند
 حقه شکست یا ضلوع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمة الله علیه که بد و اگر میند که حقه بزرگ نقش است دلیل که
 زنی نزا که خواهد و از منفعت یا بد و اگر بخلاف این بیند دلیل که زنی زشت روی و دریش بخوابد حکمت این سیرین رحمة

اگرانی رحمة الله علیه که در اگر خواب بیند که اوراق کتاب حکمت بخورد و دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که او را بیست و
 دلیل که بیست و خواب نازک دارد و اگر می بیند که کتاب حکمت بخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلال چارین سیرین بر روی
 علیه که بد که علاج در خواب مردی غوی بود که کارهای مردم بر دست وی گذاشت و اگر می بیند که علاج می کرد و دلیل که
 مردی چنین که گفتیم او را محبت افتاد جعفر صادق رضی الله عنه که در علاجی در خواب برود و بعد بودی منفعت و در کمال
 حلیت انگیز بود و در خواب دیدن وی بعد حال غم و اندوه بود و بعد از این سیرین رحمة الله علیه که بد جلودار خواب
 بود که بر دست پادشاه که نشسته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه که بد جلودار خواب مال بسیار بود و درین حال
 بود که لغت از علما بود که بفرزند و در یک لغت نوزینه نیکو بود و حلیت که مستر بودم یا منفر جز در و باشد منفعت بود که
 رسد از مردی چنین مخری رحمة الله علیه که بد جلودار اگر در خواب دلیل که بد کمال حلال در روزی حلال یا بد و اگر می بیند که در
 رعفران بود بهتر بود و حلیت فروش در خواب مردی شیرین سخن بود و حال این سیرین رحمة الله علیه که بد حال در خواب
 خداوند عباد و خطر بود و اگر می بیند که بر پشت باری سبک شد و آن بار کثرت بود و دلیل که بعد آن بار بار راحت و تبر
 رسد و اگر می بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که در میرسد و دلیل که گناهکار و مای شود و در کمال
 و از این کمال بودیم القیامه غریبی رحمة الله علیه که بد اگر می بیند که حال از هر و اگر آن می کرد و دلیل که با خلق فدا می شود
 کند و اگر می بیند که مالی می کرد و نزد میگرفت و پیش غم و اندوه بود و در حنا کارانی رحمة الله علیه که بد اگر می بیند که بر دست و پا
 حنا نماند و دلیل که غیبتش ایما یا بد و لیکن در وین که است بود و بعضی مبران که بیند که حال خوش نشان از او پوشیده و
 و اگر این خواب کسی که می بیند که او را حنا بسن نشاید و دلیل که غم نوی رسد و زود و فتح یا جعفر صادق رضی الله عنه که
 حنا بسن در خواب برشته بود و یکی از این خوش نشان دوم ستر این بیت سوم غم و اندوه و خط طوبی خوش باشد که بر مرده است
 این سیرین که بد اگر می بیند که خط طوبی بر او گذشت و دلیل که آید که در و در پناه اعتقالی باشد و اگر خواب کسی می بیند
 و اندوه و فتح یا بد و از ترس این که در کارانی که بد که خط طوبی بر او نشوید این ستر این مرد بود و خط طوبی که بعضی از مبران که
 که نکلی می بود بر این و بیت بر اندازد و خط طوبی این سیرین رحمة الله علیه که بد جلودار علم و دانش بود و اگر
 عرض آید که صافی خرد و دلیل که بعد از آن از هم هر دو یا بد و اگر می بیند که در آید که عرض چیست و دلیل که توفیق طاعت یا بد و از
 یا از است و اگر می بیند که آید که عرض همه خرد و دلیل که عمر سلامت که نماند و دلش زاده شود و کارانی که بد که اگر می بیند که جامه خود را
 بپشت و دلیل که این است او توبه کند و بر او دین دیند و اگر می بیند که جامه و عرضی بپشت و طیبی بد و اگر آید ظاهر شد و دلیل که
 بخندد و اگر می بیند که بکار نه عرض بفرستد و دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یا بد و غاصه که عرض بکند
 و اگر می بیند که آید که عرض زاده شد یا بکار نه جوابی در عرض آید و دلیل که حال علم وی بپشت از نیاوت کرد و اگر می بیند که آید که عرض
 بر رخ بود و دلیل که غم نماند و بود و مخری رحمة الله علیه که بد اگر می بیند که آید که عرض میزد و دلیل که مال یا بد از مردی که او را بدست

که در اگر خواب بیند که اوراق کتاب حکمت بخورد و دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که او را بیست و
 دلیل که بیست و خواب نازک دارد و اگر می بیند که کتاب حکمت بخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلال چارین سیرین بر روی
 علیه که بد که علاج در خواب مردی غوی بود که کارهای مردم بر دست وی گذاشت و اگر می بیند که علاج می کرد و دلیل که
 مردی چنین که گفتیم او را محبت افتاد جعفر صادق رضی الله عنه که در علاجی در خواب برود و بعد بودی منفعت و در کمال
 حلیت انگیز بود و در خواب دیدن وی بعد حال غم و اندوه بود و بعد از این سیرین رحمة الله علیه که بد جلودار خواب
 بود که بر دست پادشاه که نشسته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه که بد جلودار خواب مال بسیار بود و درین حال
 بود که لغت از علما بود که بفرزند و در یک لغت نوزینه نیکو بود و حلیت که مستر بودم یا منفر جز در و باشد منفعت بود که
 رسد از مردی چنین مخری رحمة الله علیه که بد جلودار اگر در خواب دلیل که بد کمال حلال در روزی حلال یا بد و اگر می بیند که در
 رعفران بود بهتر بود و حلیت فروش در خواب مردی شیرین سخن بود و حال این سیرین رحمة الله علیه که بد حال در خواب
 خداوند عباد و خطر بود و اگر می بیند که بر پشت باری سبک شد و آن بار کثرت بود و دلیل که بعد آن بار بار راحت و تبر
 رسد و اگر می بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که در میرسد و دلیل که گناهکار و مای شود و در کمال
 و از این کمال بودیم القیامه غریبی رحمة الله علیه که بد اگر می بیند که حال از هر و اگر آن می کرد و دلیل که با خلق فدا می شود
 کند و اگر می بیند که مالی می کرد و نزد میگرفت و پیش غم و اندوه بود و در حنا کارانی رحمة الله علیه که بد اگر می بیند که بر دست و پا
 حنا نماند و دلیل که غیبتش ایما یا بد و لیکن در وین که است بود و بعضی مبران که بیند که حال خوش نشان از او پوشیده و
 و اگر این خواب کسی که می بیند که او را حنا بسن نشاید و دلیل که غم نوی رسد و زود و فتح یا جعفر صادق رضی الله عنه که
 حنا بسن در خواب برشته بود و یکی از این خوش نشان دوم ستر این بیت سوم غم و اندوه و خط طوبی خوش باشد که بر مرده است
 این سیرین که بد اگر می بیند که خط طوبی بر او گذشت و دلیل که آید که در و در پناه اعتقالی باشد و اگر خواب کسی می بیند
 و اندوه و فتح یا بد و از ترس این که در کارانی که بد که خط طوبی بر او نشوید این ستر این مرد بود و خط طوبی که بعضی از مبران که
 که نکلی می بود بر این و بیت بر اندازد و خط طوبی این سیرین رحمة الله علیه که بد جلودار علم و دانش بود و اگر
 عرض آید که صافی خرد و دلیل که بعد از آن از هم هر دو یا بد و اگر می بیند که در آید که عرض چیست و دلیل که توفیق طاعت یا بد و از
 یا از است و اگر می بیند که آید که عرض همه خرد و دلیل که عمر سلامت که نماند و دلش زاده شود و کارانی که بد که اگر می بیند که جامه خود را
 بپشت و دلیل که این است او توبه کند و بر او دین دیند و اگر می بیند که جامه و عرضی بپشت و طیبی بد و اگر آید ظاهر شد و دلیل که
 بخندد و اگر می بیند که بکار نه عرض بفرستد و دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یا بد و غاصه که عرض بکند
 و اگر می بیند که آید که عرض زاده شد یا بکار نه جوابی در عرض آید و دلیل که حال علم وی بپشت از نیاوت کرد و اگر می بیند که آید که عرض
 بر رخ بود و دلیل که غم نماند و بود و مخری رحمة الله علیه که بد اگر می بیند که آید که عرض میزد و دلیل که مال یا بد از مردی که او را بدست

در جعفر صادق رضی الله عنه که دیدن عرض و خواب بر چهار روز بود یکی در وی یافتند و نیم بر وی تو که سوسم مال هیچ کردن چنان
 عالمی که مردم از علم وی قطع یا بند حوض کوثران میرین رخ گوید اگر خواب بیند که قیمت بر خاسته خلق را نیز بکشت حوض کوثر لیس
 سبک و ذلیل که پادشاهی پیدا شود که میان خلق عدل و داد پیدا کند و اگر خواب بیند که از حوض کوثر بکشت جام آب بخورد و لیس که در آن
 وی بر مسلمانان بود و اگر بیند که بر این حوض کوثر میگشت و آب میخورد و او را آب خداوند و لیس که دشمنان را نیز میسر است و لیس که
 اگر بیند که پیغام بر صلح او را از حوض کوثر آب داد و بخورد و لیس که از شفاعت پیغام بر صلح است و لیس که هر که از وی رحمت الله علیه گوید اگر
 بیند که نام وی بر حوض کوثر ثبت شود و جای بسته و آب میخورد و لیس که او را با عالمی بخت افتد و از وی یافتند و در جهانی با پیغمبر میزند
 حلیه که اگر بیند که از حوض کوثر آب میخورد و آب تیره بود و لیس که بیند خواب نفاق بود و او را از قرآن و اخبار انصیب شود و اگر خواب
 که حوض کوثر بر این صنعت بود که در اخبار آمد دست و او را بخت آب که در ترخند و لیس که او را از نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محلی باشد
 از جمله بزرگان دین که در حیض این سیرین رحمت الله علیه که چه حیض و خواب بر او از انبیا باشد و معیشت و روزگار از او بی مال اگر بیند
 که عایض شد و لیس بر فساد و عرام باشد و سبزه آن گوید اگر خواب بیند که عایض شد و لیس بر پانصد و هشتی بود و اگر بی بیند که عایض
 شد و لیس که بقدر خون چنین مال حرام حاصل کند و اگر بر وی بیند که زلفش عایض شد و لیس که کار دنیا بر وی بسته شود و اگر بیند که حسا
 خواب خود بود و لیس که در بین بخر کرد و اگر بیند که زلفش پاک شد و لیس که کارهای دنیا بر وی بر وی کشا و اگر در دو و الله
 احکم صرف الخاء خلیج این سیرین رخ گوید اگر بیند که خلیج بخورد و لیس که در بین وی غلبه باشد و سبزه آن
 بود و اگر بیند که خلیج در گردن داشت و لیس که بختاوش نداشت و اگر بیند که خلیج بر سر سینه و لیس که در ذات خداوند کفایت
 کرد و اگر بیند که خلیج بدو داد و او را بکشت باز خانه بیرون انداخت و لیس که دین اسلام در وی محکم است و اگر در دو کار از او دشمن
 کرد و اگر بیند که خلیج با او سه داد و عزیز داشت بخلاف این بود و خواب او بود و اگر بیند که خاری بر او اندام او شد و لیس که خاری
 بر وی زد و لیس که از کسی و می باشد و بقدر ریخ خازان وی سخن تلخ شود و اگر بیند که او را در اندام کسی زد و لیس که او کسی را در اندام او
 دشمنی آنکس را گوید که کانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که خاری بسیار داشت و پایش را از آن خار ناکند بر سینه و لیس که بی نام دارد
 و عاقبت او را بگذارد و جعفر صادق رضی الله عنه که به خار و خواب بر سر و در و بوی و دم و دم دشنام ستوم و دشنام کار آخا بخت
 عا بر مغزی رحمت الله علیه گوید که خار بخت در خواب دشمنی داشت و در او اگر بیند که خار بخت را بکشت و لیس که دشمن را بکشد و اگر
 بیند که کشت خار بخت بخورد و لیس که به قدر آن مال دشمن میخورد و اگر بیند که خار بخت را بکشد و لیس که او را از دشمن مغفرت رسد
 خاصه چون بیند که از آن خرم خون میرفت خارش تن این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر خواب بیند که خارش تن به پدید آمد و لیس که
 طلب خویشان کند و از بصر ایشان غم داند و خرد کند و کانی رحمت الله علیه که به خارش نام و لیس که چسبند حال خویشان و این
 در غم رخ کشیدن از ایشان باشد جعفر صادق رضی الله عنه که به خارش تن اگر نعمت دهد و از خویشان مغفرت رسد خاشاک
 بن سیرین رحمت الله علیه گوید خاشاک بخواب دیدن مال و نعمت بود و مردم عامه را اگر بیند که خاشاک در خانه ایشان بسیار بود

خواب
 خواب
 خواب

خواب

خواب
 خواب
 خواب

خواب

خواب
 خواب
 خواب

خواب

آهسته است دلیل که تو نگردد اگر مینه که نه خانه او سیمین بود دلیل که او را تو به یاد کرد و تو که تعالی بکن بجایگاهش که این سیمین
 شش ماهه و نهفت وی زیادت شود و اگر مینه که به این خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش بنا بر دو حوالی
 این سیمین که به خرابی و خراب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا زیر نشست اگر مینه که در خرابی فرو شد و دلیل که فلکین که در
 اگر مینه که در خرابی فصل که در دلیل که از غنای یاب که کراتی در حقه الله علیه گوید اگر در سرانی با در خانه غنای بسیار دید و دلیل که
 اینجا غم و اندوه و مصیبت بود و خالیست مطلق بود و دلیل که در خرابی است و در خواب بر قوی منتری کند اگر مینه که خالیست
 داشت پاکسی روی داد و دلیل که او را با بر قوی صحبت افتد و از وی شغفت یابد و اگر مینه که بر خالیست کسی را بر دست
 سقود کند و اگر مینه که خالیست و خالیست شد و دلیل که از منتری جدا افتد که کراتی در حقه الله علیه گوید اگر کسی آهسته کند و نشسته
 که خالیست برسد و دلیل که میانه و دست سخن چینی کند و شش می کشد خایه مرغ و اسباب علیه السلام گوید خایه مرغ و
 گزیند بود اگر خواب مینه که مالکان پیش او خایه کرد و مجول مینه و نهاده که خایه چیست و دلیل که نری خواهد در روز کار و در زمان
 زن بماند و اگر مینه که خایه مرغ پیوسته بود و دلیل که مال حرام خود و مرغ و غم جو رسد و اگر مینه که خایه با پوست خود و دلیل
 کفن مردگان ستاد که کراتی گوید اگر مینه که خایه بی کرد و دلیل که زن بسیار بخواهد و بجماع مرص بود و اگر مینه که بز خایه نشست
 چنانکه مرغان نشینند و دلیل که با زنان نشیند و خایه یابد و اگر مینه که خایه در زیر مرغ نهاده مرغ آن خایه بیرون افکند
 و دلیل که کار در او نهاده و گرد و بعضی گویند و او فرزند بی آید و مؤمن بود و اگر مینه که خایه شکست و دلیل که دختر را و شیر کی
 بستاند و اگر مینه که خایه بسیار داشت و دلیل که او را فرزند از بسیار حال آید و خایه بطرف زنند و میش و سچاره بود و خایه
 چنگشت و دلیل بر خود و خایه آدمی این سیمین گوید اگر مینه که خایه او بزرگ شد و دلیل که فوت و فرزند و مالش را بدست
 شود و اگر مینه که هر دو خایه او دو چاک شدند و دلیل بخلاف این بود و اگر مینه که خایه او بریده است و دلیل که دشمنان
 مظهر یابند و اگر مینه که خایه خود کسی داد و بخشید و دلیل که او را فرزند بی حرام زاده بود که نسبت می آن کسی دیگر باشد و اگر مینه
 که خایه اش آسیده بود یا او بر نشسته بود و دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را از دشمن بیم بود و اگر مینه که خایه او شش کرد
 چنانکه بر زمین می کشید و دلیل که مال بسیار را در حاصل شود و اگر مینه که خایه ای کسی بخشید و دلیل که بر دو بان یک یک کج خندان
 و اگر مینه که پوست خایه خود بخشید و دلیل که کسی بر فرزند وی مسمم کند و اگر مینه که کسی خانه وی سخت بگرفت و دلیل که خرم
 فرزند شوند و اگر او را فرزند نباشد و دلیل که جاه و حرمش کم شود و اگر مینه که خایه از بن برید و دلیل که تو تش بریده شود و اگر
 مینه که خایه ای وی بر بسیار یا بچیزی دیگر بسته بود و دلیل که کار ما بر وی بسته کرد و سقوی آن گوید خایه مردم و در خواب
 بر باز داشتن شدت دشمن از وی بود و اگر مینه که خایه وی فقطان بود و دلیل که دشمن بر وی مظهر یابد و اگر مینه که خایه
 وی بیرون کشید و دلیل که بلاک شود و حقه صراوق بر صنی الله علیه گوید و در خایه و در خواب بر پشت و بر بدو یکی فرزند
 دوم مال سوم ابلت چهارم غرچم بزرگ ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چاره بود و یکی

اگر مینه که خایه
 اگر مینه که خایه
 اگر مینه که خایه

خایه

خایه

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

مرا و بافتن دوم زن خوشن ستم کمر که درین چهارم فرزند آن آوردن خسته گردان این سیرت رحمت الله علیه که
اگر خواب بد که خسته گردیل که غمگین شود و در عمل مغرور گردد و اگر بیدار که کسی را خسته گردیل بر غم و اندوه بود و بعضی از
مستقر آن که بیدار گشت عیشی بود خسته گردان این سیرت رحمت الله علیه که اگر خواب بد که خسته گردیل که مستی بجای آورد که اگر
یا که اگر بیدار گشت آن و اگر بیدار گشت که بیدار گشت خون از روی روان شد و دلیل که در آن سست ثابت بود و از گشت آن در
کند و بیدار گشت که در آن خسته گردیل که غم و اندوه در بسیار مدتی که اگر بیدار گشت که از آن گشت که از آن گشت که در آن
مکروه باشد و دلیل که از آن سستی پس بیدار گشت باشد لیکن بالش زیاد شود جعفر صادق رضی الله عنه که خسته گردیل
گردن در خواب بر چرخ و در چرخ سستی گدازد و دوم فرزند ستم نیکوای چهارم را در آن تخم جدی از آن فرزند خضر بر
این سیرت رحمت الله علیه که در خیزه در خواب بیاری بود و سیرت سیرت عایشه بود و چون بوقت خواب خیزه در خیزه بود
نیکو تر از بزرگ بود که آن رحمت الله علیه که در خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
نهاده بود و دلیل که بیدار گشت که در خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
خوش جعفر صادق رضی الله عنه که در خیزه در خواب بر چرخ و در چرخ سستی گدازد و دوم فرزند ستم غلام چهارم سست
عیش و شادی که در چرخ سستی بود و در چرخ سستی که در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
است بدوی صاحب گرد و اندک بیدار گشت که در خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
است بدار گشت که در خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشی باشد که از وی نیکی باشد خرد و انیال علیه السلام که در خیزه در خواب بیاری بود و در آن
بزرگی بود و نیکی بود و بی خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
دلیل که در خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
بیدار گشت که در خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
سخت گشت دلیل که در خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
و اگر بیدار گشت که در خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
نشت و خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
نفته کند و اگر بیدار گشت که در خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی
شیر خیزه در خواب بیاری بود و در آن غم و اندوه بود و اگر بیدار گشت که خیزه در بسیار مدتی

[illegible]

۱۰۸

٦٩

چهارم

کرم بود و خوار شکست از خواب لیل بر دین پاک و مال ملال باشد و خورای آلود و شانی جیم و مال ملال و فرزند و یکی بود و حجاب
 شخص شیرین این سیرین روح آمد و گفت خواب دیدم که بر در سری سلطان چیل خرا با نفتم گفتند و از با بانه چیل چوب بزنند و بجهان بود
 و سال دیگر بجهان مرد و بین این سیرین روح آمد و گفت که خواب دیدم که بر در سری سلطان چیل خرا با نفتم گفت چیل هزار و دهم سیال
 گفت با رسال تفسیر این خواب بود که دیگر بود و سال چوب است که بخلاف آشتی گشت یا رسال خرا بر درخت نبود و مال چوب
 و سال خرا بر درخت است و درختان هزاره و اندک سیرین چنین باشد بعد از یک گفتن آن شخص هزار و دهم یافت خرمن کوفتن
 این سیرین رحمت الله علیه که در خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و نوب مال کند و آن مال بگذاشت بزمین کند و اگر میند گشت
 و در خرمن و آرد و دلیل که مال برنج حاصل کند که آتی رحمت الله علیه که دیگر میند که خرمن ظاهر بزمین یا کسی بوی داد و دلیل که نری خور
 و بعضی که میند که او را با مردی صحبت افتد که مال برنج و نوب حاصل کند خرمن نوب این سیرین رحمت الله علیه که در خرمن در خواب
 مردی باشد که مال سخن برنج در دست آورد و باشد اگر میند که خرمن خرد و دلیل که مال خود برنج حاصل کرد و باشد و اگر میند
 که خرمن نوب از دست شیخ مسکین و دلیل که از مردی بخیل افتد آن مال حاصل کند و اگر میند که خرمن با تنس میسخت و دلیل که با شوش
 مال و گشت بتان خرمن این سیرین رحمت الله علیه که دیگر میند که خرمن داشت و داشت که ملک داشت دلیل که مرد عجمی که
 بنده داد و او را بود و او را هر کند و اگر میند که خرمن را بگشت دلیل که بر بنده داده و ظفر بید و اگر میند که با خرمن چنگ مسکین و دلیل که با شوش
 مخصوص است که اگر میند که از خرمن او را کند و اگر میند که از آن عجمی او را مسخرت رسد و اگر میند که خرمن بچه یافت دلیل که نلامی
 که بگشت یا بیری را کند که او را حاصل کرد و اگر میند که با گشت خرمن می شنید دلیل که نیک و خیرات کند و اگر میند که خرمن بر نیک
 دلیل که او را کسی غم داد و رسد و خانه خرمن در خواب غلام بود و اگر میند که کسی خرمن بچه بوی داد و دلیل که نلامی بوی می شنید
 مقرر رحمت الله علیه که دیگر در خواب میند که خرمن او را بگشت دلیل که او را بیری آید یا او را با مردی مراد و صحبت افتد چنانکه نزل
 صلی الله علیه و سلم فرمود **الَّذِي يَأْتِي حَتَّى وَهُوَ يَكُونُ إِلَى الصَّلَاةِ يَمْنَى خُرُوسٍ رُوسٍ يَمْنَى** که مرد را بنهار میفرستد
 جعفر صادق رضی الله عنه که دیگر میند که بر خرمن دست یافت دلیل که بر بهتر زاده دست یا بد و بوی غلبه کند و اگر میند که بر نیک
 که خرمن خور می یافت و شکست دلیل که بر مری و با خردی دست یا بد خرید و فروخت این سیرین رحمت الله علیه که بر خرمن
 و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که بدیم و دینار کنند و اگر کالای بکالای معاوضه کند دلیل که بقد آن خیر و منفعت یا بد
 این سیرین رحمت الله علیه که در خرمن خواب جبه و دستار و کلاه و آنچه درین مانده معلوم و از این دست و باشد و در گشت این جامها اگر
 بر یک صورت بود و اگر نبود و غم داد و بود و در نیک سبز جامها نیک بود و جعفر صادق رضی الله عنه که بر دیدن خرمن در خواب
 کسی را که شتر می خرد و بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دوم خیر و برکت سوم عرق جامه چهارم مرتبت یا ساز و پنجم عیب
 راست و بزرگی که آتی روح که بر پوشیدن جامه خرمن در خواب لیل بال حرام کند مقبران گویند و اگر با بر ششم در خواب و بدن
 در نماز نیک باشد و مرد و خرد و شش کسی باشد که دنیا را بختیارد کند خسته کردن این سیرین رحمت الله علیه که دیگر میند که نری او را

و اگر

و اگر

و اگر

و اگر

کسی بخت دارد و خون مردن که دلیل که خسته کند و او را سختی است که چنانکه باشد که جواب نماند که اگر میند که این بخت
 خن را بدلیل که او را سختی گوید که دروغ باشد که آتی رحمت الله علیه گوید اگر میند که تنج برو و تنج که در او دلیل که پیش می گوید
 بر بر رفته اند اگر کسی در خواب جنگی بسیار بر تن خود میند و دلیل که از پا و شاه و مفت با در مغربا رحمت الله علیه که جنگی بسیار
 بر تن نماند مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه که در جنگی در خواب بر سر و بر و بوی مال در دم منفعت سوم سخن
 خوش شست این سخن رحمت الله علیه که در شست در خواب مال جمع و مجموع باشد چنانکه در خشتی هزار درم مانده و ذکر میند که
 بسیار چرخ کرد و دلیل که او را مال بسیار جمع شود که آتی رحمت الله علیه گوید اگر میند که خشت از دیواری بر شست دلیل که مال خداوند
 دیواری و اگر میند که خشت باره باره کرد و بر آنکه دلیل که مال خود را بر آنکه و تلف کند مغربا رحمت الله علیه که خشت
 چخته در خواب برود و بر آنکه آتش بوی رسیده است بدان سبب دلیل بر عزم داده بود و خشم که رفتن این سخن
 رحمت الله علیه گوید اگر میند که کسی چشم از بر دنیا گرفت دلیل که کار دین را حقیر و خوار دارد و دنیا مغرور شود که آتی رحمت
 علیه گوید اگر میند که در و او در بوی خشم گرفت و دلیل که از بائی میند که قوله تعالی و من یجیل علیک عشی
 قوی خصومت این سخن رحمت الله علیه گوید اگر میند که کسی خصومت کرد و بر و غالب شد دلیل که سر کار
 کار غالب گردد و بر و دشمن بر و غالب شد و دشمن خلاف این بود که آتی رحمت الله علیه گوید اگر
 میند که باهالی آذین خصومت کرد و بر و غالب شد دلیل که از دوالی بد و خیر و منفعت رسد و اگر خلاف این میند که
 رخ میند و اگر میند که پیش پا و شاه و خصومت رفت دلیل که حاجتش رد گردد و مغربا رحمت الله علیه گوید اگر میند که با مردم
 خصومت کرد و دلیل که مردم از وی مانده و بگین که در دوزخ که از مردم چه چندی کردن این سخن رحمت الله علیه گوید اگر میند که
 راضی کرد و دلیل که حاجتش رد گردد و بعضی متبران گویند که فرزندش میرد و الا بطاعت باری سبحانه و تعالی را راضی باشد و
 او اگر متوجه و اگر کسی محبوس خصی میند و دلیل که آنکس بسند و مصالح بود و بر گویند که فرشته باشد که او را بر این و صلح خواند
 یا بجزایات مرده و بر دوزخ که از فرشته است اگر میند که در شش علم و حکمت نیست آنکس فرشته نباشد اگر آنکس که در چندی بود
 و معروف بود آنچه از نیات بد و بد و تا پیش بروی یا اگر در دوزخ که آتی رحمت الله علیه گوید اگر میند که غایب بوی بر و شد و نیات
 دلیل که بر دشمن غلبه نماید و بعضی متبران گویند برین بنای در خواب بر پدر و دختران بود یعنی پس از این او را و خستی خود را
 که نایکان دختر بود و اگر میند که غایب خود را آورد و کسی داد و دلیل که دختران کسی در مغربا رحمت الله علیه گوید اگر میند که
 سببی خصی شد دلیل که او را خوار می داند و اگر قضیه از تن بریده شده بهرین دلیل دارد و نامش از میان مردم
 که شد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین خصی در خواب بر سر و بر و بوی مال در دم منفعت سوم سخن
 خنساب کردن و نیات علیه السلام گوید خنساب کردن بر پیش پوشیدن کار باشد اگر میند که سر را از پیش
 کرده و نکشید که دلیل که ظاهر مردم نماید اگر میند که خنساب کرد و دلیل که کارش نیکو شود و کارهای او بر شست و بماند

[illegible]

زن ناملاق و ده بار سفری رحمة الله علیه گوید اگر میباید که خبره داشت ای کسی بری داد و دلیل که نمی خواند و میباید که بعد از خبره داد
 حاصل شود با و از این فایده میباشند از وی منتفع باشد و اگر میباید که خبره او مصالح شد و او پیش بخلاف این بود و خبره این
 رحمة الله علیه گوید اگر جواب بینه که خبره دست داشت دلیل که او با کسی مدوا داشته و اگر میباید که خبره او شکست با مصالح شد
 دلیل که جنگ در دست و مدوا داشته ایمان ایشان بر خیزد و بعضی انجامد و اگر میباید که خبره دست داشت دلیل که او از کسی فرست
 باشد در آن کار که خواهد کرد و اگر با خبر صلاح بسیار داشت دلیل که بر دشمن ظفر و بدو کار دشمن غلام گردد و خنده و این سیرین رحمة الله علیه
 خنده و خواب غم داند و بود و اگر میباید که بقیه می خندید دلیل که غش زیاد گردد و در قول قتال قلیضه کوا قلیاضه و لیکن
 کثیرا و اگر میباید که بسته خندید دلیل که اندیشهش کمتر بود و اگر میباید که بسته خندید دلیل که با نین مراد و ستاره
 باشد قوله تعالی فبما کفرتنا ضا حاکما من قو لکما جعفر صادق رضی الله عنه گوید بسته و خواب دلیل بر فرزند بود و قوله تعالی
 فبما کفرتنا یا حی و خنده و خنده و خواب دلیل بر غم داند و بود و شکست آمدن از کار یا بزی قوله تعالی انک
 هذا الخلد یا حی و خواب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب ببیند که خوابی داشت در آن آمد با و در آن سیرین
 که بعد از آن نیست یا اگر در آن رحمة الله علیه که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته
 خوردن طعام دلیل بر دزدی نمکند و اگر میباید که در آن طعام سته که بود و دلیل که دزدی او فراخ شود قوله تعالی انک یا حی و خنده و خواب
 حکایتها ما تملک من السماء و بعضی گوید در عروجه و شادی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید در آن خواب ببیند که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته
 و بعد بودی قنیت حاضر دوم مردی شریف سوم قوت چاهم نظام کار ایچم عروخر می خود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
 ببیند که خود بود و بر سر داشت دلیل که جاده و فرزند می بود و قوت او زیاد گردد و در روشنی خود و اگر میباید که خود بر سر داشت دلیل
 و جعفر می قوت گیرد و اگر میباید که خود بودی داد و دلیل که انکس را قوت و حشمت بود و اگر میباید که خود بر سر داشت دلیل
 که عرش نقصان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید در آن خواب ببیند که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته
 و گوئی ایچم خود را اگر شکستن خوردن این سیرین رحمة الله علیه گوید هر خوشی که بودی خوش و در خواب خوردن آن خیر بود
 بود و اگر بودی ناخوش بود و دلیل که شد و می بود و سیر و بیاز و گند ناخوردن غم داند و بود و اگر میباید که خوشی غم ناخوش بود و دلیل
 بر دوش و بیچارگی بود و اگر میباید که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته
 بود و خوردنی فروش در خواب بنا و بل غداه یعنی بود و خوشی این سیرین رحمة الله علیه گوید غمناخ و خواب و این چون باز و بود
 فرزند بود و برکت زیادتی مال و چون خوشه خشک ببیند فرزند می بود و بعد از آن سال تکلی و خطا باشد و خوشه خرا و خوشه
 بر سر بود و غمناخ چون بوقت ببیند که میباید که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته
 خوشه نماند و خشک ببیند دلیل که خطا و تکل ببیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوشه بر سر خواب لبیل بر فرزند و برکت بود و دلیل
 تعالی سنج سنابل فی کل سنبله لود خوشه خشک خطا بود و خوشک این سیرین رحمة الله علیه گوید خوشه که در آن بسته و خواب ببیند که در آن بسته

ج. من المذا

۵

خان

78

செய்த

५

٥٨

باید اگر بیند که پادشاه بر در خیمه نشسته بود و دلیل که کارش نیکو شود و در شرف غلبه باشد و اگر بیند که پادشاه و دراز خیمه خود را انداخته
 و بجا نشست دلیل که از پادشاه قدر بزرگی باید و کارش غلام شود و خیمه او این سیرین گوید اگر بیند که خیمه انداخته دلیل که غلبه
 که او را حلال نبود و اگر بیند که خیمه در مسجد انداخت دلیل که سخن درین گوید و همچنین در هر مسجد که خیمه انداخته دلیل که سخن در
 او را منع گوید و اگر بیند که خیمه در بازار انداخت دلیل که مالی خرج کند که رضای خداست حال حلقه و آن نبود و اگر بیند که خیمه در پیش
 انداخته منبسط خود بیند و اگر بیند که خیمه در درخت انداخت دلیل که عهد بشکند و سکنه بدو رخ خود در کافری رحمة الله علیه گوید
 که خیمه گرم و دلیل بر عمر داری باشد و خیمه سرد و دلیل بر مرگ بود و بیگسالت و عکس و خیمه سیاه و دلیل بر غم و دام و بود و خیمه زرد و دلیل
 سیاهی بود و آب و این چون از بین سرون آمد بی آنکه جامه بیاید و دلیل که طعی باطل و دروغ تقریر کند و اگر نه اهل آن باشد
 و اگر بیند که غم از کلام بر آورد و آبستن گرفت دلیل که مال خود بر حال خرج کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خیمه سیاه
 در روی او انداخته دلیل که در اهل وطنه زند و اگر بیند که خیمه خون آلوده دلیل که حرام خورد و دروغ گوید و بر وعده وفا نماند
جبر الدال و در این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی از به سیاهی دار و خور و دار و موافق بود و دلیل که صلاح و
 جود و اگر بیند که دار و خور و موافق نبود و دلیل که صلاح وین از وی زایل شود و اگر بیند که دار و زهر سدرستی خورد و دلیل که نقیض
 موافقت و در صلاح و دنیا طلب کند و اگر خواب بیند که از به مردمان و در وساحت دلیل که بر خلق خداستالی احسان است
 و اگر بیند که در خشک است و دلیل که انعم دانه و خلاصی باید که کافری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دار و بخور و داسمان سیاه
 دلیل که دار مضرت است و اگر بخلاف این بیند منفعت بود و اگر بیند که دار و بخور و عقل پرورش از وی برفت دلیل که از غم و
 اندوه و رخ باید جعفر صادق رضی الله عنه گوید بر دار و که زرد بود و سیاهی و رنج باشد و آنچه بخور و نکرده و دلیل بر بیماری
 و این حدیثی ابن سیرین گوید اگر در پس خود دلیل کشد و اندوهش بیشتر شود که کافری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در این معنی از طهرت
 خور و دار و سوز داشت و دلیل بر خیر و منفعت باشد و این کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که در داغ کردن در خانه
 دل بکنج بود و اگر بیند که داغ کردند دلیل که بقدر آن مال در راه خداستالی صرف کند و در عقبی از عاقبت سیسنگاری
 کافری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نشان داغ خون و ریح می آید دلیل که در حضرت پادشاه مقیم شود و اگر خون و ریح نیاید
 دلیل که از پادشاه هیچ منفعت نیاید و انیالی علیه السلام گوید اگر بیند که داغی بر تن کسی نهاد و او پیش سخن نرفت باشد یا
 بروی سمت ننهد و اگر بیند که بجهت طتی بر پشت وی داغ نهاد و دلیل بر صلاح وین و دنیا باشد و بعضی معتبران گفته
 داغ کردن بنیاد باشد و کار پادشاه جعفر صادق رضی الله عنه گوید داغ کردن در خواب منع نکند و بود و مشغولی با پادشاه
 توفیق الهی یوسف یحیی علیه السلام و اسحق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که دس در دست داشت
 دلیل که آنی سازد که او را از آن آلت مال حاصل آید اگر بیند که دس او صانع شد دلیل که نقصان مال و بود و مغربی
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دس زردین یا سیمین داشت دلیل که از مال حرم چیزی حاصل کند و اگر بیند که بدان در پیش

در خواب
 بیند

و

در خواب
 بیند

و

و اگر بری خوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خانه در خواب بر سر او کسب و معیشت او تمام
 و منفعت سوم بنای نیک و دوگان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوکان داشت جمله غرضه نداید یکی غرضه
 یکی گاو و یکی کوسپند دلیل که روزی بروی فراخ شود لیکن او را زیان دارد و اگر بیند که چهارپایان دی و دوکان شیشه
 و پیش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین دوکان در خواب بر چهار وجه بود یکی در شمن و دوم در
 طاعن سوم زنان سلیطه چهارم حسایه مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشه بخور و دلیل که مال مردم بحیثیت پیش
 کر مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بصورت دومی شد دلیل که عقل از وی نایل گردد و اگر بیند که دوکان باوی سخن گفتند
 دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که دوکان از اسبکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و راجع این سیرین رحمة الله علیه گوید در راجع در
 خواب ندی خوب روی بود چه هر که باشد بر سازگاری بخندد اگر بیند که در آبی گرفت یا کسی روی داد دلیل که زنی بدین
 صحبت خواهد بود اگر بیند که گوشت در کج بخورد و دلیل که مقدار آن مال زن بسیار مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در راجع
 بسیار داشت و داشت که ملک دست دلیل که بقدر آن زنان و کثیر کان او حاصل آید اگر بیند که در راجع از دست
 بر بر دلیل که زنا طلاق دهد در اعمه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که در اعمه نو و بزرگ و فراخ و سیرین
 بود و دلیل که بقدر آن او را جاده و قوت و شرف درین بود و اگر بیند که در اعمه کین و تنگ پوشیده بود و اما پیش خواب
 این بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در اعمه سپید پوشیده بود و دلیل که مال نعمت و بزرگی یابد و اگر در اعمه سرخ پوش
 بود و دلیل که مصیبت بود و اگر سیاه بود و دلیل غم و اندوه باشد لیکن در اعمه سیاه قاضی در خطیب را زیان ندارد و اگر بیند
 که در اعمه از تن وی بیرون کردند و دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین در اعمه در خواب بر سر
 و وجه بود یکی فرخ دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاده پنجم منزلت و ولایت ششم کرامت هفتم زن در خواب نشسته
 زن بود و اگر بیند که در ایستاده از جای معروف یا محمول در برابرش کشاد و آن درگاه کشاد و شش بر جانب راه بود
 و دلیل که مالی که دارد خرج کند و اگر بیند که در سرانی در برابرش کشاد و شد دلیل که مالی از او بشا و بیاید و بر عیال نفقه کند
 و اگر بیند که در سرای او شکست و دلیل مصیبت و بی عظیم بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در سرای او کند غم
 بر دزد و کس ندانست که کی بر دزد دلیل بر محنت و مصیبت خداوند خانه بود اگر بیند که در سرای او انباشتند دلیل بر
 مصیبت اهل سرای بود و اگر بیند که در ای کوکب بود و دلیل که آفت بعیال او رسد و اگر بیند که در سرش چنان فراخ
 بود که هیچ درمی بان فراخی نبود و دلیل که قومی بی فرمان در سرای او روند و عقوبت و مصیبت این مصیبت اگر بیند که حلقه
 در سرای او می جنبانند اگر چه ایشاع و اند دلیل که دعای او مستجاب گردد و باشد که کجی یابد و اگر بیند که چون حلقه جنبانند
 زود در آنسوی را بکشد و ندلیل که خدایتعالی البته دعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد که مالی رحمة الله علیه
 اگر بیند که در محکم مبت و عقلی بر دهناد و دلیل که زشت میر و از زنا طلاق دهد و اگر بیند که در و بر کبریا فرموده در نو بر

خانه خود درخت در خواب زن بود و هر درخت که در خانه پادشاه بیند دلیل که در شکار پادشاه باشد اگر درختان بیند که ساق بلند
 چون درخت خیار و خرفه و تاویش بر مردان دون بود که کافی در خانه علیه گوید اگر کسی درخت توی بیند دلیل که زکون
 دارد باشد و اگر بخلاف این بود و درست درخت دلیل بر روزی بود که خداوند درخت ابو و مشاخ درخت برادران و خوشایان
 بود و اگر بیند که درخت بر کسا بسیار درخت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بیند که بارانی اندک دارد و تاویش بخلاف این
 و میوه درخت دلیل بر خداوندش که بر پیشکار و دین دارد و اگر بیند که درخت پیر و بیفتاد دلیل بر مرکب خداوندش بر و خرابی
 رحمت الله علیه گوید اگر بیند که دشتی بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل بر مردی صالح و پاک دین بود و اگر بیند که دشتی بی میوه
 دارد و خار دارد دلیل بر مردی مضطرب و بیایست باشد و اگر بیند که در سراسر او یا در سراسر برگزاران کوه درخت بود دلیل بر بیست
 بود که در آنسوی افتد و اگر بیند که در سراسر خود کفنی بکشت دلیل که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بیند که درخت در زمین
 بیگانه می نشاند دلیل که با مردم بیگانه ناز و صحت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سراسر خود دشتی می نشاند دلیل که با
 آورد و اگر بیند که بر بالای دشتی بیند میباید دلیل که کاری بزرگ شود و اگر بیند که برک درختان جمع میکرد و دلیل که بقدر آن
 بر زمین حاصل کند و اگر بیند که از درختان پیر حاصل میکرد و دلیل که فرزندان و نسل وی زیادت شود و اگر درختان سپید و آبسپین
 دارد که ملک است و دلیل که او را عمری دراز بود و ظفر بلند یابد و اگر بیند که درخت را میریزد و دلیل که چهار گرد و ازانای کسی
 پیر و اگر بیند که در وقت نخلان در باغ مجبول بود و میوه بد که برک از درختان می افتد و دلیل ختم و دانه بود و اگر بیند که درخت
 با دمی نخل گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن مجبب یابد و اگر بیند که درخت از بای بکند و دلیل که بیاید شود یا از آن موضع
 کند کسی پیر و معترفی رحمت الله علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند و دلیل که مردمان بیعت باشند و هر دشتی که نیکو
 بیند و دلیل که دین او نیکوتر باشد و هر چه در درخت نقصان بیند و دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند که در ساق درخت نشسته بود و خسته
 بود و دلیل که در سایه مردی زد و که بدان درخت منسوب باشد بجز صاف و منصفی نشسته گوید درخت در خواب برده و چه بود و
 پادشاه و در زن ستم باز در گان چهارم مردم مبار و پنجم عالم ششم نمون بفرستیم کا فرستیم جوان نتم خدمت و تهم بال شست
 و رواند اجما این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر خواب بیند که اندامهای وی در میگرد و دلیل که مال از دست وی برود و اگر
 بیند که سرش در دیگر و دلیل که گناه بسیار کرده بود و توبه کند و صدقه دهد و قوله تعالی فمن كان منكم غافلاً فليختر لنفسه
 و غم و اندوه بود و اگر بیند که چشم خورده و دلیل که او را کسی ماه نماید و اگر بیند که دوش در دیگر و دلیل که از هر کس سخنانی
 شنود و اگر بیند که بینی وی در دیگر و از زبان وی نقصان بود و دلیل که سخن گوید که بوال بازرگ و اگر از این خواب بازگانی
 دلیل که در تجارت دروغ گوید و اگر از زبان خواب بریده بیند دلیل که بر صلاح و پارسائی بود و اگر بیند که کاشمش در دیگر و او آسایش
 دلیل که از دشتی کسی سکه شود و اگر بیند که دامنش در دیگر و دلیل که از خوشایان مانده یا بد و اگر بیند که گردن او در دیگر و دلیل که

انوار

این خواب را در خواب

در خواب مستغرق گویان باشد که مرد جاهل و نادان از دانش و فریب گشت آسود و بر مصیبت کارهای مردم باشد و اتفاق و رضا از ایشان
 باین گرا از مغربی رحمة الله علیه گوید و در دیگر مستغرق گویان باشد و در پیشی این برین رحمة الله علیه گوید و در پیشی در خواب مستغرق
 تو اگر می بود خاصه که در راه و برین و مصالح بود و اگر عین که در پیش شده بود و دلیل بر مصالح و برین بود و اگر عین که در آن گشت بود و در پیش
 بخلاف این بود که رانی رحمة الله علیه گوید اگر عین که باورش مسلمان خیر است که دلیل که از غم و غم گشته بود و اگر عین که بر سر است
 در زمان صغیر است و دلیل که خیر و منفعت بود و در این برین رحمة الله علیه گوید در یاد خواب باو شاه بود یا عالمی بزرگ اگر
 عین که آب در یاروشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که باو شاه و یار سا و عادل و دادگر بود و اگر عین که آب در یاروشن غلیظ بود
 دلیل که باو شاه مضطرب و غلام بود و اگر عین که آب در یاروشن دلیل که از او شاه و جاد و بزرگی باو یا از عالمی بهره مند بود و اگر عین
 که آب در یاروشن و در سبوی میکرد و دلیل که بقدر آن از او شاه و او منفعت رسد و اگر عین که در یاروشن و در یاروشن خفا کرد
 بگل آلود گشت دلیل که او از او شاه و غم و اندوه رسد و اگر عین که تن خود را از گل شست دلیل که غم و اندوه از وی زایل گردد
 و اگر عین که در آب در یاروشن که باو شاه و او محبوس دارد و اگر عین که از او یا باو شاه بیرون آمد دلیل که از او خلاصی یابد
 و اگر عین که در یاروشن شد و بر و دلیل که در کار دین غرق شود و اگر عین که از دور دریا و در نزدیکی گرفت دلیل که باو شاه
 میداد رسد و اگر عین که فرازد باو میرفت و پای او تریبی شد و دلیل که از آتش و دوزخ این کرد و کارهای دنیا و بی پروایی
 کرد و اگر عین که در یاروشن بود و دلیل که رانی رحمة الله علیه دلیل که بجز است باو شاه و در و مطیع و فاضل گردد و اگر عین که در یاروشن
 در یاروشن دلیل که کاروی باو باشد و اگر عین که از او یا بیرون آمد دلیل که بغیر شود و اگر عین که از او یا آب خورد و در
 بود و عین که خواب عالم بود و دلیل که بهره تمام باو اگر عین که خواب عالم نبود و بجز فلین بود و قوله تعالى قل لولا ان النعم قد
 لکنک ماتت لعلک البصران لکنک کلک مات و عین و اگر عین که خواب از روان باو شاه بود و دلیل که از او
 باو شاه گردد و اگر عین که آب در یاروشن است دلیل که از او شاه این گردد و اگر عین که آب در یاروشن کرم بود و دلیل
 گناهی کند و قوله تعالى و مسقوا ماء حمیما فقطح امعاءکم و اگر عین که آب در یاروشن و کند و ناخوش دلیل
 که او رخصی بزرگ پیش آید چنانچه او را بیم بود و قوله تعالى یحیی قله فلا یکاؤن لیسعنه جابر مغربی رحمة الله علیه گوید
 عین که در آب در یاروشن دلیل که توفیق طاعت یابد و امانت کند و اگر عین که در یاروشن است دلیل که بر دشمن طغیان یابد و اگر
 عین که آب در یاروشن است دلیل که لشکر باو شاه و زیادت شود و اگر عین که آب در یاروشن است باو شاه و لشکر بزرگ شوند
 و اگر عین که آب در یاروشن است دلیل که باو شاه و از یار مال و خزان و خویش بیک جامع کند و اگر عین
 که از جهان نوحه جابر خواست و جهان از او بزرگ است دلیل که گناه و خصیان باین اندازد باو باشد و قوله تعالى من یوفقه
 فتح و من یوفقه یحیی قله و اگر عین که از او یا شکا و سیرگفت دلیل که روزی حلال یابد و عیش و عیال و فراخ گردد
 و قوله تعالى ایل لکم حنین البحر و طعمه متاعا لکم و اگر عین که آب در یاروشن بود و دلیل که کسب حرام کند

در خواب مستغرق گویان

در خواب مستغرق گویان

در خواب مستغرق گویان

[illegible]

21

22

5

27

六

خداوند
۱۲۹

و حضرت بنده که خلیف ازمانی دیگر بر سر ستار باطنین بنید دلیل که منصف و دادگر بود و مردم او را عزیز داشتند که در میان
 در پیچیده بود دلیل که از سفر نزد پادشاه و دستا بر نشین دلیل بر فساد دین بود و جعفر صادق عیسی الله علیه که بدین دستا
 بر هفت وجه بود که دین و دهر باست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرقت ششم توانایی هفتم فرو دستا حامی در حرف می
 کنیم انشاء الله تعالی و دستا اس این سیرین رحمة الله علیه گوید دستا س در خواب از فکر مستن بود و اگر میند که دستا
 داشت دلیل که بقدر آن خبر و منفعت باید و اگر میند که شک است و شکست دلیل که خدا و دستا س در آن باره و دستا
 و اگر میند که شک است سست بر ندیدند دلیل که چهار شود و اگر میند که پس دستا حنا و غیره خدا و میکرد دلیل بر خصوص بود
 در ایال علیه السلام گوید دستا سست تا قبل باور بود و دستا حیب ظاهر بود و اگر میند که دستا راست وی در از دست دلیل که
 کار برادش با این پیش نیکو کرد و اگر میند که هر دو دستش باز کرده شد دلیل که برادر و خواهر از وی روی برگردانند و اگر میند که هر دو
 گونا می شد دلیل که نفع از برادر و خواهر باز گیرد و اگر میند که هر دو دستش بریده و افتاده بود دلیل که برادر و خواهر بزرگی از وی چنان
 و اگر میند که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که محبت و دوستان خود و غم خود در اگر میند که میان کرد وی بود و دست میزد دلیل که
 در اینجا عروسی کند و اگر میند که بشنوا دست میزد و شادی میکرد دلیل غم و اندوه بود و اگر میند که نای یا سلطان دست بر شانه
 میریزد بقول ابن سیرین رحمة الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندش میرد و اگر هر دو دستش بریده و دلیل که در آنکس و مراد خود از آن
 و اگر میند که یک دست از دست دیگر دست باز میکرد دلیل که بر کسان خود ظلم و میباید کند و اگر میند که دست خود را بکار و میرد دلیل
 که با کسی خصومت کند یا دل کسی بشنول بود و در ثانی گفتن آید و یقین و اگر میند که کف دستا بر یکدیگر میبندید و دلیل که خوشی
 بخیال آید و اگر میند که یکی دستش بر پند و او را برادر و اگر میند که بریزن آن موضع معزول گردند و اگر میند که مانند چهار بالی بجا آید
 و پای میرفت و باز گزندی آسمان داشت دلیل که آن روزی بپای و بدین شایه و اگر میند که دست وی با دوازده شک بود و دلیل
 از مصلحت دادن و کار خیر خود اندک را می رحمة الله علیه گوید اگر میند که میند که دستایش بر زمین نیک کرد و دلیل که هفتش بر زمین
 بود و اگر میند که دستش بریده بود و ندانست که دست راست یا دست چپ بود دلیل که او را میبستی و دست و اگر میند که چون دستش
 بریده شود و آن مجاز اند دلیل که دستش از مصیبت باز دارد و معجزان گویند دست بریده و دلیل که عمر را از کرد و عصبانیت از گردان
 بکار خیر بشنول بودن و اگر میند که دست راست و از بر گشای بریده و اند دلیل که مریخ گوی بود و دلیل که دست بود و مغزای رحمة الله علیه گوید
 اگر میند که دست خوش چون چنبره گردان کرده بود دلیل که بر کار دنیا و ناز و طاعت و حج و غیر آن گردان و اگر دنیا بجا می آید
 و اگر میند که دست راست او بریده شد دلیل که سوزن بدین معنی خود و اگر میند که دست از تن وی بخورل کرد بر تن پادشاهی وقت اگر آن
 پادشاه مصلح بود و دلیل بر خیرات و مصلح بود اگر آن پادشاه مفسد بود و بدین دلیل که شر و فسادش در دین بود و اگر میند که
 دوی از دست و برگردانند دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب میکند یا و اگر میند که برود دست میرفت و دلیل که کار خود را اعتماد نماند و متوجه
 گویند که از خیرشان منفعت باید و اگر میند که دست و پای سخن گفت با و دلیل که سعادت او نیکو شود و اگر میند که از بهر دست خود در

دست چپ
دست راست

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نمود و در این امر خشت کرد و بخواه منصرف و حق منصف باشد و دلیل بر پاک و بی بد و اگر از آنج و او خبر بود دلیل بر نیای حال و بود و در
 اگر در روزان پاک سنگ بود و دلیل بر به نیاز فتنه شود و لب خفت باشد و لو این برین عتد منصفه که بود و در خشتی که
 باشد فریبده و مکار و اگر منصفه بود و او را وسوسه کرد و دلیل که از کارهای نامهربان بود یا که در آن دشمن بر وی غلبه باشد
فَمَا أَتَى الْكَلْبَيْنِ أَنْتَقُوا الزَّامَةَ هُمْ طَارَتْ مِنَ الشَّيْطَانِ فَكَرُوا قَائِلًا فَمِنْ مَجْزِي قَوْلٍ و اگر منصفه بود و در خشتی که
 بود و اگر منصفه بود و دلیل که برین بی درست باشد اگر خلاف بین بود و دلیل بر منصف دین باشد که باقی عتد منصفه که بود و در
 ختم منصفه بود و دلیل که بر او شش و شغل کرد و او را در این عین منصفه بود که معصیت و صلاح دین شغل کرد و اگر منصفه بود و در
 ازین وی بشکند اگر او بود و دلیل که انشغال مغرور کرد و او را در این خواب به حال منصفه بود که او را مشغول در مغرب باشد و در این
 اگر منصفه بود و دلیل که از او فرزند و دلیل که دشمن بر وی غلبه بود و اگر منصفه بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 و اگر منصفه بود و دلیل که بر او محبت کرد و دلیل که کتابی جز آنکه از وی صادر شود و اگر منصفه بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 و ازین و حال جمله را در ایشان به بد و قوله **إِنَّمَا الْجَنَّةُ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الْكَلْبَيْنِ أَمْثَلُ أَوَّلَيْهِمْ** و اگر منصفه بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 اگر باقی را **اللَّهُ** اسمعیل شش مرتبه منصفه که بود و اگر خواب منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 بود که و اگر خلاف بین منصفه بود و دلیل که او را در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 از او و خدا و در شود و قهر کند و بطاعت شغل کرد و در جعفر صادق رضی الله عنه که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 دشمن و در منصفه و در شهرت و معیشت و بهای نفس چنانچه از غایت دور بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 چیزای حرام و دیوانی این برین عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 الله علیه که بود و اگر منصفه بود و دلیل که بر او افتد و با خود و قوله **تَاللَّهِ لَئِنْ بَاكَوُنَ الْكَلْبَيْنِ لَأَكُونَنَّ مِنَ الْكَلْبَيْنِ** و اگر منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
يَقُولُ الَّذِي يَخْطَاهُ الشَّيْطَانُ مِنَ اللَّسَنِ مغرب عتد منصفه که بود و اگر منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 را بخواند منصفه صاحب کرد و او را در طاعت و بهای ماسل کرد و در حرف الدال به ذکر و انشای علیه السلام که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 خواب فرزند می مبارک و نام آور باشد و اگر کسی بخواب منصفه که بود و او را در منصفه بود و دلیل که او را فرزند بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 یا و اگر منصفه که خضیب می برده شد و دلیل که فرزندش میرود اگر منصفه که خضیب می برده شد و دلیل که فرزندش نباشد و اگر منصفه که خضیب
 می مست شد و دلیل که فرزندش بیاید و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 خضیب بخلاف بین بود و اگر منصفه که خضیب می چون خضیبهای دیگر مانند شاخا به چاید و دلیل بر بسیاری فرزند و فرزند
 را و گمان باشد و اگر منصفه که خضیب می مای برین آمد و دلیل که او را در خضیب می آید از آنکه آن زن را که در بای مشرق باشد و اگر منصفه
 که خضیب می گرید و دلیل که او را فرزند می دهد و در این عتد منصفه که بود و اگر منصفه که خضیب می برین آمد و دلیل که او را در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در
 آید باشد و اگر منصفه که خضیب می برین آمد و دلیل که او را در خضیب می آید که در وی خیر باشد و اگر منصفه که خضیب می برین آمد و دلیل که او را در این عتد منصفه که بود و در این عتد منصفه که بود و در

حسب

حسب

وعدت بناه علیاً با کفر اگر میند که دارد ولی یکشید مذکوره ایادت برآمد دلیل که سرانجام او نیکو شود و قول تعالی که

مُواذِنِيهِ قَالُوا لَنْتَكُونَ الْمُفْلِحِينَ اگر میند که بی وی زیادت شد دلیل که جایست در دفع باشد و که تعالی فرمود که لَنْتَكُونَ الْمُفْلِحِينَ
خیر و انفسهم مما کافوا الا و اگر میند که نازک دارد و داند و بدست راست گرفت دلیل که بدست راست رسد و او را
راش برادره دین است باشد و قول تعالی و تَوَكَّلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابُ وَ الْيَزَانُ و اگر میند که نازک دارد و داند و او را
که برادران چون از این صلاح بود دلیل که کارش نیکو بود و اگر از این صلاح بود کارش در خطر باشد و قول تعالی اِنْ تَوَكَّلْتُمْ عَلٰی
رُكُنِيْ مِنْكُمْ لَیَكُوْنَنَّ حَسْبُكُمْ و اگر خوار بر مراد و دلیل که برادره راست باشد و اگر میند که بر مراد نوانست
دلیل که برادره خطا بود و قول تعالی سَجَانَهُ تَحْتَ سِجَانِهِ و قول تعالی اِنْ تَوَكَّلْتُمْ عَلٰی سِعْرِ الْمَرْدِ و اگر میند که برادره
عهد و میان بود که میند که دست در سر زده بود و از هر مطلق او نمید بود دلیل که بقدر بندگی این منزلت یابد و اگر میند که در سر
در دست او بماند و دلیل که از قدر و منزلت نیست که باقی جز آنست علیه که به اگر میند که سنی از آسمان او بخیزد بود و او دست
در آن زده بود و دلیل که بیانی بود میان او و حقیقی چنانکه مثلاً اگر میار بود و گوید که اگر خدا تعالی مرا شفاعت بخشد چنین کنم و اگر میند
که در سر بر پای نیست او بود و دلیل که آن بیان بود که با وی حقیقتان و نقل کرده باشد و اگر میند که دست در سر زده
بود و دلیل که دست در سر زده باشد و قول تعالی وَ اَتَقْتَصُوا لِحْجَتِکُمْ جَنَّةً جَنَّةً بَعْضُهَا بَعْضُهَا و اگر میند که بر سر بیان بود که با حق تعالی
و قول تعالی کرده باشد و هم با حق تعالی و اگر میند که بر سر در سر زده بود و دلیل بیانی که با کسی کرده باشد و گماند و بی
آخیر میکند و اگر میند که مشبه با کسی میکرد و دلیل که در عقاوش غل بود و اگر میند که از نام یا از جانی باشد و او بر سر زده باشد
دلیل که بر سر نخصود حاجتی که دارد بگوید از ترس جعفر صادق رضی الله عنه که بدیدین رسد در خواب بر چهره او بود و یکی
و بیان و در دین سوم نامت چهارم روانی حاجت رضوان بدانکه رضوان در بان بهشت باشد این سرین عتقه الله
علیه گوید که اگر میند که رضوان بخوابد و دلیل که از خواب این سرین گردد و اگر میند که رضوان در بهشت ایستاده بود و دلیل که از دنیا برآید
و بعضی معتقدان گویند که رضوان در خواب میل خمرینه و سلطان بود و که بوی صحبت افتد زیرا که رضوان نمازین بهشت است
و اگر میند که رضوان یا وقت و گوهر و مراد و دلیل که او از فرزند می آید و او عالم چنانکه ما مشی علم مشهور گردید و فتن
سرین عتقه علیه گوید که اگر میند که از شهر خرد میرفت و داشت که با میر و دلیل که بیچاره و سرگشته گردید و از گزند و فرزند
همراه داشت دلیل که جمیع سرگشته و حیران گردند اگر میند که مانند خستری میرفت و دلیل که سعادت دنیا یابد و اگر میند که مانند
میرفت دلیل که تا ویش بد باشد و اگر میند که مانند گروم میرفت تا ویش همین بود و اگر مانند مرغان شکاری میرفت دلیل که خیر
و نیکی بود و اگر مانند کسی که از تازی بود و بر دشتانی میرفت دلیل که از راه باطل به حق می آید و اگر از طریق با باوانی میرفت دلیل
که از تنگی بر فراخ رسد و اگر میند که از تازی بخیر می میرفت دلیل که خلاف این بود و اگر میند که بجای تنگی میرفت بد بود و اگر بجای تنگی
نیک میرفت دلیل که بر خیر و نیکی بود و فکر و ن این سرین عتقه علیه که بد و فکر و ن در خواب جابر را و بر خیر و ن را و دلیل

وعدت بناه علیاً با کفر

وعدت بناه علیاً با کفر

وعدت بناه علیاً با کفر

جنبه خدمت بود اگر چه که جامه یا مقنعه خود را رد و لیل که او را با کسی از خویشان خدمت نموده یا دوستی که در وی خیر نیابا
 کرانی در خدمت علیه که اگر چه که با منته خود را در نو میکرد و نتوانست لیل که از جهت عیال خود غم و اندیشه کند و نوگر در خانه او نه
 جنگ خدمت بود و بچند کار خود را با صلاح آورد و از خدمت برود و رضی کردن این برین رحمت الله علیه گوید ای گوشتن
 در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معتبران گویند که بیماری بود و بعضی گویند که مرگ و از آن خدا نجاتی بود و کرانی رحمت الله
 علیه گوید در رضی کردن در خواب زنا را در روانی بود و مرد را از مصیبت انا صوفیانه که کسی که در نفس بسیار گشتن ایشان را غم و اندوه
 بنود و قاص در خواب مردی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله علیه گوید در رضی کردن در خواب
 غم و مصیبت بود و رک کشتن و ان این برین رحمت الله علیه گوید اگر چه که او را رک کشتن و دلیل که از دوستی خشنی شود و با
 تلف شود و اگر چه که رک کشتن و خون از وی بیرون آید و دلیل که از سلطان او را رحمتی رسد و اگر چه که خون اندک بود و دلیل
 اندک رحمت باشد و بعد از خون رحمت یا در کرانی رحمت الله علیه گوید اگر چه که در عالم دارا رک زد و خون بسیار آمد و در جانی کرد
 و دلیل که بسیار شود و مال خود را در بیماری خرج کند یا ساهیل اشعث رحمت الله علیه گوید اگر چه که رک اندک است و راست کشتن و ساهیل
 مال و حکمت بود و اگر از دست چسب کشتن و دلیل بر زیادتی مال و دستان بود و اگر چه که در محرومی او را رک کشتن و اگر از دست چسب
 و دلیل که آگست شود و اگر آگست بود و دلیل که در خنری آن رحمت الله علیه گوید اگر چه که رک زد و خون از وی بیرون آید و دلیل
 که او را سخن حق گویند جعفر صادق رضی الله علیه گوید رک زدن در خواب لیل بر چهار وجه بود یکی کشتن او را دوم سفر سوم خدمت
 چهارم از جهت مالی یا نازی کردن و اگر چه که رک زد و خون بیرون نیامد و دلیل بر خدمت بود و اگر چه که خون بیرون آمد و دلیل
 در رضی کردن ناز و دلیل بر خدمت بود و اگر چه که بر جراحی خون آورد و کشتن دلیل که چیزی بوی رسد و معتبران گویند که رک زدن
 در خواب اگر بیننده خواب شود و دلیل که خود می و شادی بود و اگر مستور شود و دلیل بر شرف و شادمانی است این برین رحمت
 علیه گوید که گاه من و دلیل بر امانیت و خویشان بود و اگر چه که رکی را از انعام وی آفتی رسید و دلیل که خویشان وی غم و اندوه خورد
 و هر یکی که مبین است که یکی تلفی دارد و بر گاه پیشانی دلیل بر بهترین کند و گاه می دست و بازو دلیل بر فرزندان و گاه شکر
 و دلیل بر خویشان دارد و گاه می پشت دلیل بر خویشان پدر کند و گاه می سرین در ان لیل بر امانیت و زن و دوستان و گاه
 ساق لیل بر مال و منفعت کند و اگر چه که گاه و گاه در بر پناه و در پیر و شد یا شک شده و دلیل که از خویشان وی یکی که
 اتفاق دارد از دنیا برود و بعضی از معتبران گویند که غمی و اندوهی بر خویشان وی رسیده باشد که در محروبت افتد و از خویشان
 جدا ماند و اگر چه که کسی او را رک زد و دلیل که از خویشان خود سخن درشت نشود و بعضی گویند که بعد از آن خون از وی نشود
 ال یکی از خویشان خود تلف کند و انشال علیه السلام گوید اگر چه که رک تفعال بکشد و دلیل که کار وی بسته گردد و اگر چه که رک
 با سینه کشتن و هر یک و لیل دارد و چون سایل گوید که از رک من خون می آید و دلیل بر سر که باشد مال با بد اگر گوید که از دست خویش
 میرفت لیل که او را زبانی رسد و معتبران گوید که در لفظ گویند خواب نگاه کند و تغییر بر موجب لفظ او کند و اگر چه که رک از دست خویش

خیر
 خیر

خیر

خیر

بود و دلیل که اولاً و بعد از آن رسد رکاب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر رکاب چنین جلد بود دلیل بر فرزندانی
 بود و اگر رکاب با این بود دلیل بر فرزندانی بود که در هیچ خیانت نباشد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر چنین که رکاب و ازین مورد دلیل بر
 خوشیست بین و منکر آورد و اگر چنین که رکاب همین بود دلیل که فرزند بالینیا فرزند نشود و اگر چنین که رکاب همین بود یا بر چنین
 فرزند و این است بود و اگر رکاب همین بود دلیل که بقدر و شنی و پاک و اورا و ت در کار و دنیا بود و اگر رکاب و چنین بود دلیل
 فرزند و در این بود و اگر رکاب دار و در خواب نیکو بود زیرا که او بهترین نزد یک است و نگه این سیرین رحمة الله علیه
 در یک سینه خواب درین در جاده و غیر آن دلیل بر پاک و این بود و در یک سرخ و در آنرا که است هیچ بود و در آنرا نیک بود و در
 آنرا و در آنرا نیک باشد و درین و دنیا در یک سیه مصیبت باشد که گمانیکه در شد و در یک بود و در آنرا و در آنرا نیک باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید در یک سیر و سینه دلیل بر جبر و در یک کند و درین پاک زیرا که لباس این شست است و رو با
 این سیرین رحمة الله علیه گوید و در رو با و در خواب در وی فرزند باشد یا نه پاکیزه و دروغ زن اگر چنین که رو با و در رو با و
 دلیل که او را با مردی خصومت افتد و اگر چنین که رو با و میجست ازین باین دلیل که ترسند و شود و اگر چنین که رو با و داری
 دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف بود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر چنین که رو با و سانه سیکر و دلیل که
 حلیت کند و او را بغیرید و اگر چنین که رو با و میسر او یا پلوسی سیکر و دلیل که غریبی او را حلیت کند و در رو با و مالی
 که بحلیت است آورد و شیر و رو با و بخواب خورد و دلیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و از دوه و خلاصی از زندان باشد
 بعضی از متبران گویند که شیر و رو با و خوردن دلیل بر بیماری بود یا نرسی که بوی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید و رو با و خوردن
 و این زن در غم باشد اگر چنین که رو با و گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی فرزند و در فرخ زن خواهد و اگر چنین که رو با و
 و خانه وی آمد و فرزند گرفت دلیل که زنی خواهد که دوستدار او بود و اگر چنین که رو با و از او بخت و دلیل که و ام و از او بخت
 و رو با و این سیرین رحمة الله علیه گوید و رو بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر چنین که در و بزرگ صافی شد دلیل
 با مردی بزرگ با و یا نیت پیوند و از وی خیر و منفعت یابد و اگر چنین که از و و بیرون آمد و دلیل که از او غم رسد که
 و اگر چنین که در و مردی بزرگ رفت و آبش تیره بود و دلیل که با مردی بزرگ سنگین پیوند و اگر چنین که در آن رو و عرق شد
 دلیل که نامرک از آن سبکگاری یابد و انیال علیه السلام گوید و رو بزرگ و زیر بود و اگر چنین که رو بزرگ خشک شد
 دلیل که وزیر محضول گردد و اگر آب رو و زیادت بیند و دلیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رو و تیره بیند و دلیل که مال
 حرام یابد و اگر آب تخم بود و دلیل که رشوت ستاند و اگر آب رو و کند و بیند و دلیل که بیمار گردد و اگر آب رو و سرد
 خوش بود و دلیل که از وزیر نجات یابد و اگر چنین که در جوئی خون بود و میرفت و دلیل که در آزار خون ریزش
 بسیار شود و اگر چنین که آب رو و سفید و خوش بود و دلیل که مردم عام شنائی و زیر گویند و اگر چنین که آب رو و زمین
 رفت و هیچ نماند و دلیل بر عفت است باشد و آنکه تعالی قل ان اصدق مما و که نحو و انیال

[illegible]

این فروگذار و روی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بیکال زمانه است دلیل که شرف و منزلت او زیاد
 اگر در او اگر روی خورشت و ناخوش بیند شرفش کم گردد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر گرد روی خود سرخ و پاکیزه بیند دلیل که روی
 گردد و اگر بیند که روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود و قول تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتَيْعُوا وَفُتِحُوا فَمَا لَهُمْ نَجَاتٍ**
الَّذِينَ ابْتَيْعُوا وَفُتِحُوا و اگر بیند که روی او زرد و سفید بود دلیل که بیمار گردد و اگر گرد روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق سوا
 گردد و اگر بیند که سیاهی روی او چنانچه سفید پوشیده بود دلیل که او را خسری تأیید قول تعالی **وَأَنذَرْتَهُمْ يَوْمَ لَا تُفْنِي غُلَّةَ**
وَجْهِهِمْ مَسْمُومًا وَهُمْ لَا يَكْذِبُونَ و اگر بیند که سیاهی روی او کرده آلوده بود دلیل که مشرک بود و اگر بیند که رویش خن آلوده بود یا
 زرد و سیاه زردیش می آمد و او را بر روی جراحت بود دلیل که زبان آلوده بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل بنیای عالمی بود
 و اگر بیند که پیش روی او خال بود دلیل که او را رشود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب نیکو بیند و آب یا دانه یا کسی
 او را بگوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر زشت بود و ناخوش بگذشت این بود و اگر بیند که روی او سرخ بود دلیل که او را
 بکسی شهادت داده خشم فرو خورده و اگر روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی او سیاه بیند دلیل که او را
 و محاطه کفر بود و قول تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتَيْعُوا وَفُتِحُوا فَمَا لَهُمْ نَجَاتٍ** و اگر بر روی خود جراتی بیند دلیل
 که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بیند دلیل که در کار که خدای تعالی غفلت داشته و اگر در او روی بیند دلیل که
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دین روی در خواب بر پشت و جبهه بود و کجی شرف و بزرگی و دوم خوابی و عقارت سوم نظام
 کار را چهارم دین و دوازدهم چهارم از دین و سواقی ششم و هفتم نیکوئی هشتم توفیق طاعت و نهم اگر بیند که ریحان بهر
 و خوشبوی بود دلیل بر نزدیکی و گندن ریحان اندیش دلیل که سیرین دانه و بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ریحان در جایگاه
 خود بیند دلیل که خواه در خواب کارهای نیکو کند و انشای الله السلام گوید ریحان بخواب دیدن اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند او را
 کارهای نیکو کند و توفیق بکارهای جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ریحان بخواب بر پشت و جبهه بود و کجی دین و دوم نیکو
 سیزدهم دوست چهارم فرزند پنجم سخن ششم ششم مجلس علم پنجم که در انبیا اگر بیند که در سرائی یا باغ او ریحان بود دلیل بر سیرین
 کند مغربی رحمة الله علیه گوید ریحان فروش در خواب بوقت غفلت نیکو بود و در لیسان در خواب فرو برد اگر بیند که از چشم یا موی ریحان
 می رشت چنانکه زمان ریسمان ریسمان دلیل که کاری هلال کند و اگر لیسان بخواهد بر دانه یا جبهه بود دلیل که در بستر کادی باشد
 که او را از آن خضومت بود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی مانند موی ریسمان از چشم یا موی می رشت دلیل که او را با
 از مغرب یابد و اگر بیند که بوقت رشتن ریسمان را گسسته شد دلیل که غامض و در غم ویران باشد اگر بیند که لیسان بسیار رشت دلیل که
 دراز بود و بقدر لیسان خیر و منفعت از خدیشان یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریسمان در خواب بر سرخ و جبهه بود و کجی سفر
 دوم نزد کار سوم عمر دراز چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب هلال و یو کس این سیرین رحمة الله علیه گوید ریوس
 بخواب دیدن اندوه بود و بقدر خود آن اگر بیند که ریوس بیند اخلاص دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که ریوس شیرین

این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بیکال زمانه است دلیل که شرف و منزلت او زیاد

این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بیکال زمانه است دلیل که شرف و منزلت او زیاد

این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بیکال زمانه است دلیل که شرف و منزلت او زیاد

این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بیکال زمانه است دلیل که شرف و منزلت او زیاد

که بقدر آن دم در مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال او را نقصان شود و اگر بیند که بیم از تن وی بیرون آید و باز
 بجای میبندد دلیل بر نقصان مالش بود و حاجت نیست شود که زانی در حقه الله علیه گوید اگر جواب بیند که بیم کند و بخیر و دلیل که مال
 دلیل که مال مردم خوردنی بملک جمع شدن بیم و از نام دلیل مع مال بود و این سیرین در حقه الله علیه گوید اگر بیند که زانی می بیند
 دلیل که بقدر آن مال او را نقصان شود و درین اگر جمع شود دلیل که مال بود مغربی در حقه الله علیه گوید اگر جواب بیند که بجهاد
 ریش بود دلیل که غم و اندوه بود و بیم این سیرین در حقه الله علیه گوید اگر جواب مال بود بر خدا و اند خواب اگر بیند که از تن
 می آید دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که بیم از تن او بیرون می آید دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که بیم از تن او
 بیرون می آید و با اینجای خود میرفت دلیل که نقصان مال بود و حاجت نیست شود که زانی در حقه الله علیه گوید اگر بیند که بیم
 و بخیر و در بیم و غم و دلیل بر غم و اندوه بود و دلیل بر غم این سیرین در حقه الله علیه گوید اگر بیند که ربوند بسیار
 دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که از بهر علایمی ربوند خورد و از آن تنده شد حاصل شد دلیل که بر حجت و تنده سستی
 و خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر پنج بیماری بود و الله اعلم **حرف الراء** زن این سیرین در حقه الله علیه
 گوید اگر زانی بخواب بیند که او را دختری بود یا دختری داشت دلیل که چیزی بر وی رسد و از خوشیانش خوردم شود و اگر بیند
 پسری را داد او را نش آید پسندد دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که دختری را دلیل که او را پسری آید که زانی در حقه الله علیه گوید اگر
 باو شایه بیند که دختری بر او داد دلیل که شوهرش کنجی باب و اگر بیند که پسری بر او دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که دختری
 بر او دلیل که غمگین شود و اگر بیند که پسری بر او دلیل که کارش خوب شود و اگر دختر و شیرینه بیند که دختری بر او دلیل که زانی
 آتش از او و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی بخواب بیند که پسری بر او و هم در آن روز با وی سخن گفت دلیل بر بیم
 بیننده بود و اگر بیند که دختری بر او دلیل که در زنی از نسل وی آید که همسر قوم گردد و بر افع این سیرین در حقه الله علیه
 زانی در خواب مردی فاسق بدین و دروغ زن بود و اگر بیند که زانی را گرفت دلیل که با کسی بدین پیوند که صحبت
 او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بیند که زانی را بکشت دلیل که در آنجا از آن و فاسدان و فاسقان
 گرد آید و اگر بیند که زانی شکار کرد دلیل که زانی باطل مال یا بد که زانی در حقه الله علیه گوید اگر زانی بخواب بیند که بکشت
 تاویل آن باشد و زانی بسیار در خواب دیدن لشکر بود و اگر بیند که زانی را پوست بر کند دلیل که با زنی غریب زمانه و اگر
 بیند که زانی را بکشت دلیل که اهل بیت او در محضر رسد و اگر بیند که زانی بسیار در خواب می آید و میگذشت دلیل
 مردان و یا در لشکر می آید بقدر آن دعا مغربی در حقه الله علیه گوید اگر خواب بیند که زانی و تندر و هر دو در خواب بود و دلیل
 که با کینه کین کند و اگر بیند که زانی غماصت میکرد دلیل که مردی در زانند که زانها این سیرین در حقه الله علیه گوید اگر
 زانها زان بنه بر تو بود و اگر زانک میسپید زانک ند و بیماری بود و زانک سیاه صحبت بود و زانک دلیل بر مرگ بود
 و زانک مامور و غیره بدین دلیل است و در زانک هیچ منفعت نبود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زانک در خواب

فاش

چه

سب

بیت

بیت

چه

[illegible]

توبه کند و اگر میند که بر زبانش خطا رفت دلیل که نمی گوید که حق تعالی اجل و علا و در آن رخصتی نباشد و اگر میند که کسی زبان در دهان
 وی سنا و دلیل که او را کسی قوی و بحق باشد و سخن و اگر میند که زبان کسی می گوید دلیل که از آنکس علم و دانش حاصل کند مغربی
 رحمة الله علیه که بر زبانش گنا گشت شد و بود دلیل برضا و این و دنیا و وی بود و اگر میند که زبان در دهان میبرد و دلیل که
 چیزی بدویش دهد و اگر میند که زبان در دهان میبرد و دلیل که میسرش کند و دانش آشکار کند و اگر میند که زبانش کلام میگوید
 دلیل که وام دارد شود و انبیا علیه السلام گوید اگر میند که زبان وی قوی و ستر باشد و دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر میند که زبان
 ریش گشت دلیل که بر کسی استغنی باشد و یا دروغی گوید و اگر میند که بر زبان وی حوی بر آید و بود دلیل که از سبب گفتارش با
 افتد و اگر میند که زبان وی آساید و بود دلیل که سبب گفتارش مالی حاصل آید استعجال اشفت رحمة الله علیه گوید اگر میند
 که زبان وی و دشمن شده بود و دلیل که منافق بود و اگر میند که زبان نداشت دلیل که از غیر خدایا فرود آید اگر کسی بگوید که
 زبان نداشت برید و بود چنانکه سخن بپوشد گفت دلیل که شغل وی بدست کس بر آید و اگر میند که زبانش خشک شده بود
 دلیل که در آید باشد جعفر صادق رحمه الله علیه گوید درین زبان در خواب شنید چه بود یکی حکمت دوم بر آید
 ترجمان چهارم حاجت چشم دلیل ششم یار و سخن گفتن در زبانها و حرف مینماید و خبر میرسد برین رحمة الله علیه
 گوید بر جبهه در خواب دیدن دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر میند که بر جبهه بسیار بهشت دلیل که بقدر کنانی نعمت حاصل کند
 و اگر میند که بر جبهه از وی ضایع شد و دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین بر جبهه در خواب
 برسد و بود و یکی خرمی دوم مال سوم منفعت زبور را برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بینه زبور بخواند و دلیل که
 خداوند تبارک و تعالی بازگردود و بکار خیر و خست نماید و اگر میند که زبور را بخوابد بخواند و دلیل که زود خیرات بر او اتفاق کند
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زبور بخواند و دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر میند که زبور بخواند و دلیل
 که او را و نیکو گردد و زجر خالی گرفتن بیایک مرغان بود اگر میند که بیایک مرغان خالی میگرفت تا ویش از در و باطن بیاید
 و در خواب و بیداری از او داخل نکو میده و بود این برین رحمة الله علیه گوید اگر میند که بیایک مرغان خالی می گرفت و دلیل
 که باطن دنیا مایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیایک مرغان خالی میکرد و اگر زود باشد
 دلیل که نیکو بود و اگر بعد از آن باشد دلیل که بپار کرد و شفا یابد چشم این برین رحمة الله علیه گوید اگر میند که بر تن
 داشت و اثر خون پیدا نبود دلیل که بر تن زنده نماند و نظر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر میند که از غم و خون روان و اندام او آلود
 شد و دلیل که مال مرام یابد و اگر میند که اندامش آلوده نکشت و دلیل که زنده آید و با سخاهی یا تمسک مشتم گردد و اگر میند که از غم خور
 دین او خون آلوده نکشت بفرمان کرمانی رحمه الله علیه که مال وی نقصان افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بر تن و
 وید برسد و بود و یکی نظری برین دوم خیر و منفعت سیوم نقصان مال زدن و انبیا علیه السلام گوید اگر میند که او را
 آذیان زد و نمیدانید چنانکه اثر زدن چه یابد یا او بهر تن سببند و چندان زدند که خون از وی بیرون آمد تا ویش بد باشد

در کتب معتبره

در کتب معتبره

در کتب معتبره

در کتب معتبره

در کتب معتبره

در کتب معتبره و دلیل که مال مردم خرد و مسوالت نام اورا از پادشاه غم و اندوه رسد و کلام این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر سیرین
اورا گفت که نام خود را بگو و دلیل که چند روز بجا شود و هر چند که نام سیرین و دیواری بیشتر در کلماتی رحمت الله علیه گوید اگر سیرین را بگو
که نام خود را بگو و دلیل که هر چه چشم گرد و زود و صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نام در خواب بر سر و جبهه بود یکی تباری
دوم چشم گرفتن سیدم منفعت یافتن زلا میسر این سیرین رحمت الله علیه گوید زلا میسر در خواب لیل بر گوشش هر روز از آن
و یافتن آن سید و ستادی بود و اگر سیرین که زلا میسر داشت دلیل که بقدر آن او مال حاصل آید و اگر سیرین که آنک زلا میسر بودی و او با
و آن وی نهاد و دلیل که اگر کسی خوش شود و مغربی رحمت الله علیه گوید اگر سیرین که زلا میسر در غفران می خورد و دلیل که بقدر آن
و اگر سیرین که با غفران بخورد و دلیل که هر چه زود لرزه این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر سیرین که زمین می جنبید دلیل که مردم از لرزه
را از پادشاه پنج و ناست و سید بقدر جنبیدن زمین و سیرین گویند که آنست که مردم رسد و آن و بار بار می افتد و اگر سیرین
که زمین بر گردید و وزیر و بالاشد دلیل که در آن زمان افتد و با افتد کلماتی رحمت الله علیه گوید اگر سیرین که زمین است جنبید و یک نفر
بر لیل که در آن زمان پادشاهی آید و اول آن و بار بار عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در این زمان که در آن جنبید زمین را
منعت و باقی جنبید از آن پادشاه بود و قول تعالی شکفتن آید و با آنکه در آن وقت همه حال از لرزه در خواب لیل بر غنوت است
بود و با آنکه در آن زمان سیرین رحمت الله علیه گوید در آن زمان در خواب لیل بر فرزند و برادر باشند یا مال اگر سیرین که در آن وقت
با کسی بودی و او دلیل که او را فرزند می آید یا برادری که از منفعت آید و اگر سیرین که در آن وقت منقطع شد دلیل که فرزندش میرد و با آن
غف شد و کلماتی رحمت الله علیه گوید در آن زمان در خواب دیدن دلیل که در آن زمان پادشاه و وزیر و اهل و عیال که در آن زمان بود و با آن
آن جنبید با آن و باز کرد و مغربی رحمت الله علیه گوید در آن زمان در خواب دیدن سخن نگردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید در آن زمان
برنج و جود بود یکی فرزند دوم برادر سیدم مال حلال چهارم که یک تنم قلام نیکو و هر چند که در آن زمان که با آن سیرین که گفته شد
از مستان این سیرین رحمت الله علیه گوید در آن زمان در خواب پادشاه و اگر خواب بیند که مستان بود و چنانکه مردم را از آن مضرت
و دلیل که اهل آن زمان پادشاه و حضرت رسد و اگر سیرین که در آن زمان بود و کسی را مضرت نرسد و کسی را از آن مضرت لیل
مردم از آن زمان پادشاه و حضرت منفعت یابند و در آن زمان در خواب برفت خود و در آن لیل برفت و خطر باشد زمین و ائمه علیهم السلام گوید
زمین در خواب آن بود و اگر سیرین که زمین داشت فرزند نیکو و بزرگ خاک پاک دلیل که او را نانی باشد بر سر مجلس چنانکه می آید
او و مثل و مثل باشد بقدر بزرگی و او نانی زمین اگر سیرین که در آن زمان بود و نوبت محمول بود و مانند که از آن است دلیل که آنکس سیرین
و مسلمان باشد و سیرین در خواب اسلام بود این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر سیرین که در آن زمان بود و نوبت بود و جانی معروف بود و دلیل
افضل و دیانت باشد و اگر در آن زمین بتانی و نوا و عسائی که در دلیل که او افضل درین دنیا باشد و سر انجام ثواب داده و حضرت آید
و اگر سیرین که او را در میان سحر زمینی بود و مانند بیابان و آن زمین را نشناخت دلیل که سفری در آن کند و اگر سیرین که زمین یکصد و سیزده دلیل
که بقدر خردون خاک مال آید و اگر سیرین که در آن زمین فرو رفت بی آنکه جایی یا مکانی در آنجا بود و او آنجا آید و شد و دلیل که میرد و خرد

نیز

نیز

نیز

نیز

نیز

نیز

که قبیل است دلیل که اورا نامی حاصل شود و بعضی گویند که قبیل نامی نیست بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بنام قبیل
 بر پشت و بر روی آن دوم خادم سوم که بزرگ چهارم خادم و پنجم صلاح ششم عمر و هفتم زمان هفتم ششم خیر و هشت
 بنجیل ابن سیرین رحمه الله علیه که بنجیل خواب دلیل بر غم و - و خود خوردن آن مسرت و زبان و بعضی معتبران گویند
 بنجیل خواب دلیل بر حرکت و گفتگوی کند و دیدن و خوردن بنجیل خواب دلیل بر غمی بود بنجیل ابن سیرین رحمه الله علیه
 که در نوحه خواب صحبت و گستاخ بود و اگر میند که بنجیل شکست و میندخت دلیل از گناه و توبه کند و بخدا ایتالی باز کرد و مغربی
 الله علیه گوید اگر میند که بنجیل در گردن داشت دلیل که در مال کسان دست درازی کند و از عزم میندشد و اگر میند که بنجیل در پا
 داشت دلیل که در خانه نای مردم صحبت کند و دیدن بنجیل در خواب مری حامی و گنگه را بود و نوحه خواب مسرت خانه
 بود و خداوند عقل بسیار اگر میند که نوحه او بزرگ شد دلیل که از بهر اهل خانه هزار کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که کسی از
 سر نوحه او میند دلیل که مسرت خانه آن باوی سخن گوید که از آن بخور شود و اگر میند که از نوحه وی خون میرون شد دلیل که بندگان
 از مسرت آن خانه از زبان رسد و بعضی از معتبران گویند که در کب و کاوش نقصان است زندان این سیرین رحمه الله علیه
 اگر میند که در زندان بود و اهل زندان هرگز نیند بود دلیل بر جان نبرد و اگر زندان معروف بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر میند که
 زندان بر پای داشت دلیل که بر عملی که دارد ویرانند و در غم و فکر بود که باقی رحمه الله علیه گوید اگر میند خواب مسرت بنا شد
 او تفلسای و بی ویرانم و اندوه رسد و اگر میند که روی با پانی بند مسرت دلیل که کار بسته و گستاخ جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید زندان خواب دیدن چون معروف باشد دلیل بر یافتن مراد و عاقبت نیک بود و نه گفتا قال ریت السجی کس
 آتی یما یک عوفی الیه و چون زندان مجهول بود کور باشد و غم و اندوه بود و چنانکه مسرت و یوسف علیه السلام فرمود
 الیه یقین الا حباء و مثل البکوی و تخیر به الا صلی فاء و منما له الا کفالا یعنی زندان خواب گوید زندان
 و مثل با است و از نایش کردن و دوستانست و غم کردن دشمنانست و اگر میند که از زندان شد و در ویران آمد
 دلیل که مراد نام میابد این سیرین رحمه الله علیه گوید زندان خواب گوید بنوعی شکله این سیرین رحمه الله علیه گوید زندان خواب
 جنگ و خصومت بود و اگر میند که زندان است دلیل که با کسی جنگ کند که میند که گستاخ جعفر صادق رضی الله عنه
 خصومت کند و اگر میند که زندان سپهر بود یا بر بنجین دلیل که ویرا کسی عام خصومت افتد زمان این سیرین رحمه الله علیه
 اگر میند که زندان گرفت و بنداشت که هرگز موفی نبود دلیل که کار بروی بسته شود و اگر میند که بر زبانی بود یا روی
 که بنده بچ آورد و نعت مسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زمار خواب برود و بر روی آن آدم مال و بهر زیادت
 و نقصان که در زار بود و اهل آن بر زن و مال و زکوة و هر این سیرین رحمه الله علیه گوید بهر خواب خوردن آن مال را در
 یا خون مباح و ناحق برزد و اگر میند که از خوردن زهر متخی آماس گرفته بود دلیل که مال حرام حاصل کند که از آن رحمه الله علیه
 گوید اگر میند که تن می زهر آلود بود و دلیل که در کار که بود و سخت حرص بود و بعضی از معتبران گویند که سخن که بر زبان الله

و اگر میند که تن را از زیر گرد می رسد با آب است داشت دلیل که بقدر آس او غم فاند و رسد اگر میند که نه بر خرد و دلیل که اگر کسی خوش
 خور و نه هر دو این میرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که نه بر مردم می خورد و دلیل که چشم خور و اگر میند که نه بر چهارپای می خورد و دلیل که
 بر خور و خشتن که نشو و سفری رحمة الله علیه گوید اگر میند که تن دی بر نه بر زمان آلوده گشت دلیل که اگر در زمان چه بود و اگر میند که
 تن دی بر نه بر چهارپایان آلوده گشت دلیل که لباس مردم بپوشد و اگر میند که تن دی بر نه بر و آن آلوده گشت دلیل که صحبت
 با کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود و زمین این میرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب میند که زمین در دست داشت
 و چیزی دیگر غیر زمین با وی نبود و دلیل که او از نزدی آید و اگر میند که با زمین سلاحی دیگر داشت و دلیل که از پا داشت
 او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یا بر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که زمین را داشت و دلیل که کسی را زمین بود
 و اگر میند که بر زمین کسی را چرخ گردانید و دلیل که بر کسی بدینان هند زمین و این میرین رحمة الله علیه گوید زمین بود
 در خواب غم و اندوه بود و اگر میند که زمین داشت و دلیل که او می خورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد
 که کافی رحمة الله علیه گوید و غم زمین در خواب دلیل خیر و رکت باشد و اگر میند که در غم زیت می بالود و می خورد و دلیل
 که بقدر آن غم و اندوه خورد و سفری رحمة الله علیه گوید اگر میند که زمین تلخ نبود و با نان می خورد و دلیل که او منفعت بخنی
 حاصل شود زیرا که باج این میرین رحمة الله علیه گوید زیرا که باج در خواب چون ترش نباشد دلیل شیرینی دارد و دلیل که
 و منفعت باشد و چون تلخ ترشی دارد و دلیل غم و اندوه بود و چون دردی زعفران بود و دلیل بر بیماری بود و بعضی از
 گویند که خوردن زیره باج در خواب دلیل بر منفعت و غم و اندوه بود زیرا که این میرین رحمة الله علیه گوید زیرا که در خواب
 گسترده باشد و دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند که زیاده را نباشد بهتر بود و چون زیاده پیچیده باشد
 بر نقصان عمر کند و اگر میند که بر زیلهی که چاک نشسته بود و آن زیله در زیر وی فراخ شده و دلیل که عیش و دوزی فراخ شود
 و اگر زیله بدست خود پیچیده و در کج خانه نهاد و دلیل که عز و دولت خود را تاه کند و اگر میند که زیله بر پشت نهاد و دلیل که
 امانت مردم بر گردن وی باشد و اگر میند که زیله پیچیده و یکی دیگر را و دلیل که عمرش با خیر رسیده باشد و سفری رحمة الله
 علیه گوید اگر میند که زیلهی بسند داشت و پاکیزه بود و دلیل که نعمت بروی فراخ گردد و اگر میند که زیلهی کینه و دریده بود
 و دلیل که عیش بروی دشوار شود و اگر میند که زیلهی بی مجهول افکنده بود و دلیل که آن خیر دوست دارد و دوست آبرو و اگر
 میند که زیلهی نوبه داد و در خانه بگستر و دلیل که دولت اقبال یابد و عمرش دراز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 و بدین زیله در خواب بشیرش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز است و دومی فراخ چاهم خود و دولت خیم دشوار است
 ششم گاه زیره این میرین رحمة الله علیه گوید زیرا که در خواب چون بسیار میند و دلیل منفعت زمین و در نایابی
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیرا که در خواب چون آنکس بید منفعت کمتر بود زمین این میرین رحمة الله علیه گوید زیرا که
 چون بر پشت چهارپای نهان شدن بود و اگر میند که بر پشت چهارپای بود و دلیل که حکم نیک و آن بر راکب باشد

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

در

در

در

در

در

در

در

در

و اگر مینه که نمی بخیزد با کسی روی داد و دلیل که کینه کی بخیزد و از نانی بخیزد و خداوند آن بسیار شود و باشد که بر سر نشاید و اگر
 مینه که زمین روی بشکست دلیل که زمین میبرد و بسیار شود و اگر مینه که زمین می برد و سیم آواسته بود و دلیل که نقش خشتین زمین
 و شکست بود و اگر مینه که زمین روی بسیار بود و هیچ که این نشانه است دلیل که نقش بسیار و مینه که زمین که در خواب زن و دلاله بود
 و دلای که بود و دلالت بر باسواب حرف التین به مسا و این برین رحمة الله علیه که به سار مرغی است و اگر خواب
 مینه که ساری داشت دلیل که مردی متکبر باشد که سفر بسیار کند و اگر مینه که سادی جگر است یا کسی روی داد و دلیل که مردی سافر
 در محبت افتد و اگر مینه که گوشت سار خود دلیل که بخت اندک خود و بود و او را خبر و منفعت و مدد سفری رحمة الله علیه که به دیدن
 سار و خواب مردی کا خود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر مینه که سار بسیار بودی جمع شده و دلیل که میان کا فزون گرفتار شود
 سار طو را بر برین رحمة الله علیه که به سار و در خواب روی شجاع و دلیر بود اگر خواب مینه که سار در داشت دلیل که چنین
 مردی در محبت افتد و از روی خبر و منفعت یابد و اگر مینه که سار و بشکست با ضایع شد و دلیل که چنین مردی از یاد می افتد
 سفری رحمة الله علیه که به سار و در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسیار آسان گردد و خامه که سار و در داشت دلیل که
 سار عدل بر برین رحمة الله علیه که به سار و دست راست و انبار میند بود و اگر مینه که سار و دستش خوی بود و دلیل که او را از دست
 و در و ستان خبر و منفعت رسد و اگر مینه که سار و بشکست دلیل که انبار و دست اندوی جبهه شود و سفری رحمة الله علیه که
 اگر مینه که بر سار و دست و بی سوی بسیار بود و دلیل که در و ستان اندوی جبهه شود و غلبه گیرند و اگر مینه که سار و دست و سار و دست
 دلیل که دامن گذارد و شود و ساق بر برین رحمة الله علیه که به ساق و در خواب مال محبتی که مردوم را بداند و او در و دست
 که مینه که ساق مرد و از خود جابه باشد و اگر مینه که ساق دی خوی بود و دلیل که کا پیش نمیکند و اگر ساقش ضعیف بود و دلیل که
 حال کا پیش ضعیف می باشد و اگر کا فانی رحمة الله علیه که به ساقش مینه که ساقش با در و بین بود و دلیل که عمرش در از خود و دلیل
 باقی باند و اگر مینه که ساق و بشکست و دلیل که برن او بد باشد و سفری رحمة الله علیه که به دیدن ساق و در خواب مرد و از زن بود
 و از نازش و اگر مینه که ساقهای وی بر یکدیگر می پیچید و دلیل که هم پاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار بود و دلیل که او را گرد
 و اگر مینه که موی از ساق میزد و دلیل که دامن گذارد و شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و این ساق و در خواب بر چهار
 بود و یکی آل دوم محبت سوم عمر و از چهارم مرد و از زن و از نازش و سار بر برین رحمة الله علیه که به سار و در خواب
 و بهیبت بود و سار با و شاه و در و دلیل که با و شاه بود و سار و دیوار مردی بزرگ بود و سار و درخت بی بر و دلیل که بر ساق
 که فانی رحمة الله علیه که به اگر مینه که در جالی زیر ساق نشسته بود و دلیل که مرگش نزدیک بود و نوله تعالی انکه تری انک کیش
 ساق الطیال و کو شفاء لجمع له مساکینا جعفر صادق رضی الله عنه که به سار و در خواب بر پنج و بود و دلیل
 دوم بهیبت سوم پناه چهارم منفعت پنجم مرگ سار با بر برین رحمة الله علیه که به سار با بر و در خواب با و شاه و در
 بود و اگر مینه که زیر سار با بر نشسته بود و دلیل که خدمت با و شاه چنین کند و اگر مینه که سار با بر مردی فاقد و او را از نازش

دلیل که با و شاه و بر وی چشم کشید و در سفری رحمة الله علیه گوید اگر میند که سایبان بشنید یا که پس بود و لوی آن نیز با سید بود و دلیل که
 با و شاه و ملک کند سپهر این سیرین رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب در دست داشتن دلیل که اگر کسان با و شاه و او با پادشاه بود و اگر میند که با
 سلاح و دیگر بود دلیل بر مردی بود که در میان و برادر از انزلی شکار دارد و اگر میند که سپهر بر زمین بنهاد و دلیل که او با مردی مثل صحبت
 جعفر صادق یعنی رحمة الله علیه گوید درین سپهر در خواب بر شش جبه بود و یکی بر او دم یا سپهر قوت چناندم سپهر چشم می کشد شش
 بونا و بقدر بندگی سپهر ز این سیرین رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب دیدن مال نشاوی بود و اگر میند که سپهر کا و دست دلیل
 او در آن سال چیزی حاصل کرد و اگر میند که سپهر در دست دلیل که او را از مردی بزرگ مال حاصل آید و اگر میند که سپهر چهار پای کشی
 دلیل که او را از مردی خوب مال حاصل شود و اگر سپهر در آن دست دلیل که بقدر آن مال از زیر پادشاه جعفر صادق مثل رحمة الله علیه گوید
 و به این سپهر های مجموع در خواب مال بود و سپهر ها نور بود که گشت و ملال بود و مال ملال باشد و آنچه گوشت و می حرام باشد مال
 بود و سپهر این سیرین رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب بین بود و خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی خواب بیند که زمین داشت
 در آن سپهر بسیار بود و دلیل بر صلاح و پاک دینی وی بود و اگر میند که در آن بین گیا و محمول بود و او را نیکو باشد و نشان خست و نشان می کشد
 و در آنست که در آن زمین پاک و دست بخند و دلیل بر دین و دیانت بیند و کند و اگر میند که در آن زمین کیا و معروف بود و دلیل بر آن
 نیست و مال می بود و در سفری رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب چون بوقت بیند دلیل از در و درج بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید سپهر
 در خواب نیک بود و اگر میند که در سپهر را مقیم شد و دلیل که در راه دین مقیم شود و اگر میند که در راه دین مقیم شود و دلیل بر آنست
 در خواب گرفتار بود و کوکابی رحمة الله علیه گوید اگر سپهر را پاکیزه و خوشم بیند و آنکه پاک است و دلیل بر دین پاک و درج و دست
 او باشد و اگر سپهر را در و در سپهر در بیند وایش بخلاف این بود و اگر میند که در میان سپهر را می بود که مکت و دیگران بود و دلیل که
 او با مردان با و دیانت باشد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که صحبت او با مردان باشد و جعفر صادق یعنی رحمة الله علیه گوید سپهر
 در خواب بیند بر چهار وجه بود و یکی راه اسلام و دوم دین ستم و خفا و پاک چناندم بر سپهر گوی سبل این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
 که چشمهای وی جل داشت چنانکه نمیدانست این دلیل که بقدر تاریکی در دین وی نقصان باشد و اگر چشمهای تاریک بود و دلیل
 بر آن بود و دلیل که در راه دعوت باشد و اگر چشمهای شش و او دلیل بر آن بود و دلیل که فرزندش بسیار بود و اگر میند که سبل از سپهر وی بر کشد
 و دلیل که فرزند و بعضی که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غیبت بود و دلیل که سلامت در وطن خود باز رسد
 این سیرین رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب بر دستافق بود و اگر در دست وی مال ضایع شود و کوکابی رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب
 کتیک با خادم بود و اگر میند که سبوی او خوراک است یا چیزی و دلیل که کتیک بخورد با خادمی او را حاصل شود و اگر میند که سبوی ضایع شد
 دلیل که کتیک با خادم او برید و اگر میند که سبوی او را سوزان شد و دلیل که کتیک با خادم او بیمار شود و اگر میند که سبوی او را سوزان شد
 دلیل که اگر کتیک با خادم مسفت یا جعفر صادق یعنی رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب دیدن برنج و جود و یکی نزد و بر منافق و دوم آن سبوی
 خادم چناندم کتیک بخورم و این سبوی رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب دلیل بر بیمار شدن وی بود و اگر خواب بیند که

این سیرین
 رحمة الله علیه

این سیرین

رحمة الله علیه

این سیرین

رحمة الله علیه

[illegible]

حکایت
محدث

سجاده

سجده

سجده

سجده

بجای می نمود شاکر آن حکایت کرده اند و بنده و مروی بخواب و بد که ساد و روشن بر زمین افتاد و متعجبان گفتند که عالمی است
در آن هست امام اعظم از آنجا رحلت کرد و ستون ابن سیرین رحمه الله علیه که در ستون در خواب خداوند اقبال و دولت بود که
بخواب بیند که ستونی داشت و قوی بود و دلیل که از مروی مایل حاصل کند و اگر بیند که ستون خانه وی بنیفا و یا شکست
و دلیل بر پاک او بود که قانی رحمه الله علیه که در ستون و در خواب سلام بود اگر بیند که ستون خانه بنیفا و یا شکست و دلیل که خداوند
خانه پاک شود و اگر بیند که ستون خانه وی پاک بود و دلیل بر منفعت بر وی می بود و جعفر صادق رضی الله عنه که در ستون
در خواب بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت و دوم مرکز سیوم مرد و چشم چهارم قوت و کار و پنجم ولایت سجاد و ابن سیرین
رحمه الله علیه که بر سجاد و در خواب دیدن بخیر بود اگر بیند که در مسجدی بر سر سجاد و نشسته بود و دلیل که سفر سجاد زود و دل
و آنحضرت و امین مقام ابوالقاسم و مصلحتی خاص چون بیند که در مسجدی مشکف شد متعجبی رحمه الله علیه که بر اگر بیند
که سجاد و پیشین یا پنجه داشت و دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بیند که سجاد و او بر ستم تا و پیش بخلاف این
و اگر بیند که سجاد و وی پیشین بود و دلیل که طاعت وی را می بود مسجد ابن سیرین رحمه الله علیه که بر اگر بیند که بر سجاد
و نهالی را سجد کرد و دلیل که بر مروی بزرگ نظر یا به و اگر بیند که غیر بنده ای را سجد کرد و دلیل که مرادی که دلبسته بر دنیا و جعفر
صادق رضی الله عنه که بر اگر بیند که همت بر سجد کرد و دلیل که او را از سلطان رحمت رسد و الله تعالی که بنده و منور
الله تعالی که بنده که کمال افتخار که در سخن ابن سیرین رحمه الله علیه که بر اگر بیند که از زود و دست و دست و جعفر صادق
و دلیل که میان مردم و او می کند و اگر بیند که راست می بخند و دلیل که حکم برستی کند و الله تعالی و زود یا انقطاع المستقیم
که بیند که راست بخند که از دلیل علم بود و دلیل که قاضی گردد و اگر عالم نبود و دلیل که بقاضی محتاج گردد و جعفر صادق رضی الله عنه
و او بر است سخن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم راست و دوم شکوفی ستون چهارم حاکم شدن و اگر
کج مسجد تا و پیش بخلاف این بود سخن ابن سیرین رحمه الله علیه که بر سخن گفتن و در خواب شنیدن بنا و دل بر زبان تا
بوده اگر بیند که بر زبان عربی سخن گفت و دلیل که از همسران خود جا به باد و اخبار از حضرت رسول صلی الله علیه و سلم
استماع کند و اگر بر زبان پارسی سخن گفت یا شنید و دلیل که با همسران او صحبت افتد و از ایشان نیکی یابد و اگر بر زبان عربی سخن
گفت یا شنید و دلیل که میراث یابد و اگر بر زبان رومی سخن گفت یا شنید و دلیل که با مردم بی مهر و بی همت و بی کار می آید
و اگر بر زبان ترکی سخن گفت یا شنید و دلیل که او را با باقیین صحبت افتد و اگر بر زبان خواند می سخن گفت یا شنید و دلیل که بر سر
مرد و بشنود و اگر بر زبان سغلی سخن گفت یا شنید و دلیل که با مردم بی انصاف او را شعلی افتد و اگر بر زبان یونانی سخن
گفت یا شنید و دلیل که معقولات مشغول گردد و اگر بر زبان رومی سخن گفت یا شنید و دلیل که او را از صحبت تا و این غم و اندوه
رسد که قانی رحمه الله علیه که بر اگر بیند که همه با نهان سخن گفت یا شنید و دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از انصاف
بود جعفر صادق رضی الله عنه که بر اگر بیند که بر زبان که در خواب سخن گوید و شنود و اگر خواب خبر و مصالح بود و تاویل آن خبر و مصالح

[illegible]

دلیل بود که میباید که سر از زمین پایین شد دلیل که مال باید که میباید که سر او زمین پایین است پس دلیل که خدمت ستمی
 کند و اگر میباید که سر او چوبی بود دلیل که اجالتش نزدیک رسیده باشد و اگر میباید که سر او سفالین بود دلیل که خدمت سروی لافزن
 کند و اگر میباید که سروی چون سر مرغان شد دلیل که سفر دور و اگر میباید که سرخ و بریده داشت دلیل که در بار بار کند و اگر میباید که سر
 بزن جدا گردد و باز بر جای ننهد و دست شد دلیل که عاقبت در بر شد باید که اگر میباید که سرای داشت در نشستن است پس دلیل
 که او را پسری باید و اگر زنی خود را سر از آشفته و میباید دلیل که شوهرش میبرد و اگر میباید که سر بران میبرد و دلیل که مال باید که اگر میباید که سر
 هر یک پاکس بودی و او را زان بجز و دلیل که از هنرمندی نماند باید که جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بران نماند و بنی با هنرمندی کردن
 باشد و اگر میباید که سر را میبرد و دلیل که هنر را عیبت کند و سر بخیزد بهتر از عام بود و حقا معتبر و رحمة الله علیه گوید سر مردم بخیزد
 بود و یا هنر یا سر و اگر سرخ و یا بریده میباید دلیل که از پیره و یا بریده و یا سرخ و یا بدست خود و میباید که با ایشان به پیره و یا
 سرخ و یا بریده و یا بدست دلیل که اگر کسی اینصاعت نبیند یا دام کند و اگر میباید که سرای بریده و پیش داشت و در حق میگرد
 دلیل که بهتر از نذر یا غم داده و و عیبت است و اگر سر پادشاه بر دوش خود و میباید که در هزار مردم یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 سر مردم بخواب و بدین بر و زنده و وجه بود یکی رئیس مردم و سر مردم پدر و چهارم مادر و پنجم امام ششم مؤذن هفتم عالم هشتم و نه هزارم
 نهم پسر دهم خادم یازدهم زن و دوازدهم برادر و اگر کسی بخواب میباید که سر بزرگ کرد و جا به پان پوشیده بود و دلیل که او را با هنرمندی
 افتد و اگر عالم هر کس بود که پوشیده دلیل که از هنرمندی غم نماند و باید که اگر میباید که سر او را بر تن و دلیل که از هنرمندی رخا دم کاوش
 سر را ب نماند پیش سخن باطل باشد و علی که در صنعت خود و بر سرین رحمة الله علیه گوید اگر میباید که در زمین سرای بنشیند دلیل
 که بدین باطل و سخن که در و خیر نباشد مشغول گردد و اگر میباید که از زمین سر را ب میبرد و دلیل که از علم باطل آن جمع کند سر را بر دهن
 سرین رحمة الله علیه گوید اگر خود را در سر از پاره و میباید که ملک او بود و دلیل که بزرگی و منزلت باید باشد که هنر لشکر شود و اگر
 که در سر پاره و پادشاه مقیم شد دلیل که از پادشاه و مرمت و جاه باید که اگر میباید که سر پاره و پادشاه و میباید که دلیل که زوال ملک است
 و اگر میباید که سر پاره و پادشاه و سوخت و دلیل که پادشاه و میبرد و اگر میباید که پادشاه او را از سر پاره و میرون آورد و دلیل که پادشاه
 و ملک نباشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین سر پاره و در خواب برنج و وجه بود یکی سلطنت و دوم رباست و سوم ولایت
 چهارم دولت پنجم سرنگی مسرا و انیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب میباید که در سرای بیگانه نشد و هیچ نشاخت و در آنجا مردگان دید
 دلیل که آن سرای آخرت است و صاحب خواب را وقت عیبت باشد و اگر میباید که در آنجا نشد و میرون آمد دلیل که بر جای است پس دلیل
 شفا باید که اگر میباید که سرای معروف شود و میباید که در دلیل که در زنی ملال باید که اگر میباید که بنیانش نیک و آبر و آبر بود و دلیل که مال
 حرام باید که اگر میباید که سرای بزرگ و فراخ بود و دلیل که در دبی بروی فراخ گردد و اگر سرای که بکوت بود و تماشای مخالفین بود و یا بر سرین
 رحمة الله علیه گوید که اگر میباید که سرای خود و میباید که راه صلاح بر خورده و بدست کند و اگر میباید که سرای که نه را میباید که دلیل که
 خیرات بر وی گشاده شود و اگر میباید که سرای از دو پائیزه بود و دلیل که بر خند سنی و عمر و زانو و پیر کند مغربی حقه الله علیه گوید که اگر میباید که سرای

[illegible]

ستودم فقیه کردن با عیال چنانکه زوال غم مسرور گشت گروان یعنی چهل باشد مردی بود که مال جمع کند بن سیرین رحمة الله علیه
 اگر میند که چهل گرفتند پس که از پدر دی حرام خواست صحبت افتد اگر میند که بعد از بخت دلیل که مردی حرام خود بکشد و اگر میند که بخیر و بد
 کمال حرام خود بخورد و مسرور این سیرین رحمة الله علیه بود و در خواب پنج و هفت بود و اگر میند که سر را بخت دلیل که بعد از سر
 و تنگه سختی دارد و اگر میند که سر را در هفت رساند دلیل که از ایشان او را هفت رسد سر مرده این سیرین رحمة الله علیه بود و سر مرده
 مال بود و اگر میند که سر مرده چشم کشید دلیل که صلاح وین بود و اگر میند که سر مرده کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال یا بر کثافتی رحمة الله علیه
 سر مرده در خواب مال جا بود و مردن را و بعضی بهتر از آن میند که سر مرده در خواب بافتن زاده حق و صواب بود و جعفر صادق رضی الله
 عنه که پدر سر مرده در خواب مردی بود که در صلاح وین بود و پدری که چشم وین بود و سر مرده و ششانی باشد سر مرده و آن این
 سیرین رحمة الله علیه که پدر سر مرده در خواب زنی بود که پیوسته باشد با خیالی باشد و مرد از ابراه وین خواند اگر میند که سر مرده و آن
 مردی بخت دلیل که زن وی پیوسته و مغربی رحمة الله علیه که پدر سر مرده در خواب بدن وین دارد و اگر میند که سر مرده و آن غیبت
 شد دلیل که از صحبت زنی جدا شود و اگر میند که سر مرده دانی بخیر بود دلیل که نیک و بد از بخیر و بدی که زنی رحمة الله علیه که پدر سر مرده در خواب
 هم و اند و بود و اگر میند که سر مرده داشت با کسی بوی داد و دلیل که نیک و بد از بخیر و بدی که سر مرده در خواب بدن وین دارد و اگر میند
 که سر مرده کسی داد یا بفروخت و دلیل که از غم رفته گردد و سر مرده و این سیرین رحمة الله علیه که پدر سر مرده در خواب دلیل سخن باطل صحبت
 بود و اگر میند که سر مرده با نوا ای دیگر چون رفت جنگ و نای میزدند و دلیل که اندوه و مصیبت بیشتر بود و اگر میند که سر مرده و
 دلیل که سخن باطل شنود و زانی رحمة الله علیه که پدر سر مرده در خواب بدن وین دارد و اگر میند که سر مرده و آن غیبت
 و در ویش از غم بود و بهتر از آن میند که سر مرده و گفتن در خواب با شستن بر شستن و جد و جدی که نام باطل و دوم غم و اندوه ستودم
 چنانکه در سوالی چشم جنگ ششم علم و حکمت سر مرده و مخصا این سیرین رحمة الله علیه که پدر سر مرده و نوا با خواب و بدن همه نیک باشد
 و آن بد باشد از بزرگی خیر و صنعت میند و اگر سرورن گا و او میند و دلیل که در آفتاب او صنعت بسیار بود و اگر بزرگ سر مرده
 حاصل میفرمود باشد و اگر میند که سر مرده در هر دو معانی آن بخت بود و دلیل که بد و دوم از بخیر و صنعت رسد کثافتی رحمة الله علیه که پدر
 و خواب میند که بر سر خود و سر مرده و دلیل که از بزرگی فوت یا بد و اگر بر سر خود و سر مرده و دلیل که بر سر خود و سر مرده و دلیل که بر سر خود
 مغربی رحمة الله علیه که پدر میند که بر سر مرده و دلیل که صلاح و کدش با زید یا بد و عمر و خرمی بگذارد و اگر میند که در
 بدان سر مرده و دلیل که بد و دوم بی رساند جعفر صادق رضی الله عنه که پدر سر مرده و نای چهار پایان و شتی و دلیل خیر و صنعت
 بود و سر مرده و چهار پایان ششمی و دلیل بر خلاف این بود و سر مرده این سیرین رحمة الله علیه که پدر سر مرده در خواب دلیل بر خیر و نوا
 بود و در وین آن حضرت نقصان باشد و اگر میند که بر سر مرده چیزی می چسباند و دلیل که کاری کند که با بصلح آورد و سر مرده
 این سیرین رحمة الله علیه که پدر میند که بر سر مرده داشت با کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن و در راحت رسد و اگر میند که سر مرده
 و دلیل که بسبب سوال کاری کند که محکم و متولد باشد سر مرده این سیرین رحمة الله علیه که پدر سر مرده در خواب وین کبی از نشان

بود و بدینی گویند که سرین راست دلیل بر سرین چپ دلیل بر خوشتر کند و اگر میند که سرین وی محکوم دوی بود و دلیل
 نرزدنش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک بیند تا دلش بخلاف این بود و اگر میند که سرین وی شکست دلیل که
 نرزدنش میر و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و این سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی نرزد و دوم قوت سوم باغ جیام یکی از
 خوش نشان سطل این سرین رحمة الله علیه گوید سطل در خواب دلیل بر خوشتر بود و اگر میند که سطلی تو بخیر و دلیل که کثیرن بخیر و اگر
 میند که سطلی سوادش شد دلیل که عیبی بر کثیرن ظاهر شود و ستر سرین رحمة الله علیه گوید ستر در خواب غم و اندوه بود و
 خورون آن خدمت و بعضی گویند که خورون آن نقصان مال باشد و دیدن ستر در خواب خیر باشد سفر کردن آن
 سرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که سفر کرد و دانست که اقدام بهتر از اینست که بود و دلیل که حالش نیکو شود و الا فلا فاین
 بود و اگر میند که سفر کرد و دانست که کار افت و دلیل که اعیال خود و رکرود و یا از آن سرای نسل کند و اگر میند که بود
 قوی میرفت یا گرمی بود و ادعی نمید و دلیل که مانی حال و کار بروی متخیر گردد و باز به حال دلش آید مغزی و
 علیه گوید اگر میند که بابرگ و سار تمام بفرقت دلیل که کاهش نیک نشود و اگر بخلاف این میند که کارش بد شود و سفر
 بن سرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که سفر خود پاکیزد و دانست یا بخیر و دلیل که کثیرن زشت روی بود و اگر میند که
 بران و نشت بود و دلیل که از آن کثیرن منفعت یا بدگمانی رحمة الله علیه گوید سفر و خواب مغری با منفعت بسیار
 و اگر سفره کوچک و تنی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر میند که سفره او بسوخت با فضلی شد و دلیل که کثیرن غم
 یا مالش تلف شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کثیرن دوم خدمت کار
 سوم سفر چپام کس بدیشت سفوف خورون آن در خواب غم و اندوه بود و این سرین رحمة الله علیه گوید اگر
 میند که سفوف خور و از خورون آن خیر و منفعت یافت و دلیل بر خیر بود و سقا بن سرین رحمة الله علیه گوید
 موی بود که بر دست وی خیرات بود و خاصه که اگر میند که بر مردان آب بی طبع میداد و گمانی رحمة الله علیه گوید اگر
 میند که سقانی میکرد بی طبع و دلیل که بکار خست و غم باشد و اگر میند که مشک پر آب کرد و کسی غذا و دلیل که
 جمع کند و الا راحت از آن نیابد و اگر میند که آب بخانه کسان میرد و دلیل که بخت کسان مال جمع کند و الا از آن
 منتفع نباشد متفق و رایجی است که در میان دیگت میباشد این سرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب میند
 داشت دلیل که او کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما درین ضعیف بود و متخیران گویند که با
 در خواب کرده باشد مستقو نیا این سرین رحمة الله علیه گوید مستقو نیا در خواب دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال
 و اگر میند که از بر علتی خود و از آن شفا یافت و دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر میند که از خورون سفوف یا مضرت
 دلیل نقصان مال بود و سگت این سرین رحمة الله علیه گوید سگت در خواب دشمنی فرومایه بود و مهر باز
 و سگت سیاه دشمنی از غیب بود و سگت سفید دشمنی از بزم باشد و اگر میند که سگی او را بگزید و دلیل که از دشمن گزند

و اگر میند که چنانچه او باب دهن مکتب از دوشده دلیل که از دشمن میخیزد که رود و اگر میند که سگ جانم و بدید دلیل که از دالی نقتضا
 آید و اگر میند که گوشت مکتب میخورد دلیل که دشمنی را دفع کند و اگر میند که مان بهسگ و او دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر میند که
 باوی نزدیک کرد دلیل که دشمنی نوی طبع کند و اگر میند که سگ بروی بچکر کرد دلیل که برو دشمنی فروید و یا نفا کند و اگر میند که شیر سگ میخورد
 دلیل که ترسی و بی روی رسد و اگر میند که سگ از روی دیگر بخت و دلیل که دشمنی بر معزدا باشد که از آن رسته افتد علیه که دیگر میند که دود سگی
 خانه نوی آمد دلیل که زنی دون حجت و فرو دایر بزی کند استعملی شعث رحمة الله علیه که بر سگ شکاری دشمن نگاه بر باشد که میند
 که بگسگ شکاری شکار میگرد دلیل که او را از دشمن که دعوی و ایش کند خبری بد رسد و اگر میند که گوشت سگ شکاری میخورد دلیل
 که بزرگ است با و اگر میند که سگ شکاری از وی دور گشت دلیل که از دشمن با منفعت جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 سگ در خواب بر چهاره میخیزد و دشمن دوم پا و شاه طامع سوم و دشمن چهارم در عذاب سگسبا این میرین رحمة الله علیه
 گوید سگسبا اگر گوشت گوشت کند و حایج بنو بخت بود دلیل بر مدیش خوش و عرو جا و بد و اگر گوشت گاو بخت بود دلیل بر ایندن مال خانه
 بد و اگر گوشت مرغ بخت بود دلیل بر مدیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود سکوره و این میرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که سکوره
 نوید و داند دلیل که سخنی لطیف شنود و اگر میند که سکوره بگسگ با صنایع شد دلیل که سخن باطل شنود و بعضی از سببان گویند
 که سکوره در خواب که یک بد و اگر میند که سکوره از نوید دلیل که کینه که نو میخورد و اگر میند که سکوره بگسگ دلیل که کینه که اد ملاک شود و بعضی
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سکوره در خواب بر دو بد و یکی آن دوم خادم میگویم که یک چهارم و این چهارم در چشم و در چشم و در چشم و در چشم
 سخن خوش نیم میر است از جهت زمان سبکچین این میرین رحمة الله علیه گوید سبکچین در خواب چون میرین بود دلیل بر مال دوزخی آن
 که آسان بدست آید و اگر تیش بود دلیل بر غم و داند و بد و اگر تیش رحمة الله علیه گوید اگر تیش بدید که سبکچین خرد و اگر تیش بدید دلیل که شفا
 یا بد و اگر تیش بود دلیل که بیماری او را از گرد و صلاح این میرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که صلاح در میان مطلق بکار بود
 دلیل که غلام زبان روی دارد کند و لیکن اگر وی بروی رسد و اگر میند که اگر وی از دوزخ بر آید و دلیل بر دشمنی و لغزش بکار آنی رحمة الله علیه گوید اگر تیش
 بایر و کان میند دلیل که بزرگ با و اگر میند که از آن التباسی که بدان جنگ است چیزی بگسگ با صنایع شد و دلیل بر نقصان بزرگی بی
 و اگر میند که با کسی جنگ نزد و دلیل که جنگ و خصومت افتد و اگر میند که کسی او را بود دلیل که اگر سگ مسرفت رساند مغربی رحمة الله
 علیه گوید اگر میند که کسی او را نمی برد و داند که آنکس که بود دلیل که او را به حضرت رسد و اگر میند که در آن غم بریم و میند که دلیل که بقدر آن مال
 شود و اگر میند که بدان غم که زد و گوشت استخوان برید دلیل که آنکس مال او رفت رسد و اگر میند که در عربت است کسی برید دلیل که او را سختی
 سخت گوید و در میان ایشان جدائی افتد و اگر میند که سر یکی برید دلیل که ایش بماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید این صلاح و خدا است
 و چه بود که قدرت دوم بزرگی میگویم دولت چهارم و ولایت پنجم و باست ششم حصن و صلاح گرد و خواب پا و شاه بزرگ و او گرد و
 سلام کرد و این میرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که دوستی بروی سلام کرد و دلیل که آن دوست از وی شادی میند و اگر
 میند که دشمنی بروی سلام کرد و دلیل که دشمن دوستی می شود و اگر میند که کسی مجبور بروی سلام کرد و او را ندید و بود و دلیل که غم و

سبکچین

سبکچین

سبکچین

سبکچین

سبکچین

سبکچین

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بودی دوستی و دشمنی گیر و اگر میند که میری بروی سلام کرد که او را بدیده بود و دلیل که از عذاب جنت خالی این کرد و اگر میند که بر کسی است
 بروی سلام کرد و دلیل که زنی خبری و خواهر کافانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز نداد و دلیل که میان
 ایشان جدائی افتد مغز آل رحمة الله علیه گوید اگر میند که زنی جوان بروی سلام کرد و دلیل که قبایل نیاید و اگر میند که در نماز بود و سلام
 بجا نیاید و دلیل که کارش شود و دیگر و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سلام و خواب بر چهار وجه بود یکی ایستای دوم شایسته
 سوم انقباض چهارم منفعت مال سلطان این بر سرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که سلطان در مسیری یا در مسجدی یا در شهر یا در
 شد دلیل که برخی و بعضی بدان مقام رسد و قوله تعالی ان الماولک انما ذکاء و آخره فیه فساد و هلاک اگر میند که در جنگ باشد
 علیه که و دلیل که اگر عقیقه دارد و را شود و مقصود برسد و اگر میند که سلطان دست در تنش بر دلیلی که سگندش و میند که اگر میند که
 سلطان از تخت بیفتد یا از تخت شکست یا سپهر را از کد زو یا شمشیر و بی شکست یا کادی سروی نیروی زود و او را مجروح کرد یا
 بر سر دلیلی که بر زوال ملک است یا بود و اگر سلطان و او که میند و دلیل بر شرف بزرگی وی بود و بعد از آنکه عمل کند و اگر میند که سلطان بسیار
 بزرگ گشته و دلیل که ملک و دنیا او را شود و عرش داد کرد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر سلطان کج خلقیش بیکو میند و دلیل که عمر و زمانه
 زیادت گردد و اگر سلطان مرده و رکنش در روی و حرم میند و بادی سخن گفت و دلیل که کار او نیکو شود و دستهای مرده او دزد و گرد
 کسار و ع کیا بیست که او را کج خلق خوانند و بدین وی بخواب زنی بود که در وی خیر نباشد و اگر او را از سر باروغ میند و دلیل که آنست
 بود که زنی نبوی رسد که کافانی رحمة الله علیه گوید اگر کسار و ع بزرگ بود و دلیل که او ایسری آید و اگر کوکب بود و او را دخی آید و کما
 این بر سرین رحمة الله علیه گوید ساق و خواب او در نال بر جنگ خصوصت بود و اگر میند که ساق خود و دلیل که کسی گفت که در خوردن
 ساق هیچ خیر نبود و سمانه این بر سرین رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب پسری غلام بود و اگر بخواب میند که سمانه گرفت یا کسی بوی
 دلیل که غلام مشرف از زدی آید و اگر میند که سمانه در دست وی برید فرزند و غلامش میرد کافانی رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب
 مان در وی حلال بود و قوله تعالی و اتواک علیکم النکاح و النکاح و اگر میند که گوشت سمانه میخورد و دلیل که روزی حلال است
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی خوردن سلام دوم روزی حلال سیدم منفعت چهارم خیر و مال
 این بر سرین رحمة الله علیه گوید سمور در خواب بروی کاف غلام و این بود و اگر میند که سمور بزرگ و دلیل که با مردی برین منفعت
 کند و وقت را بر او که غایب آید و اگر میند که گوشت سمور میخورد و دلیل که مال مردی غلام بخورد کافانی رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی
 غریب تو را بگوید گوشت و پوست و موی وی در خواب مال خود هسته بود و اگر میند که سمور در یکشت و گوشت او بر زمین افتاد
 و دلیل که مال مردی غریب تلف کند سمانان این بر سرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که سنان بر تن خشم زد و او را بپیکند و دلیل که خشم
 بخت علیه کند و بروی خضر با و اگر میند که سنان وی شکست یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود کافانی رحمة الله علیه گوید
 اگر میند که سنان بر او در فتنه و دشت اگر از ابل آن باشد و دلیل که ولایت آید و اگر از ابل آن نباشد از بزرگی منفعت بیشه اگر
 میند که سنانش زنگ گزیده بود و دلیل که نفخش از نیک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدن سنان در خواب بر شش وجه بود یکی

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

اگر مینه که سنگ خوار گرفت دلیل بر دگر و دشواری یافته و از آن خیر نبیند یا او را بار می آید که یافته و اگر مینه که سنگ خوار
در تنش پیر یا در و منقش بر دلیل که از کار می دشوار بر روی خواص می آید و اگر مینه که گوشت سنگ خوار و خورد و
کسب بر دشواری چیزی است که و سوار می کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مینه که سوار می بکشد و دلیل که از پا
اسب و سلاح و نعمت یا به و اگر مینه که با سواران می گشت و سواران مطیع او بود و دلیل که بر گریه زبان روانی بود
که سواران مجبور از شمع و نیا چیزی بودی و او و دلیل که او را کسی غریب میقتد رسد و اگر مینه که سواران معروض چیزی بودی
که او را از شانی یا دوستی میقتد رسد و اگر سواران با جان که بود بر سپاهان یا هر چه کین مینه تا پیش رفتن بن بود سواران
خواجه در خواب سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب مینه که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که عرش دراز باشد
یا درش ایمان بر سوره البقره اگر بخواب مینه که سوره البقره میخواند این اول دارد و از شتر دشمنان این که در جنت
رضی الله عنه گوید بسیار غنی است گوی باشد و اگر در پیش باشد از اگر کرد و اگر بخواب مینه که سوره الفاتحه میخواند این که در جنت
باشد و از اگر کرد و سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مینه که سوره الفاتحه میخواند این که در جنت
شود و حاجت خبر کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مینه که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که بقای حق تعالی رضی الله عنه
الله علیه گوید اگر دایمی را به بگذرد و مردوم او را غرض دارد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مینه که سوره الفاتحه میخواند
در خواب میخواند و دلیل که بزرگی و عز و جاه یا به و حاجتهای او را و اگر سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مینه که سوره
میخواند و دلیل که میراث یا به و خلیفان یا به و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه
جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مینه که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند
یا به و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند
اگر کسی خواب مینه که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند
رضی الله عنه گوید که با حسن و سخاوت و نیکوئی یا به و سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب مینه که سوره الفاتحه میخواند
میخواند و دلیل که دینار و زمین بود و عاقبتش محمود و در کردانی رحمة الله علیه گوید خواندن سوره الفاتحه و خواب لیل که و بطور دراز
جعفر صادق رضی الله عنه گوید خواندن سوره الفاتحه و خواب لیل که خوشتر از خوردن و آشامیدن است و در سوره الفاتحه این سیرین
مینه که اگر بخواب مینه که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند
و دلیل که اگر دایمی را به بگذرد و مردوم او را غرض دارد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مینه که سوره الفاتحه میخواند
در خواب میخواند و دلیل که بزرگی و عز و جاه یا به و حاجتهای او را و اگر سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مینه که سوره
میخواند و دلیل که میراث یا به و خلیفان یا به و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مینه که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند
یا به و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که سوره الفاتحه میخواند

[illegible]

زنده اند و نه ای خداوندی چه و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در او بیست و دو رکعت و در سجده و در ایستادن
 بیست و نه رکعت است و گوید اگر بخواب بیند که در او چهارده سجده و دلیل که او با آن بیست و نه رکعت است آنکه کراتی در نماز است و هر یک
 در او دو رکعت و باطل نماز است و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با آن هر دو رکعت کند سوره و الحمد این بیست و نه
 رکعت است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که هر دو رکعت است آنکه کراتی در نماز است و هر یک که اگر بخواب
 و با این صلح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است
 بیست و نه رکعت است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است
 و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است و هر یک که اگر بخواب
 این بیست و نه رکعت است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است
 در نماز است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است
 الحمد بیست و نه رکعت است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است
 بیست و نه رکعت است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است
 که در سنگیری خفیان که جعفر صادق رضی الله عنه گوید که راست قول و مقیم احوال باشد سوره الحمد بیست و نه رکعت است
 این بیست و نه رکعت است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است
 گوید که بیست و نه رکعت است و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است
 در نماز است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است
 که در نماز است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است
 محمد و با جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی و در سوره الحمد بیست و نه رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است
 بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد
 رضی الله عنه گوید که هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است
 الحمد بیست و نه رکعت است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است
 گوید که هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است و هر دو رکعت است
 سوره الحمد بیست و نه رکعت است و هر یک که اگر بخواب بیند که سوره الحمد بیست و نه رکعت است و دلیل که در او خداوندی عز و جل آنکه کراتی در نماز است

کراتی رحمة الله علیه گوید که تا ویش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که امر معروف کند سوره الجن ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الجن میخواند دلیل که توبه کند و آفت حرامین باشد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که دیو و بری مشغول او را سازد سوره فززل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورت الفیل
میخواند دلیل که نماز شب دوست دارد و کراتی رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد سوره مدثر ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المدثر میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک
در او راست یابد سوره التقیه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره القیم میخواند دلیل که بشهادت
از ویان برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مایه گردد سوره الانسان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سوره الانسان میخواند دلیل که در ویش از اطمینان و در رضای قضا میوه چید که کراتی رحمة الله علیه گوید که سیرت
و شکر نیست توفیق یابد سوره المرسلات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المرسلات میخواند دلیل
که در ویش گفتن توبه کند کراتی رحمة الله علیه گوید که راه است جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فرخ
سوره النبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النبا میخواند دلیل که ترسکار و متوکل بود کراتی
رحمة الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود سوره النازعات
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النازعات میخواند دلیل که بوقت جان کنان از ترس بزرگ
رحمة الله علیه گوید که توبه کند از عقوبت امین گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دلش از ذکر و حلیت و خیا نشاید
گردد سوره عبس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره عبس میخواند دلیل که بر مردم روی خوش
کند کراتی رحمة الله علیه گوید که روزه بسیار دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات کند سوره النکو
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النکو میخواند دلیل که از هر چه چشم ترسد کراتی رحمة الله علیه
که سفر بسیار کند از جانب مشرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه میترسد امین شود سوره الانفطار ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانفطار میخواند دلیل که از غدی متعالی ترسد کراتی رحمة الله علیه گوید که کل
دری مال دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک باشد ملک عزیز و محترم باشد سوره المطففین ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المطففین میخواند دلیل که کیل و پیانه هست دارد کراتی رحمة الله علیه
گوید که رستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با هر کس نصف بود سوره الانشقاق ابن سیرین رحمة
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامه اعمالی در دست رست
دهند کراتی رحمة الله علیه گوید که حساب دشوار قیامت به آسان و صدقاروی آسان گردد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که سلسلش بسیار گردد سوره البروج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره البروج میخواند دلیل

سوره الجن
سوره الفیل
سوره المدثر
سوره الانسان
سوره المرسلات
سوره النبا
سوره النازعات
سوره عبس
سوره النکو
سوره الانفطار
سوره المطففین
سوره الانشقاق
سوره البروج

در دنیا اند و لیکن باشد و عاقبت کاشی محمود و در کانی رحمة الله علیه که یکدیگر تحت دفع الهیجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که از شما پنج باب سوره الطارق این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الطارق بخواند دلیل که از فرزندش
یکدگرانی رحمة الله علیه گوید و از فرزندش خبری آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرین رحمة الله علیه گوید که سوره الطارق
این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الطارق بخواند دلیل که سیرین رحمة الله علیه گوید که سوره الطارق
گوید جعفر صادق رضی الله عنه که گوید که در دستار بروی آسان گردد و سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر
بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که از اول قیامت ترسد و چون کند و ثانی ترس این کرد و کانی رحمة الله علیه گوید که بر خوانی
حق تعالی غرض این است بر جعفر صادق رضی الله عنه که گوید که در نزد محفل از آن شود سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید
که اگر خواب بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که بخارهای بنفشه شود که در کانی رحمة الله علیه گوید که اگر جعفر صادق رضی الله عنه
خفت که گوید که سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که در
داران برو واجب باشد و دست دارد و کانی رحمة الله علیه گوید که با هر کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر
بخواب بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که از آفات بپاید این کرد و سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب
که سوره الفاتحه بخواند دلیل که بر دست او کاری ناسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از با این کرد و سوره الفاتحه
این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که سالیان از منگ کند و زکوة مال در سوره الفاتحه این
سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که چیزی بخواند گان بر جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر خواب
در نزد و سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که در خوانی بر روی آسان گردد
که کانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی کشاد گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جانی با سوره الفاتحه
این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که نیکسیرت و خبر روی و خوب کرد و کانی رحمة الله
علیه که بخیر نفع است جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر کسی فرج باب سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب
که سوره الفاتحه بخواند دلیل که خیر سعادتی و تعالی او را عالم و قرآن و دینی کند که کانی رحمة الله علیه گوید که عالم و وضع کرد و جعفر صادق رضی الله عنه
است که گوید که متواضع و نیکو خصال بود سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که از دنیا
زند و از آب شرب کند یا بر کانی رحمة الله علیه گوید که اگر عمرش دراز گردد و مراد یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که حاد و قدش مال گردد
سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که با تو با از دنیا برود و کانی رحمة الله علیه گوید که اگر
را و غیر مصالح دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب بیند که
از از دنیا بخواند دلیل که او را کسی که در حق خود عدل و انصاف است جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نومی از کافران بماند که سوره
الاعادایات این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب بیند که سوره الفاتحه بخواند دلیل که اهل بیت او او را دوست

[illegible]

و اگر عید که میسر می شود از دست بگذرد و در ویل که او را ختری آید که آنی رحمة الله علیه که بر سبب در خواب لیل خبر بود و اگر سبب
 ترش بود ویل خبر از ختم باشد و اگر عید که سبب سیرین بود ویل که خبر خوش شود و انیال علیه السلام گوید اگر خواب بیند که
 سبب داشت و خود ویل که نفع یابد و سبب سبب بیند و خواب باشد و شغل صفت وی و اگر پادشاه سبب خواب بیند
 ویل که ملک یابد و اگر از دکان بیند ویل که تجارت نیک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبب در خواب بر هفت وجه بود
 یکی فرزند دوم شفقت سوم مایه ای یا مردم که نیک بیخ مال ششم فرمان روالی هفتم همت خلد و خواب و خبر غایب و حاضر
 سیرین سیرین که بخوردن سیرین خواب مال حرام بود که آنی رحمة الله علیه که بخوردن سیرین بود که آنی رحمة الله علیه که بخوردن سیرین
 ویل که آنی رحمة الله علیه که بخوردن سیرین بود که آنی رحمة الله علیه که بخوردن سیرین بود که آنی رحمة الله علیه که بخوردن سیرین
 سیرین و جود بود یکی مال حرام دوم سخن شست سوم غم و اندوه چهارم کره لیتن بحسب سخی و بدن سیرین این سیرین رحمة الله علیه که
 اگر کسی خورد و خواب سیرین بیند ویل که بی نیاز شود و ولیکن در راه و دین منعی نبود و اگر خورد و خواب بیند ویل که مصیبت
 که در آنی رحمة الله علیه که بخوردن سیرین خواب نیک است که خورد و اندک سینه و نه سیرین زیرا که هر دو خلاف طبع اند و از خلاف طبع بود
 از وی مزاج برنج آید سیرین سیرین رحمة الله علیه که بخوردن سیرین بیند که سیرین است و لیل که شش بخورد و لیل که شش بخورد و لیل که شش بخورد
 که در زمین و بسوزد بود وقت خود ویل که خبر شفقت کند و اگر خلاف این بیند ویل که بر هفت باشد سبب یکی این سیرین رحمة الله علیه که
 علیه که بر سبب در خواب مال حرام بود و اگر عید که در میان سبب شد ویل که در فتنه افتد و اگر عید که سبب می خورد و ویل که بقدر آن
 مال حرام یابد و اگر عید که سبب می بخشد و می خورد و ویل که مال حرام برنج و سخی بدست آورد و اگر عید که در خانه سبب بسیار داشت
 ویل که بقدر آن از دستان شفقت بگذرد که آنی رحمة الله علیه که بخوردن سیرین بیند که سبب می بخشد و می خورد و ویل که مال یابد که بشی مال
 باشد و بعضی حرام بود و اگر عید که سبب می خورد و ویل که حرام فروشد و باده و در سبب خورد و خبر غایب و ویل که
 ویل که برنج بود و سبب خرم و غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبب در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم
 تر و سخی کردن سوم نعمت انجمنی و سبب فروش در خواب فروشی بود که جنگ و فتنه طلب کند سبب این سیرین رحمة الله علیه که
 سبب در خواب شش بزرگ باشد یا پادشاه عالم بود اگر خواب بیند که سبب از خود دفع کرد و بجای دیگر افتاد و ویل که بر سبب
 یابد و غم و اندوه می کشد و اگر عید که از لیل می بخشد و ویل که از دشمن بگریزد که آنی رحمة الله علیه که بخوردن سیرین بیند و خواب در باری
 سیرین و اندوه بود و در دیر که سیرین بیند و ویل که بر هفت بود و سخی رحمة الله علیه که بخوردن سیرین بیند و اندک که بر سبب از جنگ
 ویل که خوش بماند و فعالی دنبال بداند و یا فرستد که فعالی فاد سلسله خلیفایم الطوفان و بعضی از متبحران گویند که چون خواب
 بیند که سبب مالی از خواب می کشد ویل که مردم انکار از پادشاه ترسیدیم حصار بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین لیل در خواب
 از چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه شکر سوم لشکر غایب چهارم غم و فتنه و سخی سیاه این سیرین رحمة الله علیه که
 اگر خواب بیند که در معدن سیاه رود و آنجا سیاه برگرفت ویل که زشتی در کار بافته و اگر عید که سیاه بفرود آمد و آنجا

این سبب

این سبب

این سبب

این سبب

این سبب

[illegible]

می منبر کرد و دو عزت میرود اگر شادوان کو چاکت و در خواب میند و لیل که بر روی نامک و عمر که ماه بود و اگر مینه که شادوانی عجب
 بر خود گرفته بود و لیل که از جای خود بجای می چکاند و اگر مینه که شادوان چه در دست مردی تنگ متنه بود و اگر در شایسته و باو سخن
 گفت و لیل که از نو در باره و رخ سناش کند و اگر مینه که شادوان بغضت یا یکی و او تا پیش جلد و او تا قبل از استقامت که بر مینه
 که شادوان گسترده بود و لیل که بر روزی محروم ساختگی کار بود و اگر مینه که شادوان کو چاکت بود و در زیر او فراخ شده و لیل که روزی
 بر روی فراخ کرد و اگر بخلاف آن مینه و لیل که روزی با دستکش نشود و اگر مینه که شادوانی غنی گسترده بود و بدست خود در زشت
 بکج خانه نهاد و لیل که دولت و اقبال خود و تنه که مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مینه که شادوان گسترده بود و بدست خود در زشت
 و شایسته شغل کرد و اگر مینه که شادوان سباه یا کبود بود و لیل که غم نماند و بود و اگر مینه که شادوان نذر بود و لیل که بیایای
 اگر شادوان سپید مینه و لیل بر لغت و فراخی روزی محلال بود و استعجال شغف رحمة الله علیه گوید اگر مینه که شادوانی محمول
 در جای بی جودال نموده بود و لیل که آنچه دارد و از دستش برود و اگر مینه که شادوان معروف در خانه کسی گسترده بود و لیل که غم
 خانه را روزی و نعمت بود و اگر مینه که در خانه محمول شادوانی انداخته بود و او بران نشسته بود و لیل که بسفر رود و در آن سفر
 و نعمت حاصل کند و حق صراوق رضی الله عنه گوید و چون شادوان در خواب بر چهار وجه بود یکی روزی محلال و هم عمر
 شغف چهارم شغف شلخ این سیرین رحمة الله علیه گوید و چون شادوان خواب بر خد و خواب لیل بر مردان و
 خرد فلان و در ایشان سینه خواب کند و اگر مینه که شادوانی درخت بسیار و بنده بود و لیل که خوششان با و یا بر نذر
 او بسیار گردد و اگر مینه که بخلاف این بود تا ویش بخلاف این بود و اگر مینه که شادوانی درخت خود بر مینه و لیل که از این بیت خود کسی بود
 کند و اگر مینه که شادوانی درخت دی خشک شد و لیل که از خوششان با و یکی تهاک شود و اگر مینه که درخت از آن دیگران بود تا ویش
 باز گردد و اگر مینه که شادوانی درخت خرابی و او نذر بیافت و لیل که او از نذر می آید و اگر مینه که شادوانی درخت خرابی
 بخود و لیل که بعد از آن مال فرزند خود و شادان این سیرین رحمة الله علیه گوید شادان در خواب بر روی و کو که در اجب و سب بنده
 و اتفاق باشد اگر خواب مینه که سروریش را شانه میگرد و لیل که از غنای خود با بد و او شگ که کرده شود و بر او برسد و اگر مینه که شادوانی درخت
 علیه گوید اگر خواب مینه که در شانه میگرد و لیل که در آن می آید و در سقری رحمة الله علیه گوید که در شادان
 با و ان موافق کرد و اگر خبر باشد و موسی را شادان کردن با و ان جزا بود و شادان در شادان مری بود که غم نماند و از ویش بر دوام
 به بعضی معتبران گویند که مردم خود بر روی باشند که از پدرشان چشم روشن گرد و شادان او می این سیرین رحمة الله علیه گوید که در شادان
 او می در خواب مینه که در آن بود و اگر مینه که شادان او می و بزرگ بود و لیل که در شادان او می و بزرگ بود و لیل که در شادان او می و بزرگ بود
 زنی حاصل شود و اگر مینه که در شادان او می و بزرگ بود و لیل که در شادان او می و بزرگ بود و لیل که در شادان او می و بزرگ بود
 بود و لیل که در آن سال پنج سال بود و اگر بخلاف این مینه و ویش بخلاف این بود و اگر مینه که شادوان سبایی بود و لیل که در آن
 است و بلا باشد و اگر شادان سبایی مینه و لیل که در آن است و بلا باشد و اگر شادان سبایی مینه و لیل که در آن است و بلا باشد و اگر شادان سبایی مینه و لیل که در آن

شادان

شادان

شادان

شادان

۴۷۱

پنج

نہیں

تفصیلاً

5

کتابخانه

جنت

[illegible][illegible][illegible][illegible]

شست لیل که تویشان را اندام داده و خدای بیدار گردید که بپوش خود او ای شست لیل که بخی بوی رسد گر منید که باز نماند
 تو بیکه من شست لیل بر تریا که وفادارین بود و اگر منید که آب سرد و یا آب چه کین خواست شست لیل که تو بیکه مغزین
 شستن با آب سرد در چاه و جد بودی که تو به دوم حاجت سوم غلامی انداختن چهارم این از ترس شستن آب که بر غم و اندام
 نمود و دست بر روی شستن و خواب بر پشت و بر روی حصول مراد و دم شفا از بیماری سوم و دهم این چهارم بر غم و
 شستن این بیست و دومین یک است و شستن حاجت شش این بر سرین مراد شست که بر شش و درخت شاد و دوی و غری بود و اگر منید
 که کسی شش برود و او را کس معروف بود و لیل که اندوی خود می بیند و اگر او شش جسی در د لیل که خیر را کس سازد مغزلی
 بر اندام لیل که بر اگر منید که شش سوم و پنجمه بخورد و از جان و کمر گشتی می حلال بود و لیل که بعد آن دل می کند شش
 این بر سرین و کمر بر شش بافتن خواب بتان و سخن و دفع بود و اگر منید که شش بافتن خمر انقباض و لیل که به کس می باشد
 در همان سکه آبی که بر اگر منید که شش نهم بافتن لیل که جنگ و نمانت کند و ترسان گویند که شش نهم بافتن خمر و شست و شستن
 این بر سرین مراد شست که بر اگر منید که شش اقول چرا خدای کسی بجوی میز و لیل که سخن باطل که به تو نه و انقباض و
 شستن شش و انقباض که اگر تو حید بافتن یا سخن یکست بخور و پسندید و بود و بر و کوشد و شغال این بر سرین و کمر که بر اگر منید
 شغال یکست و خمر بود و تو نه است گرفت لیل که بر اگر منید که شغال باوی باوی که در لیل که بر مغزلی شستن شود و اگر منید
 که در شغال بخورد و لیل که به بر شست و شفا باید و اگر او را دادم و شش گذارد و شود و میری و پوست و نه تو ان شغال و غذا ای شغال
 شستا لوان بر سرین و کمر که بر شغال و خواب اگر در د و د لیل باوی بود و اگر وقت باشد مغز کوشد و اگر منید شغال و شستن
 در د و شود و کینک باشد اگر وقت خود بود و ای باشد که بوی رسد جعفر صادق نمی انداخته گویند شغال و خواب بر سرین و کمر که
 کینک دوم بر سرین و کمر شستن چهارم مان خمر شستن از لیل مردی غریب اگر منید که شغال و شستن و بخورد و خمر و شستن
 بر خمر و داده بود و بر سرین بود و لیل که اندوی بی اصل بعد آن ان منفعت به شکار کردن این بر سرین و کمر که بر اگر منید که شستن
 نیا که و کوی با خمر که با اندامین شکار میکرد و گوشت می بخورد و لیل که بی بود و اگر منید که شستن و لیل که بر سرین و کمر که
 که رانی که بر شکار که به نام که بر باجه و عنبه و لیل که بیان بود و بعضی معتبران گویند که شستن که بر خواب چید و موش و شستن
 این بر سرین و کمر که بر شکار و خواب سخن لطیف بود و بوسه که کسی به چون نرزد و برادر و دوست اگر شکار بسیار بود و لیل
 نال روزی حلال بود و مغزین که بر شکار بسیار کرد و دو فرقتن آن نیک است اما بافتن و خمرین آن به شستن
 رضی انداخته گویند که در خواب بر سرین و کمر که بوی سخن لطیف دوم بوسه و او ان سوم منفعت چهارم فرزند ان خیم مال شکار که
 این بر سرین و کمر که بر اگر منید که شکار خدایالی که در و لیل که بی و دوی و تو شجا و و ان سعادت و دویا بی بود و تو شستن
 که شستن که نهم که لیل که نهم که شستن این بر سرین مراد شستن که بر اگر منید که شستن و لیل که بی و دوی و تو شستن
 که شستن این بر سرین و کمر که بر شستن بر شستن و اگر در و اگر منید که شستن که لیل که بی و دوی و تو شستن

[illegible][illegible]

بود و دلیل که از اهل کبار خدا بود اگر میند که شمع امان از اهل قوی خواجه و اگر میند که شمع امان از اهل قوی خواجه بود و دلیل
 از اهل مردمان عامه باشد که آتی حرم الله علیه گوید اگر میند که شمع امان از اهل قوی خواجه بود و دلیل که شمع امان از اهل قوی خواجه بود و دلیل
 در دست داشت و کسی که پشت دلیل که آنکس صدر بود و اگر میند که شمع امان از اهل قوی خواجه بود و دلیل که شمع امان از اهل قوی خواجه بود و دلیل
 گوید که اگر میند که شمع امان از اهل قوی خواجه بود و دلیل که شمع امان از اهل قوی خواجه بود و دلیل که شمع امان از اهل قوی خواجه بود و دلیل
 آنجا که دل داد و اگر باشد و قاضی نصف و او شمع دانا و خودی و آنکه شمع بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار میند و دلیل که مردمان افغان
 بطاعت و تقوی عمل مشغول باشند و حقیر صادق یعنی الله علیه گوید و این شمع در خواب بر چهار توبه بود و یکی پادشاه و دوم خان و سوم
 فرزند چهارم عروس و چهارم بر وانی ششم و هفتم و هشتم شادی و نهم تو اگر می دهم علم یاد و دهم حبش و دوازدهم که
 سیزدهم زن چهارم دهم دلیل برینند شتا و کرون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شتا و کرون در خواب در آب بیاضی طلب
 کرون بحیثیت توبه بود و اگر میند که در آب بیاضی شتا و کرون و غرق شد دلیل که در مال دنیا غرق شود که آتی حرم الله علیه گوید شتا و کرون
 که در دریا شتا و کرون و بختار خوانست رفت دلیل که پادشاه او را از غل باز دارد و اگر میند که شتا و کرون بر روی آسان بود دلیل
 که در روی آسان گردد و اگر میند که شتا و کرون بر روی دشوار بود دلیل که کار روی دشوار گردد و اگر کنار رود یا بنید بدلیل که در میند
 و اگر میند که آب غلبه کرد و در میان آب بر دلیل که در دست خصمان پاک شود و اگر میند که در غرق شدن امان یافت دلیل که لشکر
 اینجا بی سلامتی یابد و در کار آخرت داد و اگر میند که آب در این زمین فرو برد و دلیل که او را غنی می کند و اگر میند که از زیر شتا و کرون
 آمد و غرق شد یا در مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که از دریا شتا و کرون آمد و دریا بر روی شتا و کرون آمد و دریا بر روی شتا و کرون
 یابد و اگر بخلاف این میند و دلیل که او غنی شود و اگر میند که از دریا شتا و کرون آمد و دریا بر روی شتا و کرون آمد و دریا بر روی شتا و کرون
 بود اگر بخلاف این میند و دلیل که در شغل یا مازد شکر ف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شتا و کرون در خواب غم و اندوه بود و اگر
 میند که شکر داشت دلیل که اندوه یابد و اگر بخلاف این میند که شکر در خواب میند که شکر در خواب میند که شکر در خواب میند که شکر در خواب
 می کشد دلیل که او باطل و دنیا فریفته شود و اگر میند که شکر در خواب می کشد اگر قرآن یا دعا یا توبه بود و دلیل که او غنی شود
 بخلاف این میند و دلیل که مضرت یا بدشهادت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که شهادت بر می آورد و دلیل که او غنی شود
 مرغ یا بد و عاقبت کارش محمود بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که شهادت بر می آورد و دلیل که او غنی شود
 یابد و اگر میند که مضرت یا بدشهادت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که شهادت بر می آورد و دلیل که او غنی شود
 شاه بلوط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که شاه بلوط داشت می خورد و دلیل که عینک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 میند که شاه بلوط داشت یا کسی داد و دلیل که بقدر آن از مردمی بخیل منفعت یابد و شهادت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که
 شهادت با مردم بود و تبارک و تعالی بود یا قنیت حلال بود و اگر میند که شهادت داشت دلیل که بقدر آن از انجالی میراث حلال یابد
 که آتی حرم الله علیه گوید اگر میند که شهادت داشت دلیل که بقدر آن علم و دانش حاصل کند و اگر میند که از این شهادت مرد و شهادت

خواجه

خواجه

خواجه

خواجه

خواجه

خواجه

[illegible]

میند بیند دلیل که اورا با نجات صفت قد و از ایشان شفقت یابد و اگر خرد را در شهر میند دلیل که از ترس و بیم گریزد و اگر خرد را
 بطایف میند دلیل که سفر بیار کند و نیک باشد و اگر خرد را به بهر و میند دلیل که از علمای بهر و میند گریزد و اگر خرد را بهر و میند
 دلیل که میند و او را سازد و اگر خرد را بگویند میند دلیل که از عام نیکی یابد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که تو را گریزد و او را سازد
 و از اخیر رسا و اگر خرد را بچکان میند دلیل که معیشت خوش گذرانند و اگر خرد را با صفت میند دلیل که او را با بزرگی معیشت
 و اگر خرد را بهر و میند دلیل که بر او رسد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که در وی فروزی گردد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که از بزرگ
 شفقت یابد و اگر خرد را با نطق میند دلیل که از متری شفقت یابد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 و اگر خرد را با نطق میند دلیل که کارش شورید و شود و اگر خرد را بهر و میند دلیل که شفقت یابد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که کارش نقصان گیرد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که نقصش زیادت گردد و اگر خرد را بهر و میند
 دلیل که کارش شود و اگر خرد را بهر و میند دلیل که امان و رحمت یابد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که از بزرگ رسته گردد و اگر خرد را بهر و میند
 میند دلیل که از بزرگ رسته گردد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 و اگر خرد را بهر و میند دلیل که او را سوسه افتد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 شود و اگر خرد را بهر و میند دلیل که خود می یابد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 ساخته بود و بجای یابد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 خرد را بهر و میند دلیل که بر شمشیر ظاهر یابد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که در میان مردم نامدار شود و اگر خرد را بهر و میند دلیل که از بزرگان
 خرد و شفقت یابد و اگر خرد را بهر و میند دلیل که از بزرگان میند و اگر خرد را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 و اگر خرد را بهر و میند دلیل که او را خیانت کند و اگر خرد را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 شهر را در خواب بر چهار وجه بود یکی درین دوم آشکارا شدن سیوم عیش و شرف نام زینکه جنت می باشد شور با این شهر
 علیه که بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 مغربی که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 گوید و نیز در خواب دلیل علم و دانش و درین بر مقرر کنند و نقصان بود و اگر میند که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 شود و نیز از این برین جمله شد علیه که بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 با یکی داد و از آن هیچ خورد و دلیل که خودی میند که مالی که در خوردن شیر از خواب سختی بدو که از آن بریند شیر و انتقال علیه
 گوید و نیز در خواب بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند
 میند که شیر از مجوز و دلیل که بقدر آن مال حاصل یابد و اگر از آن میند که شیر و پستان وی سمیخته و دلیل که او را بهر و میند
 میند که زنی که شیر وی ریخت و دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند دلیل که او را بهر و میند

از پیش می میرد شد و لیل که از باد شاه او را گرفت و رسد و آتشی از آید السلام که دیگر خواب بیند که سرش را یافت لیل که باد شاهی نام
 و اگر بیند که باد شاهی او را بشیرد و او لیل که باد شاهی خود بود و پادشاهی از آن خود را پادشاه گرداند و اگر بیند که بر سرش
 لیل که دولت و مرگت از از باد که در مغرب است علیه گویش بر سر خواب باد شاه بود و شیرد و زن باد شاه بود و اگر
 که شیر بر سر باد لیل که در باد شاه که در دگر زنی این خواب بیند و لیل که دایه پسر پادشاه شود و اگر بیند که شیر را بر پشت گرفته
 بود و لیل که دشمن مردی خلفه را بدو اگر بیند که شیر او را بگیرد و لیل که از دشمنی گرفت رسد و آتشی است و رحمة الله علیه که در اگر بیند
 که شیر او را در بر گرفته و لیل که مغرب باد شاه که در دگر خواب بیند و لیل که خشم باد شاه بدو و اگر بیند که با شیر طعام خورد و لیل که سینه
 باد شاه شود و باد پست و در گشت و دشمنان شیر و خواب جمله و لیل که دشمن بدو و اگر بیند که گوشت بر چرخ و لیل که دشمن باد شاه
 بدست آورد و اگر خواب بیند که دشمنان بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین شیر و خواب بر سر و وجه بود و کوی
 دوم مرد و لیل که دشمن تویش خورشید است این سر بر رحمة الله علیه که بر شیر خورشید در خواب روزی حلال بود اگر در خواب
 بیند که شیر خورشید صبح میگرد و لیل که از سفر مال حاصل کند و اگر بیند که شیر خورشید میخورد و لیل که مال هر صبح الی الله کند
 که عرض از یاد و اگر بیند که شیر خورشید داشت و لیل که مال از بازگانی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین شیر
 در خواب بر سر و وجه بود و کوی مال حرام دوم فراموش میبوم کام دل یافتن شیشه این سر بر رحمة الله علیه که پیشش در خواب
 زن باشد و گویند خامی بود که خدمت زن کند و لیکن بناش نباشد و اگر بیند که شیشه خالی بود که بوی داد و بدین لیل که
 در پیش خواب و اگر بیند که در آن شیشه دروغ بود و دشمنی و غن کل و بغض و لیل که زن دیندار باشد مغرب رحمة الله علیه که بدین
 تو اگر باشد و اگر بیند که از آن دروغ چیزی برسد و لیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر بیند که از شیشه شرابی ببرد و چون شراب
 سبب شراب نارد و غیره و لیل که بعد از آن فالن خود و مغرب رحمة الله علیه که اگر بیند که شیشه آگینه داشت و سبب و پاکیزه بود
 و لیل که زنی خوب روی و با سزا خواهد و اگر بیند که شیشه شکست و لیل که زن او هلاک شود و اگر بیند که شیشه صانع شد و لیل که زن
 حلاق دهد و آتشی است رحمة الله علیه که اگر بیند که شیشه داشت و در روی جلاب یا چیزی شیرین بود و لیل که زنی سزاگ
 خوش طبع خواهد و اگر خواب برش بود و او بدین خلاف این بود و اگر بیند که در شیشه چیزی خوش بود و لیل که زنی سزاوار و خوب
 خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین شیشه در خواب بر سر و وجه بود و کوی مال و دوم که زن میبوم خادمه شیطانی
 را بدست که در خور آن هیچ ضرر نباشد **حرف الصا و صبا** یون این سر بر رحمة الله علیه که اگر کسی بخوابد
 که جانم خود را بصابون می شست و لیل که از کارهای بسیار گردد و اگر بیند که جانم کسی بصابون می شست و لیل که کسی را کار
 بسیار دارد و اگر بیند که بصابون میخورد و لیل که مال حرام خورد و اگر بیند که بصابون کجی داد و اگر بخورد و لیل که مال خود را بجز کوی
 کرانی رحمة الله علیه که اگر بیند که بصابون بسیار داشت و جانم خود شست و لیل که او را خسته حاصل گرد و اگر بیند که از
 خود بصابون شست و لیل که از مردمان باز ماند مغرب رحمة الله علیه که بصابون در خواب بخرد و بدین باز و دروغ بود و اگر بصابون

از پیش

خواب

شیر

خواب

صابون

علیه السلام بخانه دلیل که عقایدش در مسلمانان بود و کربان و جهودان را دوست دارد و میل تمام با ایشان بود و صیغه تنبی
 دارد یکی نامه دوم و دوم کاف سوم بر دوا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که بر صیغه خبری می نوشت دلیل که میراث باید
 و اگر میند که بر صیغه کسی از خبر خود خبری می نوشت دلیل که از مردی دین دارد با امانت خبری باید و اگر میند که بر صیغه نخبه خبری
 نوشت دلیل که از نصیبت زود خبری باید و اگر بر صیغه خبری می نوشت دلیل که میراث نزد صدق کوفی رحمه الله علیه
 صدق در خواب زن بود و اگر خواب میند که صدق داشت دلیل که نهانی خواهد یا کثیرگی خرد و اگر میند که صدق ضایع شد دلیل
 تمام او که بریزد صدقه و اوان خلاف است معتبر از دین بر سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که عالمی صدقه
 دلیل که از علم وی مردم نفع رسد و اگر میند که پادشاه صدقه داد دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر میند که پیش روی صدق
 دلیل که شکار و انزال کار آموزد و کوفی رحمه الله علیه گوید صدقه دادن در خواب ایمنی بود و خلاصی از پنج سختی باید مخری رحمه الله علیه
 اگر دام داری میند که صدق داد دلیل که وارش گذارد و شود اگر میند که صدق داد دلیل که از او کرد و اگر از نهانی میند که صدق
 دلیل که از او کرد و اگر از نهانی میند که صدق داد دلیل که خلاصی باید و اگر میند که صدق داد دلیل که مسلمان شود و فی الجمله صدقه
 دادن در خواب بر سعادت و جهانی باشد صراط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که بر صراط ایستاد و بود
 دلیل که کارهای خوب دست نوی دست گرد و از راه صراط راه راست است قولی ثانی و یقینی یاک صریحاً طاعت فیما
 اگر میند که از صراط بگذشت دلیل که از بلائی مرگ و بزرگ ایمن گردد و اگر میند که از صراط دور و فرخ افتاد دلیل که در سجده و بلا
 افتد کوفی رحمه الله علیه گوید اگر میند که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت گزیند و عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 دیدن صراط در خواب بر شش و ده بود یکی راه راست دوم صبح کار سوم ترس چهارم رحمت از قبل سلطان پنجم کن و ششم نشانی
 صفت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید صدقه در خواب مادر و پدر بود اگر کسی میند که صدقه سرایش خود پاکیزد و رخت بود دلیل که بر
 درازی عمر و سلامتی نفس دارد و پدر باشد و اگر میند که صدقه بختا و در خواب شد دلیل که بر بلاک پدر و مادر و عمری رحمه الله علیه
 اگر میند که صدقه از جانب راست خلل کرد و در آن رخت افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر میند که رخت از جانب چپ بود دلیل که مادرش
 بیمار شود و اگر مادر و پدر ندارد دلیل که از غم زنده و در بد صلاوات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که صلاوات
 بر حضرت رسول صلی الله علیه و سلم میداد دلیل که حاجتهاش برآورده و روزی بروی فراخ گردد و وفاتت کارش سعادت
 بود و مخری رحمه الله علیه گوید اگر میند که صلاوات بسیار میداد دلیل که کوچ کند و گویند که بیغابر صلی الله و سلم را خواب میند دلیل
 ستمی یا پیغامبر صلی الله علیه و سلم بجای آورد و صبح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که صبح از درخت انجمن است که فضل آن خرد
 و اگر خواب میند که صبح داشت یا بوی کسی را و دلیل که بعد از آن از فضل عال کسی بخورد و اگر میند که صبح کسی را و دلیل که از فضل
 مال خود خبری کسی در مخری رحمه الله علیه گوید صبح در خواب شفتی اندک بود که از مردی بوی رسک بدان درخت نوبخت
 اگر صبح با دام خورد و دلیل که از مردی بوی بخت یا در صبح ندان خورد و دلیل که از مردی بوی بخت یا در صبح ندان خورد و دلیل که از مردی بوی بخت یا در صبح ندان خورد

در خواب
 در خواب
 در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

گویند یعنی آلت در خواب بر سر برود یکی زن خاوس دوم کتیک سیوم منفعت از زمان صرف است و سرفالی ابن
سیرین رحمه الله علیه گویند سرفالی در خواب مردی باشد که سخنان خود را بیاراید و بفرماید که اگر بخواب بید که من را میگرد
دلیل که سخی جنبی اصل بیاراید و لطیف و شیرین بگوید و اگر میند و دم و روی بریزد و دلیل که بر سخنان درشت و ناخوش
برود که مرد از آن سخنان برنجند ضعیف ابن سیرین رحمه الله علیه گویند ضعیفی در خواب نقصان جاه بود و اگر میند که سر وی ضعیف
شد دلیل که قدر و جاهش کم شود و اگر میند که چشم وی ضعیف شد دلیل که در وی ضعیف باشد و اگر میند که گشت وی
ضعیف شد دلیل که زلف و یا فاش و شایه بر او شود و اگر میند که بینی وی ضعیف شد دلیل که جاه و منزلتش کم شود و اگر میند که دوش
ضعیف شد دلیل که سخنان باطل گوید و اگر میند که گردنش ضعیف شد دلیل که امانت کم گردد و اگر میند که قاعی وی ضعیف شد
دلیل که غیبت مردم کند و اگر میند که دست وی ضعیف شد دلیل که نشو و نما بر او شود و اگر میند که ساعدش ضعیف شد دلیل که او را بزرگو
ر بیارند و اگر میند که بازوی وی ضعیف شد دلیل که تدبیر و دای وی محال گردد و اگر میند که پستان او ضعیف شد دلیل که پستان او را در
و اگر میند که انگشتش ضعیف شد دلیل که دخترش بیارند و اگر میند که شکم وی ضعیف شد دلیل که آنس که پشت و سینه او باشد ضعیف
و اگر میند که سر وی ضعیف شد دلیل که حال متروک از ایشان وی بگردد و اگر میند که ران وی ضعیف شد دلیل که کس از ایشان می
بجور گردد و اگر میند که زانوی وی ضعیف شد دلیل که مال او نقصان پذیرد و اگر میند که تن وی ضعیف شد دلیل که اندوگین گردد و ضعیف
نخستین اما کتیک بود اگر میند که دهنش خردم نیکو گشت دلیل که احوالش نیکو باشد و اگر میند که ضعیف وی بوقت خورسته بود دلیل که
دوره او درین نیکو باشد و اگر میند که جلو ضعیف و بفرخت و بباست دلیل که در رخ و عظم افتد و اگر بخلاف این میند دلیل بر خیر و صلاح
بود و اگر میند که ضعیف خود را و آن سبب است دلیل که بقدر عمارت مال منافع حاصل کند و اگر بخلاف این میند دلیل که او را نقصان مال
و اگر میند که میل ضعیف او را و اگر میند که دلیل که از قبل پادشاه و حضرت سعد حرف الطاس ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که طاس
بن خاوس بود و پاکتیک خدمت خانه کرد و اگر میند که طاسی داشت کسی بوی داد و دلیل نا بختی آید و پاکتیک بخورد و اگر میند که طاسی بکشت دلیل
آن زن از وی جدا شود و بایر و اگر آنی رحمه الله علیه گویند که طاس در خواب کتیک بپرست بود و اگر میند که طاس آب بوی داد و بجز و دلیل که او را در
آید و اگر میند که طاس بکشت و آب بماند دلیل که کتیک بپرست و فرزند وی که باشد با ند و اگر میند که آب بکشت و طاس سلامت بود دلیل که فرزندی
کوتیک مانده و موقوف شود و اگر طاس در خواب چهار بر بود یکی زن دوم کتیک سیوم منفعت از زمان طالع ابن سیرین رحمه الله علیه
گویند که طالع بود و او را تا خزان خود کند دلیل که عز و جاه و شرف بپذیرد که تا قبل طالع بهتر و تراز از بهترین بود که تا لیج گردید و اگر میند که طالع
بایر طالع بود و او را تا خزان از او کند دلیل که مال در برده بپارد و اگر میند که سزاوار نبود دلیل که بقدر خود بنیاد و بزرگو یا جعفر موقوف
طالع در خواب بر سر وجه بود یکی زن و دو مرد و دوم خزانه سیوم مال هیچ کردن طالع ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که
طالع و دلیل بر فتنه و بر باشد و اگر خواب میند که برین وی ملت طالع و بود دلیل که در فتنه و بر افتد و اگر میند که طالع
در خواب جنگ و کار بزرگو طالع ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که طاس نزد خواب پادشاه عجم بود و اگر میند که طاس نزد

در خواب
مردی
خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

در علاج کلاه و شاه و باد و آل و امثال که و اگر میند که طاعون او بود و دانه نکند دست و دلیل که آنی غشی بزرگ با جمالی بخورد و از اول
 و فرزند آن حاصل کند که آنی رحمة الله علیه که اگر میند که طاعون یا که بر تر جفت شد و دلیل که تواند که کند و انیال علیه السلام که در
 طاعون در خواب زنی نمید بود و اگر میند که طاعون زبانی سخن گفت و دلیل که دلایت یا بد و اگر میند که نذر و طاعون یا بد
 دلیل که یک یا با جمالی و نماد کند و اگر میند که طاعون از خانه وی برید و دلیل که نذر طلاق دهد و اگر میند که طاعون یا بجفت و دلیل که در
 و خری و در شب بستاند و اگر میند که طاعون در دست داشت و دلیل که مال و نعمت یا بد و اگر میند که نذر طاعون یا بد و دلیل که
 او را خری آید و اگر میند که طاعون زانو دست وی برید و دلیل که از پا و شاه جده الله جعفر صادق رضی الله عنه که بود طاعون
 در خواب مرد و وجه بود یکی پا و شاه عجم و دوم خرنه و مال طبایخ در خواب مردی عربی بود این سیرین رحمة الله علیه که بر گریه
 که طبایخی میکرد و آن طبع بطنم خوش بود و دلیل که خیر و نیکی میند و اگر نکوف این میند و دلیل که مفرق یا با جلیق این سیرین رحمة
 علیه که بطنی در خواب نادمی بود که کا مجلس سازد وقت شادی و هر که بر برابر میند شاد گردد و اگر میند که طبعی بزرگ داشت
 و دلیل که بدین صفت او را نادمی حاصل آید و اگر میند که طبعی شکست و دلیل که غلام او بمیرد که آنی رحمة الله علیه که اگر میند که
 او آتش افکند و بسوخت و دلیل که کتیر که و یا پرستاش بپا نشود و بطاعون و سره ام که فدا آید جعفر صادق رضی الله عنه
 که بدین طبعی در خواب بر چهار وجه بود یکی غلام خانه و مجلس دوم کتیر که سوم غایب و چهارم بدین طبعی این سیرین رحمة الله
 علیه که بدین طبعی در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر میند که باطلی نامی و در حق بود و دلیل بر غم و مصیبت باشد و اگر میند که طبع
 سفر و میرزند و دلیل که سخن باطلی که بد یا چیزی مشهور بد و رسد که آنی رحمة الله علیه که اگر میند که طبعی سیر و دلیل که کاری باطل
 کند و طبعی در خواب مردی بود که دروغ گفته است که طبعی این سیرین رحمة الله علیه که اگر میند که طبعی سیر و دلیل که کاری باطل
 شد و دلیل که یکی را از راه و صلاص آورد و اگر میند که بیماری بر آنکس صعبتر شد تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که در
 او را و او نافع آمد و دلیل که علم گوید و بپزد و در مردم بپزد و بی پذیرند و بعلم وی کا و کنند و اگر دار و بی وی نافع شود
 بخلاف این بود و طبعی که بدن در خواب مردم مصلح را بدین و راه راست آخرت بود و مردم معسر را مصلح حق و کسب عیشت
 بود طعام را انیال علیه السلام که بد هر طعام و شراب که آنرا رسیده باشد تا ویش بد بود و اگر پالوده و غیره زیرا که او هر طعام را
 روغن و اکمین باشد و این هر دو دانه و باطل بود این سیرین رحمة الله علیه که بد هر طعام که بخورد و نذر و سیرزه باشد و دلیل
 رنج داند و بد و هر چه ترش باشد و دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود که آنی رحمة الله علیه که اگر میند که طعام را نذر
 و بیم بسند و دلیل بر نمان مال باشد و اگر میند که طعامی در خانه داشت و بیم بخورد و دلیل که عیش بسر آمده باشد و اگر میند که چندان طعام
 بخورد که طاقت نداشت که بخورد و دلیل بر مرگ وی بود و اگر میند که مرده طعام بخورد و دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی
 الله عنه که اگر میند که در ویش را طعام داد و دلیل که از غم و رنج در سر می رسد گردد و اگر میند که کا فزا طعام داد و دلیل که در کا و دشمنی
 اشتغال او را یاری دهد و طعن نیرزد و نذر بود و اگر میند که کسی را تیره زرد و تیره و رخن وی درون شد و دلیل که آنکس بقدر آن خرم

[illegible]

[illegible]

مجلس

خطبات

عن الحسن

وہ

نہ

اگر بگمید که عراوه در شمن کافران می انداخت دلیل که کافران سخت را دشمن دارد و اگر بگمید که عسرا در
در شهر مسلمانان می انداخت دلیل که در دین مسلمانان بخنان ناهمسوا گوید و باشد که اهل اسلام را دعای گنبد
و اگر بگمید که عراوه می انداخت دلیل که اهل آن موضع با غیبت کنند یا دشنام دهد عرش ابن سیرین رحمه الله علیه
عرش در خواب سیری بزرگ یا مال فاسقه بسیار بود و اگر بگمید که عرش آراسته بود دلیل که او را با مردی بزرگ محبت
و حق و عزت نصرت یابد و اگر عرش را حقیر بیند دلیل که پیش مردم خوار گردد و اگر خود را بر سرش نشسته بیند دلیل که
که او را با مردی بزرگ پیوند و از وی حرمت و جاه بیند اگر بگمید که از سرش بریزد یا که با او میش بخلاف این بود و حقیر
رضی الله عنه گوید و بدن عرش در خواب برنج و جود بود یکی صاحبی بزرگ دو هم رفت سوم مرتبت چهارم عزت و مجرم بود که
عرش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عراوه است دلیل که با مردی سهیل او را صحبت افتد و درخت
عراوه تا وی رودی باشد که نیکی کند عرق کردن اگر کسی بخواب بیند که عرق از تن وی روان نشد دلیل که بقدر
عرق و دراز یا ناخته خاصه اگر عرق وی بر زمین می پاشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که جانده وی از
عرق تر شده بود و دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بگمید که عرق خود میزد مال خود بخورد و اگر بگمید که عرق
سپید بود و بوی خوش داشت دلیل که مالش مژال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مالش حرام بود و کافانی حخته
و الله علیه گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روانی کند و اگر بگمید که عرق میگرد و دلیل که حاجتش روا شود
و اگر بگمید که عرق کرد و دلیل که شفا یابد عروسی ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که عروسی بخوابد و لیکن او را
نه بدو مالش نداشت دلیل که ببرد و یا نکند شود و اگر بگمید که عروسی بخانه آورد و با وی نجات دلیل که بزرگی یابد و چیز
ملک او نباشد ملک او شود و کافانی رحمه الله علیه گوید عروسی که در اینجا چنگ و چنانه نامی باشد دلیل بر مصیبت
بود و سفری رحمه الله علیه گوید اگر زنی بخواب بیند که عروسی شد و او را نیز دشویری بر و ند و دلیل که عرش خفیه رسید
باشد و اگر بگمید که شوهر او را بست و با وی نیکی کرد و دلیل که خیره منفعت یابد عزل و دور کردن از کاری بود و اگر بگمید که
بیر یا معزول کرد و دلیل که خواری و بچیرستی بیاید و اگر بگمید که جوانی معزول کرد و با او مالش بخلاف این بود و کافانی حخته
علیه گوید اگر بگمید که معزول کرد و دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کارای کرد و دلیل بر کسب معیشت کند و با او مالش
نقصان معیشت می باشد و اگر کارش علی بدو که او را عزل کرد و ند و دلیل که دست از وی کوتاه کند و راه صلاح گیرد
عس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بگمید که با عسب گشت ایشان مردمان صلاح بود و دلیل که او را خیره منفعت
رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر ضرر و مضرت بود و اگر بگمید که عسرا را بگرفت که تدرسانه دلیل که از مردم پادشاه
بوی بخورد و اگر بگمید که آن عسرا بی دلالت نرسید دلیل بر خیر و نیکی کند که کافانی رحمه الله علیه گوید اگر بگمید که عسرا
وی بر کند یا در این زمان کرد و دلیل که از مردم پادشاه او را زبان سد و بچیرستی بیند و اگر بگمید که از عسرا کجاست که او را

اگر بگمید که عراوه در شمن کافران می انداخت

اگر بگمید که عراوه در شمن کافران می انداخت

اگر بگمید که عراوه در شمن کافران می انداخت

اگر بگمید که عراوه در شمن کافران می انداخت

اگر بگمید که عراوه در شمن کافران می انداخت

عصا

عصا

عصا

عصا

عصا

عصا

عصا

عصا

عصا

بخواست گرفت دلیل که از آنکه نمی بودی رسد عصا را برین سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که عصای میگرد و دلیل
بکار می شنود کرد که او را نشناخته و نام نیکی و خیر بود و عصا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بسیار خواب بر روی زمین
بافتد بود و اگر بیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی بود و دلیل که او را از روی بزرگ قدر و جاه و پادشاه و اگر بیند که
عصای می شناید نشانی و طوطی بخلاف این بود و اگر بیند که نخیر بر عصا کرد و دلیل که بسیار است و روی بزرگ اینچنین
را باقی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عصا در دست دراز شد و دلیل که برادر رسد اگر که با او شد و یا پیشکش یافت این بود و اگر
بیند که عصای خود یکی بخیر و دلیل که بزرگ شود و اگر بیند که عصا با دمی سخن گفت دلیل که او را از فرزند می آید و از غفلت
یا بدجنس عصا در حق می افتد رحمة الله علیه گوید و این عصا و خواب بر سر بود و یکی مردم بزرگوار و دوم پادشاه و سوم توت عصا
بن سیرین رحمة الله علیه گوید و حسیه و نوعی از علما با است و آن بهتر که زعفران بود و وین او را خوابی بود که پیشکش
بر سر آید و اگر بیند که لقمه از حسیه در دهان نهاد و دلیل که سختی خوش تنزد و اگر بیند که حسیه بسیار خوش و دلیل که ال
بخدمت حاصل کند عصا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که چیزی را در عصا و او را متعجب بود که بر سر
و ازین خوابی که راه از هر نوع بود و با هم با جابر بود و عصا رسد و صرف بود یا بجهل نین یا مرد بود و چون بهر آنکه نشناخته
تعبیر کند اگر نیکو باشد آن چیز مردم آنرا دوست میدارد و دلیل که از آن عصای که بوی را در نیکی بوی رسد و اگر عصا رسد و جوابی
دلیل که بسیار دنیا و اخاری رسد و اگر عصا بر وجه و عصا بر وجه دروغ بود و اگر بیند که عصا بسته بود و اگر با او دلیل که کسی
آن عصا بسته و باز کرد و اگر بیند که او را رسد و یا باز یا چیزی شیرین عصا و او را دلیل که با کسی می شناید که اگر عصا بسته
بمرد یا ترساید و آن عصا چیزی نیکو بود و او بر عصا بسته و دلیل که ایا بان و در خطر باشد و اگر جهل بود یا ترساید خواب بیند که
ایشان را عصا داد و بر عصا بسته و دلیل که مسلمان شود و کافری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را در عصا داد و او را گفت دلیل
که یا وافی ال و قد می بود و اگر نشناخته بود و دلیل که از آن عصا بن بود و سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عصا چیزی نیکو
و عصا دهنده و درون بود و او می بود و عصا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با خود بر روی خوش داشت و او را
بود و دلیل که مردم را از علم می منت است بود و اگر فکر بود و دلیل که از مال منتع رسد کافری رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که
خود خطر داشت و دلیل که مردم او را ازین گفته و نشناخته بدجنس عصا در حق می افتد رحمة الله علیه گوید وین عصا و خواب بر سر بود
شای نیکو و مردم سخن خوش متوم علم باقی چهارم طبع نیکو و چهارم علم ششم مردم و کیم بهتر مردم و با فریبک بهتر مردم و باک سخن
خوش عصا را اگر خواب بیند که عشاری میگرد و دلیل که مردم او را نشناخته و اگر بیند که بر مردم بوی خوش میفرودخت و دلیل که
دع و در دیگران خلاف کند و معطل است و رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عصا را در دست و او را نشناخته شد و دلیل که
او را مع و نشناخته و او را نشناخته و عصا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که عصا و او را نشناخته شد و دلیل که
و دلیل که اگر بپایست او را بطیب احتیاج افتد و اگر تند است بیند و دلیل که کسی را با پیش و او را نشناخته و او را نشناخته شد و دلیل که

در حدیث
در حدیث

در حدیث

در حدیث

در حدیث

در حدیث

در حدیث

در حدیث

در حدیث

ند و دلیل که در دو مصیبت است مخری فی رحمة الله علیه گوید اگر میند که در جانی معروف مشهور و مشهور مقیم شد دلیل که از آنست که در
مسلح و منفعت بقدر عمارت انعام یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی اصلاح خیر
دوم خیر و منفعت سوم کار مانی چهارم برکت و کنایش کارهای بسته عمارتی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر چه
که در عمارتی بسته بود و عمارتی وی بر سه تریه ایست بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یا بد و اگر میند عمارتی جفتا دو یا از
سیرین شده تا ویش بخلاف این بود مخری فی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کسی یا در عمارتی نشاند دلیل که با بزرگی بود
و کارش بالا گیرد و قد و جاده او زیاد شود که در جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین عمارتی در خواب بر سه تریه
بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با همشری هشتم و این سیرین در حدیث
میند که بد عمو در خواب مردی در دست و راست بود و مختار گویند که سخنهای سخت یا باشد اگر میند که عمو دی که کسی از دلیل
که کسی سخت کسی گوید و اگر میند که عمو آهین داشت دلیل که او را از پادشاه فوت و یاری بود و اگر میند که عمو از دست کسی
است نه تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین عمو در خواب بر سه تریه بود یکی عزت است و دوم که
سخت در دست سوم هنری بزرگ عتاب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که عتاب داشت و میوز و دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند و اگر میند که عتاب کسی را و دلیل که از او با کسی علی سید مخری فی رحمة الله علیه گوید اگر میند که عتاب از دست جمع
میکرد دلیل که بقدر آن مال تنگ حاصل کند عسیر این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که عسیر داشت دلیل که بقدر آن منفعت یا عیب
میند که عسیر بسیار جمع میکرد و با ریافت دلیل که بقدر صحت خویش ولایت یا بد و اگر میند که عسیر کسی را و دلیل که از او با کسی
رسد و اگر میند که عسیر از وی مناج شده دلیل که مالی نقصان پذیرد و اگر میند که بر عارض کسی عسیر میند دلیل که بجای او نیکی کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین عسیر در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کار مانی چهارم شای نیکی
حقا افعی از آنرا بود چون جنگ و بر بطا و مانند این این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که عفا سیر و دلیل که باطل خیر مال
رفتاد و اگر سیماری میند که عفا بشکست یا نیکنه و دلیل که از او بر غ و محال توبه کند و اگر میند که عفا سیر و دلیل که زود میرد
منگبوت این سیرین رحمة الله علیه گوید منگبوت در خواب مردی ضعیف و گمراهی و غمی بود و بعضی مختار گویند که اگر
بود و اگر میند که عسیر از وی دور شد دلیل که از او دوری خواهد بود و در حدیث و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که عمو در
بسیخت دلیل که از او خیر و منفعت یا بد و عمو در خواب مردی خوب و دی و لطیف طبع بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر میند که عمو در
داشت و با کسی بودی را و دلیل که از او با کسی منفعت یا بد و هر چند که عمو خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید عمو در
بر چهار وجه بود یکی مردی خوب و دی دوم سخن خوش سوم ستاد و آفرین چهارم مال منفعت عمو و سوز این سیرین رحمة الله علیه
گوید عمو سوز در خواب کسی که با فرزند یا غلام نیرنگ و دانا بود و اگر عمو سوز سپید روی باشد دلیل که غلام یا کسی که با
رسانا باشد و اگر آنس بود دلیل که از او اصل چو باشد و اگر آنس بود اصل که بر آن باشد و اگر میند که عمو سوز بخت یا با کسی باشد

که در میان ایشان رفعت یافته و اگر مینه که خود را از جناب شست دلیل که شغلش تمام شود و منبری رحمت الله علیه که بر منبر کون
از جناب دلیل بر پایی اندر مرغ بود و بر زینت و وقصان که شستن از جناب چیداید دلیل بر دین در مرغ خود غل این برین
رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد و دلیلش ناحق بود اگر مینه که منبر در گون دست دلیل که کافر بود و اگر مینه که منبر
کردن بند سکت شده بود دلیل که منافق بود و اگر مینه که منبر در گون و بند ریای دست دلیل که کافر بود و دعوی مسلمانان بدین
کنند که تان رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد و دلیلش ناحق بود اگر مینه که منبر در گون دست دلیل که کافر بود و دعوی مسلمانان بدین
غلت آید اینهم و لایحه و افسا کافرا و مقصود از منبر سخن است این عباد منی الله عنه معبران گویند چون بر مصالح منبر در گون
دیند دلیل که دست از کارش بردار و غلام افشا برین رحمت الله علیه که بد غلاف در خواب من بود و اگر مینه که غلاف شتر بخت
و شمشیر و مسلانست با دلیلی که فرزند مسلانست از او بیرون آید و مادر چاک شود و غلاف کار و جین حکم دارد و غلام این برین
رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد و دلیلش ناحق بود اگر مینه که غلامی که بخت یا بخیر دلیل که در کارهای نیکو
بود که تان رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد و دلیلش ناحق بود اگر مینه که غلامی که بخت یا بخیر دلیل که در کارهای نیکو
غلام و یکس که از در و هم ستانده بود و اگر اجناس ستانده بود باشد غلبه کردن این برین رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد
غلبه که دلیل که بر خصم غلبه شود و اگر خلاف این چند دلیل که خصم بروی غالب شود و غلبه برین رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد
و شادی بود اگر مینه که شکین شده بود دلیل که فرج یابد و برادر برسد منبری رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد
بعد آن مال یابد و اگر مینه که از هم رسته بود و با غیش و خلاف این بود غنیمت این برین رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد
که مال کافران بود دلیل که فرزند گران گردد و اگر مینه که مسلمانان از ویار کافران غنیمت آورند دلیل که در آید یار که غنیمت
بر و د غنیمت شود و فرزند از آن شود و اگر مینه که کافران اند یا مسلمانان غنیمت آورند دلیل که بعد آن دورا منفعت
شواص این برین رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد و اگر کسی بخواهد مینه که بد یا فرود رفت و مر و آید در آورد دلیل که بعد آن دورا منفعت
و از مال سلطان راحت یابد و اگر مینه که بد یا رفت و هیچ شاد و دلیل که بعد آن خوش شغل گردد و دلیل که در دنیا بد و اگر مینه که
از قصر بد یا آورد دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد و غفور این برین رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد
بر وقت خود مجبور و دلیل که بعد آن چیزی بر سرچ و مشقت بدست آورد و دلیل که پادشاه و کافران رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد
سجود دلیل که اندر مین شود و اگر مینه که غور و بفرخت با کسی داد و از آن هیچ نوزد و دلیل که اندر مین شود و اگر غور و بفرخت
بخت بود بهتر باشد غوک و در مرغ و حرف و اوشح آن گفته شود حرف الفاء فاخته این برین رحمت الله علیه که دیدن منبر در خواب کفر باشد
در خواب منی ناقص برین بدیدر بود که با کسی سازگاری نکند و اگر مینه که فاخته و شست دلیل که در دنیا بدین بدین بخواهد بد
مینه که بخت فاخته گرفت دلیل که او از فرزند می آید و اگر مینه که گوشت فاخته می خورد و دلیل که بعد آن مال نستاند و چ که کافران رحمت

در میان ایشان

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

دیند دلیل

بهشت آید و اگر میند که از فرج وی مان بیرون آید دلیل که مفسد تنگ دست گرد و اگر میند که از فرج وی نخبه بیرون آید دلیل که شوهر
 او در دست دارد و اگر میند که از فرج او خون بیرون آید دلیل که شوهرش در حالت جنین با وی مجامعت کند و اگر میند که از فرج وی
 بیم بیرون آید دلیل که او از فرزند وی صالح پادشاه و اگر میند که از فرج او کانی تیز و بیرون آید تا و غیش بخلاف فلان بود و اگر میند
 که از فرج وی قی بیرون آید دلیل که بقدر آن مال بد و اگر میند که از فرج وی قی بیرون آید دلیل که فرزندانش در آن جا که
 و اگر میند که کسی فرج وی برید و دلیل که از آن گسست منفعت یا بد استعجال اشعث رحمة الله علیه گوید اگر میند که بر فرج وی سوزی
 رسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزند خوانده و همین شود و اگر میند که بر فرج وی سوزی بود و دلیل که شاد شود و اگر میند که
 فرج وی آساید بود و دلیل که مال بد و اگر زنی میند که او را بجای فرج غضب بود و اگر آفتن بود و دلیل که پسر آورد و نه اند و اگر آفتن
 نبود و دلیل که پسرش پسر و اگر میند که از فرج وی که هر بار و بار بیرون آید و دلیل که او از فرزند وی عالم و پادشاه و فرجی ابن سیرین
 رحمة الله علیه گوید اگر کسی آفتن که فرجی پاکیزه داشت و دلیل که از فرج و بزرگی یا بد و اگر فرجی چرکین که کشته بود تا و غیش بخلاف فلان بود
 اگر کانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که فرجی از وی بسیار بود که پوشیده بود و دلیل که تنگ باشد و لیکن با مردم پادشاه و دو و سیای نک
 از ملوک بود و فرجی که با پس و از پیشم دلیل بر بزرگ واتی وین بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که فرجی زنان پوشیده بود و دلیل
 که او را وامت رسد و اگر میند که در آن فرجی پاکسی مجامعت کرد و دلیل که حاجتش را استود از آن گسست با وی مجامعت کرد و غیش
 رحمة الله علیه گوید اگر میند که فرجی سخن پوشیده بود و دلیل که بر وینداری و امانت و پادشاهی کند و اگر میند که فرجی بسیار پوشیده
 بود و اگر عالم بود و دلیل بر راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود و دلیل که خوب نباشد و اگر فرجی زرد پوشیده بود و یا دبر داشت و دلیل
 مصیبت و غم و از ده بود و فرزند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی میند که او دختری آید و دلیل که خیر و راحت یا بد و از دلیل
 بیت شادمان شود و اگر میند که پسر آید و دلیل که دختری آید و اگر میند که دختری آید و دلیل که پسر آید و مغربی رحمة الله علیه
 اگر میند که او از فرزند وی بود و فرزند او را کسی بسته و دلیل که بد یا نشود و استعجال اشعث رحمة الله علیه گوید اگر میند که در آن
 بکند و بیافت پاکسی بوی داد و دلیل که از آنجا نیکه آمدند و از چربی بوی رسد و خبر عیون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
 میند که یکی از فرزند این مقدم از پادشاهی مقدم مکرر شد و یا آمدن شهر مقام گرفت و دلیل که پسرش فرعون علیه السلام از آنجا بر گردد و اگر میند که
 مقدم می و دشمنی رفت و دلیل که سیرت عدل آن پادشاه و داند از آنجا بر گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که فرعون مطالب بر یا
 یا غلغلی و اگر میند که دلیل که بعد آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مال حرام یا بد و فرعون ابن سیرین
 رحمة الله علیه گوید اگر میند که کسی از آن گسست پسر و دلیل که در کاری که هست ایستادگی نماید و اگر کسی گوید که دیکت بگردان
 یعنی بر چند داشت و اگر میند که بد و گفتند که تا بکش یعنی برادر از اخوش دارد و اگر میند که کسی گوید که گندم بفروش یعنی تا
 به و اگر میند که گویند میان زار بند یعنی نماید و اگر میند که گویند تو خف کن یعنی بر دشمن ظفر خرابی یافت و اگر میند
 که کسی گوید یا گشتن کم پیش یعنی مال نگه دار و در ویش نشود و اگر میند که گویند پیران برادر فرزند یعنی مال خرج کن و اگر میند که گویند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از وی باین شود و اگر حیدر قصاب بود خون حق بر نزد مقری بر حیدر الله علیه که در گریه که قصاب مجبور در خانه وی در آمد و بار کرد و در آن
 دلیل که در آن موضع مرگ معاصات پیدا شد و قصه گفتن ابن سیرین رحمه الله علیه که اگر کسی خواب بیند که خسته نبهول میخیزد باین
 که از ترس و بیم مستحکام این ابن شود و قوله تعالی قَالَتْ مَا جَاءَهُ وَوَقَعَ عَلَيْهِ الْقَصْعُ قَالَ لَا تَحْزَنِي شَيْءٌ مِّنَ الْقَصْعِ
 الظَّالِمِينَ که آن رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرد مرا قصه میگفت و دلیل بر خیره و ملام بود و اگر نیک میگفت و اگر نیک میگفت باین
 برتر و شاد و گدازد مقری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قصه میگفت و دلیل که کارش نیکو شود و مردش حاصل گردد و قصه گوید و در آن
 مردی نیک میفرمود و قضیب ابن سیرین رحمه الله علیه که در قضیب شاخ و درخت بود که در خواب بیند اگر کسی بخواب بیند که
 شاخ و درخت کاز و بار یک بود و در او اندکس معروف بود و دلیل که او از آنکس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بیند
 که شاخی باریک و خشک بود و دلیل که چیزی بوی برسد مقری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاخ و درختی که ترش میبود او بود
 و بهر دو دلیل که از آنکس بد و غم و اندوه رسد و اگر از درخت تیرین بود و دلیل که خیر و منفعت یا بد قطا یافت بر سرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قطای بسکرو بادام کسی بوی داد و از آن بخورد و دلیل که او مال نعمت آسان بدست آید اگر
 بغیر خرد و دو شتاب بود و دلیل که منفعت اندک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطایف در خواب بزنجابه جود بود
 یکی سخن خوش و دوم مال جمالی سوم منفعت چهارم منفعت پنج قصص ابن سیرین رحمه الله علیه که در بطلان
 خواب مال حرام بود و اگر بیند که حطران و است و از آن بی خورد و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که تن یا جگر
 وی بطلان آلوده بود و دلیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بیند که حطران از
 خانه بیرون انداخت و دلیل که زبانه قفا خوردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بر قفای خود موی بیند
 و دلیل که دام دارد شود و اگر بیند که موی از قفا سترده بود و دلیل که او میگرداند و گدازه شود و اگر بیند که بر قفای او بی
 کسی زد چنانکه آس کرد و دلیل که هم او را و هم کسان او را بیخفت بود و اگر بیند که بیگانه بر قفای او بیسی زد و دلیل که
 از بیگانه یا بد کردنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی چندان بیسی بر قفای او زد که خون روان شد و دلیل که او با کسی را و بر
 کند و زیانش رسد و اگر بیند که قفای خود بدید و دلیل که عیالش بر وی خیانت کند و اگر بیند که بر قفای خود حجامت کند
 و دلیل که خیزه خیزه باشد قبل از نوبت مقری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رویش بر قفا کشت و دلیل که با مردم منافقت کند
 قعص ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قعصی داشت دلیل که در مجامع گرفتار شود و سخنران گویند که او را با
 از خویشان و در زندان کنند و اگر بیند که قعص شکست یا ضایع شد دلیل که از تنگی زندان خلاصی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید و بدین قعص در خواب بر سرده بود یکی از زنان دوم جامی تنگ سوم سرای خماس قفل ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید قفل در خواب و دلیل بر دست شدن کارهای دینی و دنیاوی بود و اگر بیند که قفل زد و بکشد و دلیل که کارهای
 بر وی کشاده شود شاید بد که اسلام بگذرد و اگر بیند که قفل نتوانست کشد و دلیل که کارش ویران شود و خبری از آن

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خداوند

ص

ص

ص

ص

ص

ص

مسیر که در این میند که قتل محکم بر ما می نهد و دلیل که مال خود را بصلح سپارد و اگر میند که قتلش است و ضعیف بود و با طیش
بجای آنکه بفرستد صادق رضی الله عنه گوید و بدین قتل در خواب بر شمشیر چه بود و یکی ساقین کار و دوم قوت و دوم حجت چهارم
ضعفت خیم زن ششم و اما در یکی صلح داشتن قلعه و در دو حرف و ال ذکرش رفته است قلم معبران در تامل
قلم خلاف کرده اند این سیرین رحمة الله علیه گوید قلم امر حق است و خداست ای را بقلم و لوح محفوظ نیاز نیست مگر در
علیه گوید قلم فرشته است که بفرمان خداست ای را علی کا کرد و اگر کسی قلم را با تصور که هست بیند و دلیل
که او را با پادشاهی عاقل کار افتاد و حق تعالی امر را با او کرده است و القلم و ما یسطرون اگر میند که قلم بر دست
گرفت دلیل که او را فرزند ی قتل عالم آید استعجل اشعث و رحمة الله علیه گوید اگر میند که بران قلم که در دست داشت
بشت دلیل که عالم روز و نور تعالی عالم الاشیان و کائنات بفرستد صادق رضی الله عنه گوید و بدین قلم در خواب
و چه بود و یکی امر حق تعالی و دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت که در با پنجم ظاهر خامه گویند و ششم آن در حرف خایه و یکی
قلعه این سیرین رحمة الله علیه گوید قلم که باب پنجه باشد سبزه را که بی آب پنجه باشند هر چند که قلم بطعم خوشتر و ضعف است
باشد و اگر قلعه از گشت و فریب باشد و خورد و دلیل که در انشال از ترجمیم بین بود و اگر از گشت بره یا از قلعه خورد و دلیل که مال
یا بر مخری رحمة الله علیه گوید اگر میند که قلعه از گشت سب خورد و دلیل که مال از باد و شام و پنجه پنجه بست آورد و اگر از گشت
خورد و دلیل که مال از روی بزرگ بدست آورد و اگر قلعه از گشت بی خورد و دلیل که از بخت زنان بکر مال بدست آورد و اگر قلعه
خواب باشد خورد و دلیل بر نعم داده کند و اگر میند که قلعه از گشت چهار پانی خورد که گشت وی مرست و دلیل که مال هر مرد و فرست
این سیرین رحمة الله علیه گوید قلم که یک در خواب غلام و کینک بود و قلم بزرگ می مر میر کند و دو اگر میند که قلم که یک بکر
یا کسی نوی و او دلیل که غلام یا کینک که یک بکر خورد و اگر میند که قلم او شکست یا سنان شد و دلیل که او را از ضعیف چنین مرد
تخافت گرفته و اگر میند که قلم او سیرین بود و دلیل که او را با مردی نیک رای و خردمند صحبت افتاد و اگر میند که قلم او سیرین
بود و دلیل که با مردی خوی دای و شجاع صحبت افتاد و از و خیر و ضعف یا بد قلم این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که قلم
دلیل که بغیل کاری کند که از آنکار پشیمان شود و اگر میند که کسی پاره قند و روان او سنان و دلیل که او را بر سر و در میند که قلم
قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر میند که قند می فروخت دلیل که او را زیان رسد و خردین قند بهتر از فروختن
قندیل این سیرین رحمة الله علیه گوید قندیل از فروخته توفیق عبادت بود و خاصه که روشن بود و اگر کسی خواب میند که در خانه
قندیل از فروخته و پنجه خورد و دلیل که نزل خاصه یا رسا بخوابد و اگر این خواب نذی میند طاعت و عبادت بسیار کند و قلم
رضی الله عنه گوید قندیل از فروخته و خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خوشن و دوم توفیق سیوم خرد و دولت چهارم
او کارهای بسته و قندیل از فروخته دیدن ضعف اندک بود و قنوت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که قند
خواند دلیل که مردم روح و شکر میند و جانش را و اگر در مکر و مصلح و یا در خواب زان و دلیل که همه جانش را و شود و اگر میند

که صلح بود و از دو گاه حق تعالی حاجت های او بر آید و اگر مینه که معصود بود و دلیل که آن بزرگی کارهای دنیای می برآید قلیقه این برین
دیده اند علیه گوید قلیقه در خواب خاوی بود که کعبه خانه بدو بسیار گذر کسی خواب مینه که قلیقه داشت و در وی آب بود و به
یا چیزیکه خوردن آن مصلی بود و آن چیز دو دلیل که مال ملال با بود و اگر قلیقه چیزی حرام بود و از آن سخن رو دلیل که او از آن خاوی
چیزی حاصل شود و اگر مینه که قلیقه شکست و این صلیق شد و دلیل که خاوی او بر دو کافاتی است و قلیقه علیه گوید قلیقه در خواب خاوی
بود که چیزها بر دست وی باشد قیامت این برین است و علیه گوید اگر خواب مینه که قیامت بود و دلیل که حق سبحانه و تعالی
دو دنیا را بر غر گسترده و گردانده و اگر از آن دنیا بر ظالم باشد و دلیل که آن حق و جلای ایشان رسد و اگر از آن دنیا بر مظلوم باشد و دلیل که حق تعالی
مردم را از ایشان بر دست و پا و اگر مینه که این دنیا بر ایشان حق تعالی است و بود و دلیل که چشم و خدا حق تعالی بر این عالم باشد که
در حله اند علیه گوید اگر مینه که قیامت بر خاست اگر مظلوم باشد و دلیل که بر ظالم دست با بد و از غم رسته که در و اگر مینه که عاقلی است
چنانکه آفتاب از غرب برآید با و حال و یا حوج و یا حوج پیدا شده با و یکد که نور کند و به حق تعالی اگر آید و اگر مینه که گوشت است و در و
بیرون آمد و دلیل که بر نفس نغز با و اگر مینه که او را بر نجهت باید که از آنکه او توبه کند و رضای حق تعالی حاصل و علاجه و اگر مینه که دنیا
کا و بود و دلیل که در غفلت بود و قول تعالی ان توبک للنااس حسبا هم عقلة معترضون لکرمینه که با و بی شمار کرد و دلیل
که او را زبان برسد قول تعالی تخاسبنا ها حسبا باشد بک و صد بنا ها احلنا با نکل او اگر مینه که او را با سنجید
و بی شک زیادت کند و دلیل که سر انجام کار وی نیکو شود و قول تعالی مری تفلنت موانی تدر فاولکات فسم النفلون
و اگر مینه که بی وی شیرازی نیکو بود و دلیل که سر انجام کار وی بد بود و قول تعالی و مری تفلنت موانی تدر فاولکات فسم النفلون
افسهم فی جهنم خالدا و فی کرمینه که ترازوی وی سنگین بود و از مژده وی دست راست و دلیل که وی برادر است
بود و قول تعالی و انزلنا من السماء الکتاب و الذین کان لیقوم الناس بالقسط و اگر مینه که نامزد کرد و وی را دانند
که بر خزان اگر از اهل صلاح بود که درش نیکو شود و اگر از اهل فساد بود بر خطر باشد و قول تعالی اقرع کما بک کنی بنفیک الکفر
و اگر مینه که بر هر اطاعت دلیل که برادر است و اگر مینه که بر هر اطاعت است که شبت هم راه راست بود و حق صاف و صفا
و علیه گوید قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی بر سگاری و دوم فرح از نعم سیوم و نظریات حق بر رشتن آن چهار قابل
و خاست با سعادت داخل شد و این بخلاف این بود و غیر این برین که خواب مینه که قیامت بر او است و دلیل که بقدر آنست
و در وی یا به مغزانی بر علیه گوید اگر مینه که قیامت بر او است و بخانه بر و دلیل که بقدر آنست بخانه بر و اگر مینه که قیامت بر او
بیرون افکند و با ویش بخلاف این بود و اگر مینه که در عیادتش اند و در سوخت و دلیل که با و شاه او است و او کند و با شربت اند و اگر
مینه که قیامت بر او دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی مختار گویند که او را غم رسد حق تعالی که در آن برین که با و اگر کسی خواب مینه
که حق میسر و آسان بر می آمد و دلیل که توبه کند و اگر مینه که حق نتوانست کردن با و وقت برآید و باز جانی رفت و دلیل که از توبه
با و کرد و بر سر انجام عقوبت با و بعضی گویند که او را مصیبت و زبان افتد و اگر مینه که حق میسر و دوزخ و دلیل که از این چیز می برآید

[illegible]

[illegible]

اگر کسی بختیاب بیند که بر کاوش نشسته بود و کاوانان بود و دلیل که از پادشاه عمل کرد و قطع بسیار اندکی بسیار به منافس چون کاوش
 باشد و اگر کاوش نرزد و بیند دلیل که بسیار بود و اگر بیند که کاوش نرزد و خانه کاوشی در آمد دلیل که محتقانی در خبر و روزی بر روی کشاوت
 یکسان اند و پیش سپری نکرده و اگر بیند که کاوان بسیار داشت و دلیل که غلامان بسیار زیر دست وی شوند و او کار ایشان
 کند اگر بیند که کاوشی نرزد و او را بسرون برزد و از سرش بیرون برود و دلیل که غلامان او را حضرت رسد و او خود را مغرول گردان
 و اگر بیند که کاوش را در آنست و این بود و سر بر موضع سر برود و دلیل که بعد در هر سر و قی غلامش کیشال علی می کند و اگر در آنست و از آنست
 وی باخزون بیند و دلیل که عمل او باخزون شود و اگر نقصان بیند او پیش بخلاف این بود که زمانی در حقه نشسته بود که کاوش
 و در آنست عمل بود و در دست او میراث عامل بود و در و هم کاوش و در و خیزد و در و خیزد عامل بود و اگر بیند که دنبال کاوش در سر
 و آمد و دلیل که مالی بسیار یا بد و روزی او فراخ شود و اگر در کوچه خویش کاوان بسیار بیند و دلیل که متکرر دو در کاوش است
 و بر کشته پدید آید و اگر کاوشی نرزد و او را بسرون برزد و بیند اخت اگر بیند که خواب صاحب عمل برود و دلیل که مغرول گردود و اگر
 باز در کان بود و دلیل که زیان کاوش و پادشاه بود و از ملک غنیست و اگر بیند که کاوش بسرون برزد و او غنیست و دلیل که کسی بر وی غنیست
 و بزرگی کند و در غل وی کشته سفری رحمت باشد علیه گوید اگر بیند که کاوش از انبیا کاوان بکشد و غنیست که در و کاوش
 عامل بود و دلیل که مردی بزرگ از ان که چه بکشد و اگر بیند که کاوش بکشد و اگر بکشد و اگر بکشد و دلیل که خداوند کاوش را بکشد
 و انش باشد و اگر بیند که کاوش بکشد که نه کاوش بود و دلیل که مردم مختصر در آن موضع میریزد و اگر کاوان بسیار برزد و او مختصر
 بیند که در آن موضع آمد و شد میکرد و دلیل که مردم آن موضع در آنست باری کشته چون لاغر باشند اگر کاوش فریب باشد و دلیل که
 ما را زانی بود و اگر بیند که کاوان زمین را بکشد و دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید و همه اش بکشد و همه اش علیه گوید اگر
 که با کجاست و دلیل که او را بهتری جنگ افتاد برین رحمت باشد علیه گوید کاوش خواب سال بود و اگر کاوش و بیند دلیل که
 انشال فراخی داشت و اگر کاوش لاغر باشد او پیش بخلاف این بود و کاوش مال فراخی در آنست بود و در دست وی
 در خبر باشد و اگر بیند که کاوش را بر اسب و شادان بر سر میزد و دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بیند و اگر در و او و پیش بیند که
 گرد و اگر کاوش بیند از مردم بی نیازی نشود و اگر کاوشی بیند نگرند و اگر بیند که کاوش را با او است و دلیل که اسب داری بود و شادان بر سر میزد
 بود و اگر بیند که گشت کاوش و خبر بجزیر و دلیل که در آنستانی نگرند و اگر بیند که کاوشی بدشید و از آنست بر سر میزد و دلیل که مال بسیار جمع کند
 و شادان بر سر میزد و اگر بیند که کاوشی با وی سخن گفت و دلیل که پیش روی خانه کاوش در و اگر بیند که کاوشی بر آید و دلیل که سال وی بسیار گردد و اگر بیند که کاوش
 اندکی دیگر را بیند دلیل که انشال وی بد باشد و اگر بیند که کاوشی است و بود و دلیل که حال وی تنگ گردد و اگر بیند که کاوش بکشد و دلیل که در آنست
 جمع است که اگر بیند که کاوش در آنست و دلیل که در آنست و دلیل که در آنست و دلیل که در آنست و دلیل که در آنست و دلیل که در آنست
 او و کاوش و در خانه او آمد و دلیل که کاوش با او بدست گرد و جعفر صادق رضی الله عنه که دیدن کاوش و در خواب بر سر میزد
 یکی قرآن و دیگری دوم مال سوم بزرگی چهارم باست پنجم تنگ و ششم سال نیکو کاوش و خوشی که زمانی رحمت باشد علیه گوید کاوش و در آنست

[illegible]

دلیل که بقدر آن مال دردی او را حاصل شود و اگر میند که اگر بخت میکرد و اگر باور از خورشید دلیل که بپارشد و اگر اگر برانهر کرد
 که از بیماری شفا یابد و اگر بپارزد دلیل که بیماری بروی و از اگر در بعضی از منزلت که بپارزد تا به حال خود بود و این است
 که یکی نباشد که اگر بپارزد بعد از رفع الایشت و در میان شود و اگر میند که بپارزد و بپارزد و بپارزد
 دلیل که اگر در دو از آن خانه که ازادی یافته باشد و بی از آن می کند و اگر ازادی بپارزد که بپارزد و دلیل که اگر با بختی
 است جعفر صادق رضی الله عنه که دید و بدین گریه و خواب بر بخت و چه بود و یکی در دو و دوم غماز سوم خادم چهارم چاه
 و پنجم زنی مشفق ششم سود و هفتم جنگ هشتم گریه و جانه که تا به باشد که مردم از فقر خلق خوانند و پوشیدن آن در خواب
 قوت و سفر بود و اگر که وی بپارزد و از دردی بپارزد و قوت یابد این سیرین رحمة الله علیه که اگر کسی خواب بپارزد که گریه و شکر
 بود دلیل که اگر غم و اندوه خلاصی یابد و اگر میند که گریه و پوشیده بود دلیل که بیماری بود و اگر میند که گریه و پوشیده بود
 دلیل که اگر اوصییت رسد و اگر سرخ بود دلیل که بخت نباشد و اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 بر زمین پوشیده بود دلیل که اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 یا ضایع شد دلیل که در پناه و قوتش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه که دید پوشیدن که گریه و خواب بر چاه
 و چه بود و یکی قوت و دوم پناه سوم سفر چهارم نظام کار و اگر و این سیرین رحمة الله علیه که اگر میند که گریه و شکر
 که اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 پوشیده و آن موضع بود که از آن بپارزد و اگر میند که گریه و پوشیده بود دلیل که اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 برنج و عقوبت رسد و اگر میند که گریه و خاک بر زمین که اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 رضی الله عنه که دید و در خواب و بدین برشته و چه بود و یکی مال و دوم بلا و ثلث سوم عقوبت و چغالی کردن و این است
 که اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 و مصلحت دین و نگاه داشتن دیانت بود و اگر میند که گریه و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 و اگر میند که ماری در گردن وی حلقه شده بود دلیل که زکوة مال ندهد و قله خالی سیطوقون ما بخلا و به بوم
 الفقه اگر بر گردن خود گریه بپارزد یا نگه چیزی بر گردن و هشتم باشد دلیل که بیمار شود و اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 و هیچ گریه بپارزد و دلیل بر درستی دین و درازی عمر وی بود و اگر میند که گریه و پوشیده بود دلیل که اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 شده بود دلیل که امانت نیکو گذارد و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 و از گواهی و او را خود باز ماند و اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 میند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو
 بزرگتر از دین نیست و اگر در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو و گریه که در دو

از جهت امانت گیری و امانی یافتن و اگر کسی از کون خود بستر و لیل که در پیش گذارد و شود و اگر گشت نکردن بر بدین
 دلیل که کسی با وی بود و ضایع شود و اگر گشت خود را که نه بیند دلیل که مالی در پیش می ندارد و باشند خیانت کند متغیر
 باشد علیه گوید اگر بیند که گشت کردن می بخیزد و تا و پیش بخلاف این بود و اگر بیند که برگردن کسی نیست بود دلیل که بر دشمن
 نظر باید جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بین کردن در خواب سرخ و وجه بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت چهارم
 ابرام پنجم بیماری کردن بنده این برین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گشت کردن بنده از مرد و یا رسیده و است دلیل که سرخ
 و تعالی عزوجل او را علم و حکام خود روزی گرداند و هر چند که جوهر کردن تو تیر بود و علم و دانش او همیشه بود و ذکر آن بی حاشیه
 علیه گوید اگر بیند که گشت کردن بندوی اندوز بود یا از بیم مرتفع گوید هر گاه که دلیل که بعد از آن شرف و بزرگی باید باشد که
 امانتی در گردن گیرد و اگر گشت کردن بنده او دراز شد دلیل که امانت گذارد و اگر گشت و بود تا و پیش بخلاف این بود و متغیر
 علیه گوید اگر بیند که گشت کردن بنده خود بخواهد مرتفع کرد و بود و یا بر صیغه در گردن داشت دلیل که عباد و ولایت باید و اگر گشت
 بندوی دراز بود دلیل که منزلت باید و اگر گشت و بود تا و پیش بخلاف این بود و اگر بیند که گشت کردن بندای بسیار داشت
 و دلیل که در علم بسیار کامل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بین کردن بنده درین در خواب بر شش وجه بود یکی
 حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت چهارم امانت پنجم معالجت ششم کینه و بهم او گوید که گشت کردن بنده درین حج باشد
 و از آن بیرون کینه کردن زدن این برین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را گردن زدند و سرش از تن جدا شد اگر بیند
 بود و دلیل که آنرا دوش و اگر بسیار بود و شفا باید و اگر او را دوش گشاده شود و اگر خوف و او را پس گرد و اگر کار و او را
 شود و اگر بوقت گردن زدن سرش از تن جدا شد تا و پیش بخلاف این بود و اگر آنکس که گردن زد معروف باشد بخبر آنکه
 گفته شد از گردن زنده و دور سد و اگر گردن زنده و دکن و یا بالغ بود دلیل که اگر بسیار بود و میر و کافی رحمة الله علیه گوید اگر آنکس
 گردن او زد و تندرست است و آنرا و توانگر بود دلیل که از نیک بختی بر بد مالی افتاد و مال نفعش نماند و در پیش شود و بر سر
 کار و ایاک شود و علی الجبله گردن زدن در خواب در ویشان و خدا و ندان محنت را نیک باشد و مر تو اگر آن و وفای
 نعمت را بد باشد کرده و در خواب مال نمان کرده باشد که بسیار بد و خرج کند و اگر بیند که کرده بخته یا بریان کرده بسیار داشت
 دلیل که بعد از آن مال نمان کرده و بسیار و اگر گشت و حلال بود و داشت دلیل که یافتن مال حلال بود و اگر
 از جبانوی که گشت و حرام باشد دلیل که مال حرام بود و اگر کافی رحمة الله علیه گوید که در یافتن در خواب مال نمان کرده
 و بعضی متبران گویند که کرده و خواب خرقه بود و بسبب آنکه مایه خرقه می است خاز و بود و می آید و تمیل است رحمة الله
 علیه گوید اگر بیند که کرده است و بخت میوز و دلیل که از مردی بزرگوار مال باید و اگر بیند که کرده و گشت و داشت دلیل که
 در آن مال از نصیب حاصل کند اگر کرده و پسند داشت دلیل که در آن مال از نصیب حلال باید و از قبل شمس اگر بیند که
 کرده و می خام میوز و دلیل که مال حرام باید و اگر گشت و می بخیزد و آنکه نصیب کند و گردن و این برین رحمة الله علیه گوید اگر بیند

مرگ درون نشسته بود که درون نیکت میرفت دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر میند که گردن بی کاهان ایستاده بود و او در گردن
 دلیل که در پنج و هفتی و بیاری افتد و اگر میند که پادشاه و انگر و دهنای خود کرد و ولی چه و او دلیل که پادشاه و شرف و بزرگی یابد
 جعفر صادق عنی الله علیه که پدیدین گردن در خواب دلیل بر شرف و جود بود یکی و ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم
 بزرگی پنجم سبب ششم غرضی هفتم رفعت هشتم آسائی دهم کار اگر سنگی این سیرین رحمة الله علیه گوید که سنگی در خواب بهتر از سیر
 بود و سیر یاب بهتر از سنگی بود و اگر میند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد و دلیل که حرص و آتش در مال دنیا کمتر باشد
 سفر از رحمة الله علیه گوید اگر میند که گرسنه بود و دلیل که بقدر سنگی باور معصیت بود و اگر میند که گرسنه بود و چیزی خورد و سیر شد
 و دلیل که از گناه و توبه کند و اگر آنچه خورد و بطعم شیرین و خوش بود و دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود و دلیل که بر توبه
 ثابت قدم نماند و توبه نیکند و بر سر صفت او و جعفر صادق عنی الله علیه گوید که سنگی در خواب چهارم و جود بود یکی و حضرت دوم
 حرص و آرزو سوم معصیت و گناه چهارم طمع داشتن بر دم کرسی این سیرین رحمة الله علیه گوید که پدیدین کرسی بخواب علم است
 و از زاهد خرد چین واجب کند که از زینت و تبارک و تعالی جل و علا و کلام قدیم بیان فرموده است و سبع کوسیه التهموات
 و کلا و ض این عباس رضی الله عنه گوید سبع یعنی علم و ابراهیم کهانی رحمة الله علیه گوید که کسی ماصت و قدرت خدا بیند
 و بعضی از خبران گویند تا دلیل کرسی آن بود که کامل بر واقع باشد سفری رحمة الله علیه گوید تا دلیل کرسی تمام مطیع بود و یا زاهد که گفتو
 احوال دارد و یا پادشاهی عادل و پرمیزگر و رافعی و یا چنانکه در اخبار آمده است و دلیل که اهل دین و علماء را نیک بود و میند که در
 از سلطان عادل خیر و نیک میند و دانش زیاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کسی در خواب بر شرف و جود بود یکی مدل
 دوم انصاف سوم عز و شرف چهارم برتبت پنجم ولایت ششم قند و جاه و اگر کسی میند که بر آسمان کبرسی نشسته بود و دلیل که کار او
 بالا گیرد و قدر و مرتبت و جاه و یا چه و به مراد بارسد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرّم شود و دلیل و انصاف و میان
 پیدا شود و اگر این کرسی که در و اگر میسازد و در خواب میند و دلیل که زن باشد و اگر میند که کرسی بزرگ و یا کبریا نشسته و بر
 و دلیل که زن خواهد و از آن مال و نفعت حاصل کند و اگر میند که بر کرسی نشست و دلیل که خوشتر و شیرین بخوابد و اگر میند که در بزر
 روی کرسی میگفت و دلیل که زن میبیرد و اگر میند که کرسی می که پاک و کسبه بود و دلیل که زن وی از ایشان و خیر و در مانده بود
 و اگر میند که کرسی داشت اما بر خوشبخت دلیل که از بهر خدمت کردن فی الجمله آرد و کرفس این سیرین گوید که اگر کسی بخوابد
 که کرفس بخورد و بوقت خود بود و دلیل که غمگین شود و بعضی از خبران گویند که چیزی می خورد و خورد و اگر میند که کرفس داشت و غمگین
 آنچه گفتیم که در جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کرفس در خواب بر سر و جود بود یکی غم و اندوه دوم خصومت و سنگدلی سوم خوار
 چیزی می خورد و کرفس مرغی بود بقدر که ببرد و تا دلیل آن بر آن کنند اگر کرفس در خواب میند و غریب بود و دلیل که زن کند و اگر کرفس
 خرد و اگر میند که از دست دی پیر بود و دلیل که زنا طلاق دهد و اگر کثرت کند و اگر بگزید و اگر میند که او را بکشت و گوشت او بخورد و دلیل که
 آن بر نشستن یابد که کس این سیرین رحمة الله علیه گوید که کس منتر غمغان بود و قوی و تیرمین و از عمر غمغان بود و اگر میند که

منها

داشت و لیل که از روی بزرگ تخت وینکی یاد و از پادشاه مال خواسته صل کند مگر سترخان پادشاه بزرگش کرد که سترخان
چین باول را در کفانی رحمتا علیه گوید مگر چینه که کرکس اورا بگرفت و در بر او برود و یک آسمان رسید و لیل که سترخان
در زبان فرغانه نیست بسیار حاصل کنده وین دی بنشاد و بر ویسیب اگر فرو و کرکس با سترخان بر رفت و مگر چینه که کرکس اورا
آید و از بر آید با خود از چنگال کرکس برفت و لیل که از شرف و زرگی برفت و کلاه خراب شود و مگر چینه که کرکس اورا
برود و انجا مقیم ماند و لیل که بسفر رود و در ان شهر مقیم شد و از بر زمین آمد و از پادشاه بزرگی بآید و از پادشاه بزرگی
باز بآید و خوشان خود بزرگی بآید و اگر کرکس بی چنگال و رخا بآید وین فرشته بود و از کرکس چنگال خود را عرض اجود است که کرکس
و اگر چینه که کرکس بآید و سروی شکار میکرد و لیل که بینه خواب بآید و اگر چینه که کرکس بآید و اگر کرکس بآید و اگر کرکس
خواب شد و لیل که در روی بزرگ قصه موت کند و روی خواب شود و اگر بخوابد این بینه و لیل که دشمنی او را قتل کند و کرکس
بچه کرکس چینه که کرکس بآید و لیل که از فرزند آید و اگر کرکس بآید و لیل که دشمنی او را قتل کند و کرکس بآید و اگر کرکس
نشسته بود و لیل که او را برادر کند و آتیال علیه السلام گوید اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید
آید و اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید
کرکس در خواب بر شش و چه بود و بزرگی دوم فرغانه و دانی سوم ریاست چهارم شاد و سترخان پنجم بر تخت ششتم امر و
کردن کرکس بن سترخان و در خانه علیه گوید کرکس در خواب و پادشاه و دروغ زن سترخان بود و اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید
که او را با پادشاه با کسی دشمنی بود و قصه موت کند و اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید
و اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید
که اهل اسلام از وی بگریزانند و روی هیچ خبر نباشد و بعضی گویند دشمنی با قتل کند و اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید
و لیل که شرف بزرگی بآید و بقدر وی و اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید
و اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید
روی خنسا و کند جعفر صادق و بعضی گفته اند که بزرگی کرکس در خواب بر سر او بود و پادشاه و دانی دوم زن دروغ زن
و مخالف صفت چنان کرکس دوامه که با این سترخان بود و در خواب غم و اندوه بود و خوشین ششتم شادی و غم بود و آب و
و آب خشک بود و پادشاه و اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید
خود انشت و لیل غم و اندوه بود و بزرگی کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید
و از این شود و اگر غم بود و در دایره بود و شفا بآید و اگر کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید
چیز اگر گفتیم خالی اند نیز در انش نقصان شود و اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید
علیه گوید اگر چینه که کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید و کرکس بآید

و در او که چنانکه خون را دل شد و دل که درین شد و بر دو جعفر صادق رضی الله عنه که اگر چنانکه سوره یاجوسی را از حضرت جعفر
دلیل که چشم خود را بگریه و گریه بران منسوب باشد که کند و کند خون آلوده و بدین قدر و بیدار است که شقی و آفتاب سحر
که بکشتی رسیدن در خواب غم و اندیشه بود و از آن زمان یا کاری کند که از آن رخ و بلا بد و رسد غاصه که از بکشتی بیرون آمد
بکشتی در دیا فرود آمد و بود از این سیرین رحمة الله علیه که در اگر کسی بخواب چنانکه دوستی بود و سلامت از آنجا بیرون آمد دلیل که
رخ بر هر قدر غالی ناخنجینا که و من مکن معناه في الظلمات المستوحون اگر چنانکه بدیاری کشتی پاک شد دلیل که بدست نمی آید
شود و اگر چنانکه کشتی دی بر زمین باشد دلیل که در پنج و چهار که از آنجا شود و در سنگاری و در دست دهد و اگر چنانکه کشتی خرق شد و او بسلا
و از بدلیل که شلست شود و او بسلاست بخانه اگر چنانکه کشتی بکشتی جعفر صادق رضی الله عنه که بدست و اگر چنانکه کشتی بر جای می نشیند
کشتی بر میان آب میرفت دلیل که او را از یاد شاه و از آن قری و زشتی پیدا شود و اگر چنانکه در میان دریا کشتی با و کار از میرفت دلیل که بدین
الحجرات المنشاء في البحر کما اخلأه و اگر چنانکه کشتی با ایستاد و بود و دلیل که در سفر و در وین باشد بلکه در سفر مقیم شود و اگر
که در کشتی نشسته بود و بادی خروشان می آمد کشتی را خوش سیر و دلیل که در غم و اندوه فرج یابد و اگر چنانکه کشتی بسیار بود و از این جانب
کشتی مریح می آمد و دلیل که او را سختی پیش آید که تیرم پاک وی باشد و در غم و آلام القویح من کل مکان اگر چنانکه کشتی از
پیش میرفت و او خوش است رسیدن دلیل که در کار وی دشوار افتد و عاقبت غمناکی یابد و در غم و آلام القویح من کل مکان
اگر چنانکه در پهلوی کشتی در دریا رفت و دلیل که بسفر رود و او را منفعت بسیار حاصل شود و در غم و آلام القویح من کل مکان
لنبتنقوا اثر فضله اگر چنانکه در میان کشتی با چیزی بود و نمی میرفت و دلیل که در شاه و سلاطین با چیزی فرستد و اگر چنانکه کشتی
غرق شد و دلیل که آن رسولان را باز دارند و مقبره رحمة الله علیه که در اگر چنانکه کشتی بدیاری فرقت شد و دانست که آن کشتی پاک شود
دلیل که او را آن اندیشه نبود و اگر چنانکه کشتی نشسته بود و از یاد شاه میرسد و دلیل که مقرب باد و او را شود و بعد از آن کشتی او را منفعت بسیار
و اگر در کشتی می نشسته بود و دلیل که او را از یاد شاه می بود و اگر چنانکه در دریا کشتی با چیزی می آید و دلیل که پیش از یاد شاه مقرب
شود و اگر چنانکه کشتی در قدر و با فرود شد و دلیل که او را از یاد شاه و قوی خلیف باشد و اگر چنانکه کشتی تیرفت و او را کشتی با فرود آمد
منفعت رحمة الله علیه که در اگر چنانکه کشتی که چنان نشسته بود و در دیا میرفت دلیل که او را غم و اندوه و باز داشت و اگر چنانکه کشتی بسیار
بیرون بود و دلیل که بسفر رود و زود باز آید و اگر کشتی خود را در خشک استاده و دلیل که کاری در او جعفر صادق رضی الله عنه که در
و بدین کشتی در خواب بر پشت و در بر روی فرود آمد و در هر سوزن چهارم کرب تخم فرج ششم اینی ششم معین ششم ترا که می کشت
برین سیرین رحمة الله علیه که در کشتی سنگ نیست را گویند و کشف باقی در خواب و بدین سوزی زاهد عالم باشد و از صحبت او
رسد اگر کسی بخواب چنانکه کشتی داشت یا بخانه او رسد و دلیل که او را باز آید و در حقیقت و اگر چنانکه کشتی کشف شود و دلیل
بعد از آن علم حاصل کند که آن رحمة الله علیه که در اگر چنانکه کشتی در سر کون و آبی بیافتد و دلیل که صحبت عالی رسد و اگر چنانکه کشتی در سر کون
عالمی عزیز بیافتد دلیل که ناچار شود و نیز یک بزرگان و علما او را حرمت باشد جعفر صادق رضی الله عنه که در بدین کشتی در خواب

جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین گفتار در خواب بد باشد کفچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب کار فرمای خانه را
 اگر بیند که کوزه یا کوزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر گوشتی داشته بود و اویش بخلاف این بود و مرغی بر منتهی
 گوید اگر بیند که کفچه ای بپشت دلیل که خادم وی بپرسد و یا باشد و اگر صاحب شود یا بدست نبرد خادم بپرسد و کفچه اش از خانه
 گوید سلاطین و ملوک چون میزد دلیل که نایب وی باشد و انگش که غیر ازین دو و میزد دلیل بر خدمتگاری خانه و اهل وی باشد
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کفچه آتش داشت دلیل که او را خدمتگاری حاصل شود و اگر انگش بپشت یا صاحب
 دلیل که خدمتگارش برود یا بپرسد و کفش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کفش در خواب زن باشد اگر بیند که کفش نوزاد
 بود یا یکی کرد دلیل که زن خواب را باینکه نبرد و اگر بیند که کفش دیگر در پای کرد دلیل که زن بیوه بخوابد و اگر کفش سیاه بود دلیل
 که زن بیستیه کار بود و اگر کفش سرخ بود دلیل که زن صاحب شوهر و دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل بر زنی بهارگون بود و اگر
 کفش سپید بود دلیل که زن خبری خواهد کرد یا بی رحمه الله علیه گوید اگر کفش از پوست گاو بود دلیل که زن با اهل محل خود و اگر از
 گوسفند بود دلیل که زن از اهل غلب بود که بخوابد و اگر بیند که کفش از پای وی بیفتاد و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر
 بیند و اگر کفش در پای او تنگ بود دلیل که زن او تنگ دارد و دیگر گویند که کفش گندیده در خواب دیدن بهتر از کفش تازه است جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید درین کفش در خواب بر پشت و جبهه بود یکی زن دوم خادم سوم کتیک چهارم قوت پنجم
 ششم مال هفتم سفر و کفش در خواب مردی بود که خدمت میرا باشد کف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چیزی بر
 کف داشت دلیل که بعد از آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که گنبد و دست بر چرمی سودند دلیل که آنجا عوسی و شادی بود
 و اگر بیند که گنبد او خسته یا ریش بود دلیل که از سفر و تجاری از نماند و اگر بیند که گنبدی وی کشاد و قوی بود دلیل بر فراخی و
 بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر نامرادی و تنگدستی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین کف در خواب بر شش و جبهه
 یکی دست فراخی دوم مال سوم دیاست چهارم فرزند پنجم دلیری ششم باز ن بگرام و در شدن کف در میان ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید کف در خواب بر شصت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود و کفن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که یا زهره
 یا زنده کفن یا بخت اگر انگش معروف بود دلیل که آن انگش بوی برنجی رسد و اگر بیند که کفن مرد معروف کند دلیل که در دنیا طریق
 آن مرد و جود کرد آنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کفن مرد و میدید معتبر آن گویند اگر بیند و صانع و پارسا بود و طالب علم
 و سخنای باریک گوید دلیل که دنیا روی بوی بنده و مال حرام جمع کند و اگر بیند که مرد کاثر کفن میکند و از جانی بجای میبرد و دلیل
 که ناله های حرام دست وی روان شود و اگر بیند که مفید بود دلیل که منافق و غارت باشد و عسا مرد دم گواهی دو گلاب
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید گلاب در خواب تند رشی بود و اگر بیند که گلاب بروی ریخت دلیل که تند دست بود و مرد دم
 مح و دشنا گویند و اگر بیند که گلاب بر کس میزد و دلیل که نامش در آید یا زشتتر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره
 مند گردند و اگر از مرغیست و آنرا عقیق گویند در خواب دیدن وی دلیل بر مردی بی و نوا و بدین بود و اگر بیند که کلاه

در خواب
 اگر بیند که کفچه
 اگر بیند که کفش
 اگر بیند که کفش
 اگر بیند که کفش

کفش

کفش

کفش

کفش

کفش

کفش

حجۃ
الاسلام

برکت دلیل که با مردی درین صفت گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر عیند که با کار و خبر و دیگر دلیل که با مردی درین صفت
که غایت خیر و منفعت کند و اگر عیند که کار و دوستی بر سرید دلیل که ترک صحبت کند و اگر عیند که کار و دوستی کند و اگر عیند
ی بخورد و دلیل که دشمن را بفرزند و بعد از آن مالی بخورد و کلاغ این سیرین رحمت الله علیه گوید کلاغ و خواب نری پس
و بعد از آن اگر کسی خواب بیند که کلاغ را بگرفت دلیل که غنیمتی از کسی بگیری و دروغ حاصل کند و اگر عیند که بر سر شاخ درختی
چو و باکت میکرد دلیل بر وبال دی باشد اگر کلاغ عیند دلیل بر پنج و مشقت بود و دریدن کلاغ و خواب خیر نبود و کلاغ
از انبیل مرید السلام گوید خواب دیدن عز و جاه بود و بعد از آن که عیند که کلاه غازیان بر سر داشت و دلیل که بر خصم حیرت
ان سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کلاه و ترکان بر سر داشت دلیل که بعضی منفعت یابد و اگر عیند که کلاه
بر سر داشت دلیل که ترانجانی یابد و الا درین ضعف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه میشد دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر عیند
که کلاه حشابی داشت دلیل که ستادمان گردد و در ضعف یابد و اگر کلاه بر روی بست داشت دلیل که خیر دینی و دنیاوی بخواهد
و اگر کلاه بر سر دستار نهاد و بود دلیل که راه کاری یافت که انکار از مردمان مینان یابد داشت و اگر کلاه بر شتر داشت
دلیل که منفعت بیند و اگر عیند که کلاه از در بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مرد و ادب بیند دلیل که پیش مردم
عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دارد و غازی بود و اگر از آهین بود دلیل که از پادشاه عز و جاه و قوت بیند و یا بدو
از جواب بود دلیل که خود را از مردمان خوار بیند از دروغ و محال گوید که آتی رحمت الله علیه گوید و اگر عیند که کلاه تابانی بر سر
بر سر نهاد و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه فایز بیند دلیل که از مردان باز ماند و اگر بر سر کلاه سیاه عیند و در سیاهی جان یابد
و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سر روی بنیاد و دلیل که از عمل مغرور گردد و یا غنی بخت بونی رسد و اگر عیند که کلاه بیانی بر سر
که صفت که در بر سر و شتر نهاد و دلیل که بقدر و خیرت کلاه از دستری جا و در منزلت یابد و اگر عیند که کلاه از سر روی برگرفته بود و کلاه
عز و جاه و غنیمت و اگر عیند که کلاه بی دو گوش بر سر نهاد و دلیل که از ترس از سر روی آید و آن سیر یا پادشاه شود و اگر عیند که کلاه و در بر سر
نهاد و دلیل که آتش بدین بود و اما پادشاه با عزت است بود مغرور گردد و اگر عیند که کلاه بی پوشیده داشت و دلیل که شرف و منزلت
زیادت گردد و اگر عیند که کلاه و دیده و کهنه بود و دلیل که اندوختن شود و اگر عیند که کلاه از سر روی در بود و دلیل که از مرد
بر گرد و در خود و اگر کلاهش از پوست سحر بود و یا از پوست دبا و یا مانند این و دلیل که شرف و بزرگی یا جوار فردی که کلاه در بود
و اگر عیند که کلاه بر سر داشت که در بیداری هرگز نخوابید و بود اگر عیند که کلاه بر سر بگونی و یا کند و اگر سر بود و دلیل که بر باد کند
و اگر عیند که کلاه از سر و کلاه داشته باشد و بیداری و اگر کلاه سرخ بود و دلیل که بر باری باشد و تحصیل شرف است که گوید و اگر عیند که کلاه بی
پوشیده بود و دلیل که بقدر و خیرت آن کلاه و شرف بزرگی یابد لیکن در دین و نقصان بود و اگر عیند که کلاه بی گشتی افتاد و در آید
که پادشاه را و در نهاد و در کف جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلاه و خواب این شرف بزرگی کند و درین آن و خواب شتر
بود و دلالت آدم داشت سوم بزرگی چهارم عز و جاه و پنجم مقدار شترت کلاه و در نهان کسی بود که در شتر بزرگان

[illegible]

یا که ز دور یا که نزدیک غیب فاصله که به سیگام خود بر دشت مینه اگر نیند که گنگار از دشت سفید و دلیل که از دور یا که عروس یا که ز دور یا که
ماند گنگار در خواب مروی غیب و این سر برین رحمة الله علیه گوید اگر نیند که گنگار گرفت یا کسی بود یا دلیل که با مروی
غیب پیوندد و با وی نیکوئی کند و اگر نیند که گنگار یا گوشت او داشت و دلیل که از مروی غیب راحت مینه که گنگارانی رحمة الله
عزیزه که دیگر نیند که گنگار از اجیر نیند و دلیل که بر گردوی غریبان و در ویشان متنگر و در و گرنید که فاصله گنگار داشت و دلیل که گنگار
نشود و کل و این سر برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب مینه که کلوی وی سلامت است و هیچ الی ندارد و دلیل که امانت و اطمینان
و گنگار و در و اگر مینه که گنگار و قتی نه کلوی وی بیا که تا ویش بخلاف این بود و اگر کلوی خود را قانع مینه و دلیل که روزی بر روی
کرد و اگر گنگار مینه بخلاف این بود و اگر کلوی خود را درست و قوی مینه و دلیل که امانت را نیک نگردد و مغرکی رحمة الله علیه
که مینه که کلوی او را بر مینه و دلیل که بر خور بروی غلنگ کند یا درین او طعنه دهد و بر جانوری که گشتن او را نپاشد چون مینه که
کلوی او را بر مینه و دلیل که مروی بود که بدان نسبت دارد که در آن خر و دم رسانیم کند و اگر مینه که بهینه را کلوی بر و دلیل که کار مروی
کرد و اگر مینه که کلوی را بعضی دست برید و کوشش بخورد و اگر گشتن جانور حلال باشد و دلیل که مال حلال باید و اگر حرام بود
مال حرام باید و اگر مینه که کلوی او می برید و دلیل که بر آن گش میاد و در آن طعنه دهد و اگر مینه که کلوی کسی را پیشتر خود
کرد و دلیل که از طرف و بر زکی مغرول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه که یکبار خواب و دلیل که بر دخل جمع مردم کند تا سبب گشتن
رحمة الله علیه گوید که مفرودن در آن سبب گشتن نشد و قیاس مغلوب بود و کلیمه بر سر برین رحمة الله علیه گوید که کلیمه در خانه
سفری حق نیست و مال کند که بدست آورد و اگر مینه که کلیمه بر سر و دلیل که او را مال نیست آسان بدست آید و اگر حسیب
بجز و از دست و دلیل که مال نیست بسیار صلیکند و اگر مینه که کلیمه در آن نهاد و تراست خوردن و دلیل که مال نیست تا دست
او بکلان باشد جعفر صادق رضی الله عنه که یکبار خواب بر چهار وجه بود و کل مال حلال که با آسان بدست آید و درم روزی
قانع شود نعمت جبار میفرماید که کسی که در آن سر برین رحمة الله علیه گوید که کلیمه در خواب مروی گشتانند کار بود و اگر کسی بخواب مینه که
مغنی را کلیمه باز کرد و در یکجا و دلیل که گادانی مینه بروی کشا و شود و بر دشمن نخرید و اگر مینه که در دست کلیمه بسیار
دلیل که بزرگ و مغرول باشد و نه ایالی که معاف الیه التوفات و الا ورضی الا آیه که گنگارانی رحمة الله علیه گوید که کلیمه در خانه
در خبر بود و بدست شد و بعضی گویند که کلیمه در بدست ترویج بود و اگر مینه که کلیمه در بدست و دست داشت و دلیل که در بدست
ساعتان بود و عاقبت کارش نیکو و محمود و ایالی طریقه السلام گوید اگر مینه که کلیمه بسیار بدست و دلیل که مفرودن از دور و اگر مینه
که کلیمه بر یکین یا معین بدست داشت و دلیل که ادا سخن و ایالی بود و اگر مینه که کلیمه برین بدست و دلیل که بر یکین که مفرودن و اگر مینه
از بدین یا بدین داشت و دلیل که سخن او را ایالی بود و دیگر گویند که گنگار یا مغرول رحمة الله علیه گوید که کلیمه بسیار بدست و دلیل که مفرودن از دور و اگر مینه
که کلیمه در دست و استغفار و حاجت خواستن از خود گاه و بای سجاد و تعالی بود و اگر مینه که کلیمه بر حقیقت نهاد و در باز کرد و دلیل که بر حقیقت
و کار بستند و کشا و بدست و اگر مینه که کلیمه در حقیقت و دلیل که در راه وی خالص نباشد و اگر مینه که یکسان کلیمه و دلیل که

۱۰۰

—

و در بارگاه و لیل که زنی خبر روی بخاورد منتظر رفته اند علیه گوید اگر کسی دست خود را کلیه چینه دلیل که نازگزارند و در دود و آتش و سی و پنجاه
 دلیل که با ناز تو و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلیه در خواب بر پشت و دج و بوی کی کشند که کار او دوم فرایغ از غم و شوم شفا از بیماری چهارم
 یا دین بر او چشم خوشی چشم کشند ازون حج بقیع امام ششم و انشقاق کلیه و ان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مینه که کلیه
 زود و کشاد و رحمت خدا و دلیل که کارهای دینی و دنیاوی کشاد گردد و اگر مینه که کلیه و ان بر شادی بکشاد و تا و پیش بخلاف این بود
 و اگر مینه که کلیه و ان نتوانست کشود و در بسته با ناز و دلیل که کارهای دینی بگردد و از حال نیک بحال بر افتد مغرب رحمة الله علیه
 اگر مینه که کلیه و ان زود و باز گردد و اگر عکسین بود و دلیل که زود و فرخ یابد و اگر مینه بود و زود و آواز و بگرد و اگر عکسین بود
 را و شود و اگر و عکسین شتاب شود و کارهای شتابم گردد و کلیه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مینه که در کلیه سافت و در کلیه
 قبله نازگزار و دلیل که عکسین از نماند و در دین نومی شود و از هر که کلیه جای حباب و شست کردن زنی رحمة الله علیه گوید اگر مینه که
 کلیه بود و دلیل که سیرین بابت پرستان باشد غامضه چون ناز روی قبله ایشان بگردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مینه که
 شد اگر مینه که خواب پارسا باشد دلیل که بود و ناصحه که میند و انجا مینمشد کلیه این سیرین رحمة الله علیه گوید کلیه در خواب
 و سرور بود و اگر مینه که خواب ستر بود و دلیل که بزرگی و جاه و بیزاری و بعضی از عجبان گویند بر روی صلح و گرفتن بود و از دین
 و نیاز بود و کرانی رحمة الله علیه گوید اگر مینه که کلیه بیافت و دلیل که زنی تو اگر مینه کشد و اگر این خوابی بیافت و مینه دلیل که شکر کند و از
 خیر و منفعت چینه و اگر مینه که کلیه که نماند نشسته بود و دلیل که زنی خبر روی و یا رسا و موافق بی کشد و اگر مینه که کلیه ستر بود و دلیل که زنی شکر
 و در بنیاد بود و اگر مینه که کلیه سرخ بود و زنی خا شمر و مطرب دوست بود و اگر کلیه زود بود و زنی چهار کون باشد و اگر کلیه سیاه بود و ان
 که باشد و او عابد بود و اگر کلیه طون بود و اینجه که گفتیم بدن موجود بود و اگر مینه که کلیه پوشیده بود و دلیل که در بنا و متری پارسا
 ما از منفعت باده و اگر کلیه از خود و در افکند و ضایع شده و پیش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید در دین حکیم و در حجاب
 برین وجه بود یکی مرد پیش دوم مته و پارسا سوزم زنی تو اگر مینه که یک تن خیر و منفعت حکمان و انبال علیه السلام گوید اگر مینه که
 کارهای بی خبر بکشند و دلیل که بفرود و باغاید و باز گردد و اگر مینه که کشیدن زنی که ان برید و دلیل که سفرش نام شود و او ماشه که کشیدن
 رسند و اگر مینه که کسی که انی بوی داد و دلیل که خبر بر او آورد و اگر مینه که کجانی بیفت و دلیل که از شرف و بزرگی افتد یا خبری از
 دل او تلف نشود اگر مینه که ان مری انداخت و دلیل که از بزرگی نماند برسد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مینه که انکافی خبری
 انداخت و دلیل که سخن حق و باطل گوید نسبت و کج رفتن خبر و اگر مینه که از خبر خود کانی ساخت و دلیل که او از پادشاه و جمعی شرف و بزرگی
 از انی جمعی بخاورد و او پرسی آید و اگر مینه که ان مری از دست انداخت و دلیل که او از پادشاه و انان از بن خاورد و مینه که انان از بن
 یا کسی داد و دلیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان با و بل و زنی عمر و کانی رحمة الله علیه گوید اگر مینه که کمانی فر
 و پاکیزه داشت و دلیل که زن خواجه و اگر مینه که کمان بکشند و دلیل که زن با پدر بود و اگر مینه که کمان ضایع شد و دلیل که از زن جدا شود و اگر مینه که
 او صحت بود و در وقت کشیدن نرم باشد و دلیل که زنی بیگانه بخاورد و کار او آسان بر آید و اگر سفری کند بسیار کند باشد و ان خبر بر او رسد

اگر میند که گمان است بود و سخت شد و پیش گفت این بود و اگر میند که گمانی نیست خویش از بر شو و میساخت و دلیل که کار است
 کرد و اگر میند که گمان بغیر وقت و از بهای ما و مردم و دنیا برسد و دلیل که دنیا را بر زمین اعتبار کند و اگر بسیاری گمان بفرز خود
 بست و دلیل که مراد وی نیست و اگر میند که گمان خطا بودی و او نه دلیل که نوز در افتاد و بر دشمن خفا بد و اگر میند که گمان قصد کشی
 بوی داد نمی کند که گمان کشید و دلیل که عمر وی دراز بود و اگر میند که گمان در گمانی آن نهاد و دلیل که از دنیا برود و اگر میند که گمان
 بسیار داشت و دلیل که او را دشمنان بسیار باشند که بجا کسی بغیر وی می رسند و اگر میند که گمانی با کینه بود و بدست دلیل که برادران
 بیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و هیچ گناه و گنجه بدین باحد ندارد و قتالی نزدیک بود و قتالی کشاکش قاتل قاتب قویست بی و با
 جعفر صادق رضی الله عنه که دیدن گمان در خواب برش و خواب وی سفر و دم فرزند بار از سوم زن می نامد و وقت نیم کرد و در آن
 یک چشم مرد درست در کار و گمان حلاجی این سرین رحمة الله علیه گوید گمان ملاجی در خواب شتاعت نهند و اگر میند
 که گمان حلاجی در دست داشت و دلیل که منافعی کند و اگر میند که گمان حلاجی داشت و نه داشت که یک است دلیل که شش
 خواب که گمان آسمان این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بچند که گمان آسمان نهد و دلیل بر بهای مرد مذکور و اگر کسی
 افتد علیه گوید اگر میند که گمان آسمان بسیار نرسد و دلیل که در آن نیست و اگر میند که گمانی بیشتر از بصری بود
 تا و پیش که گمان بن بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که گمان آسمان حرام است سرین که با عیوض دلیل که پادشاه از دنیا برفت و
 کامکاری رسد و اگر شود ای سیاه و بنده تا و پیش که گمان بن بود و گمان که او همه این سرین رحمة الله علیه گوید گمان که
 در خواب کار با دشمنان و با غم مانده و اگر میند که گمان که او همه در دست داشت و کلامی از دست و دلیل که کسی از شش
 که در دو ششام و در غیره که گمان که او همه در راه و بن ناپسندید و بود که قاتی رحمة الله علیه گوید اگر میند که گمان که او همه در راه و بن
 و دلیل که سبب ناراحتی و غمگین شود و اگر میند که گمان که او همه در دست داشت و دلیل که گمان که او همه در دست داشت و دلیل که
 سرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که در میان کمری بسته بود و دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و یعنی گویند که او را پشت
 پناه فرزند بود و یا خوشان و اگر میند که گمان که او همه در راه و بن ناپسندید و بود که قاتی رحمة الله علیه گوید اگر میند که گمان که او همه در راه و بن
 وی قوی گردد و باشد که فرزند از خود خشم خیال کرد و که قاتی رحمة الله علیه گوید اگر میند که گمان که او همه در راه و بن ناپسندید و بود که قاتی
 و دلیل که او را مال خشم بسیار باشد و نیز گویند که عمرش ناز باشد و اگر میند که گمان که او همه در راه و بن ناپسندید و بود که قاتی رحمة الله علیه گوید اگر میند که گمان که او همه در راه و بن
 که اگر بخت و میقتاد و ضایع شد و دلیل که در آن روزی او نقصان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که گمان که او همه در راه و بن ناپسندید و بود که قاتی
 بود و دلیل که بهتر قومی شود و این بی سببی می تواند شود و اگر میند که گمان که او همه در راه و بن ناپسندید و بود که قاتی رحمة الله علیه گوید اگر میند که گمان که او همه در راه و بن
 و اگر در تنبیه شد و دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن که در خواب شش و بود و یکی منفعت از آن
 یا برادر یا خوشان و مردم فرزند مردم بزرگی دنیا و نه مردم عمر و از نیم نهضت دادن و یا نفع بر دشمنان یا کین و اگر میند که گمان که او همه در راه و بن
 بسته داشت و دلیل که انصاف از خصمان است و از آن هرگز نشسته بود و کمشده ان این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بچند

دلیل که در آن نوشته که او در دنیا بی خودی که او را بفرست شناسد و قرب و فاصله که بین که عیال یا فرزندان او کند و دلیل که از پیش
از او بگیرد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بین که چیزی از وی کشد اگر بپذیرد یا میل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت
از وی زایل شود و کارش خفایم گردد اگر بپذیرد یا میل بد بود غم و مضرت از وی زایل شود و کارش خفایم نشود و کارش خفایم نشود و کارش خفایم نشود
گوید اگر کسی خواب ببیند که گندی بدین بخت و مرد را گرفت دلیل که با ناز و کینه از زندگی ابدی خواهد و اگر ببیند که گندی از
رسن بود دلیل که از مردی یمن یاری خواهد و اگر ببیند که گندی از زوی خود بود دلیل که از مردی یا فریادی خواهد و اگر ببیند که گندی
از نداشت و در گروان مرد آمد دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که در دست آن مرد افتاد و دلیل که از
مردی سلف فریادی خواهد و اگر ببیند که گندی از نداشت خشم را نتوانست گرفت دلیل که هیچکس او را یاری ندهد کنا و ابن سیرین
گوید که کنار در خواب بی بختش بود و از میوه ای می خورد و غایت کن نبود و گویند که میوه مستردم علیه السلام در بخت کنا بود
و اگر ببیند که کنار بود و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون اوقاتش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کنار در خواب
مال حاصل بود و روزی فراخ باشد اگر ببیند که کنار در داشت دلیل که مال بسیار یا بد کنا و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که کنار در داشت که آن کنا بود و دلیل که در کنا و فتنه افندی که آنی رحمة الله علیه گوید کنار در داشت که آنی رحمة الله علیه گوید کنار در داشت که آنی
و کنا بود و نموده باید کرد و آثار عقوبت حق افعال او عمل ائمن شود و کارش صلاح آید کعبه ابن سیرین گوید که کنار در خواب
بود اگر ببیند که کنار در داشت و دلیل که روزی خبری خواهد که آنی رحمة الله علیه گوید کنار در داشت که آنی رحمة الله علیه گوید کنار در داشت که آنی
که در کعبه ای بزرگ بود و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کنار در خواب بر چهار وجه بود
یکم آن دوم که بزرگ سوم منفعت چهارم خود خواهد که آن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که کنار در داشت که آنی رحمة الله علیه گوید کنار در داشت که آنی
یا بر جن بدل آورده اگر ببیند که کنار در داشت و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کنار در خواب بر چهار وجه بود
خواب بسیار یا پاک شود و اگر ببیند که کنار در داشت و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کنار در خواب بر چهار وجه بود
مالی بود که بر روز زیادت باشد و اگر ببیند که کنار در داشت و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کنار در خواب بر چهار وجه بود
دلیل که بقدر آن مال خود او در منفعت رسد و اگر ببیند که کنار در داشت و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کنار در خواب بر چهار وجه بود
و بر جن بدل آورده اگر ببیند که کنار در داشت و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کنار در خواب بر چهار وجه بود
باشد دلیل که مال حلال یا بد و کعبه ای بزرگ بود و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کنار در خواب بر چهار وجه بود
این جهان و آن جهان باشد و اگر ببیند که کنار در داشت و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کنار در خواب بر چهار وجه بود
و اگر ببیند که کنار در داشت و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کنار در خواب بر چهار وجه بود
سیری محاسن کرد و دلیل که مراد این جهانی او حاصل شود کعبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که کنار در داشت که آنی رحمة الله علیه گوید کنار در داشت که آنی
دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خاندن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که کنار در داشت که آنی رحمة الله علیه گوید کنار در داشت که آنی

تستوفی نفعه ولی نفعه حاصل نگردد که ماده میسر نگردد اگر کسی بوی را در ویل کند نمی چرخد نفعه که گفته شد و در محبت و در محبت کار
شود و از وی مال حاصل کند اگر بینه که ماده میسر میاید و دلیل آن زن از وی جدا شود و استیصال نفعه و تمام نفعه که
اگر بینه که ماده میسر بدلیل که زن مستور و بهستان کند و اگر ماده میسر سیاه بود و دلیل که آن زن از عرب بود و اگر
بود از عجم باشد و پوست گوشت غنیمت مال حلال بود و دلیل گوشت در خواب برنج و عجب و یکی هتتری دوم زنی
سوم مال حرام فرغانه چشم باه و منفعت گوشتها و انیال علیه السلام گوید که گوشتها با ویل هر چند نفعه خورد و دلیل
بر مال منفعت کند که آسان بدست آید و گوشتهای که نام خورد و دلیل که مال سرخ منعی بدست آید و خورد و خورد
گوشتها در خواب غم و اندوه و در این سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گوشت بخیر بهتر از بریان باشد و خوردن گوشت
بریان بهتر از خام باشد و اگر بینه که گوشت تن خورد و میخورد و دلیل که غنیمت بل خانه کند و بعضی از خویشان گویند که کاری که
در از انکار ریشمانی خورد و اگر بینه که گوشت مردم میخورد و دلیل که غنیمت مردم بناحق کند و نه آنجا که حلال است که آنجا که
لحم آخیه میکتا فکری که گوشت مردم میخورد و دلیل که غنیمت مردم بناحق کند و نه آنجا که حلال است که آنجا که
میند که گوشت گوشت خرب میخورد و دلیل که مال نفعه یابد و اگر بینه که گوشتی سلیخ بخانه آورد و دلیل که
بزرگوار در آنجا میبرد و اگر بینه که برخی از اقام گویند در خانه آورد و دلیل که در آن خانه کسی بپاک شود و مغربی رحمة الله
علیه گوید گوشت خرب بهتر از گوشت لاغری بود و اگر بینه که گوشت تازه کسی را پیروز و دلیل که او بر زبان بخورد و ماده او را
غیبت کند و اگر بینه که گوشت بریان میخورد و دلیل که بقدر آن روزی باغ و اندوه یابد و اگر بینه که از تصاحب گوشت
بخورده بهایش باد و بمنزل خود برود و دلیل که پاک شود و اگر بینه که گوشت از او میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن
بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بینه که گوشت اسب میخورد و دلیل که در میان خلق شکینا می شود و از یاد شا
چیزی بدورسد و اگر بینه که گوشت شتر میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بینه که گوشت
اشتر میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن بخورد و بعد از آن بیمار شود و شغایا بدو بعضی از معبران گویند که از مردم باید
او را منفعت رسد و اگر بینه که گوشت شتر مرغ میخورد و دلیل که بقدر آن از مردم بیایا و او را منفعت رسد و اگر بینه
که گوشت آله میخورد و دلیل که از پادشاه مکر و ارا دردم و دینار حاصل شود و اگر بینه که گوشت که میخورد و دلیل که بقدر آن
از زنی خورده ای او را مال حاصل آید و اگر بینه که گوشت بز میخورد و دلیل که او را صفت مال دشمن بدست آورد و خرج
کند و اگر بینه که گوشت برتن میخورد و دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از معبران گویند که مال دشمن بخورد و اگر
بینه که گوشت بظلمت دلیل که بقدر آن مال و نفعه یابد و اگر بینه که گوشت پلنگ میخورد و دلیل که در جنگ نام آورده
در سفر مزگی یابد و اگر بینه که گوشت کبک میخورد و دلیل که از مال مردی برفت یا مال فرزند بقدر آن او را مال حاصل شود
و اگر بینه که گوشت بوز میخورد و دلیل که بیمار شود و اگر بینه که گوشت سیل میخورد و دلیل که بقدر آن از سلطان مال یابد و اگر

بیند که گوشت چرخ میخورد و دلیل که از پادشاه و شکر اوران شفقت رسد و اگر گوشت تذخه میخورد و دلیل که مال مروی فدا و خورد و اگر
 بیند که گوشت چند میخورد و دلیل که مال دروید و خورد و اگر بیند که گوشت چکا و ک میخورد و دلیل که چیزی از مال بنده خورد
 و اگر بیند که گوشت خمر میخورد و دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که گوشت خرگوش میخورد و دلیل که از مال زن چیزی اندک بیاید
 و بعضی از غیران گویند که میراث یابد و اگر بیند که گوشت خروس میخورد و دلیل که بقدر آن از مروی عجمی شفقت یابد و اگر بیند
 که گوشت خمر چنگ میخورد و دلیل که بقدر آن مال حرام خورد و در طلعت سستی کند و اگر بیند که گوشت دراج میخورد و دلیل که
 زن بستاند و خرج کند و اگر بیند که گوشت راس میخورد و دلیل که بیمار شود و اگر ترس و بیم یابد و اگر بیند که گوشت ناخ میخورد و دلیل
 که بقدر آن از مال فاسق بخورد و اگر بیند که گوشت سنگ خاره میخورد و دلیل که از مال مروی ابله شفقت یابد و اگر بیند که گوشت
 سوسمار میخورد و دلیل که از مروی که سفر بسیار کند و غیره شفقت یابد و بعضی گویند خوردن گوشت سوسمار و دلیل بر سکا از شیبه
 اینجهانی یا فغن باشد و اگر بیند که گوشت سنگ میخورد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که گوشت سنجاب میخورد و دلیل که مال
 مروی غریب خورد و اگر بیند که گوشت سیخ میخورد و دلیل که مال مروی بزرگوار بدو رسد و اگر بیند که گوشت جبین میخورد و دلیل که مال
 مروی متکلف یابد و اگر بیند که گوشت بر میخورد و دلیل که با کسی گزوه خورد و اگر بیند که گوشت شیر میخورد و دلیل که
 تجارت با خنثیان خصومت کند و اگر بیند که گوشت ملا و س میخورد و دلیل که مال و نعت یابد و اگر بیند که گوشت غول میخورد و دلیل که مقام
 و در شفقت بکند و اگر بیند که گوشت فک میخورد و دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر بیند که گوشت قمری میخورد و دلیل که از زنی
 خوب شفقت یابد و اگر بیند که گوشت ماد و کا میخورد و دلیل که مالی فزاد و حاصل کند و کاوش نظام گرد و اگر بیند که گوشت کبک
 میخورد و دلیل که بقدر آن داد از مال زن یا یک زن نفع رسد و اگر بیند که گوشت کبوتر میخورد و دلیل که از مال زن و از بهره برسد و اگر
 بیند که گوشت گربه میخورد و دلیل که شفقت یابد و اگر بیند که گوشت کرک میخورد و دلیل که از پادشاه و ظالم مال حرام یابد و اگر بیند
 که گوشت کبش میخورد و دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بیند که گوشت کفتار میخورد و دلیل که بیرونی بروی جادو کند و اگر بیند
 که گوشت کلاه میخورد و دلیل که مال مروی بیابانی خورد و اگر بیند که گوشت کوز میخورد و دلیل که مال و شفقت یابد و اگر بیند
 که گوشت ماکیان میخورد و دلیل که او را مال زن که از فادام جمع شود و اگر بیند که گوشت مای میخورد و دلیل که چیزی از مال زن خورد
 و اگر بیند که گوشت مرغابی میخورد و دلیل که بزرگی و ولایت یابد و اگر بیند که گوشت مرده میخورد و دلیل که آن مرده را به بی یاد کند و اگر بیند
 که گوشت سنگ میخورد و دلیل که بیخ و بلا بدو رسد و اگر بیند که گوشت همد میخورد و دلیل که از مروی بزرگ و بزرگ شفقت یابد و اگر بیند
 که گوشت بامی میخورد و دلیل که از پادشاه و از راحت رسد و کاوش بیند گرد و اگر بیند که گوشت هزار و دسان میخورد و دلیل که مال
 زن یا فرزند با فلام او را شفقت رسد و اگر بیند که گوشت واشه میخورد و دلیل که از مال دشمن بخورد و اگر بیند که گوشت بوز میخورد و دلیل که از مال
 بخورد و جعفر صادق منی الله علیه گوید که گوشت جانوران و بدن بر چهار وجه بود یکی مال و دم و پیرانش سوم نوک و گری چهارم صیبت اندو
 گوشت این برین رحمت الله علیه گوید اگر کسی بز آب بیند که گوشتی و بیغنا و یاریده شد و دلیل که از اطلاق و د یا خوشترش میزد و این

سید

سید

سید

سید

سید

سید

که دیگر در میان هر خوابیدن محبت با جلالان بود که درین و در سایه ایشان ایستاد و در خواب و در میان بود که آنانی در میان
 دید که در میان که اهل کورستان را زیارت میکرد و دلیل که اهل اندک از زیارت کند و اگر میند که در کورستان باران بارید و دلیل که اهل کورستان را
 است از حق سمانه و قتالی بود مغربی رحمت الله علیه که بود اگر که میند که در کورستان میرفت و بر کور با سلام میکرد و دلیل که در کورستان
 او از مردمان که اهل کورستان جای مفسدان است و اگر میند که در کورستانی معروف بود و مردگان را که در کورستان بود
 و دلیل که اهل آن جایگاه و ارباب محنت رسد و اگر میند که در کورستان که در بازا میکرد و بعضی مرده و دیگر بعضی زنده و دلیل که درین
 ولایت محنت و تنگی بود و آنجا جوقه معاوضی یعنی الله علیه که بود که در کورستان در خواب بر سر نه و بعد بود یکی ازندان و دوم غم سوم
 محنت و بلا که در خواب نالی بود که محنت و بلا و پنج و شش حاصل کرد و اگر میند که با کوز بازی میکرد و با کوز در دست
 و دلیل که در جنگ و محنت بود که آنانی که کوز که در مغز آن نباشد و باشد دلیل که مال حرام بود و رسد بعد یکی و بسیار یکی
 مغز که در طبع خوش بود و مال حلال بود و رسد و اگر میند که در میکشت و دلیل که از روی عجبی مال گیر و مغربی رحمت الله علیه که بود که میند که
 و است و دلیل که در اجبک و خصوص مشافقت و اگر میند که کوز تلخ و ناخوش بود و دلیل که از روی کین سخن ناخوش شنود و اگر میند
 که از مغز که در سخن برین آورد و دلیل که از روی کین در محنت رسد که برین عجبی این برین رحمت الله علیه که بود که میند که در کورستان
 بود و او دلیل که سخن تعالی گیر و در محنت رسد و اگر میند که کوز بندی میزند و دلیل که سخن ایشان در است پندارد و بعضی از سخن ایشان
 که میند که در خواب بر روی و در آن کوز که میند که کوز بندی میزند و دلیل که سخن ایشان در است پندارد و بعضی از سخن ایشان
 میند که در افتاد و در آن دهنه باشد کوز بود یا این برین رحمت الله علیه که بود که در خواب صلاح و برین بود و در دهنش علم شرح
 میند که کوز بود و دلیل که در صفت را درین اختیار کند علم شریعت با مژده و کراتی رحمت الله علیه که بود که میند که کوز با سبزه
 و میزند و در بر و در صفت که در علم مکتب بکار نشود و از آن علم او را دیگر از آن صفت بود و اگر میند که کوز بود یا این که در دهنش از آن
 پس خدا و دلیل که از آن علم صفت اند و در دیگر از آن باشد و بعضی گویند که در کوز بود و دلیل که در علم شرح علم کوزی
 از مین این برین رحمت الله علیه که بود که میند که در خواب نالی بود که بکر و حلیت بدست آورد و اگر میند که کوزی پنهان بود
 که از آنجا و در بر و در حلیت خود در کانی مانده که از آن بدشوائی بر آید و بر چینه که کوزی در دراز و کار
 صبر بود و اگر میند که آن کوزی مانند سر را بود و دلیل که در از روی چیزی بر و کراتی رحمت الله علیه که بود که میند که کوزی یا چینی
 و دلیل که از بکر کسی که در حلیت سازد و اگر از آن کوزی آب بر و در آن کوزی که در حلیت چیزی بدست آورد و در آن
 معیشت کند و اگر میند که کوزی از بکر کسی دیگر بود و دلیل که آنکه گفتیم آنکس را باشد مغربی رحمت الله علیه که بود که میند که در
 کوزی افتاد و در و از آن برین نتوانست رفت و دلیل که در کازی ستور مانده باشد و از آن غلامی نیاید و اگر میند که در
 و دلیل که در سنگاری یا کوز یا این برین رحمت الله علیه که بود که کوز از سبزه و چین یا از سر بود و خواب غلام باشد و اگر
 سفالین نزد است و دلیل که او را کینتر که حاصل شده و بعد خوابی کوز و دیگر میند که کوز آب خورد و دلیل که با کینتر جمیع کند

و اگر میند که در دهکست دلیل که تیرش میرد مغربی رحمة الله علیه که در روز خواب آن نعمت باشد و اگر میند که در روز تیرین داشت
 و در مال خود سه ماهه و با و زن مال نعمت باشد و اگر میند که در روز سفید و شین یا قلعی داشت دلیل مال و نعمت باشد و اگر
 روز و آهین داشت دلیل مال بود اما کمتر بخره صادق رضی الله عنه که در دیدن که در روز خواب بر نه و چه بود که تیرین دوم خادم سوم
 تیرین چهارم فرام و دین پنجم صلاح تیر ششم عمر در از بنفتم مال ششم خیر در کشت تیر هفتم بر داشت قبل تیران و کوزه و آویز را در ده
 تا ویش بخواب تیر بزرگ را در ده و نه بود که در ساله این تیرین رحمة الله علیه که اگر کسی خواب میند که در ساله تیر فرار گشت با کسی
 بود دلیل که او را پسری آید و اگر میند که در ساله او بود دلیل که او را دختری آید و اگر میند که در ساله بخانه زد و برودست آمد دلیل که
 نه و دگر میند که در تیر رحمة الله علیه که در ساله او در منزل او آید آمد و شد و دیگر دلیل غم و اندوه بود و اگر میند که در ساله
 داشت و فرار گشت دلیل که او را پسری آید و اگر میند که بر پشت که در ساله سوار بود دلیل که با پادشاه و جمعی پیوند و از بزرگی یا بخت
 رحمة الله علیه که در ساله او می بود دلیل که فرزندش میرد و اگر در ساله وی ضایع شد دلیل که فرزند آن از وی مفارقت
 و اگر میند که در ساله داشت و از گشت می بخورد دلیل که میراث فرزند بخورد و استجیل داشت رحمة الله علیه که در ساله او میند که در ساله
 سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و ثروتمند بود و اگر میند که در ساله الحاق بود دلیل که میان بود و اگر در ساله وی فرزند
 بود و دلیل که فرزندش سندرست و نیک حال بود و اگر ضعیف و لاغر بود تا ویش بخلافین بود که سپید این تیرین رحمة الله علیه
 علیه که در سپند در خواب غنیمت بود و اگر میند که سپند بچه اند دلیل که بر گردوی بزرگ و هستری یا بد و اگر میند که در سپند آن
 بعضی سپند بعضی سیاه بود و دلیل که اگر در بعضی عرب باشند و بعضی غم و اگر میند که در سپند بسیار بجهت نه و دانسته که آن
 دوست دلیل که او مال بسیار حاصل آید و اگر میند که در سپند می برگردن گرفته بود دلیل که مرگ کسی برگردن گیرد و اگر میند که در
 که سپند پنجه بخورد دلیل که بقدر آن که در غنیمت باشد و اگر میند که گشت بریان کرده بخورد و دلیل غم و اندوه باشد و اگر میند
 که از هر خردون که سپند را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر آید و مال می بخورد که تیر رحمة الله علیه که در میند تیر شش فرار گشت
 با کسی بوی داد و دلیل که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر میند که تیر هفتم را کلو میرد و در کار دلیل
 که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر میند که تیر هفتم نشست و مطیع و فرمان بردار و بود و دلیل که تیر
 بزرگ حیره گرد و اگر میند که تیر هفتم بر وی غالب بود تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که سر و پای تیر هفتم شکست دلیل
 که بر آمد که ضعت کردیم غالب شود و اگر میند که سر و پای تیر هفتم دراز و قوی بود و دلیل که ایمن و قوی و توانا شود و اگر
 که تیر هفتم تیر هفتم دراز بود دلیل که بقدر آن مال نعمت زیاد شود و اگر میند که تیر هفتم بسیار حاصل شد و دانست که آن
 دوست دلیل که بقدر آن بر مرد فرغان دهد و ایشان را از یر دست خود گرداند و از ایشان مال نعمت بسیار یابد و بعضی میند
 که بعد از تیر هفتم او را سالی بزرگی و شرف یابد مغربی رحمة الله علیه که او همیشه در خواب تیر بزرگ می کرد و می بود و چنانکه
 حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصه داود علی نبینا و علیه السلام فرمود تو که تعالی ابرق هذا الخی که شمع و

چ

ک

چ

بجای

بجای

بجای

بجای

بجای

بجای

جدا شود و بعضی متبران گویند که اجلش نزدیک رسیده باشد و گویند که او که شد چنانکه هیچ شنبیدن نمی تواند و بعضی می گویند
 و دیانت او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوش در خواب بر پشت و چه بود یکی زن و دو دختر سوم و دستیار
 از قنبر بن جهم بر پشتش نهاده و چشم مال چشمه هشت ترس هم گوشوار و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که در خواب
 گوشوار داشت دلیل که از پیش آرایش و جمال افزون گردد و اگر میند که در خواب گوشوار دید که از آنی رحمة الله علیه گوید
 بیاموزد و عالم و دانشوار اگر میند که در خواب گوشوار دید که از آنی رحمة الله علیه گوید که علم و قرآن بیاموزد که از آنی رحمة الله علیه گوید
 این که هر دو گوشوار داشت دلیل که بزرگ یابد و اگر مردی زن خود را بیند که در حلقه در گوش داشت بآن زور و یکی از
 دلیل که زنا و عداوت و بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوشوار در خواب بر چهار و چه بود یکی فرزندان با جمال و یکی
 دوم آنکه غنیمت علم و قرآن سوم بزرگی چهارم غم و اندوه و بی طینت و او زن که شوکت آن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 بخواب بیند که در گوشش شد دلیل که او را مال خواسته حاصل آید خاصه که گوشش از خشت خام و گل بود و اگر کسی که در گوشش
 دلیل که مال برادرین و نصیبان بود و اگر میند که در گوشش بود یا در دلیل که از پادشاه مال و ملکند که از آنی رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 که گوشش از عراب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر میند که در گوشش داشت و آتش میزد و دلیل که پادشاه او را مصار و در آن جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن گوشش در خواب بر پشت و چه بود یکی نعمت و دو ولایت سوم مرتب چهارم دیانت است و جهم بن جهم بن جهم
 پادشاهی هفتم از سن ششم شادی و غمی بعد بدیدی و نیکوئی گوشش گوید و این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب
 و اندوه بود و دیدن گوشش و خوش و منفعت بود گوشش و انیال علیه السلام گوید که اگر کسی در خواب غم و اندوه بود و اگر گوشش
 شده بود و در کتاب چیزی پیش علم میخواند و دلیل که غم و اندوه گرفتار گردد و اگر گوشش از عداوت و مقبران گفته اند که
 خود گوشش بیند دلیل که کارش ضعیف شود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشش بریان کرد و پیش رو نشاند
 و میخورد دلیل که نژادی خیر بسیار یابد و آن گوشش با مقشام بسیار برسد که از آنی رحمة الله علیه گوید که گوشش خبر روی بنام گوشش
 بود و گوشش زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیر خوار است و بود دلیل که از مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که گوشش
 شیر میزد و دلیل که بوقت زادن سلامت بود گوید و انیال علیه السلام گوید اگر گوشش از جگر میبیند و او اندک آن که گوشش
 و دلیل که مردی بزرگوار و در دنیا و آخرت گیرد و اگر میند که گوشش از جای خود بر کند دلیل که مردی بزرگوار کند و اگر میند که گوشش
 کرد و دلیل که از مردی بزرگتر خواهد بود و اگر میند که بر بالای گوشش شد و دلیل که بزرگی و جواد یابد و بعضی از متبران گویند که اگر کسی
 بر بالای گوشش که همیشه دلیل که غم و اندوه بدور رسد اگر میند که گوشش از جای خود بر کند دلیل که بزرگی و جواد و انتقام شود و اگر میند که گوشش
 دلیل که از پادشاه حرمت یابد و محترمش شود و این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر میند که گوشش بر سر کسی نمازد میکند او را یا بکشت نمازد میکند او را
 و نیکو شود و محترمش شود و این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر گوشش از جای خود بر کند دلیل که بزرگی و جواد و انتقام شود و اگر میند که گوشش
 این بود و اگر میند که گوشش از جای خود بر کند دلیل که بزرگی و جواد و انتقام شود و اگر میند که گوشش از جای خود بر کند دلیل که بزرگی و جواد و انتقام شود

و اگر میند که در مودی ارکستان پادشاه با جوی بود و دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر میند که کوته بنید و بعد از آن قرار
 گرفت و دلیل که از مودی بزرگند انکار بخور شود و شفا یابد و اگر میند که در امیند که کوته کنن بر می آسان بود و دلیل که بزرگ و علی
 یابد و اگر میند که کوته از خاک بود و دلیل که در اجتمعی خنفس طبع باشد و اگر میند که بر کوته خفته بود و دلیل که اجلش فرساید باشد
 و اگر میند که بر کوته طور سینا بود و دلیل که پادشاه و بر روی اعتماد بود و مرداش حاصل آید و اگر میند که بر کوته عنایت بود و دلیل که نوکین
 و از کتا و پیشانی شود و اگر میند که بر کوته کنبان بود و دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر میند که بر کوته نامیکت بود و دلیل که او را
 بیم پاک باشد و اگر میند که بر کوته دلش تنگ باشد و دلیل که از پادشاه و از میند که بر کوته دشمن بود و دلیل که با بی
 اعتماد است و حجتی شده علیه که بر کوته میند که بر کوته خراب بود که در و سنگسار افتاده بود و به پشادی میرفت و میری انداخت دلیل که
 او را از پادشاه سنگسار بود و اگر میند که میان دو کوته و میرفت و میری انداخت دلیل که میان دو مرد بزرگ تو میند که در میان دو
 سواد می بود و در آن سرخ شده دلیل که اندا و پادشاه آگاه شود و اگر میند که از آن سرخ چیزی میرود و دلیل که از آن پادشاه عطا
 یابد و حقیقت معجز که بر کوته دلش بالای میرفت دلیل که بخیریت مودی بزرگن مشغول گرد و اگر میند که از کوته به ساسک میرفت
 و میرکت بجای می انداخت و او بر میرکت و بر کوته میند دلیل که با طاعتی جمع می کند و اگر میند که از کوته به ساسک میرفت و دلیل
 که خود را کسی بزرگ بند و از مودی خیر میمنت یابد و اگر میند که از کوته بزرگ و دلیل که مرداش بر نیاید و اگر میند که بر کوته مردانی از کس
 و اگر میند که در زبان بر سر کوته دلیل که مرداش از او حاصل شود و اگر میند که زبان او را کشت غلام بود و دلیل که بهر باشد
 و اگر از نس بود و باشد و اگر از نیرنج بود مرداش بر نیاید و اگر میند که بر سر کوته بلند نیاید و بود و دلیل که خاص و مقرب پادشاه و در
 مال بسیار یا به جعفر صفا و رضی الله عنه که در وین کوته و در خراب برج وجه بود یکی پادشاهی و دوم بر سر سوم نظر چهارم سینه
 پنجم ریشی بافتن گوهر این برین رحمت الله علیه که در وین گوهر کباب زن با جمال تو اگر بود و اگر میند که بر کوته داشت دلیل که
 دارد و ملاطی و در و اگر میند که بر سیه داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند که از آنی رحمت الله علیه که بر کوته میند که بر میرفت دلیل
 که در پیشان مشغول گرد و دلای کند و اگر میند که بعضی گوهر با سینه است و بعضی داشت دلیل که دلای و خزان و شیر و زنان
 سیه کند و معرق رحمت الله علیه که بر کوته سفید و در خراب سفید بود و اگر میند که بر کوته سفید داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صفا و
 رضی الله عنه که در وین گوهر بر خراب بر پشت وجه بود یکی آن دم علم خود فرموده و جعفر صفا و جعفر صفا و جعفر صفا و جعفر صفا و جعفر صفا
 ششم سینه معتمد خیر و برکت ششم کار شکر کردن و چون خداوند خواب خود نباشد و دلیل که پیشانی بود و کوته بر فروش در خراب نباشد
 علم و ملک بود که چه این برین رحمت الله علیه که اگر کسی بجای میند که در کوته با آن بود و دلیل که خیر و منفعت بودی رسد خاص
 که در مردم حاصل باشد و اگر خلاف این میند دلیل که شر و فقرت در و در سفری رحمت الله علیه که اگر میند که در کوته فراتر معتمد
 دلیل که نعم داده بودی رسد که یکس اگر کسی بجای میند که یکس که داشت یکی بود و دلیل که اندو گین شود و اگر میند که یکس که فراتر
 دلیل که نعم داده و صبر بود و اگر میند که یکس که داشت یکی داد و دلیل که نعم داده و بر ساد خود و در وین یکس که هیچ منفعت نباشد

و اگر میند که کوته از خاک بود و دلیل که در اجتمعی خنفس طبع باشد و اگر میند که بر کوته خفته بود و دلیل که اجلش فرساید باشد

و اگر میند که بر کوته طور سینا بود و دلیل که پادشاه و بر روی اعتماد بود و مرداش حاصل آید و اگر میند که بر کوته عنایت بود و دلیل که نوکین

و اگر میند که بر کوته کنبان بود و دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر میند که بر کوته نامیکت بود و دلیل که او را

حرف

و الله اعلم حرف اللام لباجه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لباجه چه خواب بین نکو می گوید و یا بینک بد بین بود
 که سبزه باشد و اگر میند که لباجه سمور یا سنجاب داشت دلیل که پناه مردی با دیانت بود و مخرب رحمة الله علیه گوید اگر میند
 که لباجه سبز داشت دلیل که او از مردی ویندار با امانت منفعتی رسد و اگر میند که لباجه سفید بود دلیل که از مردی
 تو انکار و انفعی رسد و اگر لباجه سرخ بود پوشیده دلیل که از مردی محاشرت بقدر بهای آن او را منفعت رسد
 لباجه در درشت دلیل که با گرد و آلودگی بپوشیده بود دلیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لباجه سیاه و شوره
 اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلافین بیند دلیل که مضرت و بجزرسی مایه استیصال اشفت حتم الله
 علیه که لباجه دیدار و نماز انقصان دین بود و نماز شادی بود و لباجه غنای مرد از او نماز نیک باشد خاصه
 سفید و رخ بود دلیل که خیر و نیکی بود و رنگ لباجه در خواب نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لباجه اگر برین نماز
 و مرد نماز نیک بود و لباجه در خواب بر چهار وجه بود یکی زمان و دوم امانت و داری سوم صلاح کار و چهارم خیر و منفعت
 لباس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که لباس بپایان بزرستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود
 اما ترس هم عظیم بود پس دلیل که بپوشیده بود دلیل که بپوشش خیر بود
 اگر تانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بزرگان میند که در بسیاری بود دلیل که کاش می شود و اگر بر بزرگان
 و اگر بر خود لباس بزرگان میند دلیل که بهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان میند دلیل که گناه میسازد و اگر میند که لباس
 سلاطین داشت دلیل که از او شاه خیر و منفعت یابد و اگر میند که لباس ملای پوشیده بود دلیل که از علم برده یابد و اگر
 صوفیان داشت دلیل که از دنیا دست بدارد و اگر میند که لباس فزاکران داشت دلیل که بجمع کردن مال برین بود و اگر میند که لباس
 درشت دلیل که در دنیا با نبال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میند لباس در خواب برینست و خبر بود یکی چون دکان دوم تو اگر کسی
 عرفه جا و چهارم منفعت عظیم عیش و شرم حل نکو بخت عمل خواهد لباس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لباس اگر
 ویدان و دلیل بر برادران جایات بود و لباس برین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از متحران گویند لب و رخا خیر است
 و ترابات بود و اگر میند که لب بالای وی باز نایل شد دلیل که مال می در زدن آید شود و لب برین بهتر است و دلیل که
 میند که لب بالای وی هر چه در دلیل که تر اطلاق دهد با زن و از پاک کند و اگر بر و لب فساد میند دلیل که او را عیب
 رسد از بهت مادر و پدر و نیز گویند که نماز بود و اگر لبای خود را در و مند میند دلیل که تکلیف نشود و اگر میند که لباس محسوس
 پوشیده بود چنانکه باز تراست که شود دلیل که کاش نبسته گردد و اگر تونی بر لب خود مالی سیاه میند دلیل که غرور و
 کرد و مغرانی است الله علیه گوید اگر میند که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد و دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه
 بچراک بود و اگر میند که لباس آسید بود و دلیل که مال می زیادت شود و اگر میند که لباس سرخ شد و دلیل که
 و اگر میند که لباس سبز یا سفید بود و دلیل که بسبب دوستان غم خورد و اگر میند که لباس سیاه و ضعیف

دلیل حالش بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا دلیل بر پیران بود و لب زیرین دلیل بر زخراش بود
 الحاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید الحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بیند که الحاف نمود داشت دلیل بر زن
 خواهد آمد اگر منده که الحاف نو بخرد دلیل بر کینه که دوستی و بخرد اگر بیند که الحاف او صنایع شد دلیل بر زن اطلاق دوم
 اگر الحاف دیده و دیگر کین بود دلیل بر عیالش بطله و نماز کار بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که الحاف
 زود است دلیل بر زنی و دست دارد و زانگر خواهد و اگر بیند که الحاف سغبه بود دلیل بر زنی تو اگر
 و پارسا او را بود و اگر بیند که الحاف سرخ بود دلیل بر زنی طرب را دوست دارد و اگر الحاف
 زود بود و لب بر زنی بیارگون باشد و اگر الحاف او ملون بود و دلیل بر زنی نشن مکاره و فریبند و
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید زدن الحاف در خواب چون نوبت برسد و بر بود و سبک زدن الحاف
 دوم و دختر و مشیره سوم لرزیدن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لرزش میسر
 دلیل بر که در امانت را بی ضعیف بود و اگر بیند که سروی میسر زید دلیل بر که او ماکش زبان رسد
 و اگر بیند که تقایش میسر زید و دلیل بر زنیست و آبشکی ندارد و اگر بیند که دستهای وی میسر
 دلیل بر که سبب نیست بود و اگر بیند که سید وی میسر زید دلیل بر سختی میسر شود که اندک بین شود و اگر بیند که شکم وی میسر زید دلیل
 بر زود وی که قوت او بود و پناه او بود و بی بوی رسد و اگر بیند که پیش میسر زید دلیل بر که در سفر نمی بوی رسد و اگر بیند که اندک
 میسر زید دلیل بر سبب مرادی که بی آن بود و بی سختی میسر زدن دلیل بر سلام گوید لرزیدن اندام در خواب ترس میسر
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهار
 مصرت بیماری لرزیدن چیزها ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزد و دلیل بر که در دنیا
 و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بیند که آفتاب و ماه لرزد و دلیل بر که پادشاه و اندام و اینج و مصرت سده و اگر بیند که ستارگان
 لرزد و دلیل بر که آشوب در نزدیکیان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین میسر زید و دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه
 دلیل بر که پادشاه و اندام را مصرت رسد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عرش میسر زید و دلیل بر فساد و بی و پستی ملک بود
 و اگر بیند که لوح و قلم میسر زید و دلیل بر بد حالی و بی اهل علم بود و اگر بیند که سفت آسمان لرزد و دلیل بر که عذاب خستیم باشد
 و نقالی بسبب فساد و بی اهل اندام بود و اگر بیند که ماه و آفتاب بر جبهت ستارگان میسر زید و دلیل بر جنگ و خصومت
 پادشاه و اندام بقتل و جز نجات بود و اگر بیند که گوشه کبابی پادشاه لرزد و دلیل بر که محنت و آفت بر اهل آن وضع پرسد و اگر
 بیند که تیغی لرزد و دلیل بر مصیبت و فساد بود و لشکر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لشکر در جاکاهی بود یا قرار
 دلیل بر اهل آن موضع را زدن می رسد و اگر لشکر که است و دلیل بر قوت و نصرت اندام که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود
 که لشکر از آن بود و اگر لشکر بی صلاح بود و دلیل بر ضعف و بی امان پادشاه و مردم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید

حاف
 حاف

حاف
 حاف

حاف

علیه که دیگر میندک گام بکست یا صنایع ته و لیل که شرف و بزرگی او نقصان نمود و اگر میندک گام بر سر داشت غنا بی پایان
 را باشد و لیل که روز در دوازده روز و اگر گام او توبه کند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسی که یکبار در یک سال توبه و گام در
 او اندیشد و مغفرتی رحمت الله علیه که دیگر گام در خواب بر سر نهد و نیکو بود که پوسته بفرمان خوابه باشد و بر سر سازا و نیکو نبود و اگر میندک
 که میندک در خواب با ارب و بزرگت باشد جعفر صادق رضی الله عنه که دیدین گام در خواب بر سر نهاده بود یکی شرف بزرگ
 بود و هر روز ده شتر سودا و بزرگت و گام فرزند در خواب در تکرار ای ولایت باشد لکن زوایان بر سر نهاده
 علیه که دیگر کسی خواب میندک کسی را لکند و لیل که از وی یا از خویشاوندی او از زبان رسد و اگر میندک که اسب را لکند و لیل که
 شرف و بزرگی او نقصان پیدا یابد و بعضی از متبرکان که میندک بفساد و شغل کرد و مغفرتی رحمت الله علیه که دیگر میندک که زانی و لکند
 و لیل که بسبب زانی و بگین شود و اگر میندک که پیروی لکند و لیل که دانش تلف نمود و اگر میندک که استر و لکند و لیل که در
 محشم او از زبان رسد و اگر میندک که خری و لکند و لیل که در غر او از زبان حضرت رسد و اگر میندک که کا و لکند و لیل که در
 او از زبان رسد جعفر صادق رضی الله عنه که دیگر لکند زوایان در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم حضرت سوم غم و اندوه چهار
 مناد و خیال ملک بر سر نهاده علیه که دیگر کسی خواب میندک که لکند و بشت لیل که کسی فرو یابد و خفت رسد و اگر
 که لکند و بشت و لیل که بامش و زانی و بیک ششگر کرد و اگر میندک که لکند و لیل که غمگین بود و اگر میندک که
 در دست و می بود و لیل که در میان دو کس صلح میوز کند و بیا بر سر نهاده علیه که دیگر لکند و خواب
 بوقت خور و اگر بوقت بخانه یا نام و لیل غم و اندوه و بولوح محفوظ باین سر نهاده علیه که دیگر لکند و محفوظ باین نام
 با امانت بود که مال خود را در راه حق تعالی صرف کند که زانی رحمت الله علیه که دیگر لکند و محفوظ باین نام علم و حکمت و قرآن باشد
 میندک که لکند و محفوظ باین نام که چاک و حقیر بود و لیل که حال می بدو و اگر میندک که بقل بر لوح محفوظ چیزی چیز بشت و لیل که کاشش و شکر کرد
 میندک که بر لوح محفوظ میرفت و لیل که او با پادشاهی بزرگ شغل افتاد و باین فرمان روا کرد و اگر میندک که نام وی بر لوح محفوظ
 بود و لیل که بامش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه که دیدین لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیادت دوم بر سر نهاده
 علم چهارم هدایت چهارم روانی ششم علم و حکمت و نهم بر سر نهاده علیه که دیگر کسی خواب میندک که لکند و لیل که در
 نهاد و لیل که از کسی سختی لطیف شود و اگر میندک که لکند و لیل که بعد از آن مال حاصل کند و اگر میندک که لکند و لیل که
 او سختی خوش گوید یا از پدر و کاری نیکو کند مغفرتی رحمت الله علیه که دیگر لکند و زوایان در خواب باین مال نعمت بود و اگر میندک که لکند و
 یا خود یا کسی بومی را و لیل که بعد از آن مال نعمت از مال او با جود خرج کند و اگر میندک که لکند و لیل که از وی بیکس نان
 رسد و اگر میندک که لکند و میندک که با زوایان آن نقصان مال بود و لکند و باین سر نهاده علیه که دیگر لکند و
 که لکند شده بود و لیل که کار با طلب کند و خبر و نه و مست و ضعیف بود و زوایان آن نذر و بعضی از متبرکان که میندک که لکند و
 لکند و حقیر میندک و لیل که بچشم مردمان خوار و حقیر کرد و زانی رحمت الله علیه که دیگر کسی خود را ملک میندک و لیل که در دین و دنیا

در وقت دوست بر نیاید و اگر بیند که خود با بد آنکس ساخت دلیل که از کسی بخت کار معیشت خرابش باری خواهد و اگر بیند
 تنگ شده بود و بد بعضا میرفت دلیل که از کسی باری خواهد که مردم بروی اعتماد نکنند و مراوش حاصل شود و اگر بیند که
 قصد خود را نلنگ ساخت دلیل که بظاہر بر کسی اعتماد کند و اعتقادش حقیقی نبود و مخرب رحمت الله علیه گوید اگر کسی
 خود را در بای نلنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت دلیل که لشکر که فتنی درویش و فاجر دور رسنه بود
 و اگر بیند که از بهر خاوی که در بای او رفته بود راست نیت او است و رفت دلیل که از لشکر انس این گرد و اگر بیند که از بهر
 بای وی خاوی بود و آسیده بود و خونی نلنگید دلیل که دشمن بروی حسد برود مال و جادوی زیادت شود و تعجیل اشاعت
 الله علیه گوید اگر نلنگ بخواب بیند که بای او درست شد چنانکه بنی نلنگید دلیل که کار ای بسته بروی کشاد و گرد و آسیده
 که نوسیده باشد بیا بد و کار دشمن نظام گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نلنگی در خواب سرخ وجه بود و کی استی در کار
 دوم نامزدی سوم درویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش و عشرت و خواب نه شکار خانه که اصلش تیرا بود و اگر
 و اگر بیند که در دست اویدی نو بزرگ بود دلیل که خدمتگارش با امانت بوده باشد و اگر لویدی کهنه و چرخین
 که حرکت بود تا بولیش بخلاف این بود و اگر بیند که لویدی نیقا و دشتکست دلیل که خدمتگارش بیسره و کراتی رحمت الله علیه
 گوید اگر بیند که لویدا و سوراخ شده بود دلیل که خدمتگارش بیار شود و اگر بیند که لوید پر از آب مانعی بود دلیل که خدمتگارش
 شفقت رسد و اگر بیند که لویدش بر خردی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و شفقت رسد و اگر بیند که لوید خود دلیل
 از خدمتگارش خیر و شفقت رسد لیمو این میرین رحمت الله علیه گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بوقت چون زود
 بود و دلیل باری و در در و پنج بود و چون سبز بود غم و اندوه کمتر باشد و در دیدن و خوردن لیمو خیر و شفقت بود و اگر
 احلم با اصواب حرف المیم ما را بن میرین رحمت الله علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه و پنهانی نزد او
 بیند که در خانه وی مار بود و دلیل بر دشمن خاکی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمن بیگانه بود و اگر بیند که با نلنگ
 و نیزه و میکرو دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بروی چپ و شده دلیل که بر دشمن ظفر ناید و اگر بیند که مار
 او را بگریزد دلیل که از دشمن حضرت باید و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت مار خرد
 دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر میزد و اگر بیند که مار را بدو پار و کرد دلیل که از دشمن او خود بستاند و اگر بیند
 که بر دو نیمه را گرفت دلیل که مال دشمن را بگریزد و اگر بیند که مار با وی بلفظ سخن گفت دلیل که بر صاحب کار پیاید
 که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بروی به تنه و زشتی سخن گفت دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر باری مزه و بیند
 و دلیل که سخن سبحان و تعالی شرواقت از وی بگردانی آنکه بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود و دلیل که جاده و بزرگ
 و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند که مار بر روی بزرگ و دلیل که دشمنی دیندار
 نماند بود و اگر بیند که مار سیاه و ماران بگریزد و دلیل که لشکر بی بود و اگر مار بی زود و دلیل بر دشمنی بیار کردن باشد

بیدار مینماید که گوشت و کباب خود و دلی که بقدر آن مان غنمت از غذا و مان باده و اگر مینماید کباب را بکشت و دلی که بکشت
 است نه در مینماید که بجز کبابیان بکشت و دلی که فرزندان و فرزندان غلامش یا بکشت و دلی که فرزندان و فرزندان غلامش
 تر مینماید که خایه کبابان یافت و دلی که در او خوشی آید یا مالی از غذا و مان حاصل کند مغربی رحمت الله علیه کند که کبابان در
 ملی با جمال برود و کبابیان سیاه بهتر از کبابیان ابقی بود و اگر مینماید که کبابیان در خانه وی همچون فردوس گنجشک و دلی که سخن خوش
 شود و اسمیل است رحمت الله علیه که در بخت کبابیان و در خواب بر سر نه برود و بختی زن با جمال دوم بکشت که سوم خادم ما میسر این
 سیرین رحمت الله علیه که در مایه خواب لیل بر پادوی کند که در ازان خیر و صواب حاصل شود و ما همیشه این سیرین رحمت الله علیه
 بود و ما بشاد خواب بکشت و یا بکشت و دلی که مرغ و دود و دین ما میشا خواب خیر نباشد ما در انبال علیه السلام که
 در خواب وزیر پادشاه بود و اگر مینماید که ما از آسمان فر گرفت با او افک خود و دلی که نزد یک پادشاه مشغول یا وزیر کرد
 و اگر مینماید که ما در جنگ نبرد و دلی که با وزیر خصوصت کند و اگر مینماید که بجا بجا و ما مقیم شد و دلی که وزیر پادشاه
 کرد و اگر مینماید که من ماه بسته و دلی که وزارت بیدار مینماید که ما از آسمان فر گرفت و نور و شمع داشت و تیر تیر که
 زود و دلی که انقباض بود و اگر مینماید که تیر و مار یک بود و یک پای خود نبود و دلی که وزیر پادشاه بکشتی محتاج وی می کرد و این سیرین
 رحمت الله علیه که در ماه و در خواب و دین پادشاه بود و خاصه که بدید بود و اگر مینماید که ما در نیم شد و دلی که وزیر پادشاه
 و اگر مینماید که ما بادی سخن گفت و دلی که مردم زوی غلام کنند و او خود خواندند اگر مینماید که ما بادی سخن گفت و دلی که در لایق
 اگر که دو ماه بیک در جنگ میکرد و دلی که در پادشاه و با همه بخت کنند و اگر مینماید که از آن دو ماه یکی میفتاد و باره و باره و نقص
 شد و دلی که از آن دو پادشاه یکی پادشاهی بخت مغربی رحمت الله علیه که در اگر مینماید که او در دست یا در کنار گرفته بود و دلی که
 من خود بود و اگر دلال بود و دلی که نوزن به من شب از و کمتر باشد و اگر ما بکشت می شد و دلی که زن اهل سر از او گذران
 و اگر ما بدید بود و دلی که از زن اهل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی میزد و دلی که شوهری برین صفت بخوابد و اگر
 که ما در روشن و پاکیزه بود و در خانه وی یافت و دلی که از زن خانه زن خواب و منفعت از و بیدار و اگر مینماید که تیری ما را بهر شان
 که پادشاه بر وزیر مغیر شود و اگر مینماید که ما مخف شد و بود و دلی که حال وزیر بد باشد و معزول گردد و اگرانی رحمت الله علیه
 اگر ما بدید و منور مینماید موضع خوش و نورش معانی خانه وی یافت و دلی که این آنخا از پادشاه و وزیر خیر و منفعت بینند
 و اگر ما بدید بود و دلی که بکشت و دلی که در اینج و اگر است حسد و اگر ما دلال از مطلع خوش بر آید لیکن نه با قول و نه درش نه با
 شد یا در کشت و دلی که او از فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ما دلال نه از موضع خود بر آید و دلی که از وی فرزندی آید
 کاری صعب افتد که مردم از آن خرم و دانه و باشد و بعضی از متجربان گفته اند که اگر کسی ماه و خواب مینماید و دلی که پادشاه
 بیدار و پسری آید و اگر نور ماه مینماید و دلی که آن پسر نازد کهانی بدید بود و اگر ما را بر جیند و دلی که عرش میانه بود و اگر ما را
 مینماید و دلی که بخت پادشاه یا وزیر شغل شود و اسمیل است رحمت الله علیه که در اگر مینماید که ما را بهر دست گرفت یا بکشت و دلی که

دلیل که فرزند می عالم و دانا و آید و اگر این خواب کسی از نزدیکان پادشاه بیند دلیل که او پادشاه شود و اگر بیند که ناله و آوازه
ستارگان فراگرفته همه بر سر و سیاه بود و دلیل که بیند خواب بگردد و اگر مصلح بود و در غم و اندوه افتاده باشد و اگر
در اوقات غمناک و در فقر صادق و صانع الله عزوجل که بدیدن ماه و در خواب بر بخت و عجب بود و یکی پادشاه دوم وزیر سوم نهم جهان
شش نهم شرف و جاه و ششم دست بهمن که کینه چشم غلام نهم کار باطل و نهم والی یا نهم عالم مسند و دوازدهم شتر بزرگ
سیزدهم در چهاردهم مادر یا نهم زن شانزدهم فرزند سیخته نهم خردگاری مایی و انبیا علی السلام گوید مایی در خواب
درد یا در کرم سهر بلا و سختی بود و در سهر و سهر یا ویش بخلاف این بود چون مایی تازه و بزرگ بسیار دید و دلیل بر مال غنیمت است
و اگر مایی خورد و میندغم و اندوه یا بدو اگر در شکم مایی سرور یا بد یافت دلیل که او در اسپری آید این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
خشت یا شور کسی بود یا دلیل که از پادشاه یا بزرگی او و حضرت رسد و اگر مایی شود خورد و دلیل که غلام بوی حضرت رسد و بعضی گویند
که مایی شود بریان کرده بیا و بل سفر و طلب علم یا صحبت مردی باشد و خوردن مایی خورد و خصوصیت باشد اگر بیند که چیزی
از غلام مایی چون خون در دستخوان و آنچه در شکم مایی باشد یافت دلیل که بعد از آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خود و اگر میند
که در دریا مایی گرفت و بزرگ بود و دلیل که از اهل کسی بخواهد که او را مال بسیار باشد مخری رحمة الله علیه گوید مایی تازه بزرگ
کرد و بخواب مال و نعمت باشد زیرا که مایی تازه و از جمله طعامهای بهشت است و بر خوان بود که از بهر عیسی علیه السلام آمد
و در و اندوه که تعالی قدنا انزل علیکنا آملایه غیر الله است و اگر بیند که از دانه مایی بیرون آمد و دلیل که سختی و دفع در کار کسی
و اگر مایی از قضیب وی بیرون آمد و دلیل که او از دشمنی آید و اگر زنی بیند که از دانه وی مایی بیرون آمد و دلیل که از دشمنی آید و اگر
بیند که از دانه مایی گرفت و دلیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یا بدو اگر بیند که مایی تازه خورد و دلیل که بعد از آن مال حاصل گشت
رحمة الله علیه که بدو اگر بیند که مایی خوردی میکرد و دلیل که او را کسان او از خیر و منفعت رسد و اگر بیند که مایی از خرمن از جوی میگذشت
و دلیل که از مردی عامه بگوید و حجت چیزی بشناود اگر بیند که مایان در یا یا او سخن در آمد و دلیل که از پادشاه آشکارا و در جنت
منش الله عزوجل که بدیدن مایی در خواب بر شش و عجب بود و یکی وزیر دوم لشکر سوم و خرد و شیر و چهارم غنیمت پنجم غم زاده و ششم که در
مایی خوار و این سیرین رحمة الله علیه گوید مایی خوار و در خواب این بود و اگر بیند که مایی خوار و را گرفت یا کسی بوی او دلیل
زن خوار و اگر بیند که مایی خوار و از دست وی سپرد یا ضایع شد و دلیل که در اطلاق و در و اگر بیند که گوشت مایی خوار و خورد
و دلیل که بعد از آن مال صرف کند مخری رحمة الله علیه گوید مایی خوار و بیا و بل غم زاده و باشد مبر و سوان باشد این سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مبر و می داشت و رنگت بدان میزد و دلیل که کاری مشکل بر وی گشاده گردد و خاصه که این ملک او باشد و اگر میند
که آسین و در شرف یا بگوید و از آنجا بخیری میزد و دلیل که کاری کند که در آن زبان و حضرت میند و بعضی گفته اند که سیر و سخن نهم باشد
و اگر بیند که مبر و او و شکست یا ضایع شد و دلیل که کاری طلب کند و بدست می با صلاخ نیا و مخری رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که کسی از آفتاب یا خورشید سیر و در شرف میگرد و دلیل که چیزی از وی بگذازد و می رسد یا شغل خاوش بسبب او یا از خاصه یا بد

چون

چون

چون

متعلقه این سیرین رحمة الله علیه که یک گزیند که مطر زود شد دلیل که از سفر او اخیر و شفقت رسد و اگر میند که ظهر کند و در
 روز او پیش غلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه که یک طیره و خواب بر سر او بود و یکی سفر دوم مال خود دزدی گمانی مشته
 سیرین رحمة الله علیه که یک گزیند که مشهوری یا وحشی مورخ میگردد دلیل که یک رحلت از وی چیزی بیستانه و بعضی این سیرین که
 که مقصود برین مایل شود و سفری رحمة الله علیه که یک گزیند که بشه اندام کسی یا سوخا میگردد دلیل که یک رحلت که کسی را در ج
 بحکام مجلس علم این سیرین رحمة الله علیه که یک گزیند که مجلس علم نشسته بود و عالم بر کسی خوان میخواند و تفسیر قرآن و اخبار و تفسیر
 سبغت دلیل که اگر آن مایکاو و عمارت حکم کند که خلاف سیرین غریبی رحمة الله علیه که یک گزیند که مجلس علم میگردد دلیل
 یک روز نیا شغول شود و از آن شادمان گردد و در آن خلاف این سیرین دلیل که عکس شود و اگر او در مجلس علم عالی بدید و بدو پیش
 چنانکه عقل از وی بر میسد دلیل که او یکبار سی پیش آید که در یکبار گرسنه و تیره شود و اسرا تمام آن بخیر بود مجلس شراب این سیرین
 رحمة الله علیه که یک گزیند که مجلس شراب بود و شراب نیز خورد دلیل که عباد و حرام شغول شود و اما عباد و اگر میند که مجلس شراب
 و جنگت بیفان بود دلیل که او را علم زاده باشد یا کسی خسرت کند چمنه عود مسود بود و شرح آن در حرف عین گفتیم
 محبزه این سیرین رحمة الله علیه که یک گزیند که در خواب میزد دلیل بی بی پاک دین و عالم بود و اگر میند که محبزه و شت دلیل که
 نهی عالمه بی زن کند و از او خبر و شفقت یا بدو اگر میند که محبزه و شکست یا صنایع شد دلیل که زشت محبزه و اگر زن ندارد و اگر بیست
 او یکی میر و جعفر صادق رضی الله عنه که یک گزیند که محبزه چیزی میخورد اگر آنچو زشت خوان یا ماهامی خلیفای باشد دلیل
 بر صانع و شفقت بود و اگر بخلاف این باشد دلیل بر ستر و ضا بود و محراب این سیرین رحمة الله علیه که یک گزیند که در محراب
 میگردد و دلیل که او از بغیر از صالح نیات بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در تفسیر مهر زکریا علیه السلام فرمود و قیام و قیام
 فی الخراب و الخراب و الخراب که نماز بوقت خویش گذارد و دلیل که او از فرزند ائمه علی بود و اگر میند که در محراب نشسته و دلیل
 که نماز نکند بر بود که مانی رحمة الله علیه که یک گزیند که محراب را عمارت میگردد دلیل که او از فرزند عالم را امام بود و بعضی گویند که مال
 خود را صرف کند جعفر صادق رضی الله عنه که یک گزیند که در محراب در خواب برنج و جو بود و یکی امام دوم پادشاه و سوم بنی عباس
 یحییٰ مباحی مردمان بود محنت این سیرین رحمة الله علیه که یک گزیند که محنت شده بود و برزیت زمان خود را بیدار است دلیل
 که بعد از آن او را ترس و هم افتد و عمارت و اگر میند که جامه زمان از تن بیرون کرد و جامه مردان بپوشید و کمال مردان با آن دلیل
 که ترس و میبارگی و بلا از وی نایل گردد و سفری رحمة الله علیه که یک گزیند که محالست با مقتضای داشت دلیل که بعضی از خندان
 کند و اگر میند که در میان ایشان او مقیم شود و دلیل که از صحبت مقصدان جدا شود و اما این سیرین رحمة الله علیه که یک گزیند که در
 محراب و دلیل که معیشت بروی فراخ شود و اگر میند که او از وی ضایع شده و از این خلاف این بود که از آن رحمة الله علیه که
 اگر میند که او در چهارم روی بیخت دلیل که او از زانی برسد و اگر برسد و هر سی یا جعفر صادق رضی الله عنه که یک گزیند که در
 در خواب بر چهار جو بود و یکی مستری دوم شمس و هم حدیث چهارم شادی مگر سپند و برده و ناصح باشد که میند که در زمان سید

دلیل که اورا شادی رسد و اگر چهارم و شفا و دیگر دشمن دارد و تر کند این سر برین حمله نشاند علیه که اگر بیند که مرد مراد پیدا و دلیل که در آن
 چند صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد اگر بیند که مرد مراد پیدا و بپند و بود و دلیل که او بخیر باشد
 و تبارک و تعالی پناه و باید گرفت و توبه باید کرد تا اورا از شر و فتنه بگشاید و در دینی آب نشاند بود و چون کسی شربت باری
 و قل آب ندی از خضیب او فرو آید این سر برین حمله نشاند علیه که بدین دمی در خواب شادی و خرمی بود و بپند آید و بد باشد
 مرد جهان این سر برین حمله نشاند علیه که مرد مراد در خواب فرزند بود اگر سر برین بود و ترزند خبر دوی بود و اگر مرد مراد با جواهرهای بسیار
 و دلیل که بعد از آن مال و نعمت حاصل کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرد مراد در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند آخر
 زینت سوم مال چهارم مال از بهجت خادم مرد و معروف این سر برین حمله نشاند علیه که اگر مردی معروف را خواب بیند و در
 همچنان بیند با هم نام او یا کسی که مانند باشد اگر مجول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد اگر پیری مجول بیند دلیل که بخت
 باشد و خیر و بزرگی باشد اگر جوانی بیند که پیش پدید شده بود و دلیل بر ریانت و استیلا دین وی بود اگر پیری معروف بیند که
 سوادش سیاه شده بود و پیش خلافین بود که در آن حمله نشاند علیه که اگر در خواب پیری را بیند دلیل بر زیادت و بخت و استیلا
 و در دین بود و اگر مردی جوان را بیند دلیل که بزرگی رحمت و کرامت رسد و اگر مردی ضعیف بیند که باوی سخن سر و بخت دلیل
 که با مردی باری صفت و خصوصیت فتنه بروی ظفر یا بد و اگر مردی بیند که کدک شده بود و دلیل که کاری بچل کند که او را هر مرد
 علامت کند و اگر مردی بیند که زن در اقصیب بر او چنگ که مردان را باشد و دلیل که او را پیری آید که در منزل است که در او اگر مردی
 که او را فرج بود و دلیل بر دل و خواری و بد حالی وی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین مرد در خواب و دلت و بخت بود
 مرد و مرد بدین مرد در آن مرد و حلیت چهره یا کرده بود مرد و اسنک این سر برین حمله نشاند علیه که مرد مراد اسنک در خواب یا در آن
 و اگر بیند که مراد اسنک مجاز و دلیل که بپار شود و چنانکه بپارک باشد و اگر بیند که مراد اسنک کسی بخشد یا بفروخت دلیل که بپار
 و بپاری بپار شود و مراد اسنک در بپاری داند و بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مراد اسنک در خواب بر سه وجه بود یکی
 دوم بپاری سوم عقوبت و شکوه مرد و در خواب و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که مرد مراد مردی دیگر بپند در بپاری
 دیگر داند یا بر استند و در کفن چپیدند یا بر جنازه نهادند و بگویند که در دنیا بخیر و دلیل بر پند و او در دین بود و اگر بیند که او را اگر
 سر بخشد و بیرون آورد و بعد از آن که در دین کرده بود و اگر بیند که او را در دین کرده و در دین از خاک بر کرده و مرد مراد از سر کرده
 باز کشند و دلیل که پیش بر کار صلاح نیاید و بعضی گویند اگر بیند که مرد مراد و در جنازه نهادند و حال جنازه اش بر داشتند و خلق
 بسیار از جنازه وی بر بپند و دلیل که شرف و بزرگی یا بد و فرمان و اگر او تا باریان نماند و اگر بیند که مرد مراد و در دین دلیل
 که گمانی که کرده بود از آن بزرگ و بعضی گویند که عشر در از باشد اگر بیند که کسی او را گفت که تو هرگز پیری دلیل که شهید و عز
 شود و اگر بیند که مردی بر وی گریست و از پس جنازه او کسی نبود و دلیل که آنچه از حاتم و خراب شده باشد بر کار از او
 نه شود و اگر در خواب خود را در میان بیند و او را تصور باشد که ویراسته است که او مرده است و دلیل که با مردان جا بل سفر

گنداب میرین مرشد علیه السلام که بر خرابی که بانه که حال می بنزد و کشتن اهل صلح میگویند است اگر مردگان مصالح و برادره السلام
 معیده اند و بادی سخنان نیکو میگفتند و گشاده روی بودند و دلیل که حال آدمی نزدیکت حق سبحانه و تعالی بگوید و اگر نزدیک
 مردگان بادی سخن ناخوش گفتند و روی از روی بگردانیدند و دلیل که حال آدمی نزدیکت باری تعالی بد باشد مغربی حق تعالی
 گوید مرگنا غناجات و در خواب دیدن دلیل بر محبت است و عذاب کافرو و اگر غناجات نبود و خدا وین بود و جبرینند
 که حال کنان خود است از میند عذاب و محبت محترم بود و اگر میند بود و کسی از دست و دلیل که تائب گردد و اگر میند که از جبرینان و روی خوش
 بر او میزنند و دلیل که بزرگ انان شهر و سفر غیر و کوفتی که گوید اگر میند که برود و از جبرینان و میند و غلبه و جبرینان و از جبرینان و دلیل که از جبرینان
 از جبرینان بزرگی یابد و اگر مرد و جبرینان و اگر برون بود و دلیل که بر مردم قدر و محترم بود و اگر میند که جبرینان و بیک بود و دلیل که با حق نیکو می کند و اگر میند که
 بر داشت و می بود و دلیل که مال حرام یابد و اگر میند که زنده و مرد و او را بر تخت خوانند و آن تخت برکت نهاد و دلیل
 که بجز محبت پادشاه و دو حازوی سخت و راحت یابد و اگر میند که مرد و زنده و دلیل که انشهر خراب گردد و اگر میند که
 با مرد و دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر میند که فرزندی ثامن او بود و دلیل که توانگر شود و دیگر میند که از دشمن این شود
 و اگر میند که در راه دوری بمیرد و دلیل که کازش شوریده شود و اگر زنی میند که آتین بود و مرد و مرد و روی میگردانند
 و دلیل که او ریسری آید و تمجیل است و حرمه الله علیه گوید اگر میند که مرده با و دیگر مرد و برکت گوید و دیگر میند که
 که از این است و می بخیر از زنی کند و شادی و خوشی بود و اگر میند که برکتی زمان و مردان فغان برود و شش و نور میگردانند و دلیل
 که این است و او اعظمی و او آدمی رسد و اگر زنی میند که مرد و او را بشنوند و جبرینان و میند و دلیل که سخن نیکو گوید و اگر میند که
 و میند که زنده و دلیل که بد باشد مرده زنده شدن که آنی حرمه الله علیه گوید اگر میند که مرده زنده شد و دلیل که حال آدمی
 است و شود و خاصه که مرده را شاد و گشاده روی میند و اگر زنده و مرده و میند و دلیل که حال بروی بد باشد خاصه که از جبرینان
 بود و اگر کسی میند بد خود را که مرده است زنده و خرم و گشاده روی و با جامه پاکیزه و میند و دلیل که دولت اقبالانی
 و کازش ساحت گزید و اگر را در زنده و میند و دلیل که از نعم فرج یابد و اگر زنی میند که پسری زنده شد و دلیل که فی مینان سفر مایه
 و اگر میند که مرده بکانه زنده شد و دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر میند که زنده و مرده و میند بخلاف این بود
 و اگر میند که مرده را زنده کرد و دلیل که کافر بدست می رسد و میند که مرده را زنده کرد و دلیل که مرده را زنده کرد و دلیل که مرده را زنده کرد
 و میند که با جامه های چاکین میند و دلیل که دولت و اقبال آدمی نقصان یابد و زیرا که در سرای حق است بهر صفت کسی مرد
 و خواب میند و دلیل که احوال زنده بود و اگر کسی بد بخورد یا بد و او را خورد و گشاده روی و با جامه های پاکیزه و میند و دلیل که
 بسیار یابد و اگر بر او خورد و بر بن صفت که گویم زنده و میند و دلیل که شرف و بزرگی و جاه و یا بد اگر بخلاف این میند و دلیل
 بخلاف این بود و اگر آنی حرمه الله علیه گوید اگر کسی مرده را و خواب دید و برسد که تو مرده گفت زنده بود و دلیل که سخن
 مرده نیکو دران جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی بخشنود و باشد و تعالی و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

بَلْ أَتَيْنَا بِعَذَابٍ يَلْمِزُونَ فَرَجَعْنَاهُمْ إِلَىٰ آلِهِمْ إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ
 گوید اگر میند که مرد و غم و شادمان بنمای خود و دوست لیل که صدقه و عابد و میرسد جعفر صادق صی الله عنه گوید اگر میند
 مرد و بنمای خوشیش در کنار گرفت دلیل که تندرست و سلامت بود و اقبال و دولت یابد و از آن مرد و از خیرستان او
 بود و عاده صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مرد و از اهل بیت خود شادمان باشد و دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و
 خرمی بود و اگر مرد و از شرعی و غمگین میند تا ویشین کلاصلین بود و اگر میند که مرد و از اهل بیت خود بر وی جست
 بدوی سناخه میکرد دلیل یاروی بگر و اندید دلیل که آنمزد و وصیت کرده باشد و وصیت او بجا نیامد و بد باشد
 میند که مرد و شاد و خندان بنویسند ی آمد دلیل که عاده صدقه بر وی رسیده است و اگر بخلاف این میند دلیل که در حق وی
 تقصیر کرده باشد و اگر میند که مرد و بدوی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد و اگر سخن بگفت با او و وصیت کرد و ویشین
 را اگر مرد و بدوی سخن از علم و حکمت گفت یا او را موعظه کرد و بپند داد و دلیل بر خیر و صلاح دین و داینت خداوند خواب بود و اگر
 را به تر و نیکو تر میند آنکه مرد و زندگانی بود و جامه پاکیزه داشت و دلیل که خانت که از ش خیر و سعادت بود و اگر بخلاف این میند
 دلیل که مرد و از عذاب خدا تعالی آیین باشد و عاقبت محمود بود و حاطه متبر که اگر میند که مرد و دست در گردن او و او در گردن
 گرفت دلیل که عمرش دراز بود و اگر میند که مرد و التفات نکرد و سخن بگفت دلیل که میند و از زبرد وی صدقه باید و او را بدیاری
 یا کند و اگر مرد و از شرعی و غمگین میند دلیل که تاسی و گمشدگی بود و اگر مرد و بخندید و باز نگر نیست دلیل که آن مرد و مسلمان نزد
 او اگر مرد و سیاه و میند دلیل که کافر مرد و باشد و در فعال فاعا لکذیر است و قوت و جوه هم کفر تم بعاد کما یکنم فاعا لک
 العذاب بما کنتم تحکمون و اگر مرد و در مانده و بجا میند دلیل که حال مرد و بد باشد و اسمعیل اشفت حنه باشد و اگر
 اگر میند که مرد و در نیاز بود و دلیل که آنمزد و زندگی مستغفار بسیار کرده باشد و مستحیران گفته اند که مرد و را بجای حاجت قراب است
 دلیل که میند خواب طاعت و نماز کامل باشد و اگر مرد و در جایگزین ندگ نماز کردی و در نماز و دلیل که یک و بی مرد و صلاح
 عاقبت زند بود و مرد و چیزی را و انیال علیه السلام گوید اگر میند که مرد و بر آنچه می از متاع دنیا و دلیل که از آنجا
 که امید ندارد چیزی بر وی رسد و اگر میند که مرد و چیزی را خوردنی و آشامیدنی بود و او بخورد و دلیل که روزی حلال یابد و اگر بخورد و آشامید
 بخلاف این بود و اگر میند که مرد و از جامه خود چیزی بر وی داد و در پوشید و دلیل که او را از مال نفس خرم و از دور رسد و اگر جامه پوشید
 و بچنان مرد و در پوشید و دلیل که از دنیا رحمت کن این سخن در جمله متد علیه گوید اگر میند که مرد و و جامه بسته و بد و او را از آنجا
 در پوشید و باز برین کرد و بر دم داد و دلیل که او هیچ زیان نبرد و بلکه مالش زیادت گردد و اگر میند که جامه خود و بر دم داد و گفت
 که جامه بد و زیاده پس از آنکه بهار دلیل که او را عزم و از دور رسد و اگر میند که مرد و جامه خود را بجا ریت بد و او و دیگر باره از وی
 طلب میکرد و دلیل که آن مرد و را که او را بد باشد و اگر مرد و جامه کند بد و او دلیل که خداوند خواب و ویشین گردد و اگر جامه نوبد که از
 دلیل که عزت و بزرگی یابد و اگر مرد و او را جامع کلام الله یا کتاب بخت و آنچه برین ماند و او دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر

از چه می دان

سید
ابو
احمد

سید
ابو
احمد

سید
ابو
احمد

مرد بامر میفرمشت دلیل که ایستاد که آن کرد و دیگر چیزی ببرد و بی بخت و قبول نکرد دلیل که او در حضرت و زبان رسیده بود و بیست
اینترین حجت الله علیه که اگر کسی مرده را بعد حال و نالیده و جیند دلیل که اگر در بار یکم در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند و اگر در
را بیاورند دلیل که او را از بین و ایا آن سوال کنند اگر مرده از دور و سر منباید دلیل که اگر بیکم در دنیا کرده باشد و از سوال
و بعضی گفته اند که تقییر که در حق باور و بد کرده است و از سوال کنند و اگر از دور و ندان می نالیده دلیل که از پیش که حق
سردم کرده باشد و از سوال کنند اگر از دور و چشم منباید دلیل که نظر بر حال مرده در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند و اگر در دنیا کرده باشد
سخن فتنه باشد و دنیا و داران سوال کنند که از دست منباید دلیل که در دنیا و حق ندان و برادران کرده باشد و از سوال کنند
و اگر از دور و منباید دلیل که بخور و دنیا و حق ندان کرده و بود و از سوال کنند که از دست منباید آنچه حق باور و بد کرده باشد
سوال کنند اگر از دور و عورت منباید دلیل که در دنیا و از ناله و فساد کرده باشد از وی سوال کنند اگر از دور و سر منباید دلیل که از دور
نویشان از سفر و حشر کرده باشد از وی سوال کنند اگر از دور و ساق و پایها منباید آنچه در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند
مجاامت کردن با مرده و حشر و صادق منی الله علیه گوید سهل است که اگر با مرده و مجامعت کنند
سعی از وی بیرون نیاید و جدا نشود و او را آن خواب بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شده تا و پیش پا بر
و اگر منباید که با مرده و مجامعت کرد دلیل که از اجائی که احسبند از او امیدش بر آید و اگر با او و خواهر که مرده بود و مجامعت
کرد و دلیل که از اجائی که احسبند از او امیدش بر آید و اگر با او و خواهر که مرده بود و مجامعت کرد و دلیل که مرده و خواهر
بدان مرده برسد و اگر منباید که با مرده که این حرمت بود مجامعت میکرد دلیل که از آن مرده و چیزی بوی رسیده و اگر مرده و
بشهرت برسد و دلیل که زن خوابد از او بر مرده و خیری کند یا او را بد عایا و کند و اگر با مرده و مجامعت کرد و دلیل که از آن
مرده چیزی بوی رسیده و او پس مرده و شدن که با منی حجت الله علیه گوید از پس مرده شدن دلیل که اگر مرده و با مرده
بود و او را و اگر منباید و اگر فاسق بود و او را و سیرت او گیرد و اگر ندان که مرده و مصلح بود یا مفسد و از وی میباید که مرده
نشود و عاقبت تخفایا به مغربی حجت الله علیه گوید اگر منباید که مرده و بر یا بانگ جواب و او و مرده را ندید و دلیل که از دنیا
زود برود و اگر منباید که پس مرده و سیرتی مجهول و رشد دلیل که بمری و اگر مرده را گفت که فلان وقت پیش من میخواست
که بیایم دلیل که در فلان وقت رحلت کند و تنگ مرده و مصلح و راست گوئی بود و باشد اگر منباید که مرده و او را سیرت
خواند و او را من نتوانست که دلیل بر وفات او بود و اگر منباید که مرده را بگیری خود خواند و او را سیرتی مرده و فرست دلیل
که با مرده و شفا یابد و اگر منباید که مرده و او را با باز بر دلیل که کس و معیشت او نیکو کرد و او را سیرت اشقت حجت الله علیه
گوید اگر کسی خود را در میان مردگان جیند دلیل که امر معروف و نهی منکر کند و از وی نشنود و اگر منباید که با مرده و دوستی گرفت
و دلیل که بسفر رود و در آن سفر دولت و اقبال و شادی و غم می یابد و اگر منباید که میان مردگان بود چنانکه از ایشان
کسی دیگر ندانده نبود و دلیل که با اگر چه میبایست که درین ایشان فساد بود و اگر منباید که او را سیرت چنانکه ایشان مرده

در خواب
بزرگوار

در خواب
بزرگوار

در خواب
بزرگوار

در خواب
بزرگوار

که بخشد و به بخت بود مرغ این سیرین همه نشد علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگوار بود و دلیل که بخشش آنجا طلب کند که
عظیم تر باشد و اگر چینه که ترخان بسیار در جایگاهی با یکدیگر میگردد و دلیل که این موضوع را غم و مصیبت است و در این که غایب مرغ
داشت و دلیل که او را فرزندی آید که آن را رحمت الله علیه گوید اگر چینه که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر چینه
که مرغ بدست او برود و دلیل که اندک و بگین شود و اگر چینه که باز بر پشت مرغ نهد و برود و دلیل که به آنس که به آن مرغ منسوب است
و در مصرفت رسد و اگر چینه که مرغی نازد گوشت از اندام وی برود و دلیل که مال او بزرگوار باشد و اگر چینه که گوشت از اندام خود میریزد
میش مرغ می افکند و دلیل که از مال فرزندش چیزی یکی بخشد و اگر چینه که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش روی افکند و دلیل که مال او
و با آنکه با دل بر مرغی دلیل که بر آنس که مرغ به و منسوب بود و این با دل بیان کرد و با مرغی رحمت الله علیه گوید مرغ در پیش
نخاس بود که غلام و کثیر که فروخته و تحصیل داشت رحمت الله علیه گوید اگر چینه که مرغ آن مختلف در شهری که داده و دلیل که
شکر می بیگانه در بار رسد و اگر چینه که مرغ چیتبای وی بر کند و دلیل که در دین او از کسی تپایی رسد و اگر چینه که خر و
میخورد و دلیل که بقدر آن نقصان آتش سه مرغ آبی این سیرین رحمت الله علیه گوید مرغ فانی در تفسیر بهتر از مرغ فانی و اگر
و اگر چینه که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بود و دلیل که مال غنمت و بزرگی با و و بجام دل برسد و اگر چینه که مرغ آبی بسیار در پیش
شد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و در غش و غلغله که آن را رحمت الله علیه گوید مرغ آبی مصیبت بود و اگر چینه که مرغ آبی خوش
یا کسی بود و دلیل که بقدر آن مال بزرگی با و استخوان وی به مال غنمت بود و مرغی رحمت الله علیه گوید اگر چینه که مرغ آبی
جانی می شد و دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر چینه که مرغ آبی را بگرفت یا کسی بود و دلیل که او را فرزندی آید که
مصدق یعنی نشد و گوید و بدین مرغ آبی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم بزرگی سوم در باست چهارم فراوانی و دلیل
که مرغ آبی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خواب را برین سبب است که هر که مرغ فانی در خواب چینه هر
مرا و که خواب بسیار در مردمان این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر چینه که مردمان بسیار جامه های پهن داشتند و دلیل که بر این مشهور
و پاک دینی وی بود و اگر چینه که مردمان جامه های سیاه و هر کین داشتند تا و ایشان بخلاف این بود و اگر چینه که جامه های پهن
و دلیل که مصیبت و اندوه بود و اگر چینه که جامه های نو و فراخ داشتند و دلیل که عیش و فراخی نمیشد بود و مرغ آبی را برین سیرین
نشد علیه گوید اگر کسی بچای مرغ آبی چینه که جوهر نباتهای او فتنه و دلیل که درین و اسلام او بود و اگر چینه که میان مرغ
بود و آن مرغ آری ملک او بود و بقدر مرغ آری بر اعتقاد و دین پاک وی باشد و اگر مرغ آری ملک و بزرگان بود و او را شکست
و دلیل که مصیبت و بانه گان باشد و اگر چینه که در مرغ آری خوش و حرم میکشید که عیش بروی فراخ شود و کار او بظاهر کار
و مرغ آری در خواب مردی بزرگوار بود و بقدر بزرگی و نیکی وی و اگر مرغ آری و پاکیزه چینه و دانه که ملک است و دلیل که او را
با مردی بزرگ چندی بود و او را وی خیر و شفقت پاد و اگر چینه که بوقت بهار در میان مرغ آری بود و خوش و حرم و بکار
در وی شکفته بود و وی آید در وی دوان بود و دلیل که مرگ وی باشد و او را بوقت بهار مرغ آری چینه باشد

[illegible]

سوم تا توانی و دشمنان چهارم ترس و بیم بقصد آن مسجد این سیرین رحمة الله علیه گوید مسجد ابدان بنا و علم و دی عالم بود که
 مردم نیز بکثرت او بسیار آید از بهر صلاح و حق تعالی در کلام قدیم فرموده قوله تعالی وَتَسْجُدُ لَكَ يَوْمَ تَكُونُ الْأَرْضُ كُلُّهَا لَكَ عِبَادَةً
 اگر بیند که مسجد بنا کرد و دلیل که از بهر سلامت جان خیر و نیکی کند امان او را بجز ثواب بجز یا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بجز
 و شرفیت بدارد و مغتری رحمة الله علیه گوید بنای مسجد در خواب نباد و زن خواستن بود و اگر بیند که مسجدی بنا کرد اگر نسیان تمام کرد
 طبل که زن حلال خواهد از زن و دیندار و پارسا بود و اگر بیند که چرخ مسجد گشت و دلیل که فرزندان اش میرند و اگر بیند که در مسجد جامع
 نشسته بود و بر سران و سبزی رسته بود و دلیل که بر وی مکه بنا بر نهد که در وی نیاست که آتی بجز رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی باور کند
 مسجد باز داشت و دلیل که آنکس بر وی ستم کند و اگر بیند که در مسجد نماز میگذارد و در پیش سوئی قبله بنویسد و او پیش در و اگر
 بیند که در مسجد دست و روی می شست و دلیل که مالی خویش در آن مسجد صرف کند و او شرف حاصلست و اگر بیند که مسجد دیر است
 و دلیل که عالمی میرد و احتمال شست رحمة الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب غایبش بود و جمع کردن در آن
 که در فضیلت باشد باز صلاح آمدن و نصیبت کردن اعدا چنانکه حق تعالی صلح ملازم فرموده قال الَّذِينَ هَلَبُوا عَلَى الْأَرْضِ
 لَتَنفَعَنَّ قُلُوبَهُمْ فَتَحِلَّ لَكُمْ الْأَرْضُ وَتَكُونَ لَكُمْ مَسْجِدًا وَتَكُونَ لَكُمْ مَسْجِدًا وَتَكُونَ لَكُمْ مَسْجِدًا وَتَكُونَ لَكُمْ مَسْجِدًا
 بدخوت حق خواند و اگر بیند که با قومی مسجد میرفت و دلیل که زنی ستیزگی برنی کند و اگر بیند که در مسجد جراحی بر او زشت و دلیل که او
 فرزندی صالح آید و اگر بیند که در مسجد که یا در مسجد مدینه و روم شد و دلیل که از بهر ترس این کرد و جعفر صادق رضی الله عنه
 حدیث گوید دیدن مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه و دوم قاضی سوم عالم چهارم رفیق پنجم امام ششم خطیب
 سیم نو زن و سیم مسجد سیم امیر و سیم خیر و برکت یازدهم زن خواستن و دوازدهم شکر کردن و اگر بیند که مسجد او بین
 می آید است و دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بیند که مسجدی اعمارت بکند و دلیل که بر دینی دین و ایمان وی بود و
 بیند که در مسجد شد و دلیل که از خوف الهی شود قوله تعالی وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا مسح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
 بیند که مسجد موزه بیکر و دلیل که او از فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند و مغتری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مسجد موزه
 بیکر و دلیل که بفرموده و در آن مغرور بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظم گردد و مسجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 روغن تازه بنا و دلیل که نعمت حلال بود و اگر بیند که مسجد فرا گرفت یا کسی بوی او و او از آن بخورد و دلیل که بعد از آن مال حلال
 یا بکر توانی رحمة الله علیه گوید مسجد جزون در خواب گویای رخت دادن بود و اگر مسجد که سپند در خواب بخورد و دلیل که او
 مال و نعمت حاصلست و مسجد کا و دلیل که آفتال بر وی مبارک باشد و بعد از آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسجد جائز و
 اگر شست و حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و آنچه گشت و وی حرام باشد و دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید مسجد در خواب و دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال و دوم گویای راست سوم علم و دانش چهارم محبت مسواک
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بجز مسجد که مسواک کرد و دلیل که مال بخرات خرج کند که در آن هیچ ثواب نباشد و اگر

زن و ده و اگر میند که میسقیایس در دریای مجمع شده مذوبات با خور و ذلیل که انی قیاس را با جمیع شود و به
 بتاراج میریزد و لیل که خراب کنند مسافری این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر خواب بیند که منادی گذشت و کلاش
 موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صلاح و پادشاه و و لیل بر خبر و بشارت کند سفری رحمت الله علیه گوید اگر میند
 مسافری بصلاح انجمنی کرد و لیل که خبر و صلاح یابد و اگر مسافری بخیر دنیاوی کرد و لیل که مراد انجمنی بیاید و اگر خبر
 و مسافری بد و تاملش بخلایقین بود و مسافری این سیرین رحمت الله علیه گوید مسافری در خواب مروی بود که مردمان را
 دین بخاند و اگر خواب بیند که مسافری و لیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام جمعی را و اگر میند که مسافری
 و خواب کرد و لیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مسافری از دنیا بروی و اگر انی رحمت الله علیه گوید
 در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در خواب میند که میند و لیل که بزرگی در آن کوچه برسد و اگر مسافری از آن کوچه
 لیل که از دست سلطان بود و اگر مسافری از دست خاتم بود و لیل که آن بزرگ از رحمت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مسافری
 از سنگ و اکثرت میند و لیل که آن مهنر پادشاه سگ بود و اگر مسافری از خواب میند و لیل که آن مهنر سگ بود و در آن جهت باشد و اگر
 مسافری بر سر سجده و لیل که آن مهنر عالم و فاضل بود و خلق با کجاری می شریعت خواند و اگر میند که مسافری مسجد افتاد و
 و لیل که از یکی بزرگان دین هلاک شود و میان خلق تشویش و پرالنگی افتد و اگر میند که میان شهر مسافری بود و لیل که
 کند و اگر میند که مسافری از مسافری بود و لیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر میند که مسافری از دنیا می رود و لیل که
 پادشاه دروغ زن و بیقول و قدار بود و اگر مسافری از دست بخت بود و لیل که پادشاه کرد و نکش و متکبر بود و اگر خواب بر مسافری
 آمد و میند و لیل که مقرب پادشاه شود و کارش نظام شود و اگر میند که بر مسافری طعام نهد و میند و لیل که در آن طعام
 بد یا بد سفری رحمت الله علیه گوید اگر میند که در مسافری بود و بانگ نماز میگفت و لیل که پادشاه خلق را عذبت کرد و اگر
 میند که در مسافری مسجد جامع بانگ نماز داد و لیل که عمارت و اگر میند که مسافری و بکشد و لیل که پادشاه بیمار گردد و اگر میند که
 پادشاه مسافری را بکشد و لیل که پادشاهی بیاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند و حق میا و در حق
 عذبت کرد و دین مسافری در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگ و سوم امام چهارم مؤذن منسبت سیرین
 رحمت الله علیه گوید مهنر در خواب سلطان اهل اسلام بود و خبره شرک و مهنر میند تا پیش بر سلطان کند و اگر خواب بیند که
 مهنر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل نبود و لیل که فرقه بیس یا کسی از ایشان و عالم شود و اگر میند که مهنر
 مسافری از سخن خلافت شریعت میگفت و لیل که در میان اهل اسلام بدید و بدی و بدعت رسو گردد و بدی و بدی و بدی و بدی
 برادر کنند و اگر پادشاهی میند که مهنر بود و آن مهنر بیفتد و بانگست و لیل که از پادشاهی مهنرول گردد و اگر کسی
 رحمت الله علیه گوید اگر میند که مهنر شد و خطبه تمام بخواند و مهنر و و اگر میند که از خطابت مهنرول گردد و اگر کسی
 ظالم و حکمت و علم در میان مردم میگفت و لیل که رسوا شود و زیر آن نماز علم خفتن و خطبه خواندن در میان مردمان رسوا شد

در خواب
 بیند که

و نقصان مال می بود مگر بنی حرمه الله علیه که در اگر بنید که مقدار می داشت دلیل که بقدر وقت آن مرغ را در بزرگی و نعمت و رحمت
رسد و اگر بنید که مقدار داشت و در در برابر مقدار که کند سائید دلیل که هر دو را از وی گرفته و رحمت رسد منی آبی بود که از وی نشو
ید و یا جان سیرین رحمت الله علیه که در بدین منی و خواب مالی بود که میاید و اما آن شاد شود و اگر بنید که بخت سبونی از آب منی
داشت دلیل که مالی بسیار میسازد اگر بنید که قنیه می منی بسیار بیرون آید دلیل که مالی بسیار که کسب غیش را میسازد اما بقدر
منی که مالی رحمت الله علیه که در اگر بنید که از قنیه می منی منی منی وقت دلیل که بقدر آن که بیگانه بدور رسد مگر بنی حرمه الله
علیه که در اگر بنید که منی از وی فرو آمد و دلیل که مالی با چنانکه با برتعالی خرد و جل فرمود و آن اخلاقه الا انسان من عظمه امشاج
تجبت الله علیه الخ جعفر صادق رضی الله عنه که در چینی در خواب بر جای دویده بود یکی فرزند دوم زنی و آن مال سوم نقصان مال
چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بنید که منی از وی بیرون آمد معتبرا با یک تفسیر بر زیوتی مال کند و اگر منی منی مال نقصان مال
بود محمد بن سیرین رحمت الله علیه که در اگر بنید که در محمد نشسته بود و خداوند خواب بنی از او محمد بود و دلیل که رحمت الله
و حدیث شعی می بود و از ترس و بیم این کرد و اگر بنید که از محمد میاید و اما ویش بخلاف این بود که مالی رحمت الله علیه که در اگر
بیت که در محمد نشسته بود و دلیل که زنی مهربان خوابه یا کثیر کی خبری خرد و بعضی معتبران گفته اند که محمد در خواب که
و خود مرقت بود کسی را که مرزاوار باشد و اگر آنکس مرزاوار باشد از زنان جامی مجلس بود و جعفر صادق رضی الله عنه که در محمد
در خواب دیدن بر پشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم میش سوم غم چهارم دولت پنجم مرقت ششم منی بهشت
کنیک بمریان ششم زن و دیدن محمد در ویشان را بر چهار وجه بود یکی زدن دوم جایگاه و تنگ سوم غم و اندوه
چهارم بیخ و غمت پنجم این سیرین رحمت الله علیه که در اگر بنید که بر گل مهر انگشتین بناد و دلیل که خداوند انگشتین بر منفعت
و بر بزرگی یا در اگر بنید که بر نامه مهر بناد و دلیل که معاینه چیزی در دور رسد و اگر بنید که پادشاه یا بزرگی انگشتین بود و دلیل که
و غیر نیز در سبب کن اگر مرزاوار بود دلیل که خزینه بوی سپاه و یا اگر مرزاوار خزانة پادشاهی نباشد و دلیل که از بزرگان یکی
مال خود و یا در اگر بنید که پادشاه مهر خود و یا در او و او سپرد و دلیل که از وی بزرگی و منزلت یا در اگر بنید که پادشاه
بر نامه مهر بناد و چنانکه رسم است و دلیل که زود ولایت یا در حاجت وی روا شود و جعفر صادق رضی الله عنه که در محمد
شناودن بر نامه و کیسه و آنچه بدین نام در بر پشت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم قوت وین سوم ریاست چهارم حقیقت
و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرقت بیننده خواب محضر و این سیرین رحمت
الله علیه که در اگر بنید که مهره یافت یا بخوبی یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر و قیمت آن مهره مال بدور رسد یا در او خدنگار
خاف شود و اگر بنید که مهره پاکیزه و سفید بود و دلیل که آن خدنگار و صلیح و پارسا بود و اگر بنید که سبز بنید و دلیل که خدنگار
سبک بود و بی بود و اگر زرد بود و دلیل که خدنگار بر شش بیاید چون باشد و اگر سباه بود و خدنگار شش سختی و بد خواب باشد
جعفر صادق رضی الله عنه که در دیدن مهر در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خدنگار سوم کنیک چهارم مال پنجم

سیرین

محمد

محمد

[illegible]

[illegible]

گرمی خود دوست شد دلیل که بعد برستی آن جاده و منزلت یاباد و اگر بیند که بی می بخفته و غمخوار شد دلیل که ترس و بیم عظمی در سر
تور دنیا را نمی بخشد اناناس بنگار و خدای منزلی رحمت الله علیه گوید پستی از می بخفته یا غمخوار نیز بقدر خردن بال نعمت که شود
و اگر بیند که می بخفته داشت و بنمای خود دلیل که نام و دم جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در میان می بخفته غرق شد دلیل
در خصومت پاک شود و اسمعیل اشعث رحمت الله علیه گوید اگر بیند که می بخفته میخورد و دلیل که مال حلال بگرام میبدل گرداند و اگر بیند
که می بخفته باب مسافری بود دلیل که مالی بدست آورد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و نیز گویند که مال از زنان بستاند و اگر بیند که
نخچه میبرد و خشت و دلیل که چیزی حرام فروشد مسیح ابن سیرین رحمت الله علیه گوید مسیح در خواب برادر بود و اگر بیند که مسیح در دود
زد و دلیل که برادرش در آنجا که مسیح ز مردمی فرار کرد و زیرا که دوا بر ساق ویل مرد باشد و اگر بیند که میخی بر پستی برست دلیل که برادر
بر روی چو نه و اگر بیند که مسیح بر پشت زد و دلیل که از پشت او فرزند می آید که پادشاه بود یا بشرف و بزرگی تمام برسد یا
شود که نام او در تمام عالم منتشر گردد و اگر آبی رحمت الله علیه گوید مسیح در خواب همه چیزی بزرگی و شرف و دین و دنیا بود و
بیند که میخی بر در خانه او زد و دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر بیند که مسیح از خانه خود بکند و جدا شد تا دیش بخلاف این
و اگر بیند که میخی از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن مرد و نوع بود یکی آنکه زن خواهد داشت
که مرد و اگر بیند که میخی در ستون یا در چوب زد و دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر بر درخت زد و قرار از دنیا طاعت
در آن که چه درست بود یا نه دلیل از آن درخت کند برستی یا بکحل یا ببطا و صحت عزیزی رحمت الله علیه گوید اگر مسیح از مسیح
یا از مس بود یا نه دلیل نیکو باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود و دلیل نیکوئی و قوت کند و اگر بیند که در دست وی مسیح آهن بود
دلیل که او فرزند می آید که شایسته پادشاه بود و اگر فرزند دارد و دلیل که حقتی او را علم و دانش روز می گرداند و اگر از ابل علم نشد
دلیل که ابل علم او دوست دارند و اگر بیند که مسیح در زمین یا سیب در زمین زد و دلیل که آنکس خود تو آنکه گرد و جعفر صادق می
الله بخشنده گرد و دین مسیح در خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند ستم و دوست چهارم زن خواستن میشد این چهار
رحمت الله علیه گوید پیش در خواب دینی بزرگوار بود و هیچ آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا نیز اندکی ذکر کنیم اگر بیند که بر زده
میشد نشسته بود و مطیع او بود و دلیل که نزد می بزرگ فرمای برادر او شود و اگر ماه میشد و جنگ بود و آن ز میشد بروی
پیر و گشت دلیل که خصم بروی غالب گردد و اگر بیند که شاهجای نزد میشد بزرگ و قوی گشته دلیل که آنکس قوی و توانمند شود
و اگر بیند که نزد میشد فرا گرفت یا کسی بود و دلیل که از مردی بزرگ مال نعمت یابد و اگر بیند که دست نزد میشد بخند و گشت
بدار و دلیل که بر شخصی غالب گردد و در مال وی بستاند و اگر بیند که نزد میشد از کشتن باندانید و دلیل که از غم برادر که آبی رحمت الله
علیه گوید اگر بیند که ماه میشد با وی جنگ کند دلیل که زنی با وی کرد و حلیت کند و اگر بیند که گشت ماه میشد از خانه وی بخاک می
شد و دلیل که زن وی پیش کسی دیگر مشغول گردد و جعفر صادق می گوید و دیدن نزد میشد در خواب بر شش وجه بود یکی
تمام دوم علیقه سوم بر چهارم بر شش پنجم مال بشتم فرزند میوه ابن سیرین رحمت الله علیه گوید بر سوه که ترش و شیرین بود و

که ناخن ازین مفتاد و نیک فدی از مال می صنایع شود و اگر بیند که ناخن مفتاد و دیگر باره برست و زیادت شد دلیل که کاروی نیک
 کرد و مال بسیار برستد کرد و اگر بیند که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود و دلیل بر مصیبت او بود و اگر بیند که ناخنهای
 چنان دراز شده بود که نیم شکستن دست دلیل بر باشد و اگر بیند که ناخنهای او بریده بود و منقبض گشته دلیل بر بیکاری
 باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود و دلیل بر صلاح و برین و دنیاوی وی بود و اگر بیند که ناخن
 راست میگرد و دلیل که مال بسیار باید و ناخنهای دوست را نیک نایل بود و بعضی از این گفته اند تاویل ناخنهای دست
 مایل که درون مال بود و از آن پایی هم مایل کردن مال بود اما در سفر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب
 و بد بود یکی قوت و توانائی دوم مقدار مردم و در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم سنده زادگان یا برادرزادگان
 ناخن پیرا بعضی مقراض بود و این نیز برین رحمه الله علیه گوید ناخن پیرا خواب مروی بود که قسمت کند اگر بیند که مروی سرچین
 پیرا برید یا ناخن پیرا جامه برید دلیل که این جمله نیک بود و اگر بیند که کسی ناخن پیرا بوسی را و یا بخوبی را برید اگر پیری را و دلیل که پسر
 آید و اگر دختر دارد و دخترش دیگرش بآید و اگر ناخن پیرا بود و همین دلیل بود که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی ناخن
 برید و یا بخوبی یا بیافت اگر کسی را و دلیل که کسی را و دیگر بخوبی یا بیاید و اگر ملکی دارد و ملکی دیگر حاصل کند و همه تاویل برین
 باشد از چندی که کجی باشد و دیگر حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید مقراض در خواب مروی نیک نام و نیک اصل باشد که با این
 و خوش کند و برین و دنیاوی وی زیادت کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پیرا در خواب برسته و بد بود
 یکی مرد و شمت کننده دوم مرد نیک اصل سوم دوست ناموافق ناریا برین نیز برین رحمه الله علیه گوید ناریا در خواب
 چون شیرین بود و بگوشت گوشت یا گوشت مرغان بخت بود و دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر گوشت گاو یا گوسفتی علیه السلام
 باشد دلیل بر غم و اندوه بود ناریا در مشک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در زمین ناریا در مشک است و دلیل
 که ایمن بخیر و مرضی و خوبی در اندام یا در مشک کرد و اگر بیند که ناریا در مشک از زمین بر کند تا ویش ناریا برین بود و تانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک
 السلام گوید ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک
 در خواب نیکو باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناریا در خواب ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک
 آن ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک
 بود و بعضی از متجربان گفته اند که ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک ناریا در مشک
 در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منازعت سوم فرزند چهارم منفعت بود و از مردمان ناطف ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناطف بسیار داشت و اندوی میخورد و دلیل که او را مال و نعمت بسیار بدست آید و خیر است
 و حسان بسیار کند مغربی رحمه الله علیه گوید ناطف انگبین و ناطف و شاپ لیل بر نعمت و مال بسیار بود و الا

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خوش نشسته بود و دلیل بر عیش و نوشش ترس و شکیک بود و اگر بیند که نامر بمریافت و بپادشاهی و ادولیل بر خیزد
 بود و اسماعیل است و حتمه الله علیه گوید اگر بیند که نامه از آسمان بدست آید و دلیل خیر و امیدواری بود و کارهای وی
 بدان حاجتی که خواهد و اگر بیند که سخنها می ناخوش نشسته بود و دلیل که کارهای او بر نیاید تا بخت و اقبال علیه السلام که بدو
 ناهنجاری بیاورد و در خوابش باشته و اگر مان پاکیزه و ناهنجار بود و دلیل که پیش ناخوش بود و اگر بیند که غنای فرید و بخت بد و دلیل چهر
 و منفعت بود و روزی فراخ از مال ملال بود و اگر بیند که غنای وی و دلیل که راحت بداند و سبب سزا و سیر و حتمه الله علیه
 گوید اگر بیند که در دست مان یافت و دلیل که از غم و اندوه برود و شادی و راحت یابد و اگر بیند که در جانی مجهول نیم مان یافت
 و دلیل که بیهوشی و غم و اندوه و اگر بیند که مان بیافت و نخواست خوردن و دلیل که اهلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که
 ناهنجاری بسیار بدست و میخورد و دلیل که قدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که مان گرم میخورد و دلیل که اندوهی بپرسد که فی مرتبه
 اهلش علیه گوید مان گرم خواب دیدن و دلیل عیش و راحت کند و مان حشمت بخلاف این بود و سبب خوردن و دلیل مقصد و تکلیف
 بود و مان گرم و پاکیزه خوردن و دلیل بر عقل و انصاف پادشاه بود و مان کا و در دلیل بر شکی عین و بر بر کادی بود و مان
 جوین خوردن و دلیل بر زهد و مع بود و مان برین دلیل بر سختی و جنگی کار نکند و مان عیس و مان با قلا و دلیل بر غم و اندوه
 کند و مفرقی حتمه الله علیه گوید اگر بیند که مان خشک میخورد و دلیل که روزی بروی فراخ گردد و بعضی گفته اند که خوردن شکم
 در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیند که مان کرده بر پیشانی او بچسبید و دلیل که درویش گردد و اسبیل شد و حتمه الله علیه گوید تا که
 مان برادر او مردم بزرگ و ثبات است و اگر سلطان یک مان خواب بدست و دلیل که عکس زیادت گردد و اگر بایر کان میزد و دلیل
 که اهلش زیادت شود و یک مان از یکدم تا هزار دم باشد بقدر شخص و اگر عیش بدست ضیاع و تماشای زیادت شود و اگر مال
 که در هیچ چیزی خواب دیدن بهتر از زمان نباشد زیرا که مان در خواب مال ملال بود که بیرون بدست آید و مان بخت و در خواب
 بتاویل کار کردن باشد و طلب محبت و تمایل کردن اندکان بزرگی حاصل کردن باشد و مال جنت صادق و ضعیف شد و اگر
 مان در خواب به چهار وجه بود یکی عیش و خوش دوم مال ملال سوم دلالت شهری چهارم خیر و برکت و اما که مان در خواب
 کسی بود که طلب مال کند و اگر بیند که مان باشد و دلیل که بسیار مال بخت و خصوصت جمع کند و بعضی از معبران گفته اند که اندک
 در مال و پادشاه عادل بود ناخود آید برین حتمه الله علیه گوید ناخود آید و دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که ناخود آید کسی را
 یا بیند اهلش دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و در دیدن و خوردن ناخود آید و هیچ منفعت نباشد بخیر غم و اندوه نا و مان این
 سیر برین حتمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بدست که بی تاوان آب از باها فرو می آید و دلیل که در مقام جنگ و خصوصت
 جز بخت نپدید آید و اگر بیند که باران نمی آید از نا و انا آب فرو می آید و دلیل که مردم آن موضع از نا و پادشاه و مصاد
 و رخ رسد و اگر بیند که ابر باران بود و از نا و انا آب فرو می آید و دلیل که از حق تعالی ملل علایق اهل آن موضع عیان است
 باشد مفرقی حتمه الله علیه گوید اگر بیند که نا و مان بر او خود نهاد و دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بیند که نا و مان خنجر

در خواب
 اگر بیند که نا و مان
 در خواب
 اگر بیند که نا و مان

پادشاه و غیره و شفقت یا جعفر صادق علیه السلام که پیشتر از او بود و در کتب و حدیث دوم مال نیست سوم مکرر حلیت
 چیزی می کند و چهارم مغزولی عمل غیبی این سیرن رحمة الله علیه گویند خواب لیل حرام بود که بچکان و خدمت بدست
 اگر میند که در غیبه غرق شد دلیل که در غنیمت عظیم افتاد اگر میند که در خانه و غیبه بسیار بود دلیل که بعد از آن از او بهائی و بدو شفقت رسد
 اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که خود دوست شد دلیل که خوبی و نترسی بدو رسد و اگر میند که غیبی را بر گران به خود دلیل که بعد از آن که
 خیزد و بدو بخت و خدمت کند و اگر میند که در جانی یا در روی غیبی گرفت و او در میان شما میگرد و دلیل که در غنیمت افتاد و اگر میند که بیایند
 در خدمت او بود و دیگر او پسند دلیل که نسبت به بخت و دنیا چنگ و خدمت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که غیبی باب ایشان
 بود و به خود دلیل که مالی بدست او افتاد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و اگر میند که غیبی بدو خدمت و دلیل که مال بر او بدو خوردن
 پسند و مالی با دلیل بر غزل بود جعفر صادق علیه السلام که غیبی که در غیب رسد و هر بود یکی ترویج پنهانی دوم مال حرام سوم نیست
 بیخوابی اگر میند که غیبی بسیار دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یا به مخاسی این سیرن رحمة الله علیه
 اگر میند که مخاسی میگرد و دلیل که سخنهای محال گوید و سوگند و بیخ و خور و مخاسی و خواب هیچ فایده نبود بخیر این سیرن رحمة الله علیه
 اگر میند که بخیر او را مطلع حرام شد دلیل که هنر و بزرگ شود و بعضی از سیران گویند که سالار و زوان شود و اگر میند که بخیر او را بدست
 نادرش خلاف این بود و اگر میند که بصورت بخیر شد دلیل که بدین شود و باطل از او مغزلی رحمة الله علیه گوید اگر میند که بخیر حمله یابد
 گرفت دلیل که بعد از بخیر او را از مردمی بیایانی بود و حلیت فایده رسد و اگر میند که گوشت بخیر می خورد و دلیل که از مال مردمی بیایانی بخیر میند
 و اگر میند که در میان بخیران می شود و از آن بخیران او را که در نزد دلیل که در میان مردمی بیایانی تمام سازد و از ایشان خبر و شفقت او را
 رسد و اگر بخلاف این پسند دلیل که او را که در خدمت رسد و اگر میند که بخیران با وی سخن میگویند و بر او مطلع شدند اگر از اهل علم و فضل بود
 دلیل که پیش پادشاه و مشرب گردد و مال یا بدو اگر جاهل بود دلیل که کار میند که در از آن که واجب آید بخیر و این سیرن رحمة الله علیه
 بخود و خواب خواب نرود و خواه خشک لیل بر قم فایده بود اگر کسی خواب میند که بخود و از کسی بدست و بخود و دلیل که نسبت کسی بدو رحم
 بر او بدو رسد و اگر میند که بخود کسی داد و اگر کسی بدست و بخود و تا پیشتر بخلاف این بود و اگر میند که بخود و بخود و داشت دلیل که در غم خواهد
 گرفتار شود و اگر میند که بخود و بخود و یا بخود و بخود و دلیل که غم و اندوهش کمتر بود و سیر و با حق این سیرن رحمة الله علیه
 اگر بخیر و با حق در خواب باطل و غریب دنیا بود و اگر کسی خواب میند که نزد وی با خشت و بخت غلبه کرد و دلیل که نسبت کاری
 باطل و غریب دنیا بر کسی غلبه کند اگر میند که اگر کسی بروی غالب آمد تا پیشتر بخلاف این بود و سیر و بان این سیرن رحمة الله علیه
 حلیه گوید اگر کسی خواب میند که بر زردبان بالا میزند و آن زردبان از او شکست بود و دلیل که بخیر و صلاح بود و دین وی زیادت
 و نیکو بود و رسد و اگر زردبان از شکست و اگه بود و دلیل که سنگدل و بی رحم بود و اگر از چوب بود و دلیل که بر صفت دین او بود
 و اگر میند که بر زردبان بالا شد اگر از خاکت باشد و دلیل که پادشاه شود و اگر از خاکت نباشد و دلیل که خیر و شفقت یابد و اگر میند
 که از زردبان زرد آمد و پیش بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که از زردبان زرد افتاد و دلیل که از جادو بزرگی یافت

حلیت
 بدست

بیخوابی
 مخاسی

بخیر
 بخود

بخود
 بخود

بخود
 بخود

برسد و اگر میند که نعل شتر داشت و خیل که از پا و شاه و مفتت یا بد و اگر میند که نعل خران داشت دلیل که بعد از آن مال از بزرگان مال
و اگر میند که نعل گدای میگردید و چهار یا بان خود و دلیل که سفر و دو نعلیندی کسی بود که میان مردم دوستی جوید نعلین این چنین
و حاشا الله علیه که چنانکه کسی که آن میند که در ال نعلین شکست دلیل که روزگاری در سفر با ند و اگر میند که نعلین او سوراخ داشت
و دلیل که بسبب کاری از سفر با ند و پنج کشه اگر میند که نعلین او سوراخ بود دلیل که سفرش از برای خیرت باشد و اگر میند که نعلین او
و در آن سبب از سفر با ند و دلیل که گسترش یا به سفری حرام الله علیه گوید اگر میند که نعلین او سیاه بود و دلیل که آن زن مالدار باشد و اگر
سرخ بود و زن معاشق و دو طرف دوست دارد و اگر میند که نعلین او سفید بود و دلیل که ایشان اهراسه و پاکیزه روی بود و اگر میند که
نعلین او طون در او این سفیدی که گفتیم از برای برخی روی بود و اگر میند که نعلین او از دست کاو بند و دلیل که آن زن
اهل عجم بود و اگر میند که نعلین او از دست اشر بود و دلیل که از اهل عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلین او سفید و در میان او
اعتیاد کنند و آن نعلین از دست چه بود و اگر از دست اشر بود و دلیل که زنش بیار شود و آن نعلین شست حرام الله علیه گوید و اگر میند که
نعلین او پدید میآید و دلیل که در جعفر صادق رضی الله عنه که در نعلین در خواب بر سر او بود و یکی سفر دوم زن مردم که نعلین او
پرو شد این بر سر حرام الله علیه که در نعلین در خواب غم و اندوه بود و اگر کسی خواب میند که در زمین ملک و اقتیاد بود و دلیل که در غم
و اندوه گرفتار شود و اگر میند که نعلین او سفید بود و دلیل که اندوهش بیشتر بود و اگر میند که نعلین او سفید بود و دلیل که خداوند چیز
را غم و اندوه بود و اگر میند که نعلین او سفید بود و دلیل که در غم و اندوه غلامی یا به نعلت این بر سر حرام الله علیه
گویند نعلت در خواب زنی با بکار بود و اگر کسی خواب میند که نعلت در غم و اندوه بود و دلیل که زنی با بکار جوش و بعضی استخوان گشته اند
چیزی حرام خود و اگر میند که نعلت بسیار داشت و دلیل که مال حرام هیچ کند سفری حرام الله علیه که نعلت در خواب بر سر و در
بسی از آن با بکار دوم مرد و نماز خوان سیم مال حرام بفرین این بر سر حرام الله علیه که اگر کسی خواب میند که بر ظالی نفرین میکرد
و دلیل که بر آن ظالم نظر بود و اگر میند که او ظالم بود و ظلم او را نفرین کرد و او پیش بخلاف این بود که آنی حرام الله علیه گوید و اگر میند
که بناحق میگفتی را نفرین میکرد و دلیل که بر کسی ظلم کند سفری حرام الله علیه گوید و اگر میند که مرد و یا بناحق نفرین کرد و دلیل که بناحق
باشد و بعضی استخوان گزند که نفرین بناحق و خواب بخدا و خواب باز کرد و اگر نفرین بچنان کند و او پیش بر آگس باشد
که او را نفرین کند و مرد و مصلح را زودتر از نعلت از مصلح و مصلح اگر نفرین بچنان کند و مصلح از کار و نفاق و خواب عالم
و زان و حکیم در دیر اگر اختیار کنند هر چه نیست بهترین باشد این بر سر حرام الله علیه گوید و اگر میند که کسی دیدن و مصلح نفاق
شد دلیل که او خود را و فرزان حاصل کند و اگر از اسکا زود بود و دلیل که از بهر خوش و شرف و بزرگی حاصل کند و مال بسیار
کند سفری حرام الله علیه که در نفاق و خواب مرد و فاضل و متمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مصلح جعفر
رضی الله عنه که در نفاق و خواب مرد و جبار بود و جباری مرد و او را دوم حکیم سوم خود مند چهارم در باند و کار فقر و دلیل که
آواکند این بر سر حرام الله علیه گوید و اگر کسی خواب میند که فقر و از کار خود گرفت دلیل که از انبوه و ولایت که او بود و از آن

بر این صید که دارد بر آید و اگر میند که فزیده شام میگردد و دلیل ایشان عیال خود معاند کند و ایشان ساود و خر که در دو اگر میند که کشت
سبک از دو دلیل که بسپرد و دو اگر چنانی میند ما نیز شد و دو اگر میند که بی فتنه نماز میگردد و دلیل که پارس شود و اگر میند که فزیده شام
سبک از دو دلیل که این شود و در دشمن نظر بدو اگر میند که در باغ نماز میگردد و دلیل که از گناه و توبه کند و اگر میند که کشتیها تا بکشد
و دلیل که در پیش گذارد و شود و اگر میند که بجای نمازی نبود و نماز گذارد و دلیل که مضنه و دیگر که دارد باشد و اگر میند که نماز گذارد و روی
بصحرانند و دلیل که زیارت تربت بارگ حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بکنند و اگر میند که در کعبه نماز گذارد و دلیل که پیش از غروب
بنظام شود چنانکه خاطر وی خواهد و اگر میند که بعد از نماز سجده کرد و دلیل که بر روی بزرگ و در محشم خلفه باید و بر روی مسلط شود
و اگر میند که بخیر خدا تعالی کسی را سجده کرد و دلیل که مرادش حاصل شود و اگر میند که بر سر دیواری سجده میکرد و دلیل که باو از
بزرگان رنج و خواری رسد و اگر میند که نماز میگردد و دو همچنین بخیر و دلیل که با عیال خود نزدیک کند و اگر میند که در نماز تجویات
نشسته بود و دلیل که از غم فرج یابد و دعا پیش بر آید و اگر میند که سلام نماز اول بپست چپ داد و دلیل که احوالش شود و پیش
و اگر میند که نماز نشسته میگردد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی گویند فتنه می گوید که نادی می پذیرد و اگر میند که در نماز خود را دعا کرد
و دلیل که در نماز آید و در نماز نادی و بده نداء اخفیا اگر میند که در تاجی نماز گذارد و دلیل که از نماز فرج یابد و اگر میند که نماز
شست میگردد و دلیل که از هر زیسته این گزید و در وقت بزرگی و در نماز نادی یابد و اگر میند که نماز بر پله می سبکزد و دلیل که بر آید
و اگر میند که نماز جمعه میگردد و دلیل که در سفر و روزی محال یابد و اگر میند که در بیت المقدس نماز میگردد و دلیل که میراث یابد و روزی
بر روی فراخ گردد و اگر میند که در کعبه نماز میگردد و یا در امام کعبه دلیل که روی کعبه آورد و عاقبت کاشن کعبه گردد و عاقبت عتبه رحمة الله
که نماز گذارد و در خواب بر سته و بعد بود و یکی فزیده دوم سنگ قطع و اگر میند که نماز فزیده میگردد و دلیل که حق سبحانه و تعالی جل و علا
در چرخ روزی گرداند و از فرشتگان بشارت دهد و قول فعال اِنَّ الصَّالٰوةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَاۃِ وَالْمُنْكَرِ و اگر میند که نماز نشسته میگردد
و دلیل که صبر کردن کار آید و شکار شدن نام تکبر و شفقت بر خلق بود و اگر میند که نماز قطع میگردد و دلیل که از نامی در شتر عیال
دستی کردن در کار نامی و درستان و در وقت کردن با کسی بود و اگر میند که رستور نماز میگردد و دلیل که از راهی عظیم رسد و اگر میند
که در کار و خانه یا دو کالی نماز میگردد و دلیل که حق تعالی کار و کسب بزرگ کند و اگر میند که نماز گذارد و دلیل که کار وی هیچ گردد و خانه
او غنیانی بود که در کعبه و سجود در خواب بخیرت با نیتش از غم میل تقرب بود و قول فعال کَلَّا لَا تَتْلُوَ هٰذَا وَلَا تَنْتَظِرُ
و معجزان گفتند که اگر میند که در نماز کعبه کرد و دلیل که نکره مال نگیرد و اگر میند که نماز بجای آید و دلیل که بر زمین بارگ و تمام عسارت و چرخ
گرداند و دعای او مستجاب کند و بر روی رحمت کند و جعفر صادق عفی الله عنه گوید نماز گذاردن در خواب بر پشت و بعد بود و یکی
تا دو م شادی سوم خواب چهارم مرتبت پنجم رستگاری ششم مراد یافتن هفتم نقصان و رختها و هر که که در کعبه و سجود در خواب پنجم
بود و یکی مراد یافتن دوم دولت سوم نصرت چهارم ظفر یافتن پنجم امر حق تعالی ای آمون قوله قَالَا يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ آمَنُوا أَوْ لَا هُمْ
و اعبدوا و انکم و افعلوا الخیرات لکنکم فی تقلعون و اگر میند که بر مرده نماز گذارد و دلیل که او را دعا و ثنا گوید و اگر میند که نماز

در خواب غم و اندوه بود و گویید نشاء داشت دلیل غمگین گردید و اگر میند که نشاء در میزد و دلیل غم و اندوه و مسرت بود و غیره و مسرت ازین بر سر
بیاگر کسی خواب میند که نبرد مسرت از آن شد که در میزد و دلیل بر نیکی فی الحال و در دنیا و آخرت بود اگر مسرت بود و اگر مسرت میند
و پیش بکلافین باشد نیزه این بر سرین گویا اگر کسی خواب میند که نیزه و سلاح دیگر داشت دلیل بر نبرد گویا که مرانی یا بدینا که در
لا بیضا فرانش و اگر دو و اگر میند که نیزه بر سرین و هیچ سلاحی نداشت دلیل که در آفرندی یا بر آدمی آمد و اگر میند که نیزه و شمشیر
و بر آتش میزد و اگر میند که نیزه او کسی بر و دلیل که کاروی دشوار گرد و اگر میند که کسی در آفرند و دشواری که دلیل که غیبت مردم گوید نیزه
در خواب دلیل قوت و خطر یافتن بر مردم بود و اگر میند که سر نیزه در دست داشت دلیل که او با مردمی خویش نیکو که موجب افتخار و آردی
نیزه و منفعت یا چه چیز صادق می باشد که نیزه در خواب بر سرین و چه بود یکی قوت دوم سفر ستود و لایت چهارم زن غم فرزند شمر
بنی و ستم زانانی است و نیزه در خواب بر روی بود که با مردمی بدی کند و از دشواری هر کس قوت رسد و غشاق
بن بر سرین بهتر است و اگر کسی خواب میند که می نشست یا کسی روی می نشست دلیل که دانش یا مروت و اگر میند که چیزی می نشست
بر سر و دنیا بود و اگر میند که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می نشست دلیل خیر و صلاح بود و اگر چیزی را در خواب غم می نشست
بر سر و بود و پیش که بر سرین همه اندیشه گوید اگر میند که نیکو سبک دلیل که کاری مشغول گرد و که در آن کار در اندک سبکین گفتگوی
نصرت باشد اگر میند که نیکو کسی داد و دلیل که از گفتگوی غلامی یا بدینیکو کردن این بر سرین و همه اندیشه گوید بنگی کردن در خانه نشاء
و نیزه گویا در دین بود و بدان قدر که نمی کند رستگاری یا در عذاب آخرت خاصه که نمومن و با رسا بود که تانی همه اندیشه گوید و اگر
میند که با مردمی نیکی کرد و او را دوست داشت دلیل که در همه کارها ناسپس بود و در تعلق و لا قنوا الفضل بسبب که ان الله بما
تعملون بصیر اگر میند که نیکی با اهل شرک کرد و دلیل که مال خود تصرف و هر یک سبب که حاجت بر آید و در جهانی مملکت و دلیل این بر سرین
و در بدین دلیل در خواب غم و اندوه بود و اگر میند که نیل داشت دلیل که بعد از آن از غم و اندوه بود و اگر میند که نیل کسی داد و از دشواری نشاء
شد دلیل که از غم و اندوه رسته گرد و اگر میند که جامه خود را میند که گشت کرد و بود و دلیل که از غم و اندوه رسد و دلیل بر مصیبت از سبب
خویشان و در دستان بود و اگر میند که نیل مسود و دلیل که در دنیا یافتی بوی رسد نیلو و فرات بر سرین همه اندیشه گوید اگر کسی خواب نیل
گویی خود بوقت خود درخت میند دلیل که از کسی چیزی بوی رسد یا در آفرندی مصالح آید و چون از درخت جدا بود و دلیل غم و اندوه بود
را تانی که گوید اگر زنی میند که نیل فرزند درخت شکست و بنگام داد و دلیل که تلاشگر بر زود و اگر میند که دوستی و شنه نیل فرزند داد و دلیل که برین
نشان جدایی افتد از آتیال علیه السلام گوید درخت نیلو و در خواب و دلیل که نیکو بود که از وی و از زبان رسد حرف الو او و آتش
این بر سرین همه اندیشه گوید چون و نشاء و طبع و فرمان بر و از خود میند که از دست برود و بگفت کند او را با ناید و دلیل که مال جهان بود
و نزلت خداوندش بود و اگر میند که با شنه سبید و پاکیزه بود که بر و متش نشاء بود و طبع او بود و دلیل که از روی بزرگ قدر و جاد و نشاء
بود و اگر میند که با شنه بر سر و رسته در دست وی باشد و دلیل که قدر و نشاء نشاء بود و در سفری حج گوید باشد و در خواب با دشمنان را مکتب
بزرگ گویا بود و نو اگر از مال باشد و در دنیا از فرزند بود و اگر میند که با شنه در دستش نیفا و در بر او صاحب خواب با شاه بود و دلیل که

در خواب غم و اندوه بود و گویید نشاء داشت دلیل غمگین گردید و اگر میند که نشاء در میزد و دلیل غم و اندوه و مسرت بود و غیره و مسرت ازین بر سر
بیاگر کسی خواب میند که نبرد مسرت از آن شد که در میزد و دلیل بر نیکی فی الحال و در دنیا و آخرت بود اگر مسرت بود و اگر مسرت میند
و پیش بکلافین باشد نیزه این بر سرین گویا اگر کسی خواب میند که نیزه و سلاح دیگر داشت دلیل بر نبرد گویا که مرانی یا بدینا که در
لا بیضا فرانش و اگر دو و اگر میند که نیزه بر سرین و هیچ سلاحی نداشت دلیل که در آفرندی یا بر آدمی آمد و اگر میند که نیزه و شمشیر
و بر آتش میزد و اگر میند که نیزه او کسی بر و دلیل که کاروی دشوار گرد و اگر میند که کسی در آفرند و دشواری که دلیل که غیبت مردم گوید نیزه
در خواب دلیل قوت و خطر یافتن بر مردم بود و اگر میند که سر نیزه در دست داشت دلیل که او با مردمی خویش نیکو که موجب افتخار و آردی
نیزه و منفعت یا چه چیز صادق می باشد که نیزه در خواب بر سرین و چه بود یکی قوت دوم سفر ستود و لایت چهارم زن غم فرزند شمر
بنی و ستم زانانی است و نیزه در خواب بر روی بود که با مردمی بدی کند و از دشواری هر کس قوت رسد و غشاق
بن بر سرین بهتر است و اگر کسی خواب میند که می نشست یا کسی روی می نشست دلیل که دانش یا مروت و اگر میند که چیزی می نشست
بر سر و دنیا بود و اگر میند که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می نشست دلیل خیر و صلاح بود و اگر چیزی را در خواب غم می نشست
بر سر و بود و پیش که بر سرین همه اندیشه گوید اگر میند که نیکو سبک دلیل که کاری مشغول گرد و که در آن کار در اندک سبکین گفتگوی
نصرت باشد اگر میند که نیکو کسی داد و دلیل که از گفتگوی غلامی یا بدینیکو کردن این بر سرین و همه اندیشه گوید بنگی کردن در خانه نشاء
و نیزه گویا در دین بود و بدان قدر که نمی کند رستگاری یا در عذاب آخرت خاصه که نمومن و با رسا بود که تانی همه اندیشه گوید و اگر
میند که با مردمی نیکی کرد و او را دوست داشت دلیل که در همه کارها ناسپس بود و در تعلق و لا قنوا الفضل بسبب که ان الله بما
تعملون بصیر اگر میند که نیکی با اهل شرک کرد و دلیل که مال خود تصرف و هر یک سبب که حاجت بر آید و در جهانی مملکت و دلیل این بر سرین
و در بدین دلیل در خواب غم و اندوه بود و اگر میند که نیل داشت دلیل که بعد از آن از غم و اندوه بود و اگر میند که نیل کسی داد و از دشواری نشاء
شد دلیل که از غم و اندوه رسته گرد و اگر میند که جامه خود را میند که گشت کرد و بود و دلیل که از غم و اندوه رسد و دلیل بر مصیبت از سبب
خویشان و در دستان بود و اگر میند که نیل مسود و دلیل که در دنیا یافتی بوی رسد نیلو و فرات بر سرین همه اندیشه گوید اگر کسی خواب نیل
گویی خود بوقت خود درخت میند دلیل که از کسی چیزی بوی رسد یا در آفرندی مصالح آید و چون از درخت جدا بود و دلیل غم و اندوه بود
را تانی که گوید اگر زنی میند که نیل فرزند درخت شکست و بنگام داد و دلیل که تلاشگر بر زود و اگر میند که دوستی و شنه نیل فرزند داد و دلیل که برین
نشان جدایی افتد از آتیال علیه السلام گوید درخت نیلو و در خواب و دلیل که نیکو بود که از وی و از زبان رسد حرف الو او و آتش
این بر سرین همه اندیشه گوید چون و نشاء و طبع و فرمان بر و از خود میند که از دست برود و بگفت کند او را با ناید و دلیل که مال جهان بود
و نزلت خداوندش بود و اگر میند که با شنه سبید و پاکیزه بود که بر و متش نشاء بود و طبع او بود و دلیل که از روی بزرگ قدر و جاد و نشاء
بود و اگر میند که با شنه بر سر و رسته در دست وی باشد و دلیل که قدر و نشاء نشاء بود و در سفری حج گوید باشد و در خواب با دشمنان را مکتب
بزرگ گویا بود و نو اگر از مال باشد و در دنیا از فرزند بود و اگر میند که با شنه در دستش نیفا و در بر او صاحب خواب با شاه بود و دلیل که

زاده و ما به بود اگر کسی خواب بیند که در گذشت ایلی که بر روی زمین صفت مصاحب شود و اگر بیند که با نرسد و در کتب و لیل که حسین
 مردی صحت کند و اگر بیند که در غم بسیار در بانی جمعه شد و در خرد و میکرو و در لیل که در آن وضع عذاب شد و اینها را در سر سفره ای
 که دیگر بیند که در غم و کشت و می خورد و لیل که مردی زاده را در آتش کند و بعد از آن مالی را بستاند و خزینه کند و اگر بیند که
 در غم و او بگریزد و لیل که از روی زاده و بر این رخ رسد و اگر بیند که در غم و از آن آب گرفت و بر خشک گذاشت و لیل که زاده را از کار
 باز دارد و مسرت رساند و وزیر این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وزیر پادشاه را کاری نیکو بود و لیل که آن وزیر را
 نیکو شود و دو لشکر زیادت گردد و اگر بخلاف این میزند و او را پیش بدو و اگر کسی بیند که وزیر شده و منصف و او اگر بود
 و لیل که بعد از انصاف خویش شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که وزیر بسیار با بکسرت و لیل که با و دولت مالی بر روی فراخ گردد و در غم
 را زانو و اگر بیند که وزیر ویران شد و کلا و او و لیل که مردم ویرانی کرد و اندک و اگر بیند که وزیر در سرای او آمد و لیل که او را
 بسبب پادشاه و غم و اندوه رسد که آنانی که گوید اگر بیند که با وزیر طعام خورد و لیل که از وی شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که
 خانه وزیر افتاد و بود و بسیار بود و پادشاه او را مسخر کرد و بود و با اسباب و را می کنند با کاری او را بسوزنند و اینها و لیل
 بر غلای بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار بود و بود یکی آنکه اگر بیند که چشم و افتاد و با
 کشته بود و دوم آنکه چون بیند که چشم او و چو بیند و کشته بود و سوم آنکه چون بیند که پادشاه گری بر میان او بست چهارم آنکه
 از چهار یاران رسول صلی الله علیه و سلم یکی نامی بر سر او نهاد و اینچنین و لیل بر این سخن وزارت کند و سمسره این سیرین
 علیه گوید و سمسره در خواب غم و اندوه بوده و اگر بیند که زمین داشت و در آن زمین سمسره بسیار بود و لیل که در غم و اندوه بود و
 بیند که زمین داشت و در آن زمین و سمسره بسیار بود و لیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که سمسره از زمین برگردد و
 بیند اذیت و لیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند که سمسره سجود و لیل که بسبب عیال در رخ و محنت افتد و اگر کسی بیند
 که دشته و سمسره بدو داد و لیل که میان ایشان خصومت افتد و سفری نجات گوید اگر بیند که دشته و سمسره در عیال خود را و لیل
 که از نهد بگریزد و اگر دزد و دیدن و سمسره خیر نباشد و سمسره این سیرین رحمة الله علیه گوید و دشته در خواب غم و اندوه بود و اگر
 که دشته برادر داشت و لیل که غم و اندوه زیادت گردد و اگر دشته کسی را و لیل که از غم و اندوه خلاص شود و سفری رحمة
 علیه گوید اگر بیند که چیزی پوشیده و او شایند و لیل که کار پرانگته او جمع شود و اگر بیند که دشته و سمسره بخواند و لیل که غیبت مردم بسیار
 گوید و ضحوی نام از این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست و روی بآب صفائی شست و لیل که کاری جدید که تا
 کار یابد و مقصودش حاصل گردد و اگر بیند که بآب پدید روی حی شست و او پیش بخلاف این بود که کاری گوید اگر بیند که
 روی خود را حی شست و لیل که از یاران خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی شست و لیل که مرادش حاصل شود
 و لیل این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که وکیل و پادشاه شد و در شغل خرد منصف بود و لیل که خیر و مال
 دنیا یابد و اگر وکیل قضی شد بنیین تا وکیل دارد و اگر در شغل کالت منصف و او اگر نبود و او پیش بخلاف این بود و سفری

بنده شد علیه گوید اگر وکیل عین که منسوب از بنوخت لیل که او را با مردی سخن لطیف گفته شود و اگر منسوب با کثا و در دنیا
 بنده و دلیل که او را منسوب نفعست رسد و اگر بخلاف این بنده دلیل که بدو واری علت حرام بود و دین او در دنیا
 مالی بود که نوی رسد خاصه که در حق آنکه مفید بنده این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر عین که دفعش واری بسیار شد و در
 دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از متبرین حج گفته اند که او را معروف کرد و از جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید واری در خواب در ویش را تو انگری و نعمت بود و تو اگر از ایستادن از گناه و اگر عین که چنان شد که بنده
 افتاد و بود و دلیل که کارهای بنیک کند باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود و ویرانی این سیرین رحمة الله علیه گوید
 که ویرانی خانه و دکان و آنچه بدین نام دلیل که ای بود و درین و اگر عین که در خانه آبادان میکرد و او پیش بخلاف این بود
 که مالی از حج گوید اگر عین که جایگاه آبادان خواب شد و دلیل که اهل آنجا در راه و مصیبت افتند و اگر عین که ویران کننده آبادان
 میکرد و دلیل بر مصالح کار خداوندش بود و بنده از گمراهی برادر مصالح آید و غریب حج گوید اگر ویرانی از کار و اخلاق است
 دلیل که بنده را نفع بود و اگر اگر کار مخلوق است تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر عین
 که در سه پاسید ویران کرد و دلیل بر نقصان کار دوی باشد حرف الهاء تا و این سیرین رحمة الله علیه گوید
 تا و این دوست هر دو شریک باشند که ایشانرا از یکدیگر نازیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند فایده رسانند
 و اگر از ایشان یکی عین فایده نماند و اگر عین که در دامن چیزی میگوشت و آن چیزی خردنی بود و دلیل که بقدر محبت
 آن و از این دفع و سختی نفع رسد و اگر آنچه دارد بود و اگر دوی اساک بود و دلیل بر زیادتی مال بود و سختی رحمة الله علیه
 گوید اگر آنچه در دامن میگوشت شیرین بود و دلیل که مرغ و سختی فایده یابد و اگر مرغ بود و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر چه بود که
 با و این میگوشت و می سود و دلیل که بقدر آن منفعت میند و عاقبت مال خود تلف کند بسیار بد آنکه کرد و در آن آفتاب
 بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید بسیار خواب سخن اهل کردار دای پرانند و بود که در آن غیر منفعت نباشد چنانکه حضرت
 در کلام مجید فرموده است و جعلته شباء منشوا و یا بر مغرب رحمة الله علیه گوید اگر عین که بسیار بی سرخ و در دامن
 و دلیل که در دنیا زیاده باشد اگر سیاه بود و دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید بود و دلیل که هیچ غم نباشد به در این سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید به در دنیا به مردی بزرگ و دانا بود که ای کارشانی از مردم خبر دهد و اگر عین که به هر گرفت یاسی بود و دلیل که
 از آن بزرگ بیفت که گفتند و اصحت و تداوی و فرنگی میماند و اگر عین که به هر یکش دلیل که بر روی دانا بزرگ نظر آید و بر روی
 اگر عین که گشتی بخورد و دلیل که نقد آن مال از مردم غش میماند که زمانی حج گوید به در خواب دین صاحب خبر بود یا رسول نیک
 اگر عین که به در دای سخن گفت و دلیل که از آن بزرگ جعفر صادق رضی الله عنه گوید دین به در خواب به چاه و در دای خبر خوش نشود
 و در بزرگ سوم بر دوشن نظر افکن و چهارم و کار که باشد بزرگ و دانا باشد چنانکه گفتند و فرمود به در مغرب حج گوید اگر عین که
 تا و اگر آن بود چیزی بنیک باشد که لایق و پسندیده بود و بود و دلیل که بر دور منفعت بود و اگر چیزی بنیک بود و دلیل که

حنفی
 حنفی

حنفی

حنفی

حنفی

حنفی

